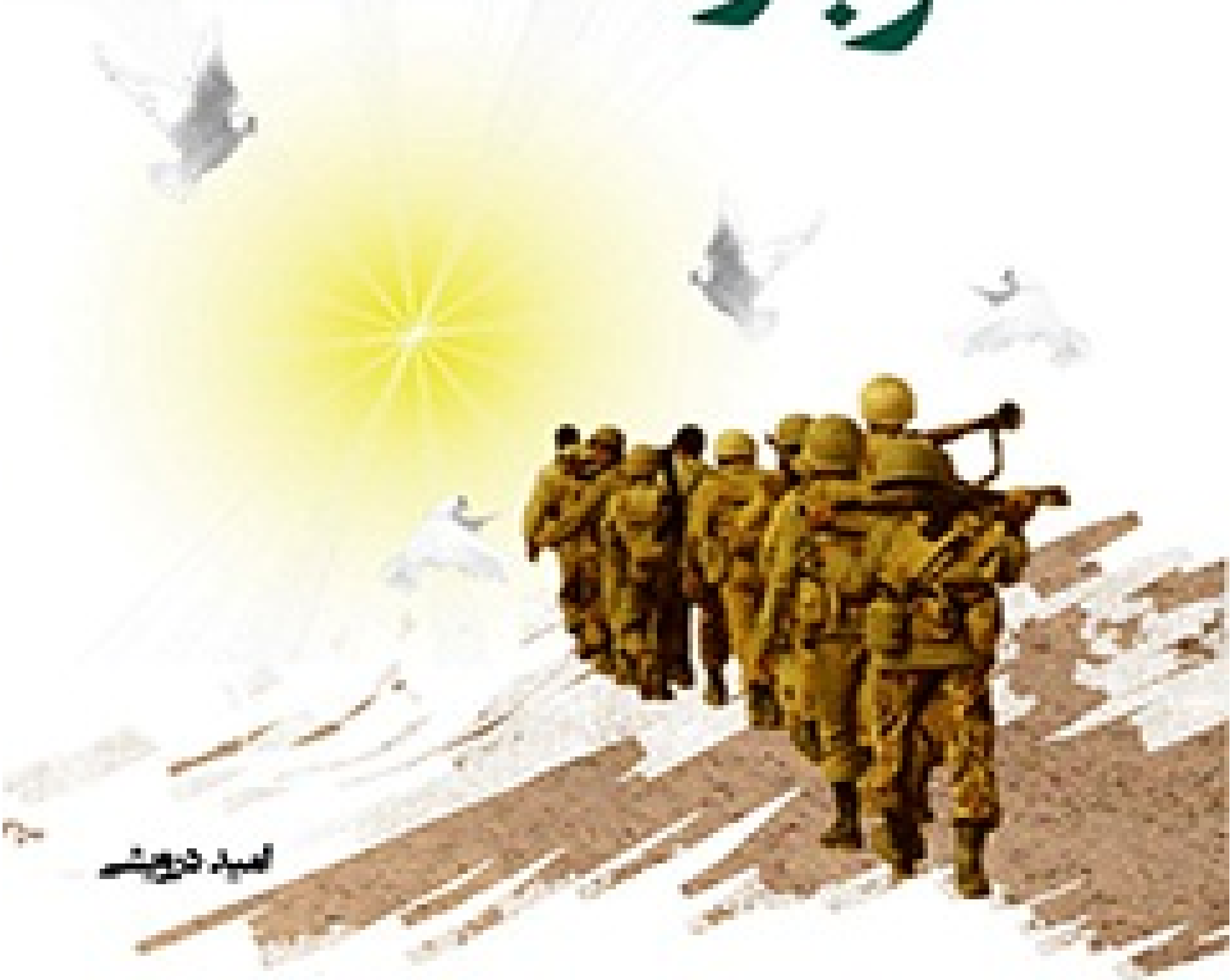
سربازان خورشید



امید درویشی

بسم الله الرحمن الرحیم

سربازان خورشید

نویسنده:

امید درویشی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ---------- ۵
سربازان خورشید ---------- ۹
مشخصات کتاب ---------- ۹
اشاره ---------- ۹
فهرست مطالب ---------- ۱۳
صفحه تقدیم: ---------- ۱۷
مقدمه: ---------- ۱۷
سربازان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ---------- ۲۴
فرهنگ ---------- ۲۸
فرهنگ دفاع مقدس ---------- ۳۱
اشاره ---------- ۳۱
۱. رهبری ---------- ۳۲
۲. هدف والا ---------- ۳۳
۳. وحدت و هم بستگی مردمی ---------- ۳۴
۴. جوّ معنوی حاکم بر جبهه ها ---------- ۳۵
فرهنگ مهدویت ---------- ۳۶
تشیع ---------- ۴۰
استکبارستیزی ---------- ۴۲
بخش اول: پیوند های دفاع مقدس و فرهنگ مهدوی ---------- ۴۵
اشاره ---------- ۴۵
فصل اول: انسجام بخشی و سازمان دهی نیروها ---------- ۴۸
اشاره ---------- ۴۸
۱. پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---------- ۴۹
۲. پیروی از فرماندهان ---------- ۵۹

فصل دوم: ایجاد علقه های معنوی ---- ۶۳
نقش علقه های معنوی در پیروزی ها ---- ۶۳
اشاره ---- ۶۳
۱. ایجاد ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۶۶
۲. ایجاد ارتباط معنوی با منتظران راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۷۷
اشاره ---- ۷۷
الف) با امام خمینی رحمه الله ---- ۷۷
ب) با روحانیت ---- ۸۰
ج) با فرماندهان و دیگر رزمنده ها ---- ۹۱
فصل سوم: قداست بخشی به فعالیت های نظامی و تقویت قدرت انگیزشی ---- ۹۶
اشاره ---- ۹۶
۱. فرماندهی اصلی جنگ ---- ۹۸
۲. افتخار سربازی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۰۱
اشاره ---- ۱۰۱
الف) بیانات امام خمینی رحمه الله ---- ۱۰۲
ب) خاطرات و وصیت نامه های شهدا ---- ۱۰۵
۳. نام ها و نمادها ---- ۱۰۹
فصل چهارم: عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۲۳
اشاره ---- ۱۲۳
۱. کمک های نظامی بین المللی به عراق ---- ۱۳۰
۲. سنّ کم فرماندهان و رزمنده ها ---- ۱۴۴
بخش دوم: زمینه سازان ---- ۱۵۲
اشاره ---- ۱۵۲
فصل اول: دفاع مقدس و زمینه سازانی برای ظهور ---- ۱۵۴
اشاره ---- ۱۵۴
حتمی و جهانی بودن قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ---- ۱۵۴

نیازمندی حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به زمینه سازی ----- ۱۵۶
ایرانیان؛ قوم زمینه ساز ----- ۱۶۰
هدف انقلاب اسلامی؛ زمینه سازی برای قیام جهانی ----- ۱۶۳
شهدا؛ زمینه سازان انقلاب جهانی ----- ۱۶۷
فصل دوم: شهدا، بهترین الگوی منتظران ----- ۱۷۸
ضرورت داشتن الگو در زندگی ----- ۱۷۸
ضرورت الگوهای مناسب در زندگی ----- ۱۷۹
توجه به الگو های مناسب در منابع دینی ----- ۱۸۲
شهدا؛ بهترین الگو برای منتظران ----- ۱۸۵
فصل سوم: معنای انتظار ----- ۱۸۹
اشاره ----- ۱۸۹
دلیل فضیلت های بسیار منتظران ----- ۱۹۳
شهدا و انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۱۹۶
تربیت نسل منتظر ----- ۲۰۰
الگوزدایی در دفاع مقدس ----- ۲۰۲
بخش سوم: الگوهای برتر ----- ۲۰۸
اشاره ----- ۲۰۸
فصل اول: وظایف منتظران ----- ۲۰۹
اشاره ----- ۲۰۹
شناخت و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۱۱
محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۱۶
اشاره ----- ۲۱۶
الف) بلند شدن به هنگام شنیدن نام حضرت ----- ۲۱۹
ب) اندوهگین بودن ----- ۲۲۱
ولایت مداری ----- ۲۲۳
تقوا و خودسازی ----- ۲۲۹

رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۳۷
خدمت و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۴۵
دعا ----- ۲۴۸
به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن ----- ۲۵۳
اشاره ----- ۲۵۳
الف) توسل و زیارت ----- ۲۶۱
ب) بزرگ داشت مکان ها و زمان ها ----- ۲۶۴
ج) خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ----- ۲۶۸
وفای به عهد ----- ۲۷۲
فصل دوم: شهدا؛ بهترین الگو برای مهدی یاوران ----- ۲۷۵
اشاره ----- ۲۷۵
شناخت و اطاعت خدا ----- ۲۷۷
زاهدان شب و شیران روز ----- ۲۸۷
اخلاص ----- ۲۹۱
تلاوت قرآن ----- ۲۹۶
ساده زیستی ----- ۳۰۱
شهادت طلبی ----- ۳۱۰
صبر و استقامت ----- ۳۱۸
قوت و قدرت ----- ۳۲۴
بصیرت ----- ۳۲۸
اشداء علی الکفار ----- ۳۳۳
کتابنامه: ----- ۳۳۸
درباره مرکز ----- ۳۴۸

سربازان خورشید

مشخصات کتاب

سرشناسه : درویشی، امید، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور : سربازان خورشید/مولف امید درویشی.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۳۳۶ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۰س م.

شابک : ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۲۸-۶

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۲۷] - ۳۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- یاوران

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- یاری

موضوع : مهدویت

موضوع : مهدویت-- انتظار

موضوع : شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- وصیت نامه ها

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/د۴۷۵س۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۶۱۴۷۸

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

سربازان خورشید

مؤلف: امید درویشی

ویراستار: رامین باباگل زاده

صفحه آرا: داوود هزاره

طراح جلد: عباس فریدی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ: اول / پاییز ۹۳

شابک: ۶۲۸ ۷۱۲۰۶۰۰۹۷۸

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵۱۵۶۵۵

m www.mahdi۳۱۳.com

m www.mahdaviat.ir

m info@mahdaviat.ir

m Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

صفحه تقدیم: ۹

مقدمه: ۹

سربازان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف..... ۱۶

فرهنگ..... ۲۰

فرهنگ دفاع مقدس.... ۲۳

فرهنگ مهدویت.... ۲۸

تشیع.. ۳۲

استکبارستیزی... ۳۴

بخش اول:پیوند های دفاع مقدس و فرهنگ مهدوی

فصل اول: انسجام بخشی و سازمان دهی نیروها ۴۰

۱. پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف..... ۴۱

۲. پیروی از فرماندهان.. ۵۱

فصل دوم: ایجاد علقه های معنوی... ۵۵

نقش علقه های معنوی در پیروزی ها ۵۵

فصل سوم: قداست بخشی به فعالیت های نظامی و تقویت قدرت انگیزشی.. ۸۸

۱. فرماندهی اصلی جنگ..... ۹۰

۲. افتخار سربازی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۳

۳. نام ها و نمادها ۱۰۱

فصل چهارم: عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۱۲

۱. کمک های نظامی بین المللی به عراق.. ۱۱۹

۲. سنّ کم فرماندهان و رزمنده ها ۱۳۳

بخش دوم: زمینه سازان

فصل اول: دفاع مقدس و زمینه سازانی برای ظهور. ۱۴۳

حتمی و جهانی بودن قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۴۳

نیازمندی حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به زمینه سازی... ۱۴۵

ایرانیان؛ قوم زمینه ساز. ۱۴۹

هدف انقلاب اسلامی؛ زمینه سازی برای قیام جهانی.. ۱۵۲

شهدا؛ زمینه سازان انقلاب جهانی.. ۱۵۶

فصل دوم: شهدا، بهترین الگوی منتظران.. ۱۶۷

ضرورت داشتن الگو در زندگی.. ۱۶۷

ضرورت الگوهای مناسب در زندگی.. ۱۶۸

توجه به الگو های مناسب در منابع دینی.. ۱۷۱

شهدا؛ بهترین الگو برای منتظران.. ۱۷۴

فصل سوم: معنای انتظار. ۱۷۸

دلیل فضیلت های بسیار منتظران.. ۱۸۲

شهدا و انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۸۵

تربیت نسل منتظر. ۱۸۹

الگوزدایی در دفاع مقدس.... ۱۹۱

بخش سوم: الگوهای برتر

فصل اول: وظایف منتظران.. ۱۹۸

شناخت و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۰۰

محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۰۵

ولایت مداری... ۲۱۲

تقوا و خودسازی... ۲۱۸

رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۲۶

خدمت و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۳۴

دعا ۲۳۷

به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن.. ۲۴۲

وفای به عهد.. ۲۶۱

فصل دوم: شهدا؛ بهترین الگو برای مهدی یاوران.. ۲۶۴

شناخت و اطاعت خدا ۲۶۶

زاهدان شب و شیران روز. ۲۷۶

اخلاص..... ۲۸۰

تلاوت قرآن.. ۲۸۵

ساده زیستی.. ۲۹۰

شهادت طلبی.. ۲۹۹

صبر و استقامت.... ۳۰۷

قوت و قدرت... ۳۱۳

بصیرت... ۳۱۷

اشداء علی الکفار. ۳۲۲

کتابنامه: ۳۲۷

بسم الله الرحمن الرحیم

صفحه تقدیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

تقـدیم به پسـر عموی شـهیدم «حجت الاسـلام و المسـلمین سالم درویشـی» که هماننـد دیگر منتظران راستین، نـدای یاری امام زمانشان را شنیدند و با خون سرخ خویش زمینه های ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نمودند.

مقدمه:

امام رضا علیه السلام در بیانی بسیار زیبا، وجود امام معصوم را به خورشید تابان تشبیه می نمایند و این چنین می فرمایند «الْإِمَامُ کَالشَّمْسِ الطَّالِعَهِ الْمُجَلِّلَهِ بِنُورِهَا لِلْعَالَم»(۱) «امام مانند آفتاب تابان است که روشنایی آن، همه عالم را فرا گرفته است».

۱- محمد ابن یعقوب کلینی،کافی؛ ج ۱ص ۱۹۸.

در بیانات معصومین علیهم السلام در مورد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نحوه بهره مندی مردم از آن حضرت در زمان غیبتش، تشبیه زیبایی ذکر شده است که عبارت است از «خورشید پشت ابر».

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جواب سوال جابر ابن عبد الله انصاری که پرسید آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود مبارک او بهره مند می شوند، این چنین فرمودند: «والَّذِی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّهِ إِنَّهُمْ یَسْتَضِیئُونَ بِنُورِهِ وَ یَنْتَفِعُونَ بِوَلَایَتِهِ فِی غَیْبَتِهِ کَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَاب(۱)» آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت، آنان در غیبت او، از نورش روشنایی می گیرند و از ولایت او بهره مند می شوند، همانند بهره مندی مردم از خورشید، اگر چه ابرها چهره او را بپوشانند.

در نامه ای که از سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اسحاق ابن یعقوب صادر شده این چنین آمده است: «وَ أَمَّا وَجْهُ الِانْتِفَاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَاب(۲)» و اما چگونگی بهره مندی از من در دوران غیبتم، همانند بهره مندی از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از چشم ها بپوشانند.

۱- محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه.ج ۱، ۲۵۳.

۲- محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه.ج ۲، ص۴۸۵.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خورشید درخشانی است که همواره بر سرزمین دلهای انسانها می تابد و مایه حیات بشریت می باشد. آفتابی که در آسمان بی کران عالم وجود می تابد و در منظومه زندگی بشریت، مرکزیت دارد؛ به نحوی که اگر نباشد، زندگی معنا و مفهومش را از دست می دهد. کسانی که به سمت آن خورشید حیات بخش روی می آوردند، بهتر می توانند از این منبع عظیم انرژی معنوی، معنویت کسب کنند، همانطور که رزمندگان و شهدای گرانقدر میهنمان، در هشت سال دفاع مقدس از انوار مقدسش بهره ها بردند و حماسه ها آفریدند.

آنان در جای جای جبهه ها، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فرمانده واقعی خود می دانستند و خود را سربازی از سربازان آن حضرت به شمار می آوردند. برای به دست آوردن رضایت فرمانده واقعی جبهه ها، از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند. دلیل نام گذاری این اثر به «سربازان خورشید» نیز زنده نگاه داشتن نام و یاد تمامی سربازان فداکار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. سربازانی که با دو سلاح فرهنگ مهدویت و فرهنگ ایثار و شهادت طلبی، حماسه ها به پا کردند تا زمینه های ظهور آخرین حجت حق را فراهم کنند.

فرهنگ ایثار و شهادت و همچنین فرهنگ زیبای مهدویت، مایه پویایی، تحرک، بالندگی و شکوفایی منتظران راستین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبری می باشد. فرهنگ ایثار و شهادت راهی است که ما را به سمت و سوی فرهنگ مهدویت می کشاند و به منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این توان را می دهد که در راه یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود، از هیچ تلاشی دریغ نکنند و در

صورت نیاز، از تمام امکانات مادی وحتی از جان خود نیز می گذرند تا در نبرد حق و باطل به خوبی نقش ایفا کنند و امام حق را یاری نمایند. فرهنگ ایثار و شهادت اگر در کنار فرهنگ امامت و مهدویت باشد ارزش دارد. این تقارن، آنقدر اهمیت دارد که اگر کسی خود را عاشق و محب و منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنامد ولی از فرهنگ ایثار و شهادت رویگردان باشد، فقط ادعایی بیش نکرده است و از فرهنگ مهدویت فاصله بسیار زیادی گرفته است.

بی شک ما در جنگ عزیزانی را از دست دادیم که به جرات می توان گفت سربازان پا به رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود بوده اند و همواره تلاش می کردند که در راستای رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود زندگی کنند و در راه یاری امام زمان خویش از هیچ تلاشی دریغ ننمایند. آنان تمام دار و ندار خود را به پای امام خمینی که او را نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند، ریختند. پروانه وار به گرد شمع وجود نایب امام زمانشان چرخیدند. شهدای والا مقامی چون چمران، همت، باکری، خرازی، بروجردی، زین الدین و هزاران شهید سرافراز دیگر که هر کدام از آنها سرمایه ای بسیار عظیم می باشند که باید از آنان به بزرگی یاد کرد.

علاقه مندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اگر از سبک زندگی آنان درس بگیرند و از دغدغه های مهدوی شهدا الگو برداری کنند بهتر می توانند در مسیر سبز انتظار امام زمان گام بردارند.

در این نوشتار چند نکته مورد توجه قرار گرفته است.

۱- امروزه شاهـد حمله ای خـاموش و زیرکانه بر علیه فرهنگ ایثار و شـهادت و همچنین فرهنگ ناب مهـدویت می باشـیم. در این راسـتا دشمن سعی دارد با تغییر باورها، ارزش ها، رفتارها و اخلاقیات، اعتقادات جوانان این مرز و بوم را به سمت و سویی دیگر سوق دهـد. در این مجموعه سـعی شـده است تـا بـا بیان نکاتی در زمینه فرهنگ ایثار و شـهادت و فرهنگ مهـدویت، به نوعی در تداوم، گسترش و ترویج این دو فرهنگ مقدس کوشیده باشیم.

۲- برخی مواقع که وصـیت نـامه هـا و خاطرات شـهدا را مطالعه می کردم به نکات زیبایی برخورد می نمودم. وقتی این نکات زیبـا را بـا مبـاحث مهـدویت پیونـد می دادم، بر زیبـایی آنهـا افزوده می شـد. به همین خاطر تصـمیم گرفتم تا این تحقیقات را منسـجم تر نمـایم که به صـورت مجمـوعه حاضـر در آمـده است. انگیزه اصـلی برای نگـارش این مجموعه، به تصویر کشـیدن گوشه هـایی از عشق و ارادت و معرفت شـهدا و رزمنـدگان انقلاب اسـلامی و هشت سال دفاع مقـدس به امام عصـر عجل الله تعـالی فرجه الشـریف می باشـد. همـان طور که مقـام معظم رهبری که خود از یادگـاران هشت سـال دفـاع مقـدس و به نحوی شهیدی زنده است، این چنین می فرمایند که «زنده نگه داشتن یاد و راه شهیدان کمتر از شهادت نیست». بی شک بیان رشادت ها و همچنین مظلومیت های جنگ و بیان عشق و ارادت شهدا، به ساحت مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امری بسیار ضروری می باشد که به

واسطه بیان آن، گرد و غبار فراموشی از این چشمه زلال و جوشان برداشته می شود.

۳- هدف ما در این مجموعه به تصویر کشیدن جلوه هایی از فرهنگ مهدویت و فرهنگ دفاع مقدس می باشد. به همین خاطر از میان خاطرات و وصیت نامه های بسیار زیادی که از آن دلاور مردان بر جای مانده است، فقط به ذکر خاطرات و بیان وصیت نامه هایی پرداخته ایم که به نحوی با مباحث مهدویت در ارتباط باشند.

۴- در خاطرات مکتوب رزمندها، مکاشفات و خوابهای بسیار زیادی نقل شده است که به نحوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرهنگ مهدویت در ارتباط می باشند. در برخی از آنها، پیامهایی از جانب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به برخی افراد داده شده است. اما به آسیب زا بودن خوابها و رویاها و به دلیل زیاد بودن جلوه های ناب مهدوی در صحنه های جنگ، در این مجموعه از بیان خوابها و رویاها، صرف نظر کرده ام.

۵- ادعای ما این نیست که تمامی کسانی که به جبهه ها رفته اند، به عشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاری آن حضرت پای در صحنه های نبرد گذاشته اند. همچنین نمی خواهیم ادعاکنیم که تمامی جبهه ها سرشار از معنویت و خوبی و زیبایی بوده است ولی به جرات می توان گفت که یکی از مهم ترین انگیزه های اکثر کسانی که به جبهه ها رفتند و به نحوی جان فشانی کردند، دفاع از مکتب تشیع و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دفاع از ولایت فقیه بوده

است. همچنین به جرات می توان بیان کرد که روح معنویت و عبودیت خداوند در راستای رضایت ولی خدا، در اکثر قریب به اتفاق مقرها و لشکرها و مناطق عملیاتی حاکم بوده است.

۶- در این اثر سعی شده است تا برای انعکاس بسیاری از خاطرات، به منابع متعددی که آن خاطره ها را بیان کرده اند، مراجعه شود.

۷- هر چند هدف ما بیان جلوه های زیبای فرهنگ مهدویت و فرهنگ ایثار و شهادت می باشد و در این زمینه مطالبی ارائه شده است ولی در این عرصه، زوایای علمی دیگری نیز وجود دارد که نیازمند عنایت عالمانه محققین و پژوهشگران محترم می باشد.

در نهایت آرزومندم که این تلاش ناقابل، مقبول درگاه خداوند متعال و حجت بر حقش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شود و گامی مفید برای تمام کسانی باشد که می خواهند کوله بار عاشقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر دوش بگیرند و در مسیر سبز انتظار گام بردارند

ای تشنه کامان روح باران خواهد آمد

با کوله باری از بهاران خواهد امد

ای رهروان راه خون رنگ حسینی

«او با سپاهی از شهیدان خواهد آمد»

اردیبهشت ۱۳۹۳

قم ـ امید درویشی

سربازان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

قال مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّهِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّهِ أَوْلِيَائِهِ»؛(۱) همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را بر روی دوستان مخصوص خود گشوده است.

سلام بر شهیدان؛

سبک بالانی که عاشقانه در آسمان بی کران خوبی ها بال و پر گشودند. با دو بال معرفت و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تن پوشی از نور، چنان از زیر این آسمان کبود به اوج رسیدند که زمینیان را متحیر عروجشان کردند. آنان که دلداده امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و همواره با گفتار و رفتارشان مردم را به سوی حضرتش دعوت می کردند.

سلام بر شهیدان؛

خونین کفنانی که با درکی عمیق، از مفهوم انتظار، ساکت ننشستند و با تلاش خود، وضع موجودی را که از جانب استعمارگران، بر دنیا حاکم شده بود، تغییر دادند و مقدمات فرج آن امام مهربان را فراهم کردند. راست قامتانی که افق نگاهشان به سمت قله بلند معارف مهدوی بود و برای برافراشته شدن پرچم «لااله الاالله» بر بام دنیا، از هستی خود دست شستند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص۶۹.

سلام بر شهیدان؛

معلمان دلسوزی که درس قدم نهادن در خیمه سبز انتظار را برای ما عملاً تفسیر کردند؛ کسانی که سال های نه چندان دور، در همین کوچه پس کوچه هایی که ما قدم می زنیم، قدم می زدند و اکنون آسمانی شده اند. ستاره های آسمان را از بزرگی خود به حیرت واداشتند و هر کدامشان ستاره ای شدند که راه را با آنان می توان شناخت و نور وجودشان، آسمان تاریک دنیاپرستان را روشن کرد.

سلام بر شهیدان؛

آنان که مردانه پا به میدان های نبرد گذاشتند و به ندای نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام خمینی رحمه الله ، لبیک گفتند و در گوش تاریخ این طور زمزمه کردند که در این عصر نیز می توان عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد و به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از سر ارادت و اخلاص، خدمت کرد.

سلام بر شهیدان؛

دلیرمردانی که «در قهقهه مستانه و شادی وصولشان، نزد خداوند روزی می خورند». بی قرارانی که اگر بخواهیم زودتر به امام زمانمان برسیم، باید از معبری عبور کنیم که با نثار جانشان، آن را عاشقانه باز کرده اند؛ معبری که از بین جلوه های رنگارنگ گناه می گذرد و با پیمودن آن، می توان از فتنه های آخرالزمان در امان بمانیم.

سلام بر شهیدان؛

مجاهدانی که صدای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود را با گوش جان شنیدند. عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود بودند و این عشق، بهانه ای شد برای پروازشان در آسمان زیبایی ها. اگر نگاهمان را نذر آسمان آفتابی جنوب کنیم، نجوای عاشقانه آن ها هنوز به گوش می رسد. اگر دلمان را میهمان ساحل اروند کنیم، می توانیم ببینیم که اشک عاشقی آنان بر دامان اروند می چکد و با اتصال به دریا، دریادل می شوند، به گونه ای که هرگز کوزه دنیا جایگاه مناسبی برای اقیانوس بی کرانشان نبود.

سلام بر شهیدان؛

سینه چاکانی که گوهر گران بهای معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در سینه های خود جای داده بودند و به زیبایی سرود سبز انتظار را زمزمه کردند و در آخرین نفس زدن هایشان، شیرینی وصال یار را چشیدند.

سلام بر شهیدان؛

عاشقانی که تسبیح خون به دست گرفتند و دانه دانه آن را با ذکر و دعای فرج امام زمانشان شمارش کردند؛ نه از روی لقلقه زبان، بلکه از جان و دل، دل تنگ حضرتش بودند و نام زیبای مولایشان را زمزمه می کردند. هرچند زمزمه عارفانه و خالصانه آنان به ظاهر خاموش شده است، طنین صدای آنان، هنوز به گوش جان ما می رسد و به ما می آموزند که امام زمانمان را نه از سر عادت، بلکه از سر اخلاص و صفای باطن صدا بزنیم.

سلام بر شهیدان؛

شهادت طلبانی که ترکش های داغ و بُران، پَر پروازشان بود و بهانه ای برای آسمانی شدنشان. کسانی که در قطعه ای از زمان، درس معرفت و محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به تمام زمانیان آموختند و با انتظار سبز خود، کهکشانی از ستاره های زیبا خلق کردند تا راه را به ما نشان دهند.

سلام بر شهیدان؛

سلحشورانی که تیرها را به جان خریدند تا تیرک های خیمه انتظار، استوار بماند؛ گرمی ترکش ها را تحمل کردند تا از کشور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دفاع کنند؛ در خون سرخ خود غلطیدند تا مقدمات ظهور منتقم خون انبیا و فرزندان انبیا را فراهم کنند و جهانیان، نظاره گر سرسبزی زمین در دوران ظهورش باشند.

برای تبیین بهتر موضوع، و برای این که در مسیر نورانی شهادت و مهدویت، گام به گام جلو برویم و به واسطه سیره عملی رزمندگان و شهدای انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، بهتر بتوانیم به وظایف منتظران واقعی آشنا شویم، توضیح برخی مفاهیم و اصطلاحات لازم و ضروری است، چراکه با آشنایی با سبک زندگی آن مجاهدان و الگوگیری از آنان می توانیم علم خود را با عملمان درآمیزیم و از مسیر سبز انتظار منحرف نشویم. بدین جهت، ضروری است تا با برخی مفاهیم و اصطلاحات بیشتر آشنا شویم؛ مفاهیمی چون: «فرهنگ»، «فرهنگ مهدویت» و «فرهنگ دفاع مقدس».

فرهنگ

هرچند کلمه «فرهنگ» در ادبیات محاوره ای، کاربرد بسیاری دارد، ولی از نظر اصطلاحی، تعاریف گوناگون و راز آلودی را به خود اختصاص داده است؛ به همین دلیل، ذهن بسیاری از تحلیل گران اجتماعی را به خودش مشغول کرده است. شاید یکی از دلایل این تعاریف متفاوت و بسیار زیاد، این باشد که فرهنگ، پا به پای تاریخ بشریت ظهور و بروز پیدا کرده است. هر قومی برای خود فرهنگی داشته و از فرهنگشان برداشتی خاص، ارائه کرده اند. لذا فرهنگ، معانی متفاوتی پیدا کرده و جزء واژگانی شده است که تا حدودی مبهم است. برخی برای این کلمه، حدود ۲۵۰ تعریف و برخی نیز حدود سیصد تعریف بیان کرده اند.(۱) برای روشن شدن معنای فرهنگ، به بیان چند تعریف از آن می پردازیم.

برخی فرهنگ را این طور تعریف کرده اند: «فرهنگ را می توان به عنوان مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای جامعه ای معین تعریف کرد. کلمه اساسی و مهم در تعریف یاد شده، کلمه «اکتسابی» است که فرهنگ را از رفتارهای برخاسته از وراثت و ویژگی های زیستی متمایز می کند.»(۲)

۱- محمود روح الامینی، مبانی انسان شناسی، ص۱۴۷.

۲- محمود روح الامینی، مبانی انسان شناسی، ص۵۶.

دایره المعارف لاروس معنای فرهنگ را این گونه بیان می کند: «فرهنگ عبارت است از: مجموعه اموری که به تمدن خاص یا گروه اجتماعی مربوط می شود؛ به بیان دیگر، فرهنگ به مجموعه ای اطلاق می شود که شامل معارف، اعتقادات، هنر، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و هر نوع مقررات و عادات دیگری باشد که انسان به عنوان عضوی از جامعه، آن را کسب کرده است.»(۱)

آنتونی گیدنز نیز این تعریف را ارائه داده است: «فرهنگ به معنای روش های زندگی اعضای یک جامعه، یا گروه های یک جامعه است. فرهنگ شامل نحوه لباس پوشیدن، آداب و رسوم ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کار، آیین های دینی و فراغت هست.»(۲)

دانیل بیتس در تعریف فرهنگ می نویسد: «نظامی از باورها، ارزش ها، رسوم و رفتارهایی که اعضای یک جامعه به کار می بندند، تا خود را با جهان و نیز با یکدیگر سازگار کنند و آن را از طریق آموختن از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.»(۳)

۱- جلال رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ص۲۶۶.

۲- آنتونی گیدنز، گزیده جامعه شناسی، ص۳۹.

۳- دانیل بیتس و فرد پلاگ، انسان شناسی فرهنگی، ص۴۴.

علی اکبر دهخدا درباره فرهنگ این چنین می گوید: «فرهنگ در فارسی از «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. «فر» پیشوند است، به معنای جلو، پیش، بالا؛ و «هنگ» از ریشه اوستایی است به معنای کشیدن؛ بنابراین، فرهنگ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.»(۱)

در واقع، «فرهنگ» مجموعه ای از سنت ها، قوانین، مقررات، باورها، آداب و رسومی است که اخلاق، افکار و احساسات فردی و اجتماعی گروهی از مردم را تشکیل می دهد، که پای بندی آنان بدین امور باعث می شود تا با گروه های اجتماعی دیگر متفاوت باشند.

فرهنگ، منشأ دگرگونی ها و تحولاتی است که در بستر جامعه ظهور و بروز دارد؛ به منزله قلبی تپنده است که در تمامی رگ های جامعه، تحرک، پویایی و تلاش را پمپاژ می کند. مسیرهایی را که جوامع مختلف می پیمایند، بر اساس «فرهنگی» است که در پیش گرفته اند.

اگر تاریخ هر قومی را به آرامی ورق بزنیم، آنچه در مقابل چشمانمان خودنمایی می کند، آداب و رسوم و فرهنگ آن قوم است که به مردمان آن قوم هویت و اصالت می بخشد. مردمان هر قومی در گرو عمل به آداب و

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳۰، ص۲۲۷.

رسوم و تبعیت از فرهنگشان، در بین قومشان ارزش پیدا می کنند و امتیازات اجتماعی را به خود اختصاص می دهند؛ همان طور که اگر فردی به آداب و رسوم و فرهنگ رایج جامعه ای بی توجهی کند، مردم به رفتار او واکنش منفی نشان می دهند.

فرهنگ دفاع مقدس

اشاره

انقلاب شکوه مند جمهوری اسلامی ایران، حوادث تلخ و شیرین بسیاری را پشت سر گذاشته و هر کدام از این حوادث، رنگ و رو و جلوه خاصی به این انقلاب مردمی داده است؛ حوادثی که هر کدامشان به نحوی، کام این انقلاب را شیرین و یا تلخ کرده است.

یکی از این حوادث حساس، جنگی ناجوانمردانه بود که به واسطه اسلام ستیزی برخی جریانات سیاسی و کوته فکری برخی افراد ایجاد شد. به دلیل وقوع این جنگ، آحاد ملت ایران برای دفاع از انقلابشان که دارای پشتوانه محکم مذهبی و ملی بود، به پا خواستند و به رهبری نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام خمینی رحمه الله ، از اعتقادات مذهبی و تمامیت ارضی میهن خود دفاع کردند. در راستای این دفاع زیبا، مقطعی حساس و بسیار درخشان در تاریخ این انقلاب عظیم ایجاد کردند که از این مقطع، به دوران «دفاع مقدس» یاد می شود.

این جنگ هشت ساله ویژگی هایی داشت که موجب شد، پیشانی بند زیبای «مقدس» بر پیشانی آن بدرخشد و با سایر جنگ هایی که علیه این آب و خاک به وقوع پیوسته، متمایز باشد. برخی از این ویژگی ها که قداست بخش جنگ تحمیلی بوده اند، عبارتند از:

۱. رهبری

جنگی که در طول این هشت سال بر ملت ایران تحمیل شد، زمانی اتفاق افتاد که مردم غیور ایران تحت فرمان مرجعیت دینی والامقامی چون امام خمینی رحمه الله قرار داشتند. یکی از مهم ترین ویژگی های امام خمینی رحمه الله این بود که مبانی مبارزات و فعالیت های سیاسی اجتماعی اش، بر اساس ظلم ستیزی و تعالیم اسلامی بود. امام راحل توانسته بود با بیان ظلم ها، سنت شکنی ها و ناهنجاری های دولت های پیشین و ترسیم نظامی نوپا ولی درخشان، دریچه ای جدید به روی جامعه شیعی باز کند و مردم را به انقلابشان دل گرم کند. با آگاهی بخشی های امام رحمه الله ، مردم نیز دستورات مقتدایشان را که برگرفته از قرآن کریم و کلام اهل بیت علیهم السلام بود، پذیرفتند و در این راه، با تمام وجود تلاش و کوشش می کردند و حتی از مهم ترین سرمایه خود، یعنی جانشان نیز با افتخار می گذشتند. آنان حاضر بودند تمام زندگی خود را بدهند، ولی حرف امام و رهبرشان بر زمین نماند. هم چنین معتقد بودند، امام خمینی رحمه الله که رهبریِ قیام را بر عهده گرفته، با تمام

سرمایه معنوی خویش به میدان آمده و یک رهبر دینی و معنوی است. به همین دلیل، مردم ظلم ستیز ایران اسلامی، پروانه وار گرد او جمع شدند و چون بازوانی ستبر و پرتوان، ایشان را یاری کردند.

۲. هدف والا

یکی دیگر از مسائلی که باعث تقدس جنگ شد، هدف والایی بود که رزمندگان میدان نبرد به دنبال آن بودند. این هدف عبارت است از: دفاع از مکتب اسلام و مذهب تشیع. هرچند شیعیان همواره ظلم ستیز بوده و در طول تاریخ، جنبش هایی را علیه ظلم و ستم به راه می انداختند، ولی هیچ کدام از آنها همانند انقلاب اسلامی به خوبی نتیجه ندادند؛ چرا که با برپایی انقلاب اسلامی، ندای اسلام و مکتب تشیع در تمام دنیا طنین انداز شد. این عامل آن قدر ظهور و بروز داشت که مردم اطمینان داشتند در این راه چه کشته شوند و چه بکشند، پیروزند؛ در صورت کشته شدن، به فیض عظیم شهادت رسیده اند که سعادتی است بس بزرگ، چراکه در راه یاری دین خدا و اجرای دستورات قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام جانشان را از دست داده اند و این اعتقاد را داشتند که با ریختن هر قطره ای از خونشان، درخت دین اسلام پربارتر خواهد شد. هم چنین اگر دشمنان خود را نیز از میان بردارند، باز هم پیروزی از آنِ آن هاست و توانسته اند دست دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام را از دامن میهن و انقلاب اسلامی خود، کوتاه کنند و به هدف والای خود نزدیک تر شوند.

در سخنانی که از امام خمینی رحمه الله درباره جنگ بیان شده، عباراتی مانند «جنگ اسلام و کفر» بسیار به چشم می خورد. امام خمینی رحمه الله می فرمایند:

مسئله هجوم یک بعث عراقیِ غیرمسلم است بر یک حکومت اسلامی، و این قیام کفر علیه اسلام است... ما اسلام را می خواهیم حفظ کنیم و با بودن این حزب [حزب بعث] در عراق، اسلام در خطر است؛ در خطر کفر است.(۱)

یا در جای دیگری می فرمایند: «جنگ ما جنگی است بین اسلام و کفر، نه جنگی است مابین یک کشور و یک کشور.»(۲)

۳. وحدت و هم بستگی مردمی

مردم ایران به سبب ظلم ها و ستم هایی که از حاکمان و پادشاهان مستبد و خوانین دیده بودند، همواره آرزوی رهایی از این همه ظلم و ستم را داشتند و برای رهایی از آن، دست به اقداماتی نیز می زدند. با شروع جرقه های انقلاب اسلامی، این امید در دل آحاد ملت زنده شد که به این ظلم ها خاتمه دهند؛ به همین جهت، همه با هم متحد و یک دل شدند و آن انقلاب عظیم را به وجود آوردند.

۱- صحیفه امام خمینی، ج۱۳، ص۲۸۳.

۲- صحیفه امام خمینی، ج۱۸، ص۳۸۵.

با شروع جنگ نیز مردم با حفظ روحیه وحدت، برای دفاع از انقلابشان، راهیِ میدان های نبرد شدند و حماسه آفریدند. با نگاهی اجمالی به جنگ تحمیلی، به دست می آید که اقشار و طبقات گوناگون جامعه در جای جای صحنه های جنگ حضور داشتند. حضور اقشار گوناگون مردم، اصناف مختلف، مسلمانان و اقلیت های مذهبی، حضور زنان در میدان های نبرد و پشت جبهه، دانشگاهیان و حوزویان، حضور اقوام و طوایف گوناگون و...، نشان دهنده نوعی وحدت و یک پارچگی است، و همه این ها در عبارتی بسیار زیبا به نام «بسیج مردمی» خلاصه می شود.

۴. جوّ معنوی حاکم بر جبهه ها

فرهنگ ایثار و شهادت، به جهانیان ثابت کرد که آنچه باعث توا نمندی ملت هاست، تنها در امکانات تسلیحاتی و نظامی خلاصه نمی شود؛ ایمان به خدا و معنویت، بیش از هر سلاحی، کارساز و بزّنده تر است.

جای جای جبهه ها، سرشار از اشک و ناله و راز و نیازهای عاشقانه با خداوند بود و جهاد در چنین شرایطی قداست آفرین بود. جوّ معنوی ای که در جبهه ها وجود داشت، موجب شد به دانشگاهی تبدیل شود که رزمند ه ها، از نظر معنوی بال و پر بگیرند و این معنویت را با نبرد درآمیزند. آنان به واسطه ترکیب این دو سلاح، دشمنان را به زانو در آورده و جهانیان را به حیرت واداشتند؛ سلاحی که رزمندگان ما با آن به مقابله با دشمن سر تا پا مسلح، که از حمایت همه جانبه شرق و غرب بهره مند

بود، پرداختند؛ سلاحی که رزمندگان، به واسطه آن از اروند وحشی گذشتند، خرمشهر را پس گرفتند، مهران را آزاد کردند و در جای جای جبهه ها، حماسه هایی ماندگار خلق کردند.

فرهنگ مهدویت

در بین فرهنگ هایی که در زندگی اجتماعی بشری قد علم کرده اند، یکی از بی بدیل ترین فرهنگ ها، «فرهنگ مهدویت» است. این فرهنگ، به وجود آمده از تراوشات ذهنی نیست، بلکه ریشه در تعالیمی دارد که پیامبران الهی، به خصوص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، آن را پایه ریزی کردند و در دوران امامت معصومان علیهم السلام، از استحکام بیشتری برخوردار شده است.

این فرهنگ، عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی بشر را در بر گرفته است و می تواند برای تمامی جوامع بشری، راه گشا باشد؛ به همین جهت، کاملاً کاربردی است و می تواند در متن زندگی فردی و اجتماعی، نقش بسزایی داشته باشد.

فرهنگ مهدویت، به منزله هویت و تار و پود انسان مؤمن و معتقد به آینده ای درخشان است. ظرفیت های این فرهنگ، شاه کلید رهایی از قفل های متعددی است که در طول قرن ها، به پای انسانهای تشنه حقیقت بسته شد؛ فرهنگی که در آن بن بستی راه ندارد و به دلیل داشتن آینده ای روشن، منشأ امید، پویایی و رهایی است. فرهنگ مهدویت به معنای چشم به راهی و انتظاری است که برترینِ عبادات معرفی شده است. فرهنگ مهدویت یعنی «مهدی باور بودن»، «مهدی یاور بودن» و «مهدوی زیستن».

پای بندی به فرهنگ مهدویت، فریادی کوبنده است بر تمامی اندیشه های مادی و اومانیستی، که داعیه دار نجات بشریتند. در فرهنگ مهدویت، وفای به عهد و پیمان با امام غایب است که به زندگی، معنا و روشنی می بخشد. این فرهنگ، دربردارنده هنجارها و ارزش های والایی می باشد که رمز پیروزی و عدالت محوری هستند.

برای تبیین مفهوم «فرهنگ مهدویت»، تعاریف و جملاتی بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) از دیدگاه برخی اندیشه وران، فرهنگ مهدویت مجموعه ای از آیین های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، مدیریتی، معرفتی و فقهی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر پایه وحی الهی، برای هدایت انسان به ارمغان آورده و در طول دو قرن و نیم امامت اوصیای بر حقّ او، که عالمان ربانی و مخصوص الهی اند، تبیین، تشریح و تفسیر شده و به وجود مقدس نورانی حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی می گردد و در دوران تقریباً هفتاد ساله غیبت صغری، به وسیله سفیران چهار گانه آن حضرت، با هدایت و رهبری آن ذخیره عدل الهی، جریان می یابد.(۱)

۱- عبدالله عمادی، «نقش روان شناسی در دولت زمینه ساز ظهور» فصل نامه مشرق موعود، ش۱۱، ص۸۱.

ب) مجموعه تعالیم، سخنان، توقیعات و مبانی کلامی برخاسته از اعتقاد به امامت مهدوی در عصر غیبت، فرهنگ مهدوی را شکل می دهد.(۱)

ج) فرهنگ مهدویت، مجموعه ای از نگرش ها، ارزش ها و هنجارهایی است که درباره ظهور منجی موعود از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکل گرفته است و ریشه های معرفتی آن از کتاب و سنت استخراج می شود. از این منظر، فرهنگ مهدویت ریشه در تاریخ بشر دارد. ... محور اساسی فرهنگ مهدویت را می توان تحقق چشم انتظاری فرج و ظهور منجی موعود دانست. هرگونه نگرش، هنجار و سنت ها و شعائر خاصی که در جامعه ای، حول چنین اعتقادی شکل می گیرد، می تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد.(۲)

د) زیربنای ایجاد نظم عادلانه جهانی در پرتو انسان کامل و رهبری امام معصوم.(۳)

۱- سید رضی موسو ی گیلانی، «دکترین مهدویت، نظریه پردازی بر اساس فرهنگ مهدوی»، مجموعه مقالات دومین همایش دکترین مهدویت، ص۳۲.

۲- غلامرضا بهروز لک، سیاست و مهدویت، ص۵۴.

۳- حسین علی سعدی، «راهبردهای ارتقای معرفت مهدوی در نظام آموزشی»، مجموعه مقالات هفتمین همایش دکترین مهدویت، ص۳۶۷.

ه) ما معتقدیم که آموزه مهدویت مثل یک انرژی فوق هسته ای در دست شیعه است، که متأسفانه تا کنون از ظرفیت های آن به اندازه روشن کردن یک چراغ معمولی استفاده شده است؛ در حالی که این اعتقاد، نه انرژی هسته ای دنیا، که انرژی هسته ای برای روشن کردن کل عالم است.(۱)

ی) اهمیت فرهنگ مهدویت را می توان در هویت بخشی به فرد و جامعه دانست. جامعه ای که به آینده اعتقاد دارد و بر این باور است که عصری دگر فرا خواهد رسید که با وضع موجود، تفاوت دارد و از نقص ها برکنار و مدینه فاضله است، زندگی امروز خود را نیز می تواند بر اساس مدل کاملی، سامان دهد. او الگویی از وضع مطلوب دارد و همواره موقعیت و منزلت خود را با آن می سنجد.(۲)

بر اساس مطالب پیشین، می توان فرهنگ مهدویت را این گونه تعریف کرد: «فرهنگ مهدویت، فرهنگی است که در مجموعه تعاملات انسان، نقش محوری دارد و تمامی کنش ها و واکنش های او را بر اساس رضایت ولیّ خدا تعریف می کند.»

۱- مسعود پور سید آقایی، افتتاحیه ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ص ۵۳.

۲- غلامرضا بهروز لک، سیاست و مهدویت، ص۵۷.

تشیع

آنچه موجب به وجود آمدن انقلاب اسلامی شد، اعتقادات ناب شیعی بود که هسته مرکزی آن، مبارزه با ظلم و نفی سلطه حاکمان ظالم است. طبق اعتقاد شیعیان، تنها کسانی شایستگی رهبری و حاکمیت بر مردم را دارند که معصوم باشند، تا بتوانند تعالیم اصیل اسلامی را در جامعه اجرا کنند. با رهبری شخص معصوم است که زمینه های سعادت، کمال و رشد مادی و معنوی جامعه بشری محقق می شود، وگرنه همان طور که گذشتِ زمان ثابت کرده است، حاکمان جور به هیچ وجه نتوانسته اند آنچه مورد نظر اسلام اصیل است، در جامعه اجرا کنند. به همین جهت، از صدر اسلام که حاکمیت جامعه اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شد، مبارزات شیعی نیز شروع گردید.

در تاریخ پرفراز و نشیب تشیع، تمامی مبارزات بر این اساس بود که حاکمیت جامعه اسلامی در دست افراد لایق قرار بگیرد. مبارزات امیرالمؤمنین علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام، قیام ابا عبد الله الحسین علیه السلام، قیام زید بن علی، مبارزه با امویان و خلفای عباسی و... در راستای تحقق همین هدف مقدس بود. شیعیان همواره پرچم مبارزه با ظلم و ستم را بر دوش داشته و در این راه، سختی های بسیاری را به جان و دل خریدند.

وعاظ السلاطین، مورّخ معروف اهل تسنن، در این باره می گوید:

به عقیـده شـیعه، هر حکومتی غـاصب و ظـالم است، به هر شـکل و در هر قالبی که باشـد؛ مگر آن که امام معصوم یا نایب او، حکومت را در دست گیرد. به همین دلیل شـیعه در تاریخ، به طور مداوم در جریان انقلابی مسـتمری به سـر می بردند؛ نه آرام می گرفتند و نه آن را رها می کردند.(۱)

شیعیـان در دوران غیبت نیز چون معتقـد به نیـابت ولا‌یت فقها و عالمان دینی بودنـد، به حاکمان و سـلاطین جور، روی خوش نشـان ندادنـد و همواره بـا قیـام هـای خود، موجودیت خود را اعلام می کردنـد؛ به عبارت دیگر، شـیعیان همواره به عمل کرد حاکمـان جور، واکنش منفی نشان می دادنـد. فرهنگ انتظار امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز به آنان این درس را می داد که در مقابـل وضع موجود زمـان خود، سـاکت ننشـینند، بـا کـج روی هـا و ظلم و سـتم ها مبارزه کننـد و همواره برای رسـیدن به وضـعیت مطلوب و آینده ای درخشان، تلاش و کوشـش نمایند. و این خود نشان دهنده پویایی و زنده بودن مکتب تشیع در طول تاریخ است.

۱- مسعود پوسید آقایی، تاریخ عصر غیبت، ص۳۰۱.

استکبارستیزی

یکی از مهم ترین عناصر فرهنگ تشیع و برگرفته از اسلام ناب، استکبارستیزی است. شیعیان طبق این عنصر بنیادین، در طول تاریخ درخشان و پرفراز و فرود خود، همواره با ظلم و ظالمان، میانه و سرِ سازش نداشته اند. فریادهای کوبنده شیعیان همواره بر سر حاکمان مستبد فرود می آمده است و آنان بر سینه هر کسی که می خواست به ناحق بر جامعه شیعی تسلط یابد، دست رد می زدند. این عنصر در طول تاریخ تشیع، به خوبی مشهود بوده و نقش بسیار مهمی در جنبش های شیعی داشته است.

در مکتب تشیع، روش ها و قواعد بسیار ارزش مندی وجود دارد که اگر جامعه اسلامی به آن ها پای بند باشد، می تواند به جامعه ای نمونه تبدیل شود و مسیر رشد و ترقی را به خوبی بپیماید. یکی از قواعدی که ظرفیت بسیار بالایی دارد، قاعده «نفی سبیل» است که برگرفته از آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء می باشد. در این آیه شریفه آمده: ((... وَ لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا))؛ و خداوند هرگز راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است.

این قاعده نه تنها در امور حکومتی، بلکه در تمامی شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جریان دارد. جامعه شیعی با پای بندی به این اصل نمی تواند حاکمیت ظالمان و دست نشانده های آنان را تحمل کند و رهبری آنان و راه کارهایشان را برای اداره جامعه، برنمی تابد.

در متون روایی، احادیث بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه»؛(۱) اسلام بر هر چیزی برتری دارد و هیچ چیزی بر اسلام برتری ندارد.

۱- علی شیروانی، نهج الفصاحه، ص۱۵۷.

ص: ۳۷

بخش اول: پیوند های دفاع مقدس و فرهنگ مهدوی

اشاره

سال های نه چندان دور، حسینی ها و یزیدی ها گرد هم جمع شدند تا در اروند، شلمچه، طلائیه، دهلاویه، رملستان های فکه، دشت عباس سرسبز، کوه های پربرف غرب، دشت های بسیار گرم جنوب، تپه الله اکبر، تپه المهدی، تپه های رملی فکه و در وجب به وجب جبهه های جنوب و غرب کشور، یک بار دیگر سپاهیان اسلام، مقابل تمام کفر صف بکشند. شیرمردان سبز قامت، با تمام توان، پای در شط خون نهادند و تاریخ را متحیر رزم خود کردند؛ شقایق صفتانی که حماسه آفریدند و هشت سال دفاع را به یک فرهنگ مقدس تبدیل کردند، تا تشنگان حقیقت بتوانند به خوبی از این فرهنگ محمدی، علوی و مهدوی نهایت استفاده را ببرند.

مقام معظم رهبری درباره جنگ تحمیلی فرمودند:

می خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم یا نه؟ این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم. امام سجاد علیه السلام توانست همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج کند. امام باقر علیه السلام و ائمه بعد از ایشان، استخراج کردند و آن چنان این چشمه جوشان را جاری کردند که هنوز هم جاری است و همیشه در زندگی مردم منشأ خیر بوده؛ همیشه درس داده و یاد داده که چه کار باید کرد. الآن هم همین طور است.(۱)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان، نویسندگان و هنرمندان دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی(۲۵/۴/۷۰).

در دوران دفاع مقدس باورها، رفتارها، آداب و رسوم، هنجارها، سنت ها، قوانین و مقررات خاصی بین رزمندگان حاکم بود که رزمندگان با پای بندی به آن ها توانستند خود را به رشد و کمال رسانده و به زندگی خود جلوه خاصی ببخشند، که به «فرهنگ دفاع مقدس» مشهور است؛ فرهنگی که دارای ابعاد و زوایای بسیار متنوعی است و هرکدام از این ابعاد، گفتنی های بسیاری دارد.

یکی از این ابعاد، «فرهنگ مهدویت» است. بین این دو فرهنگ، رابطه بسیار زیبایی وجود دارد؛ رابطه ای که با مجاهدت های عالمانه و آگاهانه، آن چنان مستحکم شده است که با هم عجین شده اند و روز به روز زوایای تازه ای از آن آشکار می شود. در ادامه، به این ارتباط مهم و اثرگذار می پردازیم.

فصل اول: انسجام بخشی و سازمان دهی نیروها

اشاره

یکی از مهم ترین عوامل پیروزی در جنگ ها، انسجام بخشی نیروهاست. وقتی از روزها و حوادث دوران جنگ سخن گفته می شود، می توان انسجامی خاص را در بین رزمندهای دوران دفاع مقدس، روایت کرد؛ انسجامی که برخاسته از عواملی اعتقادی و ایمانی بود. یکی از عواملی که در انسجام بخشی نیروها تأثیر بسیاری داشت، موعود باوری و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

اعتقاد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در وجود تمامی رزمندگان موج می زد، و این اعتقاد، زیباترین و جامع ترین هدف را برای رزمندها ترسیم می کرد. طبق این هدف، رزمنده ها فقط به حفظ آب و خاک فکر نمی کردند، بلکه با توجه به آموزه های مهدوی و زمینه سازی برای حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نگاهی جهانی داشتند و این امر در انسجام بخشی نیروها و حضور آنان در جبهه های جنگ، نقش بسیاری داشت.

در ادامه، به برخی از مواردی که در انسجام بخشی نیروها در دوران دفاع مقدس نقش داشته اند، اشاره می شود.

۱. پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در یکی از نامه ها، خطاب به محمد بن عثمان می فرمایند:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَيْكُم؛(۱) و اما در رویدادهایی که در آینده پیش می آیند، به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم.

این سخن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، وظیفه تمامی منتظران واقعی را در دوران غیبت کبری مشخص می کند. احادیث دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که مؤمنان را در دوران غیبت کبری، موظف می کند از فقیهان شیعه تبعیت کنند؛ فقهایی که امام حسن عسکری علیه السلام آنان را چنین معرفی می کند:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفْسِهِ، حَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالِفاً لِهَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوه؛(۲) اما فقهایی که بر نفس خود مسلط باشند، دین خود را حفظ کنند، با هوای نفس خود مخالفت کنند و امر خدا را اطاعت کنند؛ پس بر عامه مردم است که از آن ها تبعیت کنند.

بی شک در طول دوران غیبت کبری، فقها و علمای شیعه برای زنده نگه داشتن فرهنگ تشیع، تلاش فراوانی انجام دادند و با روشن گری های

۱- شیخ طوسی، الغیبهٔ، ص۲۹۱، ح۲۴۷.

۲- التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص۳۰۰.

خود توانستند اسلام اصیل را از کج روی ها و انحرافات بزرگ و خطرات، دور نگه دارند و آن را به خوبی به جامعه بشری معرفی کنند. اگر زندگی عالمان و نایبان عام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد مطالعه قرار دهیم، می بینیم مجاهدت و تلاش های علمی بسیاری در این عرصه داشته و هر کدام به نحوی، پرچم پرافتخار تشیع را به دوش گرفته اند. شیخ صدوق (و.۳۸۱)، شیخ مفید(و.۴۱۳)، سید مرتضی (و.۴۳۶)، شیخ طوسی(و.۴۶۰)، علامه حلی(و.۷۲۶)، شهید اول(و.۷۸۶)، شهید ثانی(و.۹۶۶) و صدها عالم برجسته و تأثیرگذار شیعی، با مجاهدت های علمی و عملی خود، در عرصه های سیاسی اجتماعی، نقش مهمی ایفا کرده اند.

در برهه ای از تاریخ، شاهد نهضت جنگل به رهبری «میرزاکوچک خان» که از روحانیان ظلم ستیز بود، هستیم؛ در قیام مردم تبریز نیز عالمی مجاهد به نام «شیخ محمد خیابانی» به پا می خیزد؛ در دوره مشروطه «آخوند خراسانی» و «شیخ فضل الله نوری» علمدار میدان مبارزه می شوند؛ در جریان نهضت تنباکو «میرزای شیرازی» قد علم می کند؛ و سرانجام نوبت علمداریِ امام خمینی رحمه الله رسید. ایشان که سال های سال در دامان حوزه علمیه قم پرورش یافته بود، با تلاش و کوشش علمی فراوان، توانست به جایگاه فقاهت برسد و از مصادیق بارز دو حدیث ارزش مند مزبور باشد؛ به عبارت دیگر، ایشان توانستند در جایگاه نیابت عامه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیرند.

به دلیل قرار گرفتن امام خمینی رحمه الله در این جایگاه بود که مردم ایران، پروانه وار گرد شمع وجودش می گشتند؛ با خشم او می خروشیدند و با شادی او می خندیدند؛ با مهر و محبتش انرژی کسب می کردند و با ولایتش آن چنان آبدیده می شدند که مانند پاره های آتشین و برنده فولاد، بر پیکر دشمنان فرود می آمدند؛ رضایتش را رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خشمش را خشم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند؛ خدمت به او را خدمت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، و کوتاهی کردن و سرپیچی از دستوراتش را سرپیچی و کوتاهی از دستورات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند.

هنگامی که دشمنان بعثی با هدف از بین بردن انقلاب به کشور حمله کردند، امام خمینی رحمه الله نیز به منظور دفاع از این انقلاب مردمی، دستور رفتن به جبهه ها را صادر فرمود. مردم ولایت مدار ایران نیز بنا به درخواست نایب امام زمانشان، رهسپار جبهه های جنگ شدند، چون این اعتقاد با جان و دل آنان عجین شده بود که امام خمینی رحمه الله نگاهش را از خط سبز مهدویت گرفته و از مصادیق بارز «رُوَاهِ حَدِیثِنَا» است.

مردم به این دلیل عاشق امام قدس سرّه بودند که بوی عطر مکتب تشیع علوی، حسینی و مهدوی را از ایشان استشمام می کردند و عشق به امام راحل را در راستای عشق به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند. آنان معتقد بودند، هرعشقی بدون عشق به امام زمانشان، به کارشان نمی آید؛ به همین جهت، دوست داران امام رحمه الله ، هر سخنی که از ایشان می شنیدند و هر دستوری که از ایشان صادر می شد، با جان و دل اطاعت می کردند.

اگر وصیت نامه های شهدا را ورق بزنیم، درمی یابیم که نگاه آنان به امام خمینی رحمه الله ، نگاهی عادی نبوده است، بلکه تبعیت از ایشان را تبعیت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، و رضایت ایشان را رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند.

به طور میانگین در وصایای شهدا، رابطه بین اطاعت از ولی فقیه و پیروی از حضرت حجت، ۶۳٪ مورد تأکید قرار گرفته است،(۱) که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود.

«شهیدعلی گایینی» در بخشی از وصیت نامه اش می گوید:

ای کسانی که مسلمان هستید! به حرف های رهبر عزیزمان امام خمینی رحمه الله گوش دهید و عمل کنید و گفته هایش را تا آن جا که قدرت دارید، عملی سازید. مسلمان بی عمل، مسلمان نیست. جان و مال و فرزند را فدای این رهبر و راه و هدف و مقصود او کنید، تا پروردگار مهربان و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خشنود شوند.(۲)

«شهیداصغر شیرخان» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

سفارش می کنم امام را تنها نگذارید و امام را بشناسید که او نماینده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از خداوند الهام می گیرد و مانند ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بت شکن می باشد.(۳)

۱- محمد حسین رحیمیان، پیوند قطره با دریا، مجله امان، ش۳۶، ص۱۳.

۲- محمد خامه یار، هزار حنجره آواز، ص ۳۶.

۳- محمد خامه یار، هزار حنجره آواز، ص۵۸.

در بخشی از وصیت نامه «شهیدعلی اصغر همراهی» آمده است:

امـام، این اَبَرمرد قرن، این جانشـین بر حق امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را تنها نگذاریـد و لحظه ای از پشتیبانی او غفلت نورزیـد؛ بـا اتکـا به خـدا و به وسـیله رهبری پیـامبر گونه ایشـان انقلاب را به پیش ببریـد و به دست صاحب اصـلی اش، حجت بن الحسن العسـکری عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بسـپارید. اطـاعت از امـام خمینی رحمه الله به منزله اطاعت از ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و هر کسی از وی اطاعت نکند، از امام عصرش اطاعت نکرده است.(۱)

«شهید سید محمد بهاء الدینی» در بخشی از وصیت نامه اش می گوید:

ای امـام زمـان عزیزمان! سراسـر عمر ما فـدای لحظه ای از لحظه های عمر گران بهای تو. ای امام! برای ما ثابت شـد که بـدون عشق تو نمی توان عاشق مهدی شد.(۲)

در بخشی از وصیت نامه «شهیدموسی الرضا خواستار» آمده:

بر هر شـیعه و پیرو مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف واجب است که از ولایت فقیه اطاعت کرده و پیرو عملی و واقعی آن باشـد که به حق، فقیه جامع الشـرایط کنونی حضـرت امام خمینی روحی له الفداه بعد از غیبت صـغری و نواب اربعه، اسـلام را نجات داد و انسانیت را

۱- علی رضا صداقت، برای هم کلاسی هایم، دفتر دوم، ص۲۴.

۲- علی رضا صداقت، برای هم کلاسی هایم، دفتر دوم، ص۲۸.

دوباره زنده کرد؛ پس بر کوچک و بزرگ ما واجب است، از او اطاعت کرده و گوش به فرمانش باشیم و من نیز به همین علت که ایشان فرمودند: «هر کس توانایی دارد به جبهه برود و هر کس نمی تواند در پشت جبهه خدمت کند»، به جبهه می روم تا شاید در اطاعت از ولیّ امر، گامی برداشته باشم.(۱)

«شهیدسبزعلی خداداد» خطاب به برادرش می نویسد:

قدر این رهبر را بدانید... سرپیچی از دستورات ایشان، سرپیچی از دستورات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و خداوند از این امر راضی نیست.(۲)

هم چنین «شهیدمحمود کریمی» در بخشی از وصیت نامه اش این طور آورده است:

دست از یاری امام برندارید که سرپیچی از دستورات امام، همانند سرپیچی از دستورات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.(۳)

و یا «شهید احمدرضا حاج رحیمی» در بخشی از وصیت نامه اش چنین می گوید:

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر یکم، ص۷۳.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۱۳۶.

۳- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم. ج۱، ص۶۰۹.

ما چنان مطیع امر رهبرمان هستیم که اگر راه کربلا که این قدر برای بازشدنش زحمت کشیدیم باز شود و امام عزیزمان بگوید که من راضی نیستم...، ما به زیارت نمی رویم، چون رضایت امام ما در این کار نیست؛ یعنی رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست؛ یعنی رضایت خدا و امام حسین علیه السلام در این کار نیست... پس ببینید مطیع بودن ما را نسبت به رهبر، و حساب کار خودتان را بکنید!(۱)

هم چنین «علیرضا نوروزی» در بخشی از وصیت نامه اش نوشته است:

امام عزیزمان، نور دو چشممان و پیر طریقتمان را با خونتان حمایت کنید و قلبتان با او باشد، چرا که نایب بقیه الله الاعظم حجت ابن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف و امید محرومان و مستضعفان و نور چشم راه گم کردگان است.(۲)

چون شهدا، ولایت و رهبری امام راحل را ادامه ولایت و رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند، از ایشان تبعیت می کردند و این امر در انسجام بخشی نیروها در طول دفاع مقدس، تأثیر بسیاری داشت. به همین دلیل، شاهد حضور اقشار مختلف مردم در جبهه ها بودیم که نمی گذاشتند خواسته های امام رحمه الله بر زمین بماند. نوجوانان، جوانان، میان سالان و پیران، همه و همه

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم. ج ۱، ص ۱۵۸.
۲- محمد رضا رحیمی، حدیث ماندگار، ج ۲، ص ۴۴.

در جای جای جبهه حضور یافتند و بسیاری از افراد در پشت جبهه ها، وظیفه خود را انجام می دادند.

امام رحمه الله می فرمودند: «این جوان ها هستند که باید تنور جنگ را گرم نگه دارند»(۱) و یا این که می فرمودند:

از همه جوانان غیور و اقشار برومند کشور اسلامی [می خواهم] که مثل همیشه به جبهه ها هجوم آورند و به سپاهیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بپیوندند و نفس های آخر عمر صدامیان را بگیرند، که دست نصرت حق با شماست و چنانچه تا به امروز در همه صحنه ها از امدادهای غیبی و عنایات ویژه خود شما را متنعم ساخته است، بعد از این یار و یاورتان خواهد بود و شما را تنها نخواهد گذاشت.(۲)

با این بیانات در سراسر استان ها، اعزام های مردمی با حال و هوای معنوی خاصی، آغاز می شد و بسیاری از جوانان، نوجوانان، دانشجوها، طلاب، کارگران و کارمندان، درس ها و کارها را رها کرده و به جبهه ها می شتافتند.

پدر «شهیدامیر میرگان» می گوید:

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۰.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۶۱.

من که پـدرش بودم، از او گناهی ندیـده بودم. بارها او را در حال خوانـدن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف دیده بودم... یـک روز بـدون این که مـا خبردار شویم، از مـدرسه همراه یکی از دوسـتانش که بعـدها به شـهادت رسـید رفته بودند ترمینـال، تا از آن جا به جبهه برونـد. مسـئولان ترمینال هم با توجه به سنّ کم آن ها از رفتنشان ممانعت کرده و تماس گرفتنـد. امیر آن موقع یازده سال بیشتر نداشت! وقتی پرسیدم: چرا رفتی؟ گفت: «حضرت امام گفته اند: جبهه ها را پر کنید؛ برای همین رفتم!» گفتم: امیر جان! قد تو اندازه اسـلحه نشده؛ کجا می خواهی بروی؟! جوابی داد که ما را متحیر کرد؛ گفت: «اسـلحه نمی توانم بردارم، امـا ظرف و لبـاس رزمنـده هـا را که می توانم بشویم.» ایشـان علاـقه خاصـی به امـام زمـان عجـل الله تعالی فرجه الشریف داشت و می گفت: «دوست دارم امام زمانم از من راضی باشد!»(۱)

شهـدا هم خودشان به این دسـتور امام رحمه الله پای بنـد بودند و هم دیگران را با این دسـتور امام رحمه الله دعوت می کردند که به جبهه ها بروند.

درباره «شهیدعلی تقی ابو نصری» نقل شده است:

بریـده ای از روزنـامه را که پیـام امام رحمه الله درباره پر کردن جبهه ها در آن بود و بالای آن با تیتر درشت نوشـته شـده بود: «امروز پر کردن جبهه های نبرد و آمادگی برای دفاع از اسلام و ایران، برای همه قشرها از واجبات الهی است»، از روزنامه جدا کرده بود و

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص۱۷۳.

همیشه همراه خود داشت و هرگاه مورد سؤال دوستان و آشنایان قرار می گرفت که: چرا این قدر به جبهه می روی؟ او بدون این که حرفی بزند، آن را از جیبش بیرون می آورد و نشان می داد!(۱)

دلاورمردان دفاع مقدس، به پیر یا جوان و نوجوان بودنشان نگاه نمی کردند، بلکه همین که احساس می کردند می توانند دستور نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را عملی کنند، رهسپار جبهه ها می شدند.

یکی از پرستاران می گوید:

روزی یک پسربچه دوازده ساله را که تیر خورده بود، به نقاهت گاه آوردند. وقتی کمی حالش بهتر شد، به او گفتم: تو این جا چه می کنی؟ تو الآن باید مدرسه باشی. برای تو خیلی زود است که بیایی جبهه! خیلی محکم و قاطع گفت: «چون امام گفته: همه باید بیایند جبهه!»(۲)

مادر «شهیدحسین شعبانی» نقل می کند:

حسین به من گفت: «مادر! من به جبهه بروم، تو راضی هستی؟» گفتم: تو که کاری از دست برنمی آید! با خنده گفت: «مادر! امام، بچه ها را به جبهه دعوت کرده. گذشته از این، من

۱- فاطمه رحیم نژاد، چکیده عشق، ص۱۱۸.

۲- عزت الله رادمنش، سفر به نیستان، ص۸۶.

رانندگی بلدم؛ با لودر می توانم سنگر بسازم و جلوی دشمن بایستم.» با حرف هایش من را راضی کرد و رفت.(۱)

پدر «شهیدعلی رضا رضویان» می گوید:

به علی رضا گفتم: شما دو بار به جبهه رفتی؛ این بار من بروم و شما در خانه بمان! علی رضا گفت: «شما نظامی هستید؛ رفتن به جبهه جزء ضروریات شغلی شماست، اما من می خواهم در پاسخ به فرمان امام، به جبهه بروم.»(۲)

مردم ایران اسلامی با جان و دل، ندای نایب امام زمانشان را پاسخ دادند و شعار «لبیک یا امام» آنان، خواب جهان خواران را آشفته کرد. شهدای عزیز میهن اسلامی چون واقعاً اعتقاد داشتند که راه، هدف و مکتبشان اسلامی و مهدوی است و حرکتشان در سایه راهنمایی های پیامبرگونه امام رحمه الله است، با انسجامی بی نظیر، به سوی جبهه های جنگ شتافتند.

۲. پیروی از فرماندهان

اطاعت پذیری رزمنده ها از فرماندهانشان در دوران جنگ، بدین جهت بود که آنان، فرمان فرماندهان خود را از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند. آنان اعتقاد داشتند، فرمانده دسته از فرمانده گروهان، فرمانده گروهان از فرمانده

۱- سیده فهیمه میرسید، حدیث شهود، ص۱۸۸.

۲- منصور انوری، قربانگاه عشق، ص۹۰.

گردان، فرمانده گردان از فرمانده تیپ و فرمانده تیپ از فرمانده لشکر باید تبعیت کند. آنان این سلسله مراتب را به امام خمینی رحمه الله ، که او را نایب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند، می رساندند. رزمنده ها چون این نگاه را به فرماندهانشان داشتند، وقتی فرمانی را از طرف فرماندهی دریافت می کردند، تا آن جا که در توان داشتند، تلاش می کردند آن را به نتیجه برسانند؛ از این رو، رابطه بین فرماندهان و رزمنده ها، رابطه سرباز و سرداری نبود، بلکه رابطه مرید و مرادی بود.

سردار علیجان میرشکار درباره سردار سرافراز اسلام «حاج حسین بصیر» و اعتقادش به پیروی از فرماندهان می گوید:

وقتی فرماندهان بالا ـ دست خود را می دید، علی رغم سنّ بالا، توانایی های فراوان و فرماندهی لایق بودن، مثل یک رزمنده ساده، آماده می ایستاد و اعتقاد داشت اطاعت از فرماندهان، اطاعت از امام خمینی رحمه الله و اطاعت از امام خمینی رحمه الله اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. می گفت: «باید از فرماندهان خود اطاعت کنیم، چراکه در رأس این سلسله مراتب فرماندهی، فرماندهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.» دستور فرمانده را که یک رده از خودش بالاتر بود، عین دستور امام می دانست و این انضباط معنوی بود که بر انضباط نظامی می چربید. ما حاضر بودیم همین که صدای حاج حسین بصیر و فرمان او را می شنویم، به روی مین برویم، چون اعتقاد این بود که فرمانده گردان به فرمانده گروهان و

فرمانده گروهان به فرمانده بالاتر... و در نهایت، وصل به ولیّ فقیه است که دستور او نیز دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به این علت بود که رزمنده ها حاضر بودند جلو رگبار گلوله توپ و خمپاره و حمله هواپیما بروند و جانانه ایستادگی کنند.(۱)

یکی از هم رزمان «شهیدمصطفی کلهری» می گوید:

شب سوم عملیات بدر، به منظور انهدام نیروهای دشمن آماده شدیم که شهیدمصطفی کلهری، فرماندهی بچه ها را به عهده گرفت. آتش دشمن به حدی بود که واقعاً تصمیم گیری بسیار مشکل بود. همه فرماندهان لشکر علی بن ابی طالب علیه السلام روی خاکریز آماده بودند تا ببینند چه باید کرد. یادم می آید شهید کلهری بی سیم را از دست شهید دل آذر و شهید عابدی گرفت و خطاب به فرمانده لشکر گفت: «آماده فرمان شما هستیم. چه دستوری دارید؟ اگر بفرمایید برویم، جلو می رویم؛ اگر بگویید، به عقب برگردیم.»(۲)

«شهید ردانی پور» کاری کرده بود که بسیاری از روحانیون به منطقه جنگی اعزام شوند؛ برای هر گردان دست کم یک روحانی قرار داد. بدین ترتیب، برنامه نمار جماعت در همه واحدهای تیپ راه اندازی شد. به دوستان روحانی می گفت: «شما باید در همه مراحل، همراه گردان باشید؛ حتی

۱- عیسی جمالی، سردار خوبان، ص ۱۴۰.

۲- سید محمد رضا مصطفوی، امیر خط شکن، ص۱۲۲.

زمانی که به قلب دشـمن حمله می کنید! شـما با همان عمامه که بر سـر دارید، باید پیشاپیش بقیه نیروها باشید؛ کاری کنید که همه از شما روحیه بگیرند.» یک بار ایستاده بود کنار خاکریز و با دوربین مواضع دشمن را نگاه می کرد. طلبه جوانی جلو آمد و سلام کرد. بعد ادامه داد: آقای ردانی! بچه ها می گن تو اگه با عمامه بیایی عملیات، دشمن متوجه حرکت گردان ما می شه و استتار به هم می خوره. مصطفی نگـاهی به اطراف کرد و یـک تکه گـونی برداشت و به او داد. بعـد گفت: «این گـونی را بکش روی عمامه، اما وقتی عملیات شروع شد و زدید به قلب دشمن، آن را بردار و برو جلو!»(۱)

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۷۴.

فصل دوم: ایجاد علقه های معنوی

نقش علقه های معنوی در پیروزی ها

اشاره

هرچند استفاد از امکانات سخت افزاری در نبرد، عامل بسیار مهمی در پیروزی هاست، اما باید توجه داشت که اگر این امکانات سخت افزاری با امکانات نرم افزاری همراه شود، پیروزی حتمی است.

معنویت، کاربردی ترین راهبرد در عرصه جنگ، و قدرت نرم افزاری بسیار مهمی است. اگر معنویت با امکانات و تجهیزات سخت افزاری همراه شود، تأثیر بسیاری بر نتیجه نبرد دارد. اهمیت معنویت در جنگ به گونه ای است که اگر همراه با امکانات و تجهیزات نظامی هم نباشد، می تواند بر امکانات و ادوات پیشرفته نظامی و نفرات چند برابری دشمن، غالب شود. با معنویت می توان به راحتی، خلأ تسلیحاتی و نفرات نظامی را پر کرد.

این که قرآن کریم بیان می کند: ((کَمْ مِنْ فِئَهٍ قَلِیلَهٍ غَلَبَتْ فِئَهً کَثِیرَهً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِینَ))؛(۱)چه بسیار که گروهی اندک به یاری خدا، بر سپاهی بسیار غالب گردند و خدا، یار و کمک کار صابران است، گویای همین مسئله است. در این زمینه، نمونه های بسیاری در آیات قرآن کریم به چشم می خورد.

۱- بقره، آیه ۲۴۹.

آنچه باعث شد هشت سال جنگ تحمیلی به دفاع مقدس شهرت پیدا کند، معنویتی بود که در جبهه ها ریشه دوانده بود و می توان به صراحت ادعا کرد که دفاع مقدس منهای معنویت، هیچ معنایی ندارد. فضای معنوی حاکم بر جبهه ها باعث ایجاد روحیه امید، نشاط، شهادت طلبی، خستگی ناپذیری، شجاعت، رشادت و... شده بود؛ این در حالی بود که نیروهای رزمنده با کمبود امکانات نظامی رو به رو بودند و لشکریان عراق استعداد نظامی بسیار بالایی داشتند و از حمایت های سیاسی، اقتصادی و نظامی بین المللی برخوردار بودند.

به عبارت دیگر می توان گفت، نیروهای رزمنده ما از نظر تسلیحات نظامی، با کمبود هایی مواجه بودند. آنان قدرت مادی پایین، و قدرت معنوی بسیار بالایی داشتند. در لشکریان دشمن، برعکس بود؛ آن ها از نظر تسلیحات نظامی بسیار توانمند بودند و قدرت مادی بسیار بالایی داشتند، ولی قدرت معنوی بسیار کمی داشتند.

در منابع مکتوب جنگ، خاطرات بسیار زشتی از نیروهای عراقی ثبت شده که نشان دهنده کم رنگ بودن معنویت در بین سربازان عراقی است. سرگرد عراقی ای به نام «عز الدین مانع» در کتاب گردان گم شده، خاطرات خودش را در زمانی که خرمشهر به اشغال آن ها در آمده بود و در آن شهر مستقر بودند، منعکس کرده است. در این کتاب، به بی بندوباری ها، جنایت ها و انجام برخی اعمال ناپسند اشاره می کند که نشان دهنده پای بندی ارتشیان

عراق به بسیاری از ناهنجاری هاست. او در جایی از کتابش، از مجلس رقصی که از سوی فرماندهی تشکیل شده بود و در آن تعدادی از سربازان و هم چنین برخی رقاصه های مشهوری که اسامی آن ها را هم بیان کرده، اشاره می کند! در حاشیه این مجلس، از انجام کارهایی خبر می دهد که قلم از بیان آن ها قاصر است. وی در توصیف آن جلسات پر از گناه می گوید: «دنیای آن شب، دنیای شراب و ترانه و رقص بود. آن شب آن قدر نوشیدیم تا مست مست شدیم! آن شب با... .»(۱)

این در حالی بود که جبهه های جنگ ما، فقط جبهه های نظامی نبودند، بلکه وجب به وجب آن، بوی عطر مناجات و عبادت و جهاد اکبر به مشام می رسید؛ لذا رمز پیروزی رزمندگان در جبهه ها، قدرت معنوی آنان بود.

امام خمینی رحمه الله در بهمن ماه سال ۶۳، طی پیامی به خانواده های شهدا در این باره می فرمایند:

ای شهدای بزرگ و ای شهدای زنده عزیز! اگر نبود مجاهدات شما و برادران و خواهران بزرگوار شما در جبهه ها و پشت جبهه ها که با اخلاص خود، عنایات خاصّ خداوند قادر را جلب نمودید، کدام قدرت و کدام ابزار جنگی می توانست جمهوری اسلامی و کشور عزیز شما را از این دریای مواج متلاطم، که

۱- عز الدین مانع، گردان گم شده، ص۸۲.

شرق و غرب و وابستگان به آنان دست به دست هم و بازو به بازوی یک دیگر داده و در پی غرق آن کوشیدند و می کوشند، نجات دهـد؟! این کوردلانِ از خـدا بی خبر و عاری از معنویات، نمی دانسـتند که این کشتی نوح است که خدایش کشتیبان و پشتیبان است. اینان با ابزار و ساز و برگ مادی، به جنگ ایمان و معنویت و کشور صاحب الزمان ارواحنا لمقـدمه الفـداء آمده انـد! و اکنون نیز پس از سال ها تجربه به خود نیامده اند و به حرکات مذبوحانه ادامه می دهند، ولی چه باک از موج بحر، آن را که باشد نوح کشتیبان؟!... .(۱)

یکی از چیزهـایی که باعث پر رنگ تر شـدن جبهه ها می شـد و قـدرت روحی رزمنـد ه ها را بسـیار بالا برده و به آن ها توان مضاعف می داد، فرهنگ مهدویت بود. دلاورمردان عرصه های نبرد، با شناختی که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرهنگ انتظار داشـتند، اسـتقامت به خرج داده و سـختی ها را تحمل می کردند. در ادامه، به بخشی از این جلوه ها اشاره می شود.

۱. ایجاد ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

بسـیاری از رزمنـدگان برای به دست آوردن ارتبـاط معنوی و حتی دیـدار و ملاقـات بـا حضـرت بقیه الله عجـل الله تعالی فرجه الشـریف در جبهه ها حاضـر می شدنـد. تأثیر این ارتباط معنوی آن قـدر زیاد بود که رزمنـده ها به واسـطه آن، قـدرت و قوتی مضاعف به دست آورده و بسیاری از پیروزی ها را رقم می زدند.

۱- صحیفه امام، ج ۱۹، ص۱۴۴.

به طور مسلّم، در دوران هشت سال دفاع مقدس، بسیاری از رزمندگان توانستند با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط معنوی خوبی برقرار کنند، چراکه در محیط جبهه ها آن قدر معنویت موج می زد که بوی عطر دل انگیزش شامه عاشقان را نوازش داده و آنان را به سوی خود می کشاند. مراسم های مذهبی با ویژگی های خاصی که در مناطق جنگی بود، مناجات های شبانه، نماز شب های خالصانه، خلوت ها، راز و نیازها و نجواهای شبانه رزمنده ها با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فریادهای «یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» هنگام نبردشان، همه و همه نشان دهنده ارادت، عشق، علاقه و ارتباط رزمنده ها و شهدا با امام زمانشان است.

هرچند وظیفه منتظران، تلاش برای ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست، ولی نباید ملاقات را با ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشتباه گرفت، زیرا وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نه دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ البته اگر در این مسیر دیداری نیز حاصل شد، مایه بسی سعادت است.

شهدای ما در دوران دفاع مقدس، از طریق خواندن «دعای ندبه»، «زیارت آل یاسین»، «زیارت جامعه کبیره»، «دعای عهد»، «نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» و هم چنین با حضور در اماکن زیارتی منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همانند حرم علی بن مهزیار و یا مسجد جمکران، ارتباط خود را با امام زمانشان روز به روز بیشتر می کردند.

خاطرات، وصیت نامه ها، دست نوشته ها و یادداشت هایی که از آن یارانِ سفرکرده بر جای مانده، دریایی است از فرهنگ ناب مهدویت که در آن دریای بی کران، گوهرها و مرواریدهای درخشانی خودنمایی می کنند. اگر به این میراث گران بها بنگریم، درمی یابیم که بخش عظیمی از این آثار، به ارتباط معنوی شهدا و رزمنده ها با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد.

«شهید فتح الله حیدری» در نامه ا ی که خطاب به خانواده اش فرستاده، می نویسد:

اگر آرزوی شمشیر زدن در رکاب حسین علیه السلام و سربازی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دل دارید، پس به یاری امام امت، خمینی بت شکن بشتابید![۱]

یکی از رزمندگان در توصیف شب عملیات کربلای ۸، این گونه می نویسد:

همه احساس می کردند در فضای معنوی و به دور از کینه و کدورت نسبت به همدیگر قرار گرفته اند. در گوشه و کنار اطرافمان، عده ای از رزمندگان با خود خلوت کرده بودند. بعضی از آن ها وصیت نامه می نوشتند. بعضی کتاب دعا یا قرآن کوچکی در دست داشتند و با خدای خود راز و نیاز می کردند. حالت عجیبی به بچه ها دست داده بود. هر کدام از بچه ها با دیده بوسی،

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۱۲۵.

از همـدیگر حلالیت می طلبیدنـد. زمزمه مناجات رزمندگان، اشک ها را از دیده ها سـرازیر می کرد. در عین حال، تعدادی از هم رزمانمان از قبل، مقداری حنا آماده و دست های خود را با آن رنگین و معطر می ساختند!... گویی فرشـتگان عرش هم نوا با کاروان الهی، زمزمه پرستش سر داده و افلاکیان برای تصنیف عشق، میان سنگرها و خاکریزها فرود آمده بودند.(۱)

هم چنین «شهید سید زین العابدین سجادی» طی یک نامه ای در توصیف موقعیت مکانی خود، چنین می نویسد:

جـای ما در یک بیابان خشک بی آب و علف و سوزان جنوب است. با این که از نظر مادی چیزی نـدارد، اما از نظر معنوی، به خـدا قسم که محیط عشق و عاشق پروری است؛ محیطی است که انسان، خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را می بیند.(۲)

«شهیدحسین شفائیه» نیز در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

بی عشق خمینی، نتوان عـاشق مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف شـد. به خـدا، نمی دانم در این جبهه ها چه شور و شوقی است که انسان نمی تواند از آن جدا شود! در این جبهه ها، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرمانده سربازان

۱- پرویز بهرامی، مردان مرد، ص۶۸.

۲- شهاب الدین نبوی، صحیفه عروج عاشقان، ص ۶۰.

اسلام است. اصلاً در جبهه ها نماز خواندنش، غذا خوردنش، راه رفتنش، خوابیدنش و خلاصه هر کارش، یک صفای دیگری دارد؛ انسان را از دنیا دور نگه می دارد و آخرت را به انسان هدیه می دهد.(۱)

«شهید علی رضا نوری» در یکی از نامه هایش، درباره معنویت در جبهه ها می گوید:

نمی دانی چقدر لذت دارد که انسان، خودش را در روحانیت جبهه ها حس می کند! همه شور و عشق به کربلا دارند؛ دائم بعد از نمازها نوحه می خوانند؛ برای ابا عبد الله علیه السلام سینه می زنند؛ برای ظهور و کمک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جبهه ها سینه می زنند. این جا شور و حالی دیگر است!(۲)

ارتباط معنوی شهدا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن قدر بالا بود که بسیاری از آنان، این توفیق را پیدا کردند که در جبهه ها به دیدار معشوق و امامشان نایل شوند و کام تشنه خود را از آن سرچشمه هستی، سیراب کنند. با زمزمه های: «هل الیک یابن احمد فتلقی»؛ ای پسر احمد! آیا راهی برای ملاقات با تو هست، راه رسیدن به حضرتش را پیدا کرده بودند.

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر دوم، ص ۱۲۰.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۴۶۷.

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک زیارت کرده اند؛ بسیاری، از نزدیک با او بیعت کرده اند، بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده اند، بسیاری از او نوازش دیده اند و بسیاری دیگر بدون این که او را بشناسند، از او لطف و محبت دیده اند و او را نشناخته اند. در همین جبهه های جنگ تحمیلی، جوان هایی که در لحظه های حساس، احساس نورانیت و معنویت کرده اند، لطفی از غیب به سوی دل های خودشان حس و لمس کرده اند... پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی‌عصر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف عزیز، یک پیوند ناگسستنی است.(۱)

در بسیاری از وصیت نامه های شهدا، به حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جبهه ها تصریح شده؛ برای نمونه، در بخشی از وصیت نامه «شهید ناصر محمدخانی» آمده است:

ما هیچ نگرانی نداریم، چون فرمانده ما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و جلو ما حرکت می کند. در یکی از حمله ها، بچه ها می گفتند: ما داشتیم روی میدان مین می رفتیم. یک وقت دیدیم که سیدی با اسب سفید آمد و به ما گفت: «این جا میدان مین است؛ از آن

۱- مرتضی نائینی، «جان و جانان»، فصل نامه انتظار موعود، ش۲، ص ۱۹۶۰.

طرف بروید!» بعد خودش راه افتاد و ما هم به دنبالش. وقتی که حمله تمام شد، به نظرمان آمد که امام را دیده ایم. رفتیم همان جایی که او را دیده بودیم؛ جای پای اسب هنوز آن جا مانده بود!(۱)

«شهید محمد رضا حمیدی» در آخرین نامه خود، خطاب به پدرش می نویسد:

پدرم! بدان که در این حمله (فتح المبین)، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مستقیماً فرماندهی را در دست داشتند... پدرم! می دانم که از قدیم همه آرزوی باز شدن راه کربلا را داشتند و ما الآن بر آنیم که این آرزوها را به اتمام برسانیم و راه کربلا را باز کنیم. در این حمله، جوانانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده بودند، شهید شدند و من نیز آن ها را می شناسم.(۲)

شوق دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین رزمنده ها به اندازه ای بود که بسیاری از آن ها آرزو داشتند حتی هنگام جان دادن هم، توفیق دیدار ایشان را به دست بیاورند!

«شهیدمحمد اسماعیل خرم دل» در بخشی از وصیت نامه اش، خطاب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید:

۱- محمد اصغری نژاد، یک فروغ از رخ ساقی، دفتر اول، ص۱۵۴.

۲- محمد رضا رمضان نژاد، عنایات امام زمان به شهدا در هشت سال دفاع مقدس، ص۸۴.

ای مهدی عزیز! ای فرمانده جبهه ها! ای یاور رزمندگان! به یاری مان بشتاب و در آخرین لحظات، چشمانمان را به جمال خود منور گردان. ای آقا! ای صاحب ما! ما آماده امتحان هستیم. آمده ایم تا سر و جان خود برای اسلام فدا کنیم؛ پس در این آخرین لحظات، تنهایمان مگذار و در لحظه شهادت، سرمان را در آغوش بگیر که ما جز دامان تو پناهی نداریم!(۱)

«شهیدحسن صحرایی» در وصیت نامه اش، خطاب به مولایش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین می نویسد:

مهدی عزیز! همیشه آرزو داشتم در لحظه های آخر عمر، جمال زیبایت را ببینم. نمی دانم این سعادت را پیدا می کنم یا نه؟(۲)

«شهیدغلامحسین فربود» در وصیت نامه اش می نویسد:

سلام بر تو ای مهدی! تو ای مولا! تو ای صاحب الزمان! که از خدا همیشه می خواستیم که حتی برای یک لحظه هم شده، چهره مبارکت را به ما نشان دهی. ای مهدی! از تو می خواهم به حق مادرت زهرا علیها السلام، هنگام شهادت سری به این حقیر بزنی!(۳)

«شهیدحسین علی فرخ روز» این شوق را این چنین بیان می کند:

۱- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۳۹.

۲- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۳۷.

۳- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۴۱.

خداونـدا! از تو می خواهم که در آخرین لحظه که در خون خود می غلتم، مرا بیامرزی و فرمانـده ام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به من نشان دهی! آخر، باورم نمی شود که سربازی شهید بشود و تا آخرین لحظه، فرمانده خود را نبیند.(۱)

«شهید سید امیر عربی» در بخشی از وصیت نامه خواندنی اش چنین می نویسد:

بارالها! می دانی که شهادت، بالاترین آرزوی من است. دوست دارم مانند سرورم حسین بن علی علیه السلام، در صحنه نبرد با لبی تشنه شهید شوم و در آخرین لحظات عمر، مولایم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینم!(۲)

بسیاری از آنان به این آرزوی زیبا رسیدند و در لحظات آخر این سعادت را پیدا کردند که سرشان را بر دامان یوسف زهرا علیها السلام قرار دهند و آخرین جملات عمر خود را در قالب سلامی گرم، تقدیم امام زمانشان کنند.

یکی از هم رزمان «شهیدکاظم خائف» این گونه نقل می کند:

در تاریخ ۱۰/۲/۶۱ در کرخه، در عملیات بیت المقدس بودیم. چنـد متر بـا دشـمن بیشتر فاصـله نـداشتیم و بـا آن ها نبرد می کردیم. کاظم خائف معاون گردان ابوذر از لشکر ۵ خراسان

۱- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۶۷.

۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۲، ص۱۴۵.

روی تپه بود که زخمی شد. به کنارش رفتم. خون زیادی از بدنش خارج شده بود. خواستم او را بلند کنم؛ گفت: «آهنی! برو و من را این جا بگذار.» گفتم: تو را به بیمارستان می رسانم. او گفت: «آقا در مقابلم نشسته است» و آرام آرام زمزمه کرد: «السلام علیك یا امام زمان!» سپس چشمانش را بست و برای همیشه از جمعمان به سوی معبودش سفر کرد.(۱)

هم چنین از یکی از هم رزمان «شهید علی موحد دانش» نقل شده است:

نماز صبح را که خواندم، به علی نگاه کردم. از حالتش تعجب کردم. روی تختش آرام دراز کشیده بود و اشک مثل باران از چشمانش سرازیر بود! وقتی نگاهم را دید، با حالتی روحانی پرسید: «داستان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را شنیدی؟» پاسخ دادم: نه؛ چه داستانی؟ گفت: «یکی از بچه ها به شدت مجروح شد؛ خون زیادی از او رفت و بی حال روی زمین افتاد. با آن تشنگی فوق العاده ای که داشت، به حال اغما رفت. یک دفعه متوجه آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد؛ ایشان سر آن بسیجی را در دامانش گرفت. با جام کوچکی که در دست داشت، آب به دهن آن بسیجی ریخت و برایش دعا کرد. بعد سراغ بقیه بچه های مجروح رفت و به آن ها هم آب داد.(۲)

۱- محمد اصغری نژاد، یک فروغ از رخ ساقی، ص۱۰۲.

۲- سهیلا علی زاده، من و علی و جنگ، ص۲۳.

«شهید مصطفی ابراهیمی مجد» از جمله راه یافتگانی است که با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود ملاقات کرده و بر سر قبرش این جمله نوشته شده است: «این جا خانه شهیدی است که به انتظار قیام مولایش، آرام گرفته است.» او در وصیت نامه اش این طور می نویسد:

خدایا! تو را شکر می کنم که عشق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دل من جای دادی. خدایا! تو را شکر می کنم که مرا به زیور ایمان آراستی. قبل از هر چیز لازم است از آنانی که واسطه کسب معارف الهی من بودند، از خدا برای این بزرگواران طلب اجر و علوّ مقام می کنم... . بگذارید بعد از مرگم بدانند و بدانید، همان طور که اساتید بزرگمان می گفتند که: نوکر محال است صاحبش را نبیند، من نیز صاحبم را، محبوبم را دیدار کردم، اما افسوس که تا این لحظه که این وصیت را می نویسم، دیدار مجدد او نصیبم نگشته! بدانید امام زمانمان حیّ و حاضر است و او پشتیبان همه شیعیان می باشد. از یاد او غافل نگردید! دیگر در این مورد گریه مجالم نمی دهد تا بیشتر بنویسم و تا این زمان، دیدار او را برای هیچ کس نگفتم؛ مبادا که ریا شود. فقط می گویم که از آن دیدار به بعد، چون دیگر تا این لحظه او را ندیده ام، تمام جگرم سوخته است!(۱)

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۹۵.

۲. ایجاد ارتباط معنوی با منتظران راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

با تأمل در رفتار و سبک زندگی رزمنده ها و شهدای دفاع مقدس و مقایسه آن رفتارها با روایاتی که درباره منتظران راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده، به این نتیجه می رسیم که آن دلاورمردان، خود را متخلق به اخلاق منتظران واقعی کرده بودند، که در بخش های بعدی توضیحات بیشتری در این زمینه ارائه می شود.

با مطالعه تعاون و نوع همکاری که در بین رزمنده ها و حتی نحوه تعامل مردم با آنان، در شهرها و روستاها، در زمان جنگ دیده می شد، ماکت کوچکی از آرمان شهر مهدوی در ذهن ها تداعی می شود؛ همکاری و تعاونی که به واسطه آن، همه به فکر هم بودند و در خدمت کردن به دیگران از همدیگر سبقت می گرفتند. انس، الفت و علاقه ای که بین رزمنده ها در رده های مختلف دیده می شد و رفتارهایی که به واسطه این عشق و علاقه سر می زد، نشان از ارتباط معنوی عمیقی دارد که در پرتو فرهنگ مهدوی به وجود آمده است. در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود.

الف) با امام خمینی رحمه الله

بیان رابطه معنوی بین امام رحمه الله و رزمنده ها بسیار سخت است، چراکه این ارتباط عادی نبود؛ علاقه ای بود که خداوند در دل آنان قرار داده بود.

معنویتی که شـهدا، بـا نـام و یاد امام رحمه الله به دست می آوردنـد، برایشان گوهری گران بها بود که حاضـر نبودنـد آن را با هیـچ کالایی عوض کننـد. این دل باختگی، دل دادگی و شـیفتگی که شـهدا و رزمنـده ها به امام خمینی رحمه الله داشـتند، از معنویت والای امـام خمینی رحمه الله و نیابت ایشان از امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف سرچشـمه می گرفت. امام در نگـاه شـهدا، اسوه و آیینه تمـام نمـای منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بود؛ منتظری که به بهترین وجه، به وظیفه اش در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف عمل کرد و با مدد از ایشان در مقطعی از تاریخ، بساط ظلم و سـتم را به هم ریخت و دست اجـانب را از سـر کشور امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف کوتاه کرد. امام رحمه الله با روشـن گری هایش نه تنها مردم ایران، که تمام آزادی خواهان عالم را مهیای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرد.

نگاه رزمنده ها و شـهدا به امام، نگاهی آسـمانی بود؛ نگاهی که با تار و پود جسم و روحشان پیوند خورده بود و حتی دشمنان نیز به این امر آگاهی داشتند؛ به همین جهت، یکی از سخت ترین شکنجه های اسیران ایرانی این بود که از آن ها می خواستند به امام رحمه الله توهین کننـد، اما عشق معنوی رزمنده ها به نایب امام زمانشان باعث می شد که حسـرت یک سـخن نابه جا را در دل دشمنان بگذارند.

خاطره ای که در ادامه می آید، قطره ای از دریای بی کران عشق شهدا به امام راحل رحمه الله را نشان می دهد:

دو تانک عراقی از راه رسید و سروانی از داخل یکی از آن ها بیرون آمد و گفت: باید به امام توهین کنید، وگرنه به راننده تانک دستور می دهم از روی همه شما رد شود! سه نفر اول را شهید کردند، تا ما خواسته شوم آنان را به زبان جاری کنیم. آن قدر این عمل، وحشتناک بود که خیلی از سربازان عراقی از محل حادثه فرار کردند، ولی افسر عراقی و راننده های تانک همین طور ایستاده بودند... ناگهان صحنه بسیار عجیبی اتفاق افتاد؛ یکی از رزمندگان آزاده که به شدت آسیب دیده بود، به آرامی تکان خورد. همه مات و مبهوت نگاه می کردیم. سرش را به آرامی بالا آورد؛ نگاهی به آسمان کرد و لبخند زد. افسر عراقی متعجب و متحیر نگاه می کرد. واقعاً آن صحنه را نمی توان توصیف کرد. با همان لبخند، دعای ملت ایران: «خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار» را گفت و شهید شد!(۱)

همان طور که شهیدآیت الله صدر فرمودند: «در خمینی ذوب شوید، همان گونه که او در اسلام ذوب گردید»،(۲) بسیجیان خمینی رحمه الله نیز در امامشان ذوب شده بودند. خاطرات بسیاری از رزمنده ها، حاکی از این ذوب شدن است؛ خاطراتی از دوران مجروحیت رزمنده ها، زمان به شهادت رسیدن شهدا، زمان اسارت، زمان اعزام و... .

۱- موسسه تنظیم و نشر اثار امام خمینی، روایت هجران، ص۴۹.

۲- میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص۲۷.

یکی از زیبا ترین جلوه های این ارتباط معنوی، دیدارها و ملاقات های رزمنده ها با امام خمینی رحمه الله است که سراپا شور، شعور، معنویت و عرفان بود. پس از عملیاتی سخت و نفس گیر، هیچ چیز برای رزمنده ها آرام بخش تر و لذت بخش تر از خبر ملاقات و دیدار با روح الله نبود.

ب) با روحانیت

روحانیت شیعه، اصلی ترین مروج فرهنگ والای انتظار، در طول تاریخ پا به پای مردم ستم دیده حرکت کرده و تلاش های بسیاری را در عرصه مهدویت انجام داده اند. آنان در عصر حاضر نیز بار سنگین انقلاب اسلامی را بر دوش کشیده و سختی های زیادی را متحمل شدند. روحانیون گران قدر برای به ثمر نشستن این انقلاب، از همه هستی خود گذشتند و با اهدای خون خود، درخت انقلاب را پرثمرتر کردند.

حوزویان در طول دوران دفاع مقدس نیز نقش پررنگی ایفا کردند. طلاب جوان و نوجوان و حتی مراجع عظام تقلید، همواره در جبهه ها حاضر شده و علاوه بر انجام امر مقدس تبلیغ و آشنا کردن رزمنده ها با فرهنگ ایثار، شهادت و مهدویت، دوشادوش آحاد مختلف مردم با دشمنان می جنگیدند و حماسه ها می آفریدند.

حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان، در همایشی به نام «نقش باورهای مهدوی در دفاع مقدس»، درباره نقش روحانیت در جنگ می گویند:

در میان اقشار، آن قشری بیشتر شهید داده است که انتصاب و ارتباطش با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قوی تر بوده و آن قشر، قشر روحانیت است که به عنوان سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بالاترین درصدِ شهدا را به خود اختصاص داده اند. آنچه بنیاد شهید از آمار شهدا اعلام کرده، این است که روحانیت دوازده برابر میانگین جامعه، شهید داده؛ یعنی به طور متوسط، از هر هزار نفر افراد جامعه، چهار نفر شهید شده اند، ولی از قشر روحانیون، از هر هزار نفر، ۴۸ نفر شهید شده اند! البته طبق آماری که نهاد دیگری ارائه کرده، این میانگین به بیست برابر می رسد، چون خیلی از طلبه ها نه از طریق دفتر تبلیغات اسلامی، نه از طرف سازمان تبلیغات اسلامی و نه به عنوان طلبه به جبهه می رفتند، بلکه به عنوان رزمنده ای ناشناس و بی اسم و رسم به منطقه می رفتند و احیاناً شهید می شدند؛ مخصوصاً طلاب عزیزی که در سال های اول طلبگی به جبهه می رفتند، معمولاً عمامه ای بر سر نداشتند و کسی هم متوجه نمی شد که این ها طلبه هستند، اما بعد از این که شهید می شدند، معلوم می شد که دو، سه یا پنج سال طلبه بوده اند. البته این آمار، غیر از آمار «شهید داده ها»ست؛ یعنی پدرهایی که طلبه بود ه اند و فرزندانشان در جبهه شهید شده اند، لحاظ نشده است.(۱)

۱- محمد حسین رحیمیان، پیوند قطره با دریا، مجله امان، ش۳۶، ص۱۳.

حضور روحانیت مبارز در جای جای جبهه ها، باعث می شد که رزمنده ها با آنان بیشتر ارتباط برقرار کرده و از نظر معنوی رشد پیدا کنند. این ارتباط باعث عمیق تر شدن اعتقاد آنان به آموزه مهدویت و پیوند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده بود و در روحیه رزمنده ها، تأثیر به سزایی داشت. حضور پرشور برخی از مراجع بزرگوار تقلید و شخصیت های بزرگی همانند: آیت الله بهاءالدینی قدس سرّه، آیت الله میرزاجوادآقا تهرانی قدس سرّه، شهید آیت الله اشرفی اصفهانی قدس سرّه، شهید آیت الله سید اسدالله مدنی قدس سرّه، آیت الله قاضی دزفولی قدس سرّه، آیت الله جمی قدس سرّه، آیت الله مشکینی قدس سرّه، مقام معظم رهبری و ده ها تن از عالمان تراز اول و برجسته، در بین رزمنده ها و حتی در میدان های رزم، باعث دل گرمی رزمنده ها می شد. دلاورمردان عرصه های نبرد، به واسطه به دست آوردن ارتباط معنوی با این عزیزان، جان می گرفتند و حماسه ها می آفریدند. در این جا به گوشه ای از این حضور پررنگ، اشاره می شود.

بسیاری از فرماندهان بزرگ دفاع مقدس معتقدند، اگر دفاع ما در هشت سال، «مقدس» شد، به سبب حضور افرادی مثل طلبه «شهیدمصطفی ردانی پور» بود؛ کسی که زندگی اش با توسل همراه بود. در دارخوین بود. در هنگام توسل به مولایش، شروع کرد به ناله زدن. از عمق جان، آقا را صدا می زد: «یابن الحسن کجایی؟ آقا چرا نیایی؟» همه دوستانش شاهد بودند که چه شد و چه حادثه ای رخ داد که قلم ها از بیان آن عاجزند.

شهید ردانی پور، مرد اول توسل در جبهه ها بود؛ برای بچه ها مداحی و صحبت می کرد. کلام او بسیار مؤثر بود. سخنرانی او پیش از عملیات بیت المقدس، آن چنان گیرا بود که بچه ها، برگه های مرخصی را پاره کردند و ماندند! اولین گروهی که وارد خرمشهر شد، نیروهای تحت امرش بود. مصطفی، فرمانده سپاه سوم صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. پنج تیپ و لشکر را فرماندهی می کرد: لشکرهای: ۲۵ کربلا، ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۰ سید الشهدا، ۸ نجف و ۱۴ امام حسین علیه السلام.(۱)

آیت الله میرزاجوادآقا تهرانی قدس سرّه از اساتید برجسته حوزه های علمیه بودند و درجات علمی بسیار بالایی داشتند. وقتی جنگ شروع شد، این مجتهد والا ـ مقام در سنّ پیری بودند و با کهولت سن، راهی جبهه های نبرد شدند. هنگام عزیمت به جبهه، به ایشان گفتند: «آقا! حال شما مساعد نیست. کهولت سن اجاره نمی دهد که در صف رزمندگان اسلام باشید.» ایشان در پاسخ گفتند:

به این مسئله واقفم، اما می خواهم مثل آن پرستویی باشم که موقع پرتاب حضرت ابراهیم علیه السلام به طرف آتش، یک قطره آب به منقار گرفته بود. به او گفتند: کجا می روی؟ گفت: می روم این قطره آب را روی آتش بریزم! گفتند: این قطره آب که در این انبوه آتش، اثر نمی گذارد؟ پرستو گفت: می دانم تأثیری ندارد، اما

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص ۱۸۰و۱۸۱.

می خواهم ابراهیمی باشم. من هم می دانم تأثیر چندانی ندارم، اما من هم می خواهم در صف ابراهیمیان باشم.

خودشان نقل کرده اند:

روزی در جبهه قرار شـد مـا هم گلوله خمپـاره بزنیم؛ لـذا برادران مجبور شدنـد به دلیـل خمیـدگی پشت من، یـک چهـار پایه بیاورنـد تـا من روی آن قرار بگیرم. برادری گلـوله را به من داد و برادری هم از پشت، دو گـوش من را گرفت تـا من گلوله را توی لوله خمپاره انداختم!

یکی از رزمنده ها نقل می کنند:

ایشان چهارده گلوله خمپاره شلیک کردند به نام چهارده معصوم علیهم السلام. به ترتیب، گوله ها را از نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلـم شـروع و به نام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ختم کردنـد. پس از این که چهارده گلوله تمام شـد، دیـده بان با بی سیم تماس گرفتنـد و گفتنـد: چه کسـی گلوله ها را شـلیک کرد؟ در پاسخ گفتم: می گویند آیـهٔالله میرزاجوادآقا تهرانی. دیده بان با تعجب ادامه داد: من با دوربین به خط دشـمن نگاه می کردم؛ تمام گلوله های شـلیک شده به داخل سنگرهای دشمن اصابت کرد! تا کنون چنین چیزی سابقه نداشته است.(۱)

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص۳۳۴.

حضور پر رنـگ آیت الله اشـرفی اصـفهانی نیز در جبهه هـا، شـکوه خاصـی به مناطق عملیاتی می داد. ایشان با ذکر و توسل به اهل بیت علیهم السـلام، به خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، رزمندگان را در فضای معنوی و عرفانی خاصـی قرار می داد. آیت الله اشـرفی اصـفهانی با آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در عرصه های تبلیغی و رزمی داشت و در خطبه های نماز جمعه، سـخنرانی ها، سـمینارها و پیام هایش، همواره روحیه دفاع و جهاد در راه خدا را در بین مردم ترویج می کرد؛ البته فقط به گفتار اکتفا نمی کرد، بلکه با حضور در مناطق جنگی غرب و جنوب کشور و دیدار با رزمندگان، به آن ها روحیه می داد.

ایشـان در شب عملیـات مسـلم بن عقیـل، در منطقه سومـار حضور داشت. پس از اقامه نماز جماعت، بخشـی از دعای کمیل را خواند. منظره عجیبی به وجود آمده بود و رزمندگان به شدت می گریستند. در بین دعا، آیت الله اشرفی اصفهانی به رزمنده ها گفت:

بوی مشک فضا را گرفته است. نمی دانم شما هم احساس می کنید؟ بوی خوشی که فضا را پر کرده، از قدم مبارک امام زمان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف است. به طور قطع و مسلّم، امـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در این مکـان تشـریف دارند.(۱)

۱- محمد اصغری نژاد، یک فروغ از رخ ساقی، ص۶۲.

نقش روحانیت در جنگ آن قدر برجسته است که سخن گفتن از دفاع مقدس، بدون یاد کردن از شهدای بزرگی، مانند حجج اسلام: شهید میثمی، شهید محلاتی، شهید ردانی پور، شهید شریف قنوتی و سایر شهدای روحانی دفاع مقدس، کم لطفی است؛ شهدایی که به تعبیر امام خمینی رحمه الله ، حماسه سازان همیشه جاویدند و آنان را این طور خطاب قرار می دهد:

سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس، از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته اند! افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد، رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال [ریسمان] تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبک بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده اند! سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران [بیم دهنده] صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانی ها را بدهد و مُهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه ها و روحانیت را درک کرده اند، در خلسه حضورشان

آرزویی جز شهادت ندیده اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب، جز عطیه شهادت نخواسته اند.(۱)

به واسطه حضور روحانیون در عرصه های گوناگون جنگ، چه در قالب بسیجی ساده و یا در مقام فرماندهی گروهان ها، گردان ها، تیپ ها، لشکرها و قرارگاه ها، و چه در کوه های سر به فلک کشیده و پربرف غرب و یا در بیابان های گرم و تفتیده جنوب، ارتباط معنوی خاصی بین رزمنده ها و طلاب رزمی تبلیغی برقرار می شد. زمانی که سایر رزمنده ها می دیدند روحانیان رزمی تبلیغی، دوشادوش آنان در میدان ها حضور دارند و از خود حماسه و رشادت می آفرینند، دل گرم شده و نیرو می گرفتند. این امر، سبب ایجاد علاقه و اشتیاق خاص و مقدسی بین رزمنده ها و حضور آنان در جبهه ها می شد.

شهدا به این نکته پی برده بودند، روحانیت که در خط مقدم جبهه های فرهنگی و رزمی قرار دارد، از سرچشمه جوشان مکتب فقاهت و نیابت عامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سیراب گشته اند و انگشت اشاره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سمت آن هاست. به همین جهت، با ایجاد ارتباطی معنوی با روحانیت، سختی های نبرد را با جان و دل می خریدند و از راهنمایی ها و حتی حضور آن ها در مناطق جنگی، روحیه و قوت می گرفتند.

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص۲۷۴.

شهید صیاد شیرازی درباره عملیات بدر این طور می گوید:

در مقطعی از عملیات بدر در منطقه شرق دجله، بر اثر بمباران های زیاد دشمن و قطع ارتباط ما با عقبه، وضع منطقه به نحوی شد که اسارت بیست هزار نیروی خودی نزدیک بود. گردان های ما به ترتیب منهدم می شدند. باید تدبیری می اندیشیدیم تا بیست هزار نیرو را با برنامه ای دقیق از روی تنها پل ارتباطی، آن هم زیر آتش شدید دشمن به آن سوی آب منتقل کنیم. قایق هم به تعداد کافی نداشتیم. جنگ در یک وضعیت بحرانی و روحیه ها بسیار پایین بود. قرار بر این شد تا زیر آتش شدید دشمن، جلسه ای با حضور فرماندهان ارتش و سپاه تشکیل شود. در شرایطی که فرماندهان را جمع می کردیم، شهید میثمی را دیدم که با همان تبسم همیشگی به کنارم آمد و احوال پرسی کرد، و خدا می داند من از این که دیدم ایشان در کنار ماست، یک قوتی گرفتم، چون احساس می کردم که او یک مدرک زنده است که توکل بر خدا دارد و همیشه توجهش به خداست؛ لذا خیالم راحت شد که هر حرفی می زنیم برای خداست. لذا خیلی محکم به فرماندهان گفتم: درست است که وضع دشمن، خوب و وضع ما خیلی بد و به هم ریخته است، ولی به یاری خدا امشب به دشمن حمله می کنیم. هرچه دارید، سازمان دهی کنید و به فکر عقب نشینی نباشید. من آن موقع که این حرف را گفتم، واقعاً معتقد

بودم و ایشان هم مرا تقویت کرده بود و بعد از صحبت گفت: «من هم پیروزی را می بینم و به آن اطمینان دارم.»(۱)

بعد از آن که حاج آقا میثمی شـهید شد، بسـیاری از بسـیجی ها گریه می کردند و می گفتند: «با شهادت میثمی ما احساس بی پناهی می کنیم؛ کسی که سنگ صبور ما بوده، از میان ما رفته!»(۲)

البته این ارتبـاط معنوی، دوطرفه بود و علمـا و طلاـب علوم دینی، رزمنـده هـا را منتظران پـا به رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند و به آن ها عشق و علاقه نشان می دادند.

یکی از رزمندگانی که معنویت خاصی داشت و همواره مورد عنایت آیت الله بهاءالدینی بود، «شهیدجلال افشار» بود. آیت الله بهاءالدینی درباره شـهید افشار فرمود: «او ذاکر قریب البکاء بود.» ایشان افزودند: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از شماها را پاسدار من قرار داد.»

این عـارف بزرگ، پس از شـهادت جلاـل فرمود: «او جلاـل بود!» وقتی عکسـش را به محضـر آیت الله بهاءالـدینی بردنـد، بی اختیار اشک از چشمان ایشان جاری شد و روی عکس جلال افتاد. سپس فرمود: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از

۱- محمد منصور نژاد و علی شیخیان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج۵، ص۲۲۴.

۲- حسین فتاحی، یک پله بالاتر، ص۸۴.

من یک سرباز خواست؛ من هم صاحب این عکس را معرفی کردم. اشک من اشک شوق است.»

سرانجام این سرباز فداکار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در عملیات رمضان، که با رمز مقدس «یا صاحب الزمان» شروع شد، آسمانی شد.(۱)

هم چنین درباره آیت الله قاضی دزفولی این طور بیان شده است: عشق وافری به رزمندگان اسلام داشت و از آنان شمیم خوش بهشت را استشمام می کرد. ایشان مقید به هم گامی با حرکت بسیجیان به سوی جبهه بودند و تا آن جا که بنیه جسمانی اش اجازه دهد، پشت سر آنان راه برود و آنان را بدرقه کند. یک بار که مردم به ایشان توصیه کردند که: شما به جهت پیری، ضعف جسمی و چشم نابینا، پشت سر رزمندگان راه نیفتید و استراحت کنید، پاسخ داد:

من دوست دارم پشت سر بسیجی ها راه بروم، تا خاکی که از راه رفتن آن ها بلند می شود، به سر و رویم بنشیند؛ بلکه خدا به خاطر خاک پای این بسیجی ها، مرا از آتش جهنم نجات دهد و به بهشت ببرد!(۲)

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص۱۰۲.

۲- محمد منصور نژاد و علی شیخیان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ص۲۲۵.

ج) با فرماندهان و دیگر رزمنده ها

پاک ترین دوستی ها و رفاقت ها در خاطرات شهدا و رزمندگان دفاع مقدس منعکس شده است. اگر درباره یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم که: «اشداء علی الکفار رحماء بینهم»، این ویژگی بین رزمنده ها به زیبایی مشهود بود؛ هرچند در مقابل دشمنان شجاعت، رشادت و خشم مقدسی داشتند، ولی میان فرماندهان و دیگر رزمند ها روحیه اتحاد، هم دلی و برادری، پررنگ تر از تمام عناوین و القاب بود. انس و الفت معنوی در بین رزمنده ها، آن قدر زیاد بود که در بسیاری از مواقع مشخص نمی شد که کدام یک فرمانده یا بسیجی و کدام یک ارتشی یا سپاهی است!

رابطه رزمنده ها با فرماندهان، رابطه سرباز و فرمانده نبود، بلکه رابطه مرید و مرادی بود. آن ها همگی خود را سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند و زمانی که فرماندهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای خود پذیرفته بودند، دیگر پست و مقام برای آنان معنایی نداشت؛ به همین جهت، رابطه ای صمیمانه و معنوی بین تمامی رزمنده ها مشاهده می شد.

درباره خصوصیات اخلاقی «شهیدمحمدتقی صلبی»، که فرماندهِ گردان علی بن ابی طالب علیه السلام از لشکر ۲۵ کربلا را بر عهده داشت، این طور بیان شده: «وقتی بچه ها برای تمرین غواصی به آب می زدند و برمی گشتند، با دست خود عسل در دهان آن ها می گذاشت و بر پیشانی آن ها بوسه می زد.»(۱)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر یکم، ص۱۰۹.

از دیگر جلوه های این ارتباط معنوی، می توان به این نکته اشاره کرد که در بسیاری از مواقع که فرماندهان در بین نیروهای عادی حاضر می شدند، کسی فکر نمی کرد او فرمانده باشد. یکی از هم رزمان «شهید علی معمار» می گوید:

در عملیات فتح المبین، برادرمعمار در کنار سنگر ایستاده بود و مطالبی را در دفتر یادداشت می کرد. جوانی محجوب به او نزدیک شد؛ سراغ سنگر فرماندهی را از او گرفت و گفت: با برادرمعمار کار دارم. علی از او پرسید: با او چه کار داری؟ جوان پاسخ داد: کاری ندارم، فقط می خواستم او را ببینم. راستش، آرزو دارم او را ببینم! او گفت: تو دوست داری معمار، چه شکلی باشد؟ جوان پاسخ داد: شنیده ام هیچ فرمانده ای مثل او نیست! معمار خندید و گفت: معمار بنده هستم؛ دیدی به شما اشتباه گفته اند! جوان خیلی خجالت کشید، و چون بی سیم چی گروهان بود، معمار از او خواست تا بی سیم چی او باشد و جوان هم قبول کرد و در عملیات باهم به شهادت رسیدند!

هم چنین نقل می کنند:

در خاک فیاضیه، توالت و حمام بهداشتی نبود؛ به همین دلیل، برادرمعمار جمعه ها چند بشکه آب تهیه، و یک حمام موقت برپا می کرد. سپس رزمندگان را از پاسگاه ها و سنگرهای دیگر می آورد و خود با این که سردار نمونه تیپ المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، به

عنوان کیسه کش، تمام بچه ها را کیسه کشی می کرد! بعد از این که از حمام بیرون می آمدند، در نماز جمعه شرکت می کردند و دوباره به خط مقدم می رفتند.(۱)

«شهیدمهدی باکری» نه تنها به بسیجی ها علاقه داشت، بلکه خود را نوکر آن ها می دانست. حسین علائی در این باره می گوید:

سرِ سفره کافی بود کسی بگوید: به بسیجی ها غذا نرسیده؛ از غذا خوردن دست می کشید و می گفت: «همه شماها و من، نوکر بسیجی ها هستیم. اینان ولی نعمت های ما هستند.» بعد نوکر بودن را این گونه تشریح می کرد و می گفت: «می دانید نوکر بودن یعنی چه؟ یعنی این که اول جای آقامون را پهن کنیم، بعداً خود بخوابیم؛ بیشتر از آن ها تلاش کنیم. نوکر وظیفه اش این است که کمتر از آقا به مرخصی برود؛ بهترین غذا را آقا باید بخورد؛ قدر و منزلت آقا باید بیشتر از نوکران باشد.(۲)

«حاج قاسم میرحسینی» که از مسئولان لشکر ۴۱ ثارالله بود، به بسیجی ها عشق می ورزید، همانند آنان لباس می پوشید، با آن ها سرِ یک سفره می نشست و کنار آن ها می جنگید. در خاطرات هم رزمان او آمده است:

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج ۱، ص۷۰۵.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر ششم، ص ۴۷.

تازه به جبهه آمده بودیم که گفتند: حاج قاسم میرحسینی، قائم مقام لشکر ثارالله، می خواهد برای رزمندگان صحبت کند. با شنیدن این مژده، همه در میدانگاه مقر، جمع شدیم. دقایقی بعد حاج قاسم به جمع ما پیوست. بچه ها با دیدن ایشان با شعار: «صل علی محمد، سرباز مهدی آمد» از او استقبال کردند. برخلاف تصور، از شنیدن این شعار ناراحت شد و با چهره ای برافروخته، اما مهربان و عاشق گفت: «سرباز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شما بسیجیان هستید که همه جوانی و جان خود را وقف رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرده اید. من لیاقت این شعار مقدس را ندارم.»(۱)

این ارتباط معنوی باعث شده بود که حتی در سخت ترین شرایط جنگ، فرماندهان نیروهای خود را تنها نگذارند و در کنار آن ها باشند. در برخی موقعیت های حساس، از سویی، رزمنده ها اصرار می کردند که فرماندهان به جایی امن تر بروند و از سوی دیگر، فرماندهان در سخت ترین شرایط و با کمال میل، در کنار یارانشان مقاومت می کردند.

مؤلف کتاب یک پله بالاتر می نویسد:

بعد ازظهر، آتش عراقی ها خیلی وحشتناک شد. آن قدر آتش روی بچه ها می ریختند که قدرت جا به جایی را از بچه ها گرفته بودند. وضعیت طوری شده بود که فرماندهان گردان ها و

۱- عباس باقری، از هیرمند تا اروند، ص۱۴۱.

فرمانـدهانِ گروهان ها اصـرار می کردنـد، فرمانـده لشـکر و دیگران برگردند عقب و در قرارگاه، کار رهبری عملیات را ادامه دهنـد، ولی فرمانـدهان قبول نمی کردنـد و ترجیـح می دادنـد در کنار نیروها بمانند. از آن ها اصـرار و از این ها هم نپذیرفتن. آخر سر قرار شد از حاج آقا میثمی که خودشان هم زیر آتش بودند، سؤال کنند و هرچه ایشان گفتند عمل کنند. حاج آقا هم با صـراحت و بدون هیچ تأملی، این کار را رد کرد و گفت: «اگر فرمانده از این جا برود، نیروی رزمنده هم دلش قرص نیست، ولی اگر در کنار رزمنده باشد، او با پشت گرمی می جنگد...».(۱)

۱- حسین فتاحی، یک پله بالاتر، ص۷۸.

فصل سوم: قداست بخشی به فعالیت های نظامی و تقویت قدرت انگیزشی

اشاره

قداست بخشیدن، سبب ایجاد نگاهی نو و عزمی مضاعف می شود. بدیهی است که با تکیه بر باورهای دینی، می توان از انرژی عظیم قداست بخشی، بهره برداری کرد.

از جمله نکات بسیار زیبایی که درباره دفاع مقدس می توان بیان کرد، بحث قداست بخشیدن به فعالیت های نظامی است. با عملی شدن قداست بخشی به فعالیت های نظامی، موفقیت های بسیار خوبی در صحنه های نبرد ایجاد می شد. هنگامی که تلاش انسان در راه رسیدن به هدف، با معنویت گره بخورد، آثار بسیاری پدید می آید؛ سختی ها و ناملایمات، تحمل می شوند، به خوشی های دنیا پشت پا زده می شود، افراد، فراتر از توانی که دارند فعالیت می کنند و قدرت روحی بالایی به دست می آورند.

نقش قداست بخشی آن قدر مهم است که حتی اشخاص حاضر می شوند، تمام دار و ندارشان را فدای مقدساتشان کنند و از جان شیرینشان بگذرند، چراکه آنان در پرتو اعتقادات صحیح می دانند که خداوند، تمام این فعالیت ها و از خود گذشتگی ها را می بیند و به آن ها پاداش نیکو می دهد.

شهید مطهری درباره نقش قداست بخشی می نویسد:

تقدس بخشیدنِ یک جهان بینی به هدف های مکتب سبب می گردد که افراد به سهولت در راه هدف های مکتب، فداکاری و ازخود گذشتگی به خرج دهند. تا یک مکتب نتواند به هدف های خود تقدس بخشد و در افراد حس پرستش، فداکاری و گذشت نسبت به هدف های مکتب به وجود نیاورد، آن مکتب ضمانت اجرایی ندارد.(۱)

ایشان در جایی دیگر می نویسند: «تنها نیروی مذهبی است که قادر است به ایده ها، تقدس ببخشد و حکم آن ها را در کمال قدرت، بر انسان جاری سازد.»(۲)

به واسطه این جریان بود که مردم ایران گروه گروه، پیر و جوان، به سوی جبهه ها می رفتند. پدرانی که جوانانشان مایه روشنی چشمشان بودند و انتظار داشتند در آینده، عصای دستشان باشند، فرزندانشان را به جهاد تشویق کرده و حتی دوشادوش آنان در جبهه ها حضور پیدا می کردند. مادرانی که با هزاران زحمت فرزندان خود را بزرگ کرده بودند، آن ها را برای رفتن به جبهه ها آماده و بدرقه می کردند؛ حتی کسانی که توان رفتن به جبهه را نداشتند، با کمک های مالی و یا به شکل های دیگر، خود را در جنگ شریک می کردند.

۱- مجموعه آثار، ج ۲، ص ۸۳.

۲- مجموعه آثار، ج ۲، ص ۴۰.

یکی از جلوه های قداست بخشی به فعالیت های نظامی در دفاع مقدس، فرهنگ مهدویت است. نقش فرهنگ مهدویت در ایجاد قداست به جنگ هشت ساله، کاملاً آشکار است. در ادامه، به این بحث می پردازیم.

۱. فرماندهی اصلی جنگ

فرماندهان جنگ، همواره این نکته را به نیروهایشان گوش زد می کردند که فرماندهی جنگ بر عهده آن ها نیست، بلکه فرمانده اصلی در میدان های نبرد، خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بیان این موضوع، آن هم از زبان فرماندهان جنگ، نگاه رزمنده ها را به سمت و سویی دیگر سوق می داد و دوست داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با عشق و علاقه خاصی، وظایف خود را انجام می دادند.

«شهید باکری» پیش از عملیات بدر، خطاب به نیروهایش می گوید:

اگر فرمانده شما شهید شد، نگویید فرمانده نداریم و نجنگید، که این وسوسه شیطان است؛ فرمانده اصلی ما خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اصل، آن ها هستند و ما موقت هستیم.(۱)

«شهیدعلی اکبر حاجی پور» در آخرین سخنرانی خود پیش از عملیات «والفجر ۴»، با رزمندگان بسیجی این طور سخن می گوید:

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۴۰۱.

اگر احیاناً در عملیات، فرماندهان شما مجروح یا شهید شدند، از دشمن لحظه ای غافل نباشید و اندکی هراس به دل راه ندهید، چون فرمانده واقعی شما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.(۱)

درباره «شهیداحمد چراغی» این طور بیان شده است:

او معتقد بود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن ها را فرماندهی می کند، و به نیروهای گردانش می گفت: «فکر نکنید شما تنها هستید؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شما را فرماندهی می کند. کفار را ببینید که چقدر روی زمین افتاده اند!»(۲)

درباره «شهیدصمد اسودی» نیز گفته اند:

در مدت کوتاهی می توانست نیروهای خسته را به نیرویی قوی و خستگی ناپذیر تبدیل کند... هرگاه برای نیروهایش سخنرانی می کرد، آن چنان عاشقانه از امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می گفت که آن ها بی اختیار گریه می کردند... بارها در صحبت هایش گفته بود: «من فرمانده ظاهری شما هستم و فرمانده اصلی شما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»(۳)

۱- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص۱۲۴.
۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج۱، ص۱۴۱.
۳- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر یکم، ص۱۷.

هم چنین «شهید علی رضا رضایی» در یادداشت های خود چنین نقل می کند:

باز هم فرماندهی این عملیات به عهده صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. خیلی ها او را در جبهه دیده اند. جبهه جنگ ما، سوره «الم تر کیف فعل ربک بعاد» را زنده می کند و بدانید: اگر قدرت خداوند در این جنگ نبود، ما شکست می خوردیم، چون چندین کشور با ما در جنگند، ولی فرماندهی جبهه های ما را حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحابش بر عهده دارند.(۱)

در مورد «شهیدعبدالحسین برونسی» نقل شده است:

شهیدعبدالحسین برونسی و یارانش در عملیاتی، توانسته بودند با دلاوری بالایی، تعداد زیادی از «تانک های t۷۲ » عراقی را منهدم کنند. خبر این عملیات مثل توپ در منطقه صدا کرد. خیلی زود خبرش به پشت جبهه هم رسید. همان روز، چند خبرنگار و چند فرمانده رده بالا سراغ عبد الحسین آمدند توی سنگر فرماندهی گردان. سؤال همه یکی بود: «آقای برونسی! شما چطور این همه تانک و نیرو رو منهدم کردید؛ اون هم با کمترین تلفات؟» خون سرد و راحت پاسخ داد: «برید از بسیجی ها و فرمانده اصلی آن ها، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کنید.»(۲)

۱- ابوالفضل سبزی، روح شهید، ص۱۱۹.

۲- سعید عاکف، خاک های نرم کوشک، ص۱۲۳.

در بسیاری از وصیت نامه های شهدا نیز به این نکته اشاره شد که فرماندهی اصلی در جبهه ها را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عهده دارند.

«شهیدنظر امرایی» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

خداوندا! من افتخار می کنم که سرباز اسلام هستم و فرمانده ام حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در رکاب حضرت روح الله در لشکر اسلام خدمت می کنم... .(۱)

۲. افتخار سربازی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

رزمنده ها معتقد بودند ایران اسلامی، کشور اهل بیت علیهم السلام و خانه آن هاست و ایشان عنایات ویژه ای به این کشور دارند و در این دوران، که عصر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، ایشان رهبر واقعی آنان است. این اعتقاد مقدس سبب شد بسیاری از مردم، دفاع از چنین کشوری را که نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در رأس آن است، وظیفه ای شرعی و مقدس بدانند.

پای بندی به این اعتقاد، در خاطرات، وصیت نامه ها و دست نوشته های کسانی که در جبهه ها حضور داشته اند، به خوبی آشکار است. آنان برای دفاع از کشور امام زمانیِ خود، از هیچ فعالیتی شانه خالی نمی کردند و زمانی که جنگ تحمیلی به راه افتاد، رهسپار جبهه ها شدند، چون پذیرفته بودند که سرباز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. آنان در راستای این اعتقاد مقدس، از

۱- طیبه فرد، معمای حضور، ص ۲۱.

تمام هستی خود گذشتند و در این راه، جان خود را بهایی ناچیز می دانستند؛ به همین دلیل، نه تنها خسته نمی شدند، بلکه با تمام وجود در این راه گام بر داشته و سختی ها و مشکلات را با جان و دل می خریدند.

در ادامه، مواردی که گویای این اعتقاد مقدس است، بیان می شود.

الف) بیانات امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله از ابتدای شروع مبارزاتشان، همواره به جنبه های الهی، معنوی و مهدوی قیامش اشاره می فرمودند. از این جهت، در به وجود آوردن سیلی خروشان در طول مبارزات و به خصوص در طول هشت سال دفاع مقدس، بسیار موفق بودند. ایشان در اوایل انقلاب، از نظامیان شاهنشاهی درخواست کردند که از پادگان ها فرار کنند. در ۱۱/۹/۵۷ طی بیانیه ای اعلام کردند: «من از سربازان سراسر کشور خواستارم که از سربازخانه ها فرار کنند.»(۱)و در پی این گونه پیام ها، بسیاری از نظامیان از پادگان ها فرار کردند.

مسلّماً فرار این نظامیان به دلیل تنبلی و خستگی از فعالیت های نظامی و سختی های سربازی نبود، بلکه چون شاهد شکل گیری نظامی اسلامی بودند و می خواستند در پیکره این نظام مقدس خدمت کنند، از نظام ستم شاهی گسستند و سختی ها و شکنجه های بسیاری را تحمل کردند.

۱- صحیفه امام، ج ۵، ص۲۵۹.

امام راحل نیز در جمع بسیاری از عزیزانی که از نظام طاغوتی جدا شده بودند، آنان را سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لقب دادند و فرمودند:

من از شما درجه داران و سربازان امام زمان سلام اللَّه علیه قدردانی و تشکر می کنم. شما بودید که ملحق شدید به توده های مظلوم ایران، و با الحاق شما و با اتصال شما به توده های مستضعف، بر آن قوه شیطانی غلبه کردیم.(۱)

هم چنین ایشان در جمع پرسنل نیروی هوایی و زمینی در مدرسه علوی تهران، خطاب به آنان فرمودند:

درود بر شما سربازان امام عصر سلام اللَّه علیه ! همان طور که فریاد زدید، تاکنون در خدمت طاغوت بودید (شعار ارتشیان حاضر این بود: نظامیان ملی، به فرمان خمینی، از طاغوت گسستیم، به ملت پیوستیم)؛ طاغوتی که تمام هستی ما را ساقط کرد، طاغوتی که خزائن ما را تهی کرد، طاغوتی که ما را برده خارجی ها کرد. و از امروز در خدمت امام عصر سلام اللَّه علیه و در خدمت قرآن کریم هستید... .(۲)

۱- صحیفه امام، ج ۷، ص۱۲۷.

۲- صحیفه امام، ج ۶، ص۱۰۱.

امام خمینی رحمه الله در سخنرانی ها، نامه ها و اعلامیه های مربوط به شروع انقلاب و سال های دوران دفاع مقدس، همواره این مطلب را یاد آوری می کردند که شما سربازان اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید. این گونه تعابیر، که نوعی قداست بخشی به فعالیت های نظامی بود، نقش به سزایی در ورود آحاد ملت، در ارگان های نظامی و حضور در مناطق جنگی داشت.

امام خمینی رحمه الله در پیامی به فرماندهان نظامی، به دلیل قدردانی از پیروزی هایشان در جبهه ها فرمودند:

آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان است، که سربازان حقیقی ولیّ اللّه الاعظم ارواحنا فدا هستند، و این است فتح الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع، قبل از آن که پیروزی شرافت مندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی را که در دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده اند، تبریک می گویم!(۱)

و یا در پیامی برای تبریک پیروزی های لشکریان اسلام در محور گیلان غرب و سرپل ذهاب، این طور فرمودند:

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص۳۹۵.

اسلام بزرگ و اسلامیان و تاریخ کشور، این فداکاری ها و جوانمردی های دلیران نظامی و انتظامی و مردمی را فراموش نمی کند، و افتخار بزرگ فرماندهان و سربازان و پاسداران و نگهبانان کشور حضرت مهدی ارواحنا لمقدمه الفداء در تارک ایران ثبت است؛ چنانچه ننگ و عار و ذلت و رذالت برای امریکاییان داخل و خارج، که برای خدمت گزاری به اَبَرجنایت کار جهان به روی اسلام و مسلمانان، آتش می گشایند، ثبت خواهد شد.(۱)

امام راحل در جمع پاسداران پادگان امام حسین علیه السلام، که در حسینیه جماران حضور داشتند، فرمودند:

همه شماها، چه ارتش، چه ژاندارمری و چه سپاه پاسداران و سایر داوطلبانی که برای دفاع از اسلام و دفاع از شرافت اسلامی خودشان به جبهه ها می روند، همه شماها، لشکرهای اسلامی هستید. همه شما ارتش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید.(۲)

ب) خاطرات و وصیت نامه های شهدا

خاطرات شهدای عزیزمان که مانند نگینی سرخ بر انگشتر زیبای دفاع مقدس می درخشد، نیز پر است از مواردی که آن سفرکرده ها، خودشان را

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۲۰.

۲- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۲۰.

سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته و این سربازی را نوعی افتخار برای خود به حساب می آوردند.

در خاطرات «علی رحیمی»، رزمنده پانزده ساله ای که در عملیات «والفجر مقدماتی» اسیر شده بود، این طور آمده است:

پس از آن که با پای مجروح اسیر شدم، بالأخره عراقی ها پس از ۲۷ ساعت مرا به بیمارستان رساندند. در عین ناباوری، پایم را که فقط مورد اصابت یک گلوله قرار گرفته و قابل مداوا بود، قطع کردند! در بیمارستان به خاطر سنّ کمی که داشتم، مورد توجه تعدادی از پرستارها قرار گرفتم. آن ها با این تصور که با هدیه دادن می توانند در من تأثیری بگذارند، برای من هدایایی می آوردند، ولی من هدیه دو نفر از آن ها را که یک رادیو بود و در آن ساعت، قرآن پخش می کرد، پذیرفتم. آن دو پرستار سعی در دوستی با من داشتند و شروع کردند به تعریف و تمجید کردن از صدام. در این بین، یکی از آن ها از من پرسید: درجه نظامی شما چیست؟ من هم بدون تأمل گفتم: «من سرباز امام زمانم.» آن ها به محض شنیدن این جمله، با عصبانیت آب دهانشان را به طرفم انداختند و رفتند و دیگر به سراغم نیامدند.(۱)

هم چنین یکی از هم رزمان «شهیدحاج حسین بصیر» می گوید:

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۸۸.

بی سیم چی گردان بودم و در چندمتری دشـمن موضع گرفته بودم. حاج حسـین بصـیر با بی سیم از من خواست تا وضعیت را گزارش کنم. با صدای آرام، شروع به گزارش کردم. حاجی گفت: «چرا این قدر آرام صحبت می کنی؟ مگر برای دزدی رفته ای؟!» گفتم: حاجی! دشمن نزدیک ماست؛ صدای ما را می شنود. با صدایی گرم و دل نواز گفت: «مگر خدا را فراموش کرده ای؟! خـدا چشم و گوش آنـان را کر و کور کرده که از سپاه اسلام و سـربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف غافل هستند. به راحتی صحبت کن! دست رحمت حق همیشه روی سرِ ماست.»(۱)

در بسـیاری از وصایای شـهدای سـرافرازمان، بر این مطلب تأکید و تصـریح شده که آنان سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف هسـتند و خدمت به امام زمانشان را توفیقی از جانب خداوند دانسته اند؛ وصیت نامه هایی که یک دنیا شور، شعور و معرفت در سطر سطر آن منعکس شده است و در عرفانی ترین و آسمانی ترین لحظات زندگی شان نوشته شده اند.

«شهیدرضا احمدی غونانی» در بخشی از وصیت نامه اش این چنین نغمه سر می دهد:

۱- یعقوب توکلی، فرهنـگ جـاودانه های تاریـخ، دفتر هشـتم، ص۷۷، به نقـل از: حسـین زکریایی، دست نوشـته های علمـدار عشق، ص۲۴.

در موقع شهادت، نام مولایم اباعبد الله علیه السلام و آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر زبان می آورم تا بفهمانم که به «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین علیه السلام لبیک گفته ام و نیز سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده ام.(۱)

«شهیدمحمد رضا سلطانی» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

خدا را شکر می گویم که به آرزوی دیرینه ام رسیدم و مفتخر گشتم که لباس سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر تن دارم و تا برقراری حکومت جهانی الله، آن قدر با کفار و منافقان ستیز کنم، تا به درجه رفیع شهادت نایل آیم!(۲)

هم چنین «شهیدعلی رام» در بخشی از وصیت نامه اش آورده است:

خدایا! من به امید سربازی ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دفاع از اسلام راستین، برخاسته و از ولایت راستین اسلام فقاهتی برای تو به جبهه آمده ام. یاری ام کن!(۳)

۱- محمد رضا رحیمی، حدیث ماندگار، ج ۲، ص۲۴۸.

۲- طیبه فرد، معمای حضور، ص۹.

۳- طیبه فرد، معمای حضور، ص۲۱.

ص: ۱۰۱

۳. نام ها و نمادها

از دیگر جلوه های قداست بخشی به جبهه ها، استفاده از عناوین، القاب و نام های مقدس بود. در این زمینه، از نام ها، نمادها و القابی که درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، استفاده شایانی می شد. نام و رمز برخی عملیات، نام برخی لشکرها و بقیه یگان های نظامی، نام برخی مناطق عملیاتی، دیوار نوشته ها، تابلو نوشته ها، پرچم نوشته ها، لباس نوشته ها، سربندنوشته ها و اشعار بسیاری در دوران دفاع مقدس، با موضوع مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گره خورده بود.

رزمندگان، عاشقانی بودند که جرعه های معرفت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنان بی قرارشان کرده بود که حتی به سربندهای «یا صاحب الزمان» نیز عاشقانه نگاه می کردند؛ پرچم های متبرک «یا مهدی ادرکنی» را بر دوش کشیده و افتخار می کردند که علمدار لشکر مولایشان هستند و تا آخرین نفس نیز آن را برافراشته نگه می داشتند. با دیدن تابلو نوشته های مهدوی، فضای قلبشان سرشار از عطر دل انگیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شد و خستگی را از جسمشان می زدود.

برخی از این نمادها عبارتند از: «السلام علیک یا اباصالح المهدی»،(۱) «السلام علیک یا صاحب الدم و عجل»،(۲) «اللهم عجل فرج المهدی فی عمر الخمینی و دولته»،(۳) «امام را دعا کنید، مهدی را صدا کنید»،(۴) «امام زمان! اگر شهید شدم، جنازه ام را بـه وطن برگردان»،(۵) «امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، دعاگوی شـماست»،(۶) «امروز شـــما برادران ارتش و و پاسـداران، لشـکر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستیـد»،(۷) «امروز شما برادران ارتشـی، سـربازان امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستیـد»،(۸) «ای عاشـقان مهـدی! به پیش؛ تـا کربلاـ راهی نمانده»،(۹) «این جا وعـدگاه ملاقات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف با رزمندگان است؛ برادرم! روا نیست که در این مکان مقدس، بی وضو قدم بگذارید»،(۱۰)

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۴۷.

۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۴۸.

۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۴۹.

۴- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۱.

۵- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۱.

۶- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۱.

۷- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۲.

۸- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۲.

۹- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۷.

۱۰- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۵۹.

«برادر رزمنـده! مهدی زهرا به تو خوش آمد می گوید»،(۱) «بی عشق خمینی، نتوان عاشق مهـدی شد»،(۲) «تا انقلاب مهدی، نهضت ادامه دارد»،(۳) «خـدایا! خـدایا! تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار»،(۴) «خروش خمینی از آن است که نایب مهـدی است»،(۵) «در انتظار رویت خورشـید عـدالتیم»،(۶) «دوست داران مهـدی»،(۷) «دیـدار با مهـدی، شب عملیات»،(۸) «سپاهیان مهدی»،(۹) «سـربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»،(۱۰) «سـربازان امام زمان! از دشمن ترس ندارند»، (۱۱) «سلام بر مهدی»،(۱۲) «سنگر؛ خانه سربازان

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۷۴.

۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۹۲.

۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۰۱.

۴- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۳۲.

۵- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۳۴.

۶- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۴۴.

۷- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۵۰.

۸- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۵۰.

۹- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۰.

۱۰- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۰.

۱۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۰.

۱۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۳.

مهدی»،(۱) «شب حمله، شب دیدار مهدی»،(۲) «شما بسیجیان! سربازان امام زمان هستید»،(۳) «شما سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید»،(۴) «صلّ علی محمد، لشکر مهدی آمد»،(۵) «عاشقان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»،(۶) «عاشقم، عاشق روی مهدی»،(۷) «کربلا! لشکر مهدی می آید»،(۸) «کربلا! سپاهیان مهدی با صلابت می آیند»،(۹) «کسی که معتقد به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، خود را به فسق و فساد آلوده نمی کند»،(۱۰) «ای لشکر صاحب زمان! آماده باش آماده باش»،(۱۱) «منتظران مهدی»،(۱۲) «موقعیت قائم آل محمد»،(۱۳) «مهدی جان! تو مظهر خدایی، خمینی

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۴.

۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۷.

۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۷۹.

۴- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۸۰.

۵- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۸۷.

۶- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۹۶.

۷- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۱۹۶.

۸- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۲۱۵.

۹- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۲۱۵.

۱۰- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۳، ص۲۱۶.

۱۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۲۷.

۱۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۴۱.

۱۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۴۴.

مظهر توست»،(۱) «همه شما، سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید»،(۲) «هفته ای دو بار اعمال ما، محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد»،(۳) «یا ابا صالح المهدی»(۴) «یا حجت بن الحسن! ریشه صدام بکن»،(۵) «یا صاحب الزمان! فرمانـدهی از آن توست»،(۶) «یا فارس الحجاز»،(۷) «یا مهـدی! من حقیر و فقیر را دریاب»،(۸) «یاوران مهدی! خسته نباشید»،(۹) «یوسف گم گشته باز آید ز کنعان غم مخور»،(۱۰) «ورود هرگونه تیر و ترکش، بدون اجازه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ممنوع»،(۱۱) «لشکریان صاحب الزمان»،(۱۲) «یا صاحب الزمان»،(۱۳) «یا صاحب الزمان

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۴۴.

۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۶۷.

۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۶۷.

۴- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص ۲۷۱.

۵- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۲.

۶- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۶.

۷- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۶.

۸- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۷.

۹- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۷.

۱۰- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۸.

۱۱- . سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۵۷.

۱۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۲۷.

۱۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۶.

ادرکنی»،(۱) «یا مولانا یا صاحب الزمان»،(۲) «یا مهدی»(۳) و «یا مهدی ادرکنی».(۴)

بسیاری از لشکرها، یگان ها و رده های پایین تر نظامی، با نام های مبارک آن حضرت نام گذاری شده بودند؛ برای مثال: لشکر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، لشکر ۳۲ المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سپاه صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سپاه انصارالمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و... .

هم چنین در نام گذاری و قرار دادن رمز برای برخی عملیات، از نام ها و القاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده شده است. اولین عملیاتی که به صورت رسمی و با این نام انجام شد، عملیات «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» بود که در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در غرب سوسنگرد انجام شد. این عملیات، اولین تهاجم موفق در جنوب بود و سبب تشویق و تحرک رزمنده ها در دیگر جبهه ها شد.(۵)

رمز برخی عملیات نیز به این شرح است: عملیات مطلع الفجر با رمز «یا مهدی» در منطقه گیلان غرب و سر پل ذهاب؛ عملیات رمضان با رمز «یا صاحب الزمان! ادرکنی» در منطقه شرق بصره؛ عملیات عاشورای ۲ با رمز

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۶.

۲- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۷.

۳- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۷.

۴- سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، ج۴، ص۲۷۷.

۵- محمد خامه یار، اولین های دفاع مقدس، ص۱۲۴.

«یـا مهـدی! ادرکنی» در منطقه چنگوله و جنوب مهران؛ عملیات کربلای ۸ بـا رمز «یا صاحب الزمان! ادرکنی» در منطقه شـرق بصره؛ عملیات کربلای ۹ با رمز «یا مهدی! ادرکنی» در منطقه قصـر شـیرین؛ عملیات فتح ۵ بـا رمز «یا صاحب الزمان! ادرکنی» در منطقه سـلیمانیه عراق؛ عملیات نصر۱ بـا رمز «یـا صاحب الزمان! ادرکنی» در منطقه غرب شـهر بانه؛ و عملیات کربلای ۱۰ با رمز «یا صاحب الزمان! ادرکنی» در منطقه شهر ماووت عراق.

در جبهه ها، اشـعار بسـیاری بر لبان رزمنده ها جاری بود که محتوای بسـیاری از آن ها، درباره مهدویت و دفاع مقدس بود. در این جا فقط ابتدای هرکدام از اشعار آورده شده و به دلیل طولانی نشدن مطلب، از آوردن بقیه اشعار، صرف نظر می شود.

۱

رزمنده ای در خون تپید

مهدی یا مهدی!

مهدی به بالینش رسید

مهدی یا مهدی!

داده ظهورش را نوید

مهدی یا مهدی! (۱)

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ نامه جبهه، ص۴۱۵.

۲

آقا، به جان مادرت

یاابن الحسن یاابن الحسن!

آن مادرِ غم پرورت

یاابن الحسن یاابن الحسن!

ما را مرانی از درت

یاابن الحسن یاابن الحسن!

یاابن الحسن یاابن الحسن

یاابن الحسن یاابن الحسن!(۱)

۳

یاران و انصارت، یاران و انصارت

عازم به پیکارند، صاحب زمان مهدی!

آهنگ پیروزی، آهنگ پیروزی

در این یورش دارند، صاحب زمان مهدی!...(۲)

۴

لشکر صاحب زمان، سوی میدان شد روان

ای سلحشوران بپا، ای سلحشوران بپا!

سرخوش از یاد حسین سرفراز و شادمان

کرده عزم کربلا، ای سلحشوران بپا!...(۳)

۱- سید مهدی فهیمی، فرهنگ نامه جبهه، ص۴۶۶.

۲- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۴۸۸.

۳- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۴۸۹.

۵

آزاده مردان، این دلاورانند

سپاهیان صاحب الزمانند

به شوق دیدن حریم حسین

به سوی جبهه های حق روانند...(۱)

۶

ای لشکر صاحب زمان! آماده باش، آماده باش!

بهر نبردی بی امان، آماده باش، آماده باش!

رزمندگان جان به کف، روز شجاعت آمده

.

ای لشکر روح خدا! گاه شهادت آمده...(۲)

۷

لشکر صاحب زمان، لشکر صاحب زمان

سوی مولا می رود، سوی مولا می رود

بهر دیدار حسین، بهر دیدار حسین

امت ما می رود، امت ما می رود...(۳)

۸

بیا ایا دلاوران، بیا ایا دلاوران!

که سوی جبهه شد روان، سپاه مهدی سپاه مهدی

به قصد رزم بی امان، به قصد رزم بی امان

یورش برد به دشمنان، سپاه مهدی سپاه مهدی...(۴)

۱- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص ۴۹۱.

۲- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۴۹۲.

۳- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۴۹۵.

۴- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۴۹۸.

۹

راهیِ جبهه می شود

راهیِ جبهه می شود

لشکر صاحب الزمان

تا به عدو یورش برد

تا به عدو یورش برد

با تک و رزم بی امان...(۱)

۱۰

لحظه شماری می کند لشکر صاحب الزمان

که رمز حمله بشنود، یورش برد به دشمنان...(۲)

۱۱

بیا ای مهدی زهرا! بیا صاحب زمان ما!

بیا مهدی، بیا مهدی، بیا مهدی، بیا مهدی!

کجایی جان به قربانت؟

دلم خون شد ز هجرانت

تو را جان عزیزانت، تو را جان عزیزانت!

بیا مهدی، بیا مهدی، بیا مهدی، بیا مهدی!...(۳)

۱- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۵۰۲.

۲- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۵۰۳.

۳- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۵۰۴.

۱۲

برای دفن شهدا

مهدی بیا، مهدی بیا!

ای حضرت صاحب زمان!

ای سرور کون و مکان!

یک دم به خوزستان بیا

مهدی بیا، مهدی بیا!...(۱)

۱۳

شوق دیدار تو دارم

یا مهدی ادرکنی، یا مهدی ادرکنی!

آمدم تا لشکرت را کمترین سرباز باشم

آمدم با راهیان کربلا، دمساز باشم...(۲)

۱- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۵۰۵.

۲- علی اکبری، کتاب آهنگران، ص۵۰۵.

فصل چهارم: عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از تأثیرات بسیار مهمّ فرهنگ مهدویت بر دفاع مقدس، عنایاتی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به جبهه ها و رزمندگان داشتند. در بسیاری از مواقع که رزمنده ها و شهدای گران قدر، با سختی های طاقت فرسایی روبه رو می شدند، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یاری می طلبیدند؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز عنایاتی به آنان فرموده و فریاد رسی می کردند.

شهدا اعتقاد راسخ داشتند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین آن ها حضور دارد. آنان در مکتب «انتظار» آموخته بودند که ایشان در دوران غیبت کبری، حضوری غایبانه و در جامعه بشری، حضوری فعالانه دارند و بسیاری از مسائل را مدیریت می کنند؛ از این رو، در صبح های جمعه، نغمه های ندبه عاشقی را زمزمه کرده و از صمیم قلب و آگاهانه صدا می زدند:

بِنَفْسِی أَنْتَ مِنْ مُغَیَّبٍ لَمْ یَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِی أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا؛(۱) جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی.

۱- محمد ابن جعفر، المزار الکبیر، ص ۵۸۱.

هم چنین به پیام امام صادق علیه السلام کاملاً معتقد بودند که فرموده اند:

صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ یَتَرَدَّدُ بَیْنَهُمْ وَ یَمْشِی فِی أَسْوَاقِهِمْ وَ یَطَأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا یَعْرِفُونَهُ حَتَّی یَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ یُعَرِّفَهُمْ نَفْسَه؛(۱) صاحب این امر، در بین مردم رفت و آمد می کند، در بازارهای آن ها راه می رود و فرش های آنان را زیر پاهایش قرار می دهد و مردم او را نمی شناسند؛ تا زمانی که خداوند به او اذن بدهد، خودش را به آنان معرفی کند.

هم چنین آنان می دانستند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر احوالاتشان آگاه و به یادشان است. آنان این نگاه را از توقیعی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیخ مفید صادر فرموده است، دریافت کرده بودند:

انّا غیرمهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم، و لولا ذلک لنزل بکم اللّأواء و اصطلمکم الاعداء؛(۲) ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم، زیرا در غیر این صورت، سختی ها و گرفتاری ها بر شما فرو می آید و دشمنان، شما را ریشه کن کرده و از بین می برند.

بنابراین، همواره نام و یاد اهل بیت علیهم السلام و به خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریفدر جبهه ها و در مراحل گوناگون عملیات، از شناسایی تا طراحی، توجیه

۱- نعمانی، الغیبهٔ، ص۱۶۴.

۲- احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص۴۹۷.

نیروها، حرکت به سوی صحنه های نبرد و نیز در هنگام نبرد و پس از آن، بر زبان فرماندهان و رزمندگان جاری بود.

آنان در مشکلاتی که پیش می آمد، به اهل بیت علیهم السلام متوسل شده و به ساحل نجات می رسیدند. در ادامه، به چند نمونه اشاره می شود.

یکی از طلاب رزمنده نقل می کند:

تابستان سال ۶۱ در جبهه میمک بودم. هوا بسیار گرم بود و آب، حتی برای خوردن وجود نداشت! دشمن از فرصت استفاده کرده، گاز شیمیایی تاول زا زد. علاج گاز هم فقط آب بود. بعد از مدتی، دیدیم بدن بچه ها شروع کرد به باد کردن و تاول زدن؛ برای همین، بچه ها همه ناامید شده بودند. ما سه طلبه که در آن جبهه فعالیت می کردیم، به آن ها امیدواری داده و گفتیم: «ما چیزی را فراموش کرده ایم و آن هم دعاست، که مهم ترین سلاح ماست.» با این سخنان، نور امیدی در دلشان تابیده شد. آن گاه همه تیمم کرده و به نماز ایستادیم. دعا هم خواندیم و خدا را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قسم دادیم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به یاری طلبیدیم. هنوز دعای ما تمام نشده بود که ابری سیاه، با سرعت عجیبی آسمان را فرا گرفت و بعد از چند ثانیه، آن چنان بارانی بارید که در عرض یک دقیقه، تمام لباس ما خیس شد؛ گویی لباس هایمان را شسته ایم! باران حدود سه دقیقه بارید و تمام ظرف های ما و کلاه های آهنی

پر از آب شد؛ در نتیجه، آثار تاول ها از بین رفت و همه خوب شدند.(۱)

«مهدی خسروی»، از آزادگان سرافراز، زمانی که در جبهه حضور داشت، مدتی خمپاره انداز بود و مدتی هم با تویوتای لندکروز، مهمات و آب و غذا به خطّ مقدم می برد. او هر شب اول غذا و بعد مهمات را به خطّ مقدم می رساند. او درباره رساندن مهمات و غذا می گوید:

قسمتی از جاده بود که عراقی ها رو اون مسلط بودن. می تونستن به راحتی اونو بزنن...؛ اما انگار این خواست خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که این مسیر رو من شش ماه، آب و غذا و مهمات ببرم و یک بار هم ترکش نخورم. البته بیشتر شب ها ترکش می خورد، اما همش تو برگشتن، که ماشین خالی بود. حالا ـ این لطف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خاطر بچه هایی بود که تو خط بودن یا چیز دیگه، نمی دونم. خیلی از اون ها، مثل گل پرپر شدن. خیلی ها شون هم موندن و جانباز یا اسیر شدن. ماشین من هم این آخرا، مثل آب کش شده بود. دو بار شیشه عوض کردم. ترکش از جلو آمده بود، سقفشو پاره کرده بود. اون هایی که در جریان اوضاع من بودن، وقتی وضعیت ماشین منو می دیدن، از تعجب چشاشون گرد می شد! اون هایی هم که در جریان اوضاع نبودن، می گفتن: چطوریه که تو وقتی مهمات می بری، ماشینت ترکش

۱- محمد اصغری نژاد، یک فروغ از رخ ساقی، ص۳۱.

نمی خوره، ولی تو برگشتن این طوری می شه؟! می گفتم: من از آقا یه چیزی می خواستم. یه تیکه از جاده بود که اسمشو گذاشته بودیم: «تپه سلام». اون جا روبه روی عراقی ها بود؛ درست در تیررس مستقیم اون ها بود. تیربارشون تا اون جا می رسید. من همیشه اون جا که می رسیدم، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سلام می دادم و از خدا کمک می خواستم؛ نه به خاطر خودم، به خاطر این غذا و مهماتی که به بچه ها برسونم. حالا تو برگشتن، اگه ترکش می خوردم یا اتفاق دیگه ای می افتاد، طوری نبود... من خودم با چشمام دیدم که اون سلامی که به آقا می دادم و از ایشان می خواستم که لطف کنند و این یه تیکه راه رو مهمات سالم به مقصد برسه، آقا عنایت می کردند و هیچ اتفاقی هم نمی افتاد.(۱)

«شهیدمحمدرضا تورجی زاده» در یکی از نوارهای مصاحبه اش می گوید:

راه را گم کرده بودیم. همه ابزارهای مادی از کار افتاده بود. دیگر هیچ امیدی نداشتیم. بچه ها مضطرب به سمت من آمدند. پرسیدند: تورجی! راه را پیدا کردی؟ کمی نگاهشان کردم. چیزی نگفتم، اما گویی کسی در درونم حرف می زد؛ کسی راه درست را نشان می داد. گفتم: «بچه ها! فقط یک راه وجود دارد.» همه نگاه ها به من بود. بعد ادامه دادم: «ما یک امام غایب داریم. ایشان فرموده اند: در سخت ترین شرایط به داد شما می رسم. فقط باید از همه جا قطع امید کنیم. با خلوص کامل، حضرت را صدا بزنیم.

۱- محمد رضا رمضان نژاد، عنایت امام زمان در هشت سال دفاع مقدس، ص۶۷.

مطمئن باشید یا خود آقا تشریف می آورند یا یکی از یارانشان را می فرستند. شک نکنید!» بعد مکثی کردم و گفتم: «الآن، هر کسی به سمتی حرکت کند. همه فریاد بزنیم: یا صاحب الزمان، ادرکنی!» بیشتر بچه ها حرکت کردند. همه اشک می ریختند و از عمق جان، مولایشان را صدا می زدند... .

بچه ها با حالت خاصی به من نگاه می کردند. نمی دانستم چه بگویم. یک دفعه دیدم چند نفر از دور با لباس پلنگی به سمت ما می آیند. آن ها از لابه لای درختان به ما نزدیک می شدند. ما سریع پشت درختان و صخره ها مخفی شدیم. دیگر نه راه پس داشتیم، نه راه پیش. دقایقی بعد، سرم را کمی بالا آوردم. خوب به چهره آن ها خیره شدم. اخم هایم باز شد. خوش حال شدم. آن ها را می شناختم. برادر نوروزی زاده، از فرماندهان گردان «یا زهرا علیها السلام» به همراه چند نفر از نیروهایش بودند. با خوش حالی از جا بلند شدم، فریاد زدم و صدایشان کردم. همه از جا بلند شدیم. آن ها هم با خوش حالی به سمت ما آمدند. گفتم: «بچه ها! دیدید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را تنها نگذاشت؟»

لحظاتی بعد با چشمانی اشک بار در آغوش هم بودیم. با هم حرکت کردیم. تعداد دیگری از بچه ها آمدند و ما را کمک کردند. آن ها به طور اتفاقی، پوتین های روی آب را می بینند. از مدل پوتین و خون تازه روی آن می فهمند که هنوز نیروهای ما در این جا هستند. بعد به دنبال ما می آیند، اما ناامید می شوند و بر می گردند. لحظاتی بعد، فریادهای «یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» را

می شنوند. ایشان به دنبال صدا می آیند و ما را پیدا می کنند؛ اما بنده این را فقط عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانم.(۱)

هم چنین «شهیدعلی معمار»، که از فرماندهان دلاور جبهه ها بود، در یکی از مصاحبه هایش می گوید:

ما با همه وجودمان در عملیات گذشته، حس می کردیم و باور داشتیم که پیروزیِ هر عملیات با خداست؛ همه موفقیت ها به یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. واقعاً ما و دیگران کاره ای نبودیم و نیستیم.

او در باره برخی از صحنه های عملیات «طریق القدس» می گوید:

دشمن با یک لشکر به ما حمله کرد. باران می بارید. مهمات و غذا هم به برادران نمی رسید. خدایا! چه کار کنیم؟ هیچ راهی جز توسل نبود. متوسل شدیم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. خدای متعال معجزه بزرگی آفرید، به طوری که تانک دشمن، از بسیجیِ کلاشنیکف به دست فرار می کرد! اگر معجزه الهی نبود، ما چگونه می توانستیم یک لشکر عراقی را عقب بزنیم؟!(۲)

۱- گروه فرهنگی هنری شهید ابراهیم هادی، یا زهرا، ص۷۳.

۲- محمد حجتی، حکایت سرخ، ص۴۲.

برای تبیین عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به رزمنده ها و شهدا، به دو مسئله اشاره می شود:

۱. کمک های نظامی بین المللی به عراق

یکی از مهم ترین ابعاد جنگ تحمیلی، کمک های چشم گیر بیشتر کشورهای دنیا به عراق است که در جای خود، به بحث و بررسی مفصلی نیاز دارد. با تأمل در رفتار سیاسی قدرت های بین المللی درباره دو کشور ایران و عراق، به خوبی به این نکته پی می بریم که جنگی بین المللی، علیه کشورمان اتفاق افتاد و رژیم بعث عراق به نیابت از مجامع بین المللی غربی، علیه ملت ایران وارد جنگ شد.

درباره یکی از مهم ترین دلایل کمک های مجامع غربی به عراق، می توان گفت: سیاست مداران غربی و نظریه پردازان بین المللی، با بیان برخی طرح ها و ایده ها، برای تمامی کشورهای دنیا، نسخه های به ظاهر شفا بخشی توصیه می کردند. آنان تلاش می کردند با عملی کردن برنامه های خود، جامعه بشری را به سمتی سوق دهند تا به راحتی بتوانند بر کشورهای دیگر سیطره داشته باشند و به اهداف مورد نظر خود برسند.

با ایجاد انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در ایران، تمامی معادلات سیاسی مجامع غربی به چالش کشیده شد. فریادِ رسای امام خمینی رحمه الله ، دنیا را تکان داد. در قرن بیستم که اندیشه های مادی، بیش از پیش رونق پیدا

کرده بود و دین و معنویت جایگاه چندانی نداشت، امام خمینی رحمه الله روح دیانت و معنویت را زنده کرد. به واسطه این انقلاب مردمی، در معادلات سیاسی بین المللی، فصل جدیدی رقم خورد و مجامع شرقی و غربی در آن زمان، از این حرکت به شدت ترس و واهمه داشتند. آنان انقلاب اسلامی ایران را از سویی، تهدیدی بسیار بزرگ علیه اهداف و آرمان های خود می دانستند و از سوی دیگر، منافع خود در خاورمیانه و ایران را از دست داده بودند.

بر اساس اسناد موجود در لانه جاسوسی آمریکا در تهران، مقامات اطلاعاتی و سیاسی امریکا معتقد بودند:

این انقلاب و پیش آمد های آن، وضعیت ما را نابود کرد، افراد ما را پراکنده ساخت و سازمان و روش های باثبات ما را به هیچ و پوچ تبدیل کرد.(۱)

آنان برای این که بتوانند منافع از دست رفته خود را مجدداً به دست بیاورند، باید این قدرت عظیم مردمی و اسلامی را مهار می کردند. از این رو، آرام ننشسته و نقشه های بسیار شومی را طراحی و عملی کردند؛ برنامه هایی که هرکدام به تنهایی می توانست، کشوری قدرتمند را به زانو در آورد؛

۱- میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص۴۳.

توطئه هـایی مانـنـد: کودتـای نوژه، حمله نظامیان امریکایی در ماجرای طبس و...، ولی با عنایات اهل بیت علیهم السـلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمامی آن توطئه ها به گونه ای خنثی می شد.

بی شک، یکی دیگر از گزینه ها و نقشه های بسـیار شوم امریکا برای به زانو در آوردن انقلاب اسلامی، تهاجم نظامی به ایران بود. امام خمینی رحمه الله این حقیقت را این گونه بیان می کند:

قدرت های بزرگ که دستشان از مخازن بزرگ ایران کوتاه شده و سلطه و قدرتشان با همت ملت ایران و قوای مسلح آن قطع گردیده است، اکنون به دست و پا افتاده اند تا با جنگ افروزی بین برادران، سـلطه خود را اعاده دهند و چپاول گری را از سـر بگیرند.(۱)

برخی تحلیل گران، وجود اختلافات مرزی بین ایران و عراق را عامل جنگ بیان کرده اند؛ در حالی که وجود اختلافات مرزی میان ایران و عراق، سرپوشـی است برای پنهان کردن حقیقتی آشـکار، چراکه این اختلافات با معاهـده ۱۹۷۵ الجزایر و امضای شخص صدام(۲) تمـام شـده بـود. دولت مردان آمریکـایی برای عملی کردن این گزینه، بنـا به دلا-یلی روی حزب بعث عراق، حساب ویژه ای باز کردند.

۱- صحیفه نور، ج۱۳، ص۱۱۹.

۲- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۵۴.

برژنسکی، مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه با مقامات عالی رتبه امریکـا و عراق را طراحی کرد. برژنسـکی، صـدام را نیروی تعـدیل کننـده آیـت الله خمینی رحمه الله تلقی می کرد و به همین دلیل، ملاقات محرمانه صدام و برژنسکی در مرز اردن، به منزله چراغ سبز امریکا به عراق برای آغاز جنگ بود.(۱)

بـا شـروع جنـگ، حمـایت هـای همه جـانبه امریکـا و هم پیمانـانش به عراق روز به روز بیشتر می شـد. کمک های اطلاعاتی، تسـلیحاتی، مالی، اعزام نیروی انسانی و حمایت های بین المللی به عراق می شد، که این موضوع در جای خود به بررسـی همه جـانبه ای نیاز دارد. در این بخش، به گوشه ای بسـیار کوچک از این کمک ها اشاره می شود تا از سویی، مظلومیت سـربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف و از سوی دیگر، عنایات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به رزمنده ها بیش از پیش آشکار گردد.

کمـک هـای اطلاعـاتی: در زمینه کمـک هـای اطلاعـاتی، سـرویس هـای اطلاعاتی آمریکا با در اختیار قرار دادن عکس ها و اطلاعات بسیار دقیق از معادن، راه ها، سدها، پل ها، کارخانه ها، پادگان ها و سایر نقاط حساس، کمک قابل توجهی به ارتش متجاوز عراق کردند.

رفیق السامرایی در این زمینه می گوید:

۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آغاز تا پایان، ص۲۳.

من عکس هایی را که به وسیله ماهواره ها از اهـداف نظامی و یا بسیج نیروهای ایران تهیه شـده بود، مشاهده می کردم. ما به راحتی می توانستیم تصویر سربازانی را که در پادگـان هـای آموزشـی ایران در حـال آموزش نظـامی بودنـد، مشاهـده کنیم... هنگـامی که کارخانه های سیمان را بررسـی می کردیم، تعـداد کیسه هایی را که در یک مرحله روی کامیون ها بار می شـد، شمارش می کردیم! ماهواره ها، کلیه تحرکات ایرانی ها در جبهه ها را برای ما زیر ذره بین گرفته بودنـد؛ از حرکت تانک ها، توپ هـا و قـایق هـا در هورهـا و در سواحل، تا جابه جا شـدن قرارگاه ها و ذخیره کردن تجهیزات پل سازی.(۱) من فکر نمی کنم که آمریکایی ها، آن قدر که به ما کمک کرده اند، به هیچ کشور دیگری، حتی به اسرائیل کمک کرده باشند!(۲)

وی در کتـاب خـاطرات خود، درباره کمک های اطلاعاتی شوروی به عراق می گویـد: «ما در مراحل گوناگون جنگ و حتی از سال ۱۹۷۴، اطلاعاتی را درباره ایران از طریق اتحاد جماهیر شوروی دریافت کردیم.»(۳)

او که مسئول اطلاعات ارتش عراق است، درباره کمک های اطلاعاتی کشورهای اروپایی به عراق می نویسد:

۱- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۶.

۲- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۶.

۳- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۷.

در مـوارد متعـددی، سـرویس هـای اطلاعـاتی یوگسـلاوی سـابق، فرانسه، آلمـان غربی، ایتالیـا، اردن، مصـر، کشورهـای خلیج [فارس]، ترکیه، هند و پاکستان، اطلاعاتی درباره ایران را در اختیار ما می گذاشتند.(۱)

کمـک هـای تسـلیحاتی و مـالی: شوروی نیز که در آن زمـان جزء اَبَرقـدرت ها بود، در زمینه کمک های تسـلیحاتی به عراق، کمک های قابل توجهی به عراق داشت:

در نوامبر ۱۹۸۲، تعداد هزار تا ۱۲۰۰ مستشار نظامی شوروی به عراق مراجعت کردند و چهارصد تانک «تی۵۵» و ۲۵۰ تانک «تی۷۲» به عراق تحویل شـد و مقـدار زیادی موشک و تعدادی جنگنده های میگ ۲۵، شناسایی و هلی کوپترهای توپ دار به عراق ارسال گردیـد. ارسال تانک های تی۷۲ به عراق، توان دفـاعی عراق را برای مقـابله با تهاجمات ایران به نحوی چشم گیر تقـویت کرد؛ به گونه ای که برخی از نـاظران، تجهیزات ارسـالی به عراق را صـرف نظر از ابعـاد سیاسـی آن، به لحـاظ نظـامی دارای اهمیت استراتژیکی ذکر کرده اند.(۲)

۱- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۶.

۲- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آغاز تا پایان، ص۷۴.

فرانسه نیز در این نبرد نابرابر، سهم به سزایی داشت. در کتاب آغاز تا پایان آمده است:

فرانسه، نخستین جنگنده بمب افکن میراژ را بلافاصله پس از آزادی گروگان های آمریکایی از ایران (در بهمن ۱۳۵۹) به عراق تحویل داد. دقیقاً ده روز پس از آن که گروگان های آمریکایی ایران را ترک کردند، چهار فروند میراژ فرانسوی با هدایت خلبانان نیروی هوایی فرانسه، وارد قبرس شد و از آن جا توسط خلبانان عراقی به عراق منتقل گردید. پس از آن هم، به تدریج میراژهای فرانسوی در پی سفارش عراق، به این کشور تحویل شد. هم چنین فرانسوی ها با تحویل موشک اندازهای «رولاند»، شبکه دفاع هوایی عراق را تقویت کردند. هم چنین سیزده دستگاه موشک انداز متحرک، علاوه بر سکوهای ثابت به عراق تحویل شد.(۱)

هم چنین یکی از فرودگاه های پیشین ناتو در فرانسه، مرکز بارگیری هواپیماهای نیروی هوایی عراق بود و این هواپیماهای غول پیکر باری، هر روز به این فرودگاه می آمدند و موشک های ساخت فرانسه، بمب خوشه ای، فیوز، تجهیزات رادار و تجهیزات الکترونیکی هواپیما را با خود

۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آغاز تا پایان، ص۷۶.

به عراق می بردنـد. محمـوله هـای تسـلیحاتی فرانسه به عراق آن قـدر زیـاد بود که تقریبـاً از اواسـط سـال ۱۹۸۶ میلادی حتی هواپیماهای غیرنظامی خطوط هوایی بغداد پاریس نیز به حمل جنگ افزار می پرداختند.(۱)

وفیق السامرایی درباره حمایت فرانسوی ها می نویسد:

ورود هواپیماهای «میراژ اف ۱» ساخت فرانسه که در مقایسه با هواپیماهای شوروی، از تجهیزات پیشـرفته تری برخوردار بودند و بهبود وضـعیت موشک های هوا به هوا با سوار کردن موشک های«ماژیک» ساخت فرانسه در اوایل سال ۱۹۸۴، که مجهز به موشک های «اگزوسه هوا – دریا» بودند، نقش بسـزایی در هدف قرار دادن خطوط حمل و نقل دریایی و به ویژه خطوط نفتی ایفا کردند.(۲)

البته کمک های مالی، تسـلیحاتی و اطلاعاتی کشورهای حاشـیه خلیج فارس به عراق، در جریان جنگ تحمیلی، اگر از کمک هـای نظـامی کشورهـای غربی و اروپـایی بیشتر نباشـد، کمتر از آن ها هم نبوده است. وفیق السامرایی درباره کمک های مالی اعراب و اهمیت آن کمک ها می نویسد:

بیش از ۴۵ میلیارد دلار از سوی کشورهای خلیج [فارس] داده شد که بیش از نیمی از آن را عربستان سعودی پرداخت کرد.

۱– مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آغاز تا پایان، ص۱۳۵.

۲– وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۳.

عراق بدون در اختیار داشتن چنین پول هنگفتی، قدرت ادامه جنگ را نداشت. اگر سرازیر شدن کمک های مختلف به سوی عراق نبود، به طور قطع رژیم صدام حسین در سال ۱۹۸۲، یعنی سال شکست های فراگیر، سرنگون گردیده بود.(۱)

بسیاری از کشورهای عربی با ابراز برادری با اعراق، کمک های نظامی شان را به عراق در طی جنگ سرازیر می کردند. این کشورها علاوه بر کمک های اطلاعاتی، تسلیحاتی و مالی به عراق، اقدام به اعزام نیروهای انسانی برای حضور فیزیکی در مناطق عملیاتی می کردند. وفیق السامرایی در این باره می گوید:

کمک هایی که عراق در طول جنگ با ایران دریافت کرد، محدود به جنبه های مشخصی نمی شد، بلکه این کمک ها در همه زمینه های اقتصادی، نظامی و سیاسی بود. یمن، تیپ «العروبه» را در طول جنگ با ایران به عراق فرستاده بود. اردن، نیروی «الیرموک» را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام کرد که در منطقه شرق میسان در خط مقدم جبهه فعالیت می کردند؛ از سوی دیگر، کلیه کشورها جز کره شمالی و گاهی چین و برخی کشورهای عربی، درهای خود را به روی ایران بسته بودند.(۲)

۱- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۳.

۲- وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ص۱۵۹.

حمـایت مجامع بیـن المللی: علاـوه بر کمـک هـای زنجیره ای که به عراق می شـد، بسـیاری از مجـامع بین المللی آشـکارا از تحرکـات عراق حمایت می کردنـد؛ برای نمونه، شورای امنیت سازمان ملل نه تنها در زمینه توقف تجاوز عراق و هم پیمانانش اقـدام قابـل تـوجهی نکرد، بلکه در برابر برخی حرکـات کشـور عراق که کاملاًـ غیرانسـانی و نـاقض حقوق بشـر بود، از جمله حملات مکرر شیمیایی، واکنش چندانی نشان نمی داد.

وجود تحریم هـای بین المللی: بـا وجود این همه حمـایت های مالی کشورها از عراق، مشـکل دیگری که در زمان جنگ برای کشور مـا وجود داشت، تحریم هایی بود که در راسـتای همین برخورد ناجوانمردانه علیه کشورمان وضع شـده بود. بسـیاری از کشورهـا، از فروش مایحتـاج و ادوات نظـامی به کشـور مـا خودداری می کردنـد. مقـام معظم رهـبری در یکی از سـخنرانی ها فرمودند:

مـا یـک بـار می خواستیم برای جبهه ها سـیم خاردار از جایی وارد کنیم. همین شوروی سابق اجازه نـداد ما سـیم خاردار را از داخـل کشورش عبور دهیم و به ایران بیـاوریم. گفت: این وسـیله جنگی است؛ یعنی ادعا این بود که آن ها به دو طرف جنگ کمک نمی کنند؛ این در حالی بود که هواپیماهای روسی، کارشناس روسی، افسر روسی، مواد منفجره روسی و تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن و طرف مقابل ما در این جنگ بود!(۱)

۱- سایت مقام معظم رهبری، بیانات معظم له در دیدار مدیران و هنرمندان دفاع مقدس (۰۶/۰۷/۱۳۷۹).

نوپـا بـودن نظـام جمهوری اسـلامی: علاوه بر موارد مزبور، نوپـا بودن نظـام جمهوری اسـلامی ایران نیز عـاملی بود که بـاعث وسوسه دشـمنان برای حمله به این نظام مردمی شد. دشمنان میهنمان به صراحت بیان می کردند که کشور ایران، توان مقابله با حملات عراق را ندارد؛ برای نمونه، می توان به این جملات اشاره کرد:

تحلیل گران ناتو معتقدنـد، ایران قادر به وارد کردن ضـربه عمـده و یا حتی دفاع منسـجم نخواهد بود. تکنسـین هایی که ۱۶۰۰ دستگاه تانک و ۴۴۷ فروند جنگنده ایران را تعمیر و نگه داری می کردند، از خدمت اخراج شده اند. حدود ۱۴۰هزار سرباز از زمان سقوط شاه ترک خدمت کردند. گفته می شود که نیروی دریایی ایران، نیروی انسانی کافی نداشته است.(۱)

این در حـالی بود که اکثر کسـانی که داوطلبانه وارد جنگ شـده بودنـد، آشـنایی چنـدانی با مسائل نظامی نداشـتند. هم چنین امکانـات نظـامی که در اختیار نیروهای رزمنـده بود، در مقابل امکانات نظامی عراق بسـیار ناچیز بود. اما رزمنـده ها با توجه به این همه تحریم ها و همکاری کشورها با عراق، از همان امکانات موجودی که داشتند، استفاده بهینه می کردند و یا

۱- بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ج۲، ص۱۲۰.

در بسیاری از مواقع، با ابتکارهایی که از خود بروز می دادند، با دشمنان مقابله می کردند.

طلبه جانباز «موسی قمرزاده» در کتاب خاطراتش، درباره کمبود امکانات می گوید:

از جمله نکات ابتکاری این مأموریت، ماجرای یک خمپاره۶۰ بود. یکی از بچه ها از داخل تانک های سوخته و به جا مانده از عملیات رمضان، یک لوله خمپاره۶۰ پیدا کرد و با زحمت زیاد آن را تمیز و آماده کار کرد. آقای ال کجباف (که فرمانده گروهان بود) وقتی متوجه این موضوع شد، خمپاره را گرفت و به من سپرد. این خمپاره تا پایان مأموریت بلای جان عراقی ها و البته من بود. سر یک کلنگ را به عنوان کاسه خمپاره قرار می دادم و لوله را داخل آن می گذاشتم. بعد با یک گونی که دور لوله می پیچیدم، آن را محکم می گرفتم و ال کجباف گلوله می انداخت. چون جای خمپاره ثابت نبود و بعد از چند گلوله، روی دوش من قرار می گرفت و سریع جابه جا می شدیم، هیچ وقت عراقیها جای آن را پیدا نکردند و نتوانستند محل آن را زیر آتش بگیرند.(۱)

۱- موسی قمرزاده، حدیث وصل و هجران، ص۱۱۱.

کمبود امکانات به نحوی بود که در بیشتر مواقع، رزمندگان بسیاری از امکانات مورد نیازشان را از دشمنان غنیمت می گرفتند و علیه عراقی ها استفاده می کردند. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرمایند:

مضحک این است که صدام در ملاقات با ارتشیان خود، که طعم تلخ شکست های خود را از جوانان شجاع ایران چشیده اند و از زاغه های مملو از اسلحه مدرن و مهمات بی پایان فرار کرده اند، گفته است: ما امروز بیشتر از هر وقت دیگر، مجهز به سلاح های پیشرفته هستیم و جنگ را تا سال ها ادامه می دهیم. مطلب او [صدام] نسبت به سلاح های پیشرفته ای که از قدرت ها یا به دریوزگی و یا در برابر اموال مردم بی پناه عراق به دست آورده، مورد تصدیق است، لکن این نویدی است برای رزمندگان ما که بدون از دست دادن مخازن کشور و آبروی خود، این سلاح ها را از چنگال ارتش فراری عراق به دست آورده و علیه آن ها به کار می برند و ما از این شیوه خوش حالیم. اکنون نیز سربازان فداکار اسلام با سلاح ها و خودروها و تانک های دشمن به او می تازند.(۱)

یکی از هم رزمان سردار دلاور اسلام «حاج احمد متوسلیان» در این زمینه نقل می کند:

۱- صحیفه امام، ج۱۸، ص۱۴۴.

کمبود وحشتناک مهمات، نگرانمان کرده بود. نیروهای ناهیدی با نگرانی می گفتند: ما مهمات می خواهیم. با این همه توپی که داریم، توپخانه به اندازه یک شب اول عملیات هم مهمات ندارد؛ کاری بکن! ناهیدی درمانده شده بود. تصمیم گرفت مسئله را به حاج احمد بگوید. آمد و گفت: حاج آقا! این توپخانه فقط به اندازه یک شب مهمات دارد! حاج احمد با خون سردی گفت: «مهمات نداریم یعنی چه؟» و بعد با غیظ ادامه داد: «اصلاً چرا پیش من آمده ای و می گویی مشکل مهمات داریم؟ بروید و مهمات مورد نیاز خودتان را از عراقی ها بگیرید!»... حاج احمد با شناختی که از منطقه داشت و برای این که ناهیدی هم زیاد نگران نباشد، گفت: «شما غمی نداشته باشید. هرچه مهمات دارید، شب حمله مصرف کنید. بعد هم بروید از عراقی ها مهمات خودتان را بگیرید.» شب دوم عملیات، درست هنگامی که از لحاظ مهمات، کفگیر به ته دیگ خورد، خبردار شدیم که گروهان یک از گردان مقداد، موضع توپخانه عراق را تصرف کرده است. بعد از شنیدن این خبر، حاج احمد با خنده به سراغمان آمد و گفت: «خُب، خدا را شکر که مشکل مهمات هم حل شد! حالا بروید مهماتی را که لازم دارید، بردارید.»(۱)

۱- رضا پریزاد، گم شده ای در افق، ص۱۱۰.

با توجه به مطالب بیان شده، آنچه ملت ایران را در مقابل این نبرد بین المللی مقاوم و شکست ناپذیر کرد، اراده خداوند، یاری اهل بیت علیهم السلام و عنایات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. بی شک، هر جا که مردم دست به دست هم بدهند و بخواهند دین خدا را یاری کنند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در عصر ما خلیفه و حجت الهی اند و مدیریت پنهان و گسترده ای دارند، به این اراده ها توجه ویژه ای می کنند. این که کسی خیال کند رزمندگان ما با قدرت و توان خودشان توانستند در مقابل این تهاجم وسیع، ایستادگی کنند، دچار اشتباه شده است. در بسیاری از عملیات، گره های کور با توسل به اهل بیت علیهم السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باز می شد.

۲. سنّ کم فرماندهان و رزمنده ها

از جمله نکات دیگری که نشان دهنده عنایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به رزمنده هاست، سنّ کم فرماندهان و رزمنده های جنگ بود. با نگاهی به زندگی نامه رزمنده ها و شهدا و آمارهایی که در این زمینه ارائه شده است، می توانیم به خوبی به این نکته پی ببریم که بیشترین کسانی که در جبهه های نبرد، حضوری فعال داشتند، نوجوانان و جوانان بوده اند. همین افراد با سنین کم خود، حماسه ها آفریدند، چون می دانستند این جنگ، رویارویی اسلام و کفر است و سرانجام اسلام، پیروز و بساط کفر و شرک برچیده می شود.

آنان عقیده داشتند، پرچم اسلام در آینده ای نه چندان دور، در تمام جهان به اهتزاز در می آید. دلاورمردان عرصه ایثار، شهادت و انتظار، جایگاه

خودشان را در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی می دانستند و برای یاری ایشان، مردانه وارد عمل شدند. آن ها خود را سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند و در این راه، تمام سعی و تلاش خود را به کار بستند و از مصادیق بارز این آیه شریفه شدند:

((إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا))؛(۱) کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان رحمت بر آن ها نازل می شوند و (مژده دهند) که دیگر هیچ ترس و حزن و اندوهی از گذشته خود ندارید.

اگر سنّ و سال فرماندهان جنگ در رده های گوناگون را مورد مطالعه قرار دهیم، این نکته به دست می آید که گردانندگان به ظاهر دسته اول جنگ، بین بیست تا سی سال سن داشته اند؛ برای نمونه، به ذکر چند مصداق می پردازیم؛

سردار «شهید اکبر زجاجی» متولد سال ۱۳۳۸ بود. او در فروردین ماه سال ۱۳۶۲ به مدت چهار ماه معاون عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شد و خدمات ارزنده ای انجام داد. در تاریخ هشتم مرداد ماه سال۱۳۶۲ (در سنّ

۱- فصلت، آیه ۳۰.

۲۴ سالگی)، به سبب رشادت و لیاقتش به قائم مقامی این لشکر منصوب شد و تا آخرین لحظات زندگی اش، در این مسئولیت خطیر انجام وظیفه کرد.(۱)

«شهیدمحسن وزوایی» که در سال ۱۳۳۹ متولد شد، در بیستم آذرماه سال ۱۳۶۰(در سن ۲۱ سالگی) در عملیات «مطلع الفجر»، فرمانده عملیات شد و در آن جا نیز همچون منطقه عملیاتی «بازی دراز» حماسه آفرید. محسن در اسفند۱۳۶۰ با سازمان دهی گردان رزمی در پادگان ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به جبهه های جنوب رفت، و این گردان در دوکوهه به تیپ تازه تأسیس محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیوست. این تیپ، مدتی بعد به لشکر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ارتقا یافت و گردان محسن وزوایی «حبیب بن مظاهر» نامیده شد. گردان حبیب بن مظاهر به فرماندهی او در عملیات «فتح المبین» در نوک پیکان حمله قرار گرفت و در جایگاه گردان خط شکن، سرافرازانه و پرشهامت، به دشمن بعثی یورش برد و خطوط دشمن را در هم شکست. پس از تشکیل تیپ ۱۰ سید الشهدا علیه السلام، فرماندهی تیپ به محسن واگذار شد. تیپ، روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۱ خود را به منطقه عملیاتی «بیت المقدس» رساند. تیپ ۱۰ سید الشهدا علیه السلام و تیپ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای اجرای عملیات بزرگ بیت المقدس در هم ادغام شدند و در این عملیات، فرماندهی محور اصلی، به عهده محسن بود.(۲)

۱- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص۱۵۶.

۲- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص۱۵۱ و ۱۵۲.

اگر بخواهیم یکی از اعجوبه های جنگ را معرفی کنیم، نباید به سادگی از نام «شهیدمصطفی ردانی پور» بگذریم؛ طلبه جوانی که در سنّ ۲۲ سالگی همانند خورشید در آسمان جبهه ها تابید و در نورانی شدن قلوب بسیجیان، تأثیر بسزایی داشت. با پایان یافتن عملیات بیت المقدس، مسئولیت قرارگاه عملیاتی فتح، به مصطفی واگذار شد. این قرارگاه شامل سپاه سوم صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به استعداد چندین تیپ و لشکر مهم عملیاتی بود، که عبارتند از: تیپ ها و لشکرهای ۱۴ امام حسین علیه السلام به فرماندهی شهیدحسین خرازی، تیپ ۸ نجف اشرف به فرماندهی احمد کاظمی، تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب به فرماندهی شهیدمهدی زین الدین، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم علیه السلام (رزمندگان استان چهارمحال و اطراف اصفهان) و تیپ ۲۵ کربلا (رزمندگان شمال کشور)؛ البته مدتی هم تیپ ۲۷ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شامل نیروهای تهران، زیرمجموعه قرارگاه فتح بود. مصطفی که حالا ۲۳ سالگی را به پایان رسانده، به درجه ای از لیاقت رسیده که این مسئولیت (فرماندهی تمامی این تیپ ها و لشکرها) را عهده دار می شود. او در جلسات خود طرح هایی ارائه می داد که فرماندهان دوره دیده ارتش را به حیرت وامی داشت. «سرهنگ نیاکی»، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز، یکی از آن ها بود. این لشکر هم تحت امر قرارگاه فتح بود. او عاشق مصطفی بود. وقتی مصطفی صحبت می کرد، او با دقت بررسی می کرد و نظر می داد. در پایان جلسات هم پای دعا و روضه مصطفی می نشست و ضجه می زد و اشک می ریخت.

او جوان ترین فرمانـده سپاه بود که چنـدین تیپ و لشـکر را فرمانـدهی می کرد؛ البته او فقط فرمانـده جوان سپاه سوم صاحب الزمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نبود، بلکه طلبه ای بود که حتی در اوج درگیری هـا، به مسائل شـرعی پاسـخ می داد و وقـتی به او می گوینـد: این بنـده خـدا[سؤال کننـده] هم وقت گیر آورده، در پاسـخ می گویـد: «وقتی کسـی سؤال شـرعی می پرسد، مخصوصاً از نماز، من دیگر فرمانده نیستم.»

او هم چنین مـداحی بود که بـا توسـل به امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و نـاله های: «یابن الحسن کجایی، آقا چرا نیـایی»، چنان شور و شوقی در نیروها ایجاد می کرد که سـر از پا نمی شـناختند؛ مـداح دل سوخته ای که همیشه یکی از برنامه هـایش پس از جلسه بـا فرمانـدهان، برپـایی مجلس توسل به اهل بیت علیهم السـلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بود.(۱)

فرماندهان دلاور دیگری چون: «شـهید خرازی»، «شـهید علی رضا موحد دانش» و «شهید همت» نیز در سنین پایین به فرماندهی منصوب شده اند.

«شـهیدحسن بـاقری» نـامی آشـنا برای تمـامی کسـانی است که بـا جبهه و جنگ آشـنایی دارنـد. او را می توان یکی از برترین استراتژیست های دفاع مقدس به شمار آورد. وی با وجود سنّ بسیار کمی که داشت، مسئولیت

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶.

سنگین فرماندهی اطلاعات و عملیات رزمی سپاه، بر عهده او بود و در عمر کوتاه، اما پر برکت خویش، منشأ تحولات بزرگی در جنگ بود، تا جایی که یکی از «بهترین نظریه پردازان جنگ» لقب گرفت. مهدی قلی رضایی در کتاب خاطراتش می گوید:

گفتند: قرار است فرمانده لشکر صحبت کند و ما حدث زدیم که خبرهایی هست. دیدن برادر حسن باقری برایمان شگفت انگیز بود. همه می خندیدیم؛ «نگاه کن! این بچه اومده برامون حرف بزنه!» محاسنی بر صورت او نبود و سنّ و سالش خیلی کم بود. باورمان نمی شد که او فرمانده لشکر ۵ نصر باشد.(۱)

هم چنین «شهیدمحمود کاوه» در سنین بیست تا ۲۵ سالگی، رشادت های غیر قابل توصیفی از خود نشان داد. او که متولد سال ۱۳۴۰ بود، در سال ۱۳۶۲ پس از شهادت «شهید بروجردی»، فرماندهی تیپ ویژه شهدا به او سپرده شد و در عملیات های: بدر، قادر و والفجر ۹، صحنه های غرور آفرینی خلق کرد. او سرانجام در عملیات کربلای ۲، در شهریور سال ۱۳۶۵ بر اثر اصابت ترکش خمپاره، به فیض شهادت رسید.

۱- معصومه سپهری، لشکر خوبان، ص۳۹.

علاوه بر فرماندهان جنگ، بیشتر کسانی که وارد میدان نبرد شدند، در سنّ کم و در بهار عمر خود بودند. سطر سطر صحیفه حضور جان بر کفان جبهه های جنوب، پر است از داستان ها و خاطراتی که برخی از مشتاقان ایثار به خاطر سنّ کم، اجازه رفتن به جبهه را به آن ها نمی دادند. شور و حال و آتش عشقی که در دل آنان شعله ور شده بود، به آنان اجازه ماندن در شهر و دیار را نمی داد و به هر نحوی که بود، می خواستند خودشان را در خیل سپاهیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهند. بسیاری از افرادی که کم سن و سال بودند، در شناسنامه هایشان دست برده و یک شبه شانزده ساله می شدند، تا مشکل سنی خود را حل کنند!

امثال «حسین فهمیده»، «بهنام محمدی« و «مسعود کمالی نیا»ی سیزده ساله، در جای جای جبهه ها بسیار زیاد بودند؛ جاذبه معنوی نایب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قلوب عاشق آنان را با امام زمانشان آشنا کرده و آنان را به آن وادی مقدس کشانده بود. طبق آمار، سنّ ۷۲ درصد از شهدا، بین ۱۶ تا ۲۵ سال است و بیشترین تعداد شهدا از جهت سن، بیست ساله ها هستند.(۱)

هرچند نوجوان بودند، قلبشان آن قدر بزرگ بود که دنیا، با تمام جاذبه ها و جلوه های رنگارنگش در وجودشان گم شده بود؛ زمینیانی که آسمانیان را

۱- محمد رضا بابایی، ماجرای هشت سال دفاع مقدس، ص۱۸۱.

غرق تعظیم و تجلیل خود کرده بودند؛ کفن پوشانی که حضور جوان مردانه آنان در صحنه های جنگ، ما را به یاد این حدیث زیبای امام علی علیه السلام می اندازد که می فرمایند:

أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَ أَقَلُّ الزَّادِ الْمِلْحُ؛(۱) یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جوانند و کهن سالان در میان آنان کمند؛ مانند سرمه در چشم و نمک در زاد و توشه، که کمترین قسمت غذا، نمک است.

۱- شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۴۶.

بخش دوم: زمینه سازان

اشاره

فصل اول: دفاع مقدس و زمینه سازانی برای ظهور

اشاره

از دیگر پیوندهای دفاع مقدس و فرهنگ مهدویت، زمینه سازی و فراهم کردن مقدمات ظهور منجی عالم بشریت است. «زمینه سازی» به معنای مقدمه چینی، آماده کردن استعداد، اعداد زمینه و تهیه مقدمات برای منظور و هدفی است.(۱)

دوران دفـاع مقـدس بـا تـأثیرات بسـزایی که در منطقه و عرصه هـای مختلف بین المللی داشت، معادلات جهانی را به سـمت و سویی دیگر سوق داد و بیش از پیش، زمینه هـای ظهور امـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را فراهم کرد. رشـادت ها، دلاوری ها و از خود گذشتگی هایی که در طول هشت سال دفاع مقدس به وقوع پیوست، جمهوری اسلامی ایران را به قدرتی تبـدیل کرد، تا صـدای اسـلام ناب و طنین نـدای منجی خواهی را به گوش دیگر جهانیان برساند، برای قدرت های زمینه سوز، محدودیت ایجاد کند و به تمامی کسانی که در صدد زمینه سازی حکومت صالحان هستند، نوید پیروزی بدهد.

حتمی و جهانی بودن قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

با نگاهی به متون دینی می توان به این نتیجه رسـید که در آینـده ای نه چنـدان دور، شاهـد قیامی مقـدس به رهبری امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم که تمامی ابعاد

۱- لغت نامه دهخدا، ج۲۴، ص۴۵۷.

زندگی بشری را در بر می گیرد. تصریح متون دینی در این زمینه، آن قدر فراوان است که این قیام را جزء مسلّمات و قطعیات تاریخ آینده بشریت قرار داده است. نه تنها متون دینی اسلامی، بلکه اکثر قریب به اتفاق ادیان و مذاهب، منتظر قیامی حتمی، به رهبری مردی آسمانی هستند.

طبق تحقیقی در کتب مقدس، دست کم چهل نام و لقب برای «موعود» به دست آمده که با معنا و القابی که معصومان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود ه اند، تفاوت چندانی ندارد؛(۱) هم چنان که وعده آمدن آن حضرت، به تمامی امت ها داده شده است:

السَّلَامُ عَلَی الْمَهْدِیِّ الَّذِی وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَمَ أَنْ یَجْمَعَ بِهِ الْکَلِمَ وَ یَلُمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَ یَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا؛(۲) سلام بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف! آن که خدا وعده او را به امت ها مژده داده است، که با او اتحاد و یگانگی را برقرار و پراکندگی ها را برطرف می کند.

طبق آموزه های دین اسلام و به خصوص مکتب تشیع، این قیام دارای دو ویژگی مهم: «حتمی» و «جهانی» بودن است و به یقین، مشرق و مغرب عالم را در بر می گیرد. قرآن کریم در این باره می فرماید:

۱- محمد امینی گلستانی، سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۳۵.

۲- ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بلد الأمین، ص۲۸۶.

((وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ))؛(۱) و به تحقیق، در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته ام، وارث [حکومت] زمین خواهند شد.

و یا این که در بسیاری از روایات، عبارت: «یملأ الأرض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما»(۲) بسیار به چشم می خورد، که نشان دهنده جهانی بودن قیام و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

نیازمندی حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به زمینه سازی

قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که حتمی و جهانی است، به یقین، به زمینه سازی و مقدمه چینی نیاز دارد و باید برای بیداری ملت ها و آماده کردن آنان، به خصوص ملت های مسلمان، اقداماتی صورت گیرد تا زمینه های پذیرش عمومی آن حکومت مقدس فراهم گردد.

تحولات بزرگ اجتماعی همواره نیازمند مقدماتی است تا در سایه آن بتواند بر لایه های گوناگون جوامع بشری، تأثیر گذار باشد. قیام و انقلاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها از این قائده مستثنا نیست، بلکه چون در مقیاسی جهانی صورت می گیرد، به طریق اولی نیازمند زمینه سازی و مقدمه چینی است.

۱- انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۱۰.

روایات بسیاری که به زمینه سازی برای چنین حکومتی سفارش کرده اند، گویای این مطلبند که امر ظهور، خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی های لازم محقق نمی شود و نیازمند فعالیت ها و برنامه ریزی های مدونی است تا بسترهای مناسبی برای تشکیل حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آید.

در منابع روایی اسلامی اعم از منابع شیعه و اهل سنت، به ضرورت این مقدمه چینی اشاره شده است. این که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «یَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَیُوَطِّئُونَ لِلْمَهْدِیِّ یَعْنِی سُلْطَانَه»؛(۱) مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه های حکومت مهدی را فراهم می کنند، نشان دهنده این مسئله است که عده ای با تلاش و کوشش خود، زمینه های قیام و حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می کنند و در پرتو این زمینه سازی ها، نظام بشری با تحول بزرگی مواجه خواهد شد.

در این زمینه، روایات متعددی وجود دارد که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود؛

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَیُعِدَّنَّ أَحَدُکُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْما...؛(۲) باید هرکدام از شما برای خروج قائم، آمادگی پیدا کند، اگرچه با تهیه کردن یک تیر باشد.

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص۴۷۷ و ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۸.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰.

بشیر نبال می گوید: خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم:

إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَ الْمَهْدِىَ لَوْ قَامَ لَاسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْواً وَ لَا يُهَرِيقُ مِحْجَمَهَ دَم فَقَالَ كَلَّا وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْواً لَاسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم حِينَ أُدْمِيَتْ رَبَاعِيَتُهُ وَ شُجَّ فِى وَجْهِهِ كَلَّا وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛(۱) مردم می گویند: چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به اندازه حجامت، خون نمی ریزد. فرمود: «هرگز چنین نیست. به خدای جان آفرین سوگند، اگر قرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درست می شد، هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان آفرین سوگند، کار درست نخواهد شد تا این که ما و شما در عرق و خون غرق شویم». آن گاه به پیشانی خود دست کشید.

این حدیث به روشنی بیان می کند که قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با سختی هایی رو به روست و در ابتدای شروع قیام، افرادی به مخالفت برمی خیزند؛ لذا هرچه مقدمه سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر باشد، اقبال بیشتری به قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان داده می شود.

۱- نعمانی، الغیبه، ص۲۸۴.

شهید مطهری در این باره می نویسد:

در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن حضرت می پیوندند. آشکار است که این گروه ابتدا به ساکن، خلق نمی شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی شوند، [بلکه] معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ستم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین زبده هایی را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه فقط حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه بر فرض اگر اهل حق از نگاه کمّیت قابل توجه نباشد، از نگاه کیفیت ارزنده ترینِ اهل ایمانند.(۱)

زمینه سازان تلاش می کنند تا توجه نظام بشری را به سمت فرهنگ منجی باوری و مهدی یاوری سوق دهند و نام مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر سر زبان ها بیندازند؛ مردم دنیا را تشنه معارف اسلامی کنند؛ بشر را که در به سمت هلاکت و تباهی می رود، متوجه اشتباهش نمایند و کام تشنه آنان را با معارف ناب معنویت و مهدویت سیراب کنند.

زمینه سازان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان منتظران راستینی اند که غرق در معرفت و شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود شده و با این شناخت عمیقشان، به

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۶۵.

وظایف خود عمل می کنند؛ شناخت عمیقی که در اعضا، جوارح، حرکات و سکنات آنان به خوبی ظهور و بروز دارد. رفتار و گفتارشان، همواره مردم را به سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می کند و با فعالیت های بی دریغ خود، زمینه های قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیش از پیش فراهم می کنند.

آنان مروج فرهنگ مهدویت و آماده کننده قلوب جهانیان برای برپایی حکومت مهدوی اند و با اراده های قوی و اقدامات عدالت خواهانه، دل های جهانیان، به ویژه مستضعفان و محرومان را برای ظهور و قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می کنند.

ایرانیان؛ قوم زمینه ساز

بسیاری از روایات مهدویت، به نشانه های آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص یافته است. یکی از این نشانه ها، ایجاد حکومت دینی و زمینه سازی در مشرق است که پیش از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افکار عمومی دنیا را برای تشکیل آن، آماده می کنند.

درباره ایرانیان و نقش آنان برای زمینه سازی ظهور، سخنان جالبی در روایات وجود دارد. و بدیهی است که در میان گروه های زمینه ساز، پرجنب و جوش ترین فعالیت ها و بیشترین تأثیرها در روند استقرار حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را، ایرانیان بر عهده دارند.

در روایـات پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و معصومـان علیهم السـلام، این حقیقت به خوبی روشن است که ایرانیـان، زمینه سـازان ظهور آخرین ذخیره خداونـد روی زمیننـد؛ آنـان قومی انـد که اراده شـان در هم گره خورده و زمینه هـای ظهور آخرین حجت خداونـد را به وجود می آورنـد. در این زمینه، از ایرانیـان با عناوین متعـددی یاد شـده است، که برخی از آن ها عبارتنـد از: «قوم سـلمان»، «قومی از مشـرق»، «اهـل قم»، «پرچم هـایی از مشـرق»، «پرچم هـای سـیاه»، «مردمی از طالقان»، «اهل سبلان» و... . در این جا به برخی از این روایات اشاره می شود.

ابو خالد کابلی از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

کَأَنِّی بِقَوْمٍ قَدْخَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ یَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا یُعْطَوْنَهُ ثُمَّ یَطْلُبُونَهُ فَلَا یُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِکَ وَضَعُوا سُیُوفَهُمْ عَلَی عَوَاتِقِهِمْ فَیُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَایَقْبَلُونَهُ حَتَّی یَقُومُوا وَ لَایَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَی صَاحِبِکُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّی لَوْ أَدْرَکْتُ ذَلِکَ لَاسْتَبْقَیْتُ نَفْسِی لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْر؛(۱) گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده و حق را می طلبند و بدیشان داده نمی شود، ولی از پای نمی نشـینند؛ از این رو، سـلاح در دست می گیرنـد. در نتیجه، آنچه می خواسـتند بدیشان داده می شود، اما نمی پذیرند تا آن که قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۱- نعمانی، الغیبه، ص۲۷۳.

تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند.هان! اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم.

هم چنین از امام کاظم علیه السلام روایت شده است:

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ لَا تُزِلُّهُمُ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛(۱) مردی از اهالی قم، مردم را به حق فرامی خواند؛ گروهی که دل های آنان چون پاره های آهن است، گرد او جمع می شوند. طوفان های سخت آنان را نمی لرزاند، از جنگ خسته نمی شوند، بیمی به خود راه نمی دهند، بر خدا توکل می کنند و عاقبت از آنِ پرهیزکاران است.

هم چنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

تَجِيءُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَرُ الْحَدِيدِ فَمَنْ سَمِعَ بِهِمْ فَلْيَأْتِهِمْ فَبَايَعَهُمْ وَ لَوْ حَبْواً عَلَى الثَّلْجِ؛(۲) افرادی با بیرق های سیاه از ناحیه مشرق می آیند که دل های آنان مانند قطعه های فولاد، محکم است. پس هرکس قیام آنان را شنید، برای بیعت به سوی آنان بشتابد؛ هرچند لازم باشد با سینه روی برف برود.

۱- بحارالانوار، ج ۵۷، ص۲۱۶.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص۴۷۳.

هم چنین نقل شده است: هنگامی که این آیه شریفه: ((فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّيارِ وَ كانَ وَعْداً مَفْعُولًا)) نزد امام صادق علیه السلام خوانده شد، ایشان در تفسیر این آیه، سه بار فرمودند: «وَ اللَّهِ أَهْلُ قُمَ»؛ به خدا سوگند، آنان اهل قم هستند.(۱)

هدف انقلاب اسلامی؛ زمینه سازی برای قیام جهانی

اندیشه نجات از بی عدالتی و ظلم و جور، از ابتدای تشکیل جوامع بشری و در طول تاریخ، وجود داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام نیز یکی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی را اجرای همین اندیشه دانسته اند.

در دوران ما نیز، امام خمینی رحمه الله با بیانات پیامبر گونه خود، روح تازه ای در کالبد جامعه بشری دمیده و این اندیشه را بیش از پیش تبیین کردند. در واقع، هدف از تشکیل قیام و شروع مبارزات مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله ، این نبود که فقط از شرّ حکومت شاهنشاهی خلاصی پیدا کنند و به دنبال آن، حکومتی تشکیل داده و در سایه آن به نان و نوایی برسند؛ هدف از شروع مبارزه و قیام و تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد زمینه های

۱- بحارالانوار، ج ۵۷، ص۲۱۶.

قیام و انقلاب جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نجات بشر از بی عدالتی و ظلم و جور بود. این که شعار «نه شرقی، نه غربی» دلاورمردان ایرانی، خواب جهانیان را آشفته کرده بود، به این معنا بود که نظام های غربی و شرقی نمی توانند بشر را به سعادت و کمال برسانند.

امام راحل رحمه الله در بیانات متعددی به این حقیقت اشاره کرده که هدف از انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در ایران، زمینه سازی برای حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این که ایشان همواره از صدور انقلاب سخن می گفتند، به این معنا بود که تمامی ملت های دنیا، با اهداف قیام مقدس مردم ایران زمین آشنا شوند و در راستای زمینه سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گام بردارند.

اگر امام راحل جمله معروف: «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» را بیان فرمود، مقصود ایشان فقط جنگ نبود، بلکه به این معنا بود که تا آن جا که قدرت دارید، تلاش و مجاهدت کنید تا این فتنه از عالم برداشته شود و صلح، آرامش و عدالت، در عالم حکم فرما شود و همه عالم آماده آمدن حضرت گردد؛ به عبارت دیگر، چشم اندازی که امام خمینی رحمه الله برای نهضتش ترسیم کرد، زمانی محقق می شود که تمامی ملت ها، آماده ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شوند، و در پرتو این آمادگی است که امر ظهور محقق می شود.

در این جا به برخی از بیانات امام خمینی رحمه الله ، که گویای این چشم انداز است، اشاره می شود:

ان شاء اللَّه، اسلام را به آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و [این] مقدمه باشد برای ظهور ولیّ عصر ارواحنا فداه (۱).

بحمداللَّه تعالی، این مولود [انقلاب] نوپای ابراهیمی محمدی صلی اللَّه علیهما و آلهما به رشد و قدرت و شهرت خود ادامه داده، به پیش می رود و انعکاس جهانی آن، ملت های دربند را در سراسر جهان به خود آورده و مظلومان را بر ستمگران شورانده است، و امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نور افشاند و مقدمات ظهور منجی بشریت را فراهم آورد!(۲)

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، به سیطره و سلطه و ظلم

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص۲۶۲.

۲- صحیفه امام، ج ۱۹، ص۱۴۶.

جهـان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خـدا، راه را برای ظهور منجی مصـلح کل و امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فـداه هموار می کنیم.(۱)

مسئولان مـا بایـد بداننـد که انقلاب ما محـدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شـروع انقلاب بزرگ جهان اسـلام به پرچم داری حضـرت حجت ارواحنافداه است، که خداوند بر همه مسـلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصـر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی، تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن ها را از اهداف عظیم انقلاب، که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.(۲)

۱- صحیفه امام، ج ۲۰، ص۳۴۵.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص۳۲۷.

شهدا؛ زمینه سازان انقلاب جهانی

شهدای گران قدر نیز که اکثراً در متن انقلاب و حوادث تلخ و شیرین آن بودند، با بروز جنگ تحمیلی و به خطر افتادن انقلاب اسلامی، راهیِ جبهه ها شدند تا از این انقلاب زمینه ساز، حمایت کنند.

امام خمینی رحمه الله با آگاهی، بصیرت و شجاعتی که داشت، کم کم مردم ایران را به سمت انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی، دعوت کرد تا زمینه های انقلاب اسلامی مهدوی را فراهم کند. او همه عاشقان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نظر فکری رهبری کرد و به آن ها آموخت که منتظر پیروزی نهایی باشند؛ البته نه این که معجزه ای بشود و کارها خود به خود اصلاح گردد، بلکه باید خون دل خورد و استقامت کرد.

همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، امام کاظم علیه السلام در روایتی به این واقعیت اشاره کرده اند:

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ یَدْعُو النَّاسَ إِلَی الْحَقِّ یَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ کَزُبَرِ الْحَدِیدِ لَا تُزِلُّهُمُ الرِّیَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا یَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا یَجْبُنُونَ وَ عَلَی اللَّهِ یَتَوَکَّلُونَ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ؛(۱) مردی از اهالی

۱- بحار الانوار، ج ۵۷، ص۲۱۶.

قم، مردم را به حق فرامی خواند؛ گروهی که دل هایشان چون پاره های آهن است، گرد او جمع می شوند. طوفان های سخت آنان را نمی لرزانند، از جنگ خسته نمی شوند، بیمی به خود راه نمی دهند، بر خدا توکل می کنند و عاقبت]نیک[از آنِ پرهیزکاران است.

هرچند نمی توان به صورت قطعی ادعا کرد، همه روایاتی که درباره زمینه سازان و قیام مردم ایران در منابع روایی بیان شده، بر قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله صدق می کند، ولی از زمان غیبت صغری تا کنون، هیچ جنبشی در ایران نتوانسته است به این اندازه، در زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اثرگذار باشد.

حتی مقایسه تمامی جنبش های ایرانی شیعی، با انقلاب اسلامی قابل خدشه است؛ از این رو، احتمال این که مراد از «دولت زمینه ساز»، انقلاب اسلامی ایران باشد و تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم یابد، بسیار است. حجت الاسلام علی کورانی، که از محققان برجسته مباحث مهدویت است، در این باره می گوید:

روایات، تاریخ وجود این مرد را مشخص نکرده اند، ولی در تاریخ قم و ایران، چنین شخصیت و یارانی دارای این صفات برجسته، قبل از امام خمینی رحمه الله و یارانش بی سابقه بوده است... .

گـاه گفته می شود: درست است که در تاریـخ قم و ایران، ظـاهر شـدن چنین مرد وعـده داده شـده ای را با یارانی دارای چنین صفات برجسته، کسی سراغ نداشته است...، اما دلیلی هم نـداریم که این روایت، منطبق بر امام خمینی رحمه الله و یاران وی باشد؛ شاید منظور، مرد دیگری باشد که در عصـر و زمان ما ظاهر خواهد شد و یا این که بعد از مدتی طولانی یا کوتاه خواهد آمد... .

پاسخ: آری، درست است که در روایت، آن گونه که بیان کردیم، زمان این پیش آ مد روشن نشده است، اما مجموعه صفاتی که در روایت آمـده، به علاوه آنچه در روایـات متعـدد دیگر درباره قم و ایران وارد شـده، موجب اطمینان به این معناست که مراد از صـفات یادشـده، امـام خمینی رحمه الله و یـاران وی است... . بنـابراین، اگر پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و امامان علیهم السـلام از حادثه و پیش آمدی خبر دادند که منطبق بر وضع موجود باشد، معقول نیست از آن چشم پوشی کرد و آن را بر قضـیه و حادثه ای مشابه آن، یا واضـح تر که وعده پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و اهل بیت او بر آن منطبق شود، حمل نماییم.(۱)

به هر حـال، گرچه شواهـد فراوانی وجود دارد که این احتمـال را قوّت ببخشـد، ولی به صورت قطعی نمی توان ثـابت کرد که منظور از حکومت

۱- علی کورانی، عصر ظهور، ص۲۲۲.

زمینه ساز، انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی رحمه الله است؛ بنابراین، ما مدعی نیستیم که قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله ، همان قیام و حرکتی است که در روایات به آن تصریح شده است. گفتنی است، این ادعا باید در تحقیق جداگانه ای مورد بررسی قرار گیرد.

بسیار واضح و روشن است که رزمنده ها در جبهه های جنگ، در راه رضایت خداوند و یاری دین و اهل بیت علیهم السلام گام بر می داشتند. آنان این باور را داشتند که قیامشان، همان قیامی است که به واسطه آن، زمینه های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می شود.

شهدا و رزمندگان معتقد بودند، برای برپایی حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باید تلاش کنند و زمینه های ظهورش را فراهم نمایند. آنان همچون پاره های آتش بر دامن پلید ستم کاران فرود می آمدند؛ نه تنها طوفان های حوادث آن ها را از پا در نمی آورد، بلکه خودشان طوفان به پا می کردند. آنان اعتقاد داشتند، هر قطره خونی که از آنان بر زمین می ریزد، زمین و زمینیان را مهیای آمدن امامشان می کند و در این ادعای خود، سر از پا نمی شناختند.

سیدِ شهیدان اهل قلم «سیدمرتضی آوینی» می گوید:

تو گویی آن زمان که این حدیث مبارک بر زبان امام موسی ابن جعفر جاری شده تا کنون، تاریخ قرنها فاصله

را در یـک چشم بر هم زدن پیمـوده است و تـو امروز تحقـق فرمـایش آن بزرگوار را در برابر چشم می بینی. خوب نگـاه کن: اینها همین قوم هستند.(۱)

هم چنین می گوید:

این برادران که تاریخ آینده کره زمین را با دسـتهای قدرتمند خویش که تجلی اراده حق است می نویسند، همان ها هستند که در آن حدیث مشهور به «پاره های آهن» توصیف شده اند: «کَزُبَرِ الْحَدِیدِ».(۲)

شهـدا از احادیث پیش گفته این چنین برداشت می کردند که امام خمینی رحمه الله ، همان مرد وعده داده شده است؛ به همین دلیل، برّنده تر از آهن بودند و در مقابل این همه سـلاح های مدرن و تجهیزات پیشـرفته و پولادین، مقاومت کردند و دل های آهنینشان، بر آن همه سلاح آهنی، پیروز شد. طوفان های سخت خمپاره ها، قناسه ها، تانک ها، توپ ها و انواع بمب ها و مین ها، دل های آنان را نمی لرزاند و چون کوه اسـتوار بودند. آن ها از جنگ خسـته نمی شدند و در راه مقابله با دشمنان اسلام و امـام زمانشـان، ترسـی به خود راه نمی دادنـد، چراکه خود را مقـدمه سـاز ظهور امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می دانستند.

۱- سید مرتضی اوینی. گنجینه آسمانی، ص ۱۰۴.

۲- سید مرتضی اوینی. گنجینه آسمانی، ص ۱۵.

بخشی از سخنان «شهیدمصطفی ردانی پور» که در جمع رزمنده ها بیان شد، گویای این نکته است:

شما می دونید مسئول چی هستید؟ مسئول زمینه سازی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیج مردم، گسترش حکومت اسلامی و برداشتن موانع راه اسلام هستید. پیامبر ما می فرمایند: خداوند، عده ای را در مشرق زمین انتخاب کرده، ذخیره کرده و این ها از ورزای امام زمانند... امروز با افرادی سر و کار داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شوق دیدار آن ها گریه می کند و می فرماید: خدایا! حالا ـ که زنده نیستم آن ها را زیارت کنم، آن ها را ملاقات کنم، در روز قیامت چشمان من را به جمالشان نورانی کن. این ها همین ها هستند؛ همین بچه ها هستند. خدا امروز به ما خیلی توفیق داده.(۱)

بسیاری از شهدا در وصیت نامه خود به این نکته اشاره کرده اند، که به برخی از آن ها اشاره می شود؛

«شهیدبهمن(حمزه) شریفی» در بخشی از مناجات نامه ای که شب قبل از شهادتش نوشته، با خداوند این گونه راز و نیاز می کند:

خدا! چه شد مرا دریافتی؟ شاید توسلم به مولایم حسین علیه السلام و اشک ریختن بر مصائب حسین علیه السلام، روح مرا جلا داد! فقط واقفم که عاشقم و دریافتم که مرا دریافتی... می دانی که قصد ما از

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۱۹۹.

این قیام، مهیا نمودن راه مولایمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و قتال تا محو تمامی اشرار داخلی و خارجی.(۱)

«شهید حسین علی فرخ روز» نیز این چنین می گوید:

ای خمپاره ها و گلوله ها! بـدنم را سوراخ سوراخ کنیـد تا شاید قطره های خونی که از بدنم بر زمین ریخته می شود، فرج مولا و فرمانده ام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک گرداند.(۲)

«شهید رضا هاشمی» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

آگاه باشید! وظیفه شما صیانت از اسلام عزیز است. ما همه وظیفه داریم این انقلاب را، با رهبری الهی که دارد، به اقصی نقاط جهان صادر کنیم و مقدمه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آوریم.(۳)

بخشی از وصیت نامه «شهید محسن اسماعیل زاده» نیز چنین است:

بـا حمـد و ثنـای خداونـد متعـال که ما را لیاقت بخشـید در این برهه از زمان قرار بگیریم، تا شایـد بتوانیم از زمینه سازان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاوران امت باشیم.(۴)

۱- توکلی، یعقوب، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج۱، ص۳۴۹.

۲- سالم جعفری، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهدا، ص۱۹۴.

۳- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر بیست و یکم، ص۲۳۸.

۴- ابوالفضل سبزی، روح شهید، ص۱۲۳.

هم چنین «شهیدشیر علی سلطانی» در بخشی از وصیت نامه اش این طور می نویسد:

اگر ریخته شدن خون ناقابل من، فرج مولایم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک تر می کند، پس ای خمپاره ها! بر من ببارید و خونم را بریزید.(۱)

«شهیدمحمدحسین یوسف الهی» در وصیت نامه اش این طور سفارش می کند:

ای خواهران و برادران عزیز! شما باید رسالت امام خمینی رحمه الله را زینب وار و حسین وار به دوش بکشید و از عهده آن به خوبی برآیید و چون پتک بر سر دشمنان داخلی و خارجی فرود آیید و خون ما را همچون رودی خروشان سازید، تا به دریای حکومت عدل حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برسید.(۲)

«شهیدمحمد رضا شفیعی» مورد عنایات ویژه اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او در «کربلای ۴» مجروح و سپس اسیر شد. یازده روز او را به همین وضع نگه می دارند. بعد به او می گویند: باید به امام توهین کنی! او هم فریاد می زند: «مرگ بر صدام!» بعثی ها آن قدر او را می زنند تا به شهادت

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۸۵.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ (استان کرمان)، ج۱، ص۷۲۴.

می رسد. پیکر او را در قبرستانی در نزدیکی کربلا ـ به خاک می سپارند. بعد از شانزده سال که قرار شد اجساد ایرانی ها و عراقی ها با همدیگر معاوضه شود، پیکر او را از خاک خارج کردند؛ بدن او بعد از این همه سال، سالم مانده بود! بعثی ها سه ماه پیکر او را در آفتاب رها کردند تا پوسیده شود. آهک و مواد فاسد کننده دیگری روی پیکرش ریختند، اما بدنش سالم مانده بود!

پیکر پاک این شهید، سندی برای اثبات مظلومیت سربازان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تبدیل شده است. هنگام تبادل اجساد، وقتی فرمانده عراقی جسد او را تحویل می داد، گریه می کرد و می گفت: «خدا از تقصیرات ما بگذرد!»

این شهید عزیز در فرازی از وصیت نامه اش می نویسد:

سفارش من به کسانی که این وصیت نامه را می خوانند این است که: سعی کنید یکی از افرادی باشید که همیشه سعی در زمینه سازی برای ظهور صاحب الامر دارند و بکوشید اول خود و بعد جامعه را پاک سازی کنید و دعا کنید که این انقلاب، به انقلاب جهانی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل شود.(۱)

۱- گروه فرهنگی هنری شهید ابراهیم هادی، پنجاه سال عبادت، ص۱۲۴و۱۲۶.

هم چنین «شهید حسین حق نظری» در قسمتی از وصیت نامه اش می نویسد:

پس شما باید عاشقانه به سوی جبهه ها، این رحمت بزرگ الهی بشتابید و با خون گرم خود، حرکتی دیگر به پیکره اسلام بدهید که ثمره این خون ها، تعجیل ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت عدل جهانی به دست این رهبر بزرگ باشد.(۱)

پس از گذشت قرن ها از ظهور دین اسلام، متأسفانه این دین آسمانی، از مسیر اصلی خود منحرف شد و به دست دشمنان افتاد؛ تا جایی که جهانیان، این دین سرشار از پاکی را به نام اسلام اموی و وهابی می شناسند! اما انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس، صدای اسلام محمدی را به گوش جهانیان رساند؛ حماسه سازان هشت سال دفاع مقدس، مقدمات سال های خیر و برکت را که با آمدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود، فراهم کرده اند. ملت ایران نیز افتخار می کند که با مجاهدت ها و رشادت های شهدا و رزمندگان، بر افکار عمومی دنیا اثر گذار بوده و هدف امام و شهدا، تحقق پیدا کرده است.

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاوادنه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۱۶۳.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

چه کوته نظرند آن هایی که خیال می کنند چون ما در جبهه ها به آرمان نهایی نرسیده ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی فایده است! در حالی که صدای اسلام خواهی آفریقا، از جنگ هشت ساله ماست؛ علاقه به اسلام شناسی مردم در کل جهان، از جنگ هشت ساله ماست.(۱)

۱- صحیفه امام، ج۲۱، ص۲۱۴.

فصل دوم: شهدا، بهترین الگوی منتظران

ضرورت داشتن الگو در زندگی

واژه «الگو» به معنای مـدل، سـرمشق، مقتدا، اسوه و... به کار رفته است.(۱) در مباحث تربیتی، به کسـی الگو گفته می شود که به دلیل برتری ویژه اش در بسیاری از ابعاد زندگی و یا برخی از زمینه های خاص، خصوصـیات و توانمندی هایی داشـته باشد که از دیگر افراد برجسـته تر و موفق تر است و در جایگـاهی بالاـتر از عموم جامعه قرار دارد؛ از این رو، راه و روشـی که برای رسیدن به این پیشرفت ها و موفقیت ها در پیش گرفته است، مورد توجه عموم قرار می گیرد.

اگر شخصـی بخواهـد در مسـیری که برای زندگی اش انتخاب کرده، موفق باشد و به اهدافش برسد، ناچار است از کسانی که در راه رسـیدن به آن هـدف گام برداشـته و موفق بوده انـد، درس بگیرد و آنان را الگو و سـرمشق قرار دهـد؛ به عبارت دیگر، شخص موفق همواره از مدل رفتاری اشخاص موفق، در زندگی خود الگو برداری می کند.

۱- لغت نامه دهخدا، ج۷، ص۷۷.

ضرورت الگوهای مناسب در زندگی

با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است، رفتارهای دیگران روی او تأثیر می گذارد، و تأثیر پذیری از رفتارهای مثبت، مستلزمِ داشتن الگوهای مناسب است. هرکسی ممکن است در یک یا چند زمینه خاص، توانایی ها و برتری هایی بر دیگران داشته باشد و در بقیه زمینه ها این گونه نباشد؛ اما برخی الگوها دارای ویژگی هایی هستند که در تمامی ابعاد می توان از آن ها سرمشق گرفت. این عده، همان انبیا و معصومان علیهم السلام هستند؛ کسانی که دارای مقام عصمتند و از تمامی خطا ها و لغزش ها دورند.

غیر از این انسان های وارسته، افراد دیگری نیز هستند که آن قدر به راه و هدف خود ایمان داشته اند که به مقام عصمت نزدیک شده اند؛ انسان هایی که اندیشه و رفتار آنان به سمت زشتی ها و پلیدی ها متمایل نمی شود.

برخی دیگر نیز دارای نقاط بسیار برجسته و مثبتی در زندگی خود هستند که آنان را به الگویی برای افراد جامعه معرفی کرده است. البته چون معصوم نیستند، شاید برخی از صفات و ویژگی های منفی نیز در زندگی آنان دیده شود، اما این صفات منفی بسیار کم رنگند و ضرری به الگو بودن آن ها نمی زنند؛ در واقع، دیگران باید از نکات مثبتشان الگو بگیرند و به نکات منفی زندگی شان توجه نکنند.

بنابراین، تمام کسانی که الگو شناخته می شوند، در یک سطح نیستند و با هم تفاوت هایی دارند؛ از این رو، سزاوار است در انتخاب الگوها، بهترین ها انتخاب شوند.

شایان ذکر است، افرادی که الگو هستند، همانند بقیه افراد جامعه اند؛ با این تفاوت که هدف خود را شناخته و در راه رسیدن به هدف خود، تلاش کرده اند. آنان انسان های معمولی هستند و از راه های عادی، در راه رسیدن به هدفشان گام برداشته اند.

بدیهی است که داشتن الگویی مناسب آثار و برکات بسیاری دارد؛ از مهم ترینِ این فواید عبارتند از: برخورداری از تجربه دیگران، در امان ماندن از سرگردانی، بروز استعداد ها و خلاقیت های شخصی و نهفته در فرد، به حد اقل رسیدن اشتباهات، زودتر به هدف رسیدن و ... .

به نظر واضعان نظریه «یادگیری اجتماعی»، مهم ترین نوعِ یادگیری انسان، یادگیری مشاهده ای است. یادگیری مشاهده ای در واقع، همان سرمشق گیری است که در آن فرد با انتخاب الگو یا سرمشق، به تقلید از رفتار وی می پردازد؛ بر همین اساس، یکی از روش های تربیت، به وسیله الگوست که می توان آن را «روش الگویی» نامید.(۱)

۱- محمدرضا، قائمی مقدم، روش الگویی در تربیت اسلامی، ماهنامه معرفت، ص۲۵.

تربیت الگویی می تواند به صورت های گوناگونی صورت پذیرد:

۱. الگودهی: مقصود از الگودهی، ارائه الگوهای مثبت و حقیقی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده است.

۲. الگوپردازی: مقصود از این شیوه، ارائه الگوهای تخیلی و فرضی است. در این شیوه، مربی الگوهای مطلوبی را در نظر گرفته، به بیان و توصیف ویژگی های آن می پردازد؛ در واقع زمینه را طوری فراهم می کند که متربی را به تخیل و تجسم یک الگو یا صحنه واقعی بکشاند.

۳. الگوزدایی: در این شیوه، الگوها و شخصیت های منفی چنان ترسیم می شوند که نوعی دل زدگی و نگرشی منفی در متربی درباره آن الگوها پدید آید.(۱)

بنابراین، یکی از صورت های تربیت الگویی، روش «الگودهی» است. در الگودهی نیز شیوه های گوناگونی وجود دارد که یکی از آن ها، «ارائه الگو از دیگران» است. در این روش، مربی سعی می کند افرادی را که جنبه الگویی دارند، به متربیان معرفی کند.

مربی در این مرحله می تواند به دو گونه عمل کند؛ در شیوه اول، مربی برنامه را به گونه ای تنظیم می کند تا متربی بتواند الگو را به طور زنده و در

۱- محمدرضا، قائمی مقدم، روش الگویی در تربیت اسلامی، ماهنامه معرفت، ص۲۸، ۲۹، ۳۰.

حال انجام اعمال و رفتار مطلوب ببیند و یا نتیجه یک صفت و خصلت نیکویی را مشاهده کند. شیوه دوم این است که مربی، اسوه ها و الگوهای مطلوب را که در ظاهر از دید مربی پنهان هستند، ولی در گذشته تحقق خارجی داشته و سنت و روش زندگی آن ها در جامعه از رونق و درخشش خاصی برخوردار بوده است، به متربی معرفی کند و خصوصیات شخصی و سیره فردی و اجتماعی آن ها را برای وی تبیین کند.(۱)

توجه به الگو های مناسب در منابع دینی

در متون دینی، به خصوص قرآن کریم، از این سه روش استفاده شده است. قرآن کریم درباره اثر پذیری و هم چنین تأثیر نپذیرفتن از رفتار برخی افراد، بسیار تأکید کرده و برخی را بهترین الگو و بعضی را بدترین الگو ها، معرفی می کند.

این که قرآن می فرماید: ((لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ))،(۲) نشان دهنده این اصل مهم در زندگی است که همواره باید به دنبال الگوهای مثبت بود. اگر قرآن کریم، داستان های: سامری، فرعون، نمرود، قارون و... را بیان می کند، می خواهد ما را از الگو گرفتن از افرادی که شایستگی الگو دهی ندارند، بازدارد. این کتاب آسمانی می خواهد بگوید که

۱- محمدرضا، قائمی مقدم، روش الگویی در تربیت اسلامی ماهنامه معرفت، ص۲۸ ۲۹.

۲- احزاب، آیه ۲۱.

در مسیر زندگی باید از فرعون صفت ها، نمرود صفت ها، قارون صفت ها و سامری صفت ها دور بود.

نکته ای که در بحث الگودهی قرآن کریم باید بدان اشاره شود، این است که وقتی خداوند می خواهد الگوهای مثبت و منفی را معرفی کند، به نکات برجسته زندگی آنان اشاره می کند؛ مثلاً درباره حضرت ابراهیم علیه السلام، بت شکنی او را برجسته می کند؛ حضرت یوسف علیه السلام را قهرمان عرصه مقابله با شهوت معرفی می کند؛ اصحاب کهف را الگوی مهاجرت در راه خدا معرفی می کند؛ حضرت اسماعیل علیه السلام را اسوه تسلیم در مقابل فرمان خدا می داند؛ حضرت ایوب علیه السلام را نماد صبر و تحمل معرفی می کند؛ حضرت داود علیه السلام را جوانی شجاع و مبارز معرفی می کند و... .

مسئله الگو گیری آن قدر مهم است که خداوند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را که خود اسوه و الگوی حسنه معرفی شده است، به الگو گیری از پیامبران پیشین تشویق می کند:

((قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْراهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنا بِكُمْ وَ بَدا بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ))؛(۱) ابراهیم و کسانی که با او بودند،

۱- ممتحنه، آیه ۴.

سرمشق خوبی برای شمایند؛ در آن هنگام که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه جز خدا می پرستید، بیزاریم؛ به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما، دشمنی و کینه در پیوسته است، تا آن گاه که به خدای یگانه ایمان آورید.

حضرت امیر علیه السلام نیز برای تربیت انسان های خداجو، از روش الگودهی بهره می برند. آن حضرت فرمودند:

وَ لَقَدْ کَانَ فِی رَسُولِ اللَّهِ کَافٍ لَکَ فِی الْأُسْوَه... فَتَأَسَّ بِنَبِیِّکَ الْأَطْیَبِ الْأَطْهَرِ ص فَإِنَّ فِیهِ أُسْوَهً لِمَنْ تَأَسَّی وَ عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَّی وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَی اللَّهِ الْمُتَأَسِّی بِنَبِیِّهِ وَ الْمُقْتَصُّ لِأَثَرِه؛(۱) برای تو کافی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را الگو و اسوه خود قرار دهی...؛ پس از پیامبر خود که پاک و پاکیزه است، الگو بگیر، چرا که او خوب الگویی است برای الگوخواهان، و نسبت شایسته و نیکویی است برای کسی که بخواهد به او نسبت داشته باشد. محبوب ترین بندگان نزد خداوند، بنده ای است که از پیامبرش پیروی کند و جای بر جایگاه قدم او نهد.

یا این که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «وَ فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ لِی أُسْوَهٌ حَسَنَه»؛(۲) دختر رسول خدا [فاطمه زهرا علیها السلام] برای من، اسوه و الگویی نیکوست، بیان گر اهمیت الگو و نقش برجسته آن در زندگی است.

۱- نهج البلاغه، ص۲۲۸.

۲- شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۸۶.

بـدون شـک، اگر منتظر واقعی بخواهـد بـا موفقیت، در کوچه پس کوچه هـای انتظـار گام بردارد، نیاز منـد الگوهایی مناسب است.

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

طُوبَی لِمَنْ أَدْرَکَ قَـائِمَ أَهْـلِ بَیْتِی وَ هُوَ یَـأْتَمُّ بِهِ فِی غَیْبَتِهِ قَبْـلَ قِیَـامِهِ وَ یَتَوَلَّی أَوْلِیَـاءَهُ وَ یُعَـادِی أَعْـدَاءَهُ ذَلِکَ مِنْ رُفَقَائِی وَ ذَوِی مَوَدَّتِی وَ أَکْرَمُ أُمَّتِی عَلَیَّ یَوْمَ الْقِیَامَه؛(۱) خوشا به حال آن که قائم خانـدان مرا درک کند، در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامـان پیش از او اقتـدا کرده و از دشـمنان ایشـان، اعلاـم بیزاری کرده باشـد! آنان دوسـتان و همراهان من و گرامی ترین امتم، نزد من هستند.

شهدا؛ بهترین الگو برای منتظران

بـا توجه به اهمیت الگوگیری و نقش آن در موفقیت انسان، و هم چنین با توجه به تأکیـد دین اسـلام بر انتخاب الگوهای برتر، کسـانی که می خواهنـد در مسیر سبز انتظار گام بردارنـد، نیازمنـد الگوهایی مناسب هسـتند تا با الگوگیری از سـبک زنـدگی مهدوی آن ها، به خوبی بتوانند این مسیر را بپیمایند و از تمامی خطرات این مسیر در امان باشند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۸۶.

اگر منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بتوانند از الگوهای مناسبی الگوبرداری کنند، به هویت واقعی یک منتظر دست پیدا می کنند؛ در این صورت، انتظارشان رنگ و بویی دیگر پیدا می کند و آرمان گرا، تحول آفرین، مجاهدپرور، تعهد آور، زمینه ساز و در یک جمله، در تمامی عرصه های فردی و اجتماعی مهدی باور و مهدی یاور می شوند و در این راه پرفراز و نشیب، با آگاهی بیشتری گام برمی دارند.

دفاع مقدس می تواند در این زمینه بسیار کارساز باشد؛ با این بیان که در دوران دفاع مقدس حوادث و جریاناتی اتفاق افتاد و افرادی در این حوادث دخیل بودند که الگوهای مناسب و یا الگوهای نامناسبی بودند. دفاع مقدس برای منتظران راستین هم الگوساز بود، هم الگوزدا و هم الگوپرداز؛ به عبارت دیگر دفاع مقدس، در زمینه مهدویت، هم الگوهای خوب را معرفی می کند و هم از چهره الگوهای نامناسب، نقاب را کنار زده و آن ها را معرفی می کند.

منتظران می توانند با درس گرفتن از الگوهای مناسب انقلاب و دفاع مقدس، بهتر به وظایف خود در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عمل کنند؛ هم چنین با عبرت گرفتن از موضع گیری های غیرمعقولانه برخی افراد که در دوران انقلاب و دفاع مقدس، نقشی منفی بازی کردند، در عرصه یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف گام های استوار تری بردارند.

بـا نگـاه به سـبک زنـدگی شـهدا و نحوه تعاملشان با حوادث سیاسـی اجتماعی دوران زنـدگی شان، می توانیم به این نکته پی ببریم که آن ها بهترین الگو برای منتظران هستند، چراکه به خوبی فهمیده بودند که در آن زمان چه وظیفه ای دارند و به ندای نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لبیک گفتند. آنان با خود عهد بسته بودند که تا آخرین نفس، در خط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نایب بر حقش امام خمینی رحمه الله باشند.

شهـدا به این دلیل که در شـرایط زمانیِ مشابه زمان ما زندگی می کرده اند، بهترین الگوهای منتظران هسـتند؛ کسانی که هنوز عطر وجودشـان در جـامعه مـا طنین انـداز است؛ عزیزانی که سال های نه چنـدان دور، در کوچه پس کوچه هایی زنـدگی می کردنـد که امروزه ما در آن کوچه ها گام بر می داریم؛ دلاورمردانی که هنوز مرکب وصـیت نامه هایشان خشک نشـده است؛ عاشـقانی که خـاطرات و دست نوشـته هایشـان در دسترس مـاست و مهم تر از آن، هم رزمانشـان که عطر و بوی آن هـا را می دهند و پیام رسان خون سرخشان و ندا دهنده هدفشان هستند، در بین ما و با ما زندگی می کنند.

شهدا بهترین سـرمشق برای مهدی باوران هستند؛ برای کسانی که می خواهند امام زمانشان را بشناسند؛ برای کسانی که دوست دارند امام زمانشان را یاری کنند؛ برای افرادی که می خواهند به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود خدمت کنند.

شهدا بهترین سرمشق برای کسانی اند که می خواهند در دوران غیبت، پاک زندگی کنند و از این همه جلوه های گناه آلود، دوری کنند؛ کسانی که می خواهند اهل انتظار باشند و در این مسیر سختی ها را به جان بخرند.

شهدا بهترین اسوه برای کسانی اند که می خواهند در مدار ولایت گام بردارند و با تبعیت از نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اطاعت پذیری خود از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به نمایش بگذارند.

شهدا بهترین اسوه هایی هستند که می توان به وسیله آن ها راه را شناخت، چراکه آنان همانند ستارگانی هستند که با پرتوافشانی شان، مسیر هدایت را به ما نشان می دهند.

بی شک، خاطراتی که از شهدایی چون: همت، زین الدین، چمران، باکری، جهان آرا، صیاد شیرازی و هزاران شهید انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس در کتاب ها ثبت شده و یا سینه به سینه از هم رزمان آن ها نقل شده، منبع خوبی برای الگوگیری در عرصه های مختلف، به ویژه در عرصه مهدویت است؛ به همین دلیل، بزرگان، علما، امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری همواره تأکید دارند که نام و یاد شهیدان در جامعه زنده باشد؛ برای نمونه، مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست»، چراکه با ترویج فرهنگ ایثار، شهادت و دفاع مقدس است که فرهنگ مهدویت می تواند در جامعه ظهور و بروز پیدا کند و در این زمینه، الگوساز و الگوزدا باشد.

فصل سوم: معنای انتظار

اشاره

با نگاه به روایاتی که درباره انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده و دقت در کلید واژه های آن، می توان به این نتیجه رسید که ادبیات این گونه روایات، حماسی است؛ به عبارت دیگر، کلماتی که در آن روایات بیان شده، متناسب با جنگ و نبرد است. برای روشن شدن این مسئله، برخی روایات در ادامه بررسی می شوند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِی انْتِظَارُ الْفَرَج»؛(۱) برترین جهاد امت من، انتظار فرج است.

از حضرت امیر علیه السلام روایت شده است:

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِی سَبِيلِ اللَّهِ؛(۲) آن که منتظر فرج ماست، همچون کسی است که در راه خدا، در خون خود تپیده باشد.

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص۳۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۴۵.

مَن ثَبتَ عَلی وِلایَتنا فی غیبه قَائمنا أعطاه اللّه عز و جل أجر ألف شهید مِن شُهداء بَدر و أحُد؛(۱) هر که در دوران غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما، بر ولایت ما ثابت قدم باشد، خداوند پاداش هزار شهید، مانند شهدای بدر و احد را به او عطا می فرماید.

امام سجاد علیه السلام در بیانی دیگر می فرمایند:

مَنْ مَاتَ عَلَی مُوَالاتِنَا فِی غَیْبَهِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِیدٍ مِثْلِ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُد؛(۲) کسی که در زمان غیبت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر دوستی و پذیرش ولایت ما باقی باشد تا بمیرد، خداوند اجر هزار شهید، مانند شهدای بدر و اُحد را به او عطا می کند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده:

مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ کَانَ کَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِه؛(۳) کسی که بمیرد، در حالی که امام زمانش را بشناسد، همانند کسی است که در خیمه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ایستاده باشد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

۱- شیخ حر عاملی، إثبات الهداه، ج ۵، ص ۸۱.
۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۲۷۴.
۳- نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۰.

الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِی عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَیْفَهُ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ یَذُبُّ عَنْه؛(۱) کسی که منتظر امام دوازدهم است، مانند کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و برای دفاع از آن حضرت، شمشیر می زند.

ایشان در جای دیگر فرمودند:

إِنَّ الْمَیِّتَ وَ اللَّهِ مِنْكُمْ عَلی هـذَا الْأَمْرِ لَشَهِیدٌ بِمَنْزِلَهِ الضَّارِبِ بِسَیْفِهِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ؛(۲) کسی که در حال انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بمیرد، به منزله آن است که در راه خدا با شمشیر جهاد کرده است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِهِ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَیْئَهً ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَیْفِهِ ثُمَّ قَالَ لَا وَ اللَّهِ إِلَّا كَمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم؛(۳) اگر کسی از شما بمیرد، در حالی که منتظر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده، همانند کسی است که با امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه اش بوده است. سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه، بلکه همانند کسی است که در کنار حضرت با شمشیرش بجنگد؛ سپس فرمود: نه، به خدا قسم، بلکه مانند کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت برسد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۴۷.

۲- کافی، ج ۱۵، ص۳۵۲.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص۱۲۶.

ایشان در جای دیگر فرمودند:

مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَهِ مَنْ كَانَ قَاعِداً فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلَهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَائِهِ قَالَ وَ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَهِ مَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه و آله و سلم؛(۱) هر کس که امامش را شناخت و پیش از قیام صاحب این امر از دنیا رفت، به سان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت گزاری خواهد کرد؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است. یکی از اصحابش این چنین گفت: همانند کسی که همراه با رسول خدا به شهادت می رسد.

با دقت در این گونه روایات می توان گفت، انتظار نوعی «جهاد» است؛ جهادی که لحظه به لحظه زندگی ما را در بر گرفته است. اگر کسی واقعاً این احساس را داشته باشد که در میدان جنگ است، آسوده نمی نشیند و آرام نمی گیرد؛ دائماً در حال تلاش و کوشش است و همواره موقعیت زمانی و مکانی خود و دشمن را بررسی می کند، چراکه اگر غفلت کند، به راحتی ضربه خورده و مغلوب دشمن می شود.

منتظران واقعی نیز این گونه اند؛ آنان خود را مسلح به سلاح معرفت و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرده و با این شمشیر برّان، با آلودگی هایی که در اطرافشان وجود دارد، مبارزه می کنند. منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همانند

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

سرباز، منتظر دستور فرمانده اش است؛ به همین دلیل، با تبعیت از دستورات شرعی که از معصومان علیهم السلام به او رسیده و نیز با حرف شنوی از نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از فرمانده خود، یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمان برداری می کند.

منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با مودت و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دل خود را نورانی کرده است و با این نور، محیط اطراف و اطرافیان خود را نورانی می کند؛ در حقیقت، کسانی می توانند دَم از انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بزنند که از دنیا و مظاهر پوچ آن، دل برکنند؛ درست همانند رزمنده ای که می داند خطر کشته شدن وجود دارد، اما دست از بسیاری مسائل می شوید و حماسه می آفریند.

کسانی می توانند دم از انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بزنند که در آمادگی کامل به سر ببرند و لحظه ای از دشمن غافل نشوند؛ همانند سربازی که همواره با چشمانی تیزبین، موقعیت دشمن را در نظر دارد.

دلیل فضیلت های بسیار منتظران

چرا برای انسان منتظر، این همه فضیلت بیان شده است؟ چرا ارزش و فضیلت منتظر، در ردیف ارزش و فضیلت شهدای بدر قرار گرفته است؛ آن هم نه یک شهید، بلکه هزار شهید؟! در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودن و برای دفاع از آن حضرت شمشیر زدن، سعادت بسیار والایی ست؛ چرا کسی را که منتظر راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، مساوی با چنین کسی قرار

داده اند؟ در خیمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و در کنار آن حضرت بودن، گوهر گران بهایی است که به هر کسی داده نمی شود، ولی چرا منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این گوهر گران بها را چون تاجی بر سر دارند؟ به طور کلی، راز و رمز این همه فضیلت و ارزش و سعادت را در چه نکته ای باید جست وجو کرد؟

اگر معنای دقیق «انتظار» به خوبی درک شود، پاسخ این پرسش ها نیز روشن می گردد.

«درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده»(۱) را جزء معانی لغوی انتظار بیان کرده اند؛ و معنای اصطلاحی آن را این گونه بیان کرده اند: «کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان) برای آنچه انتظار دارند، می شود، و ضد آن یأس و ناامیدی است.»(۲)

با تدبر در روایاتی که پیش تر بیان شد و با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی انتظار، می توان گفت: انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به این معناست که ما چشم به راه آمدن امام زمانمان باشیم و این چشم به راهی، که در اصل حالتی روحی و درونی است، در اعمال و رفتار ما ظهور و بروز پیدا کرده و ما را به تکاپو و تلاشی وادار کند که مورد رضایت خداوند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

۱- حسین مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، جلد ۱۲، ص۱۶۶.

۲- محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، ج۲، ص۲۳۵.

بنا براین، انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با سکون، سکوت، آرامش و درنگ در امور سازگاری ندارد؛ دست روی دست گذاشتن و چشم به راه بودنِ تنها، رنگ و بویی به انتظار نمی دهد. انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار تحقق تمامی خوبی هاست و برای رسیدن به این فصلِ سراسر خوبی و زیبایی، تلاش و زمینه سازی در عرصه های مختلف نیاز است؛ تلاش و کوششی که با تمام توان و نیرو صورت بگیرد، که این امر نوعی جهاد است.

کسی که منتظر آمدن حکومت عدالت محور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، باید در همه عرصه های زندگی، تلاش و کوشش و مجاهدت کند تا شخصی عادل باشد. کسی که منتظرِ امام زمانی است که می خواهد بیاید و با ظلم و ستم مبارزه کند، خودش نباید اهل ظلم و ستم باشد و با ظالمان و ستمگران سرِ سازش داشته باشد.

کسی که منتظر آمدنِ امام زمانی است که طبق کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حکومت می کند، باید برنامه های زندگی اش بر اساس قرآن کریم و بیانات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام باشد.

کسی که می خواهد منتظر امام زمانی باشد که بساط بی بند وباری و گناه را بر هم می زند، باید در زندگی فردی و اجتماعی اش از گناهان فاصله بگیرد.

مگر می توان دم از انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زد و به مردم ظلم و ستم کرد؟! مگر می توان منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و رنگ و بویی از ولایت پذیری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشت؟! مگر می توان ادعای انتظار امام

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشت، ولی از دشمنان آن حضرت بیزاری نجست و با آن ها سر سازش داشت؟!

در واقع، این همه فضیلت و ثواب برای منتظران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به سبب رعایت این مسائل است، و این گوهر های گران بها را فقط به خاطر ادعای منتظر بودن به کسی نمی دهند.

شهدا و انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

با بررسی سیره عملی و سبک زندگی شهدا، می توان به صراحت بیان کرد که آن سبک بالان، منتظران راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند، چراکه با حضور خود در مهم ترین جریان سیاسی اجتماعی عصر خود، از نایب امام زمانشان حمایت کرده و با جان و دل به ندای او لبیک گفتند. آنان وظایفی را که منتظر واقعی باید داشته باشد، در درون خود به وجود آورده بودند و به همین دلیل، در مسیر رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گام بر می داشتند.

شهدا، معنای «انتظار» را برای کسانی که دوست دارند جزء منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند، ملموس تر و آشکار تر کردند. آنان با راهنمایی های امام خمینی رحمه الله ، درک دقیقی از معنای انتظار به دست آورده بودند و آرام نشستن و دست روی دست گذاشتن را جایز نمی دانستند. شهدا با الهام از ایشان، جنگ را در رأس امور دانسته و به همین دلیل، صحنه های نبرد را خالی نمی گذاشتند؛ به عبارت دقیق تر، شهدا جنگ و مبارزه و جهاد را در دو میدان جهاد اکبر و جهاد اصغر بر انتظار صرف، ترجیح دادند.

«شهید آوینی» در این باره می نویسد:

امام، به ما آموخت که انتظار، در مبارزه است و این، بزرگ ترین پیام او بود. پس از او، اگر باز هم امیدی ما را زنده نگاه می دارد، همین است که برای ظهور آخرین حجت حق، مبارزه کنیم.(۱)

«شهید چمران» در یکی از سخنرانی هایش می گوید:

کسانی که فکر می کنند باید گوشه ای بخوابند تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور بفرمایند و جهان را از عدل و قسط پر کنند، سخت در اشتباهند. مردم ما باید بیشتر بکوشند، بیشتر مبارزه کنند و این تحول و تکامل نفسی را هرچه سریع تر در روح و قلب خود ایجاد نمایند، تا باعث تسریع در ظهور حضرت شوند. اگر جوانان ما در اعتقادشان به خود بقبولانند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان آن ها زندگی می کند و شاهد اعمالشان است، رفتار و زندگی و فداکاری و مرگ و حیات آن ها تغییر کیفی می کند و چه بسا حرکت بزرگی در حرکت تکاملی جوانان ما به سوی مدینه فاضله ایجاد می شود... در حال حاضر نیز، اگر مردم ما با این حقیقتِ روشن، آگاه شوند که تنها یک آرزو دارند و آن، ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و بعد هم بدانند که او در میان آنان زندگی می کند، مراقب

۱- سید مرتضی اوینی. آغازی بر یک پایان. ص ۷.

اوضـاع آن هـاست، دل او از این رنـج ها و خون ریزی ها خونین است، و خودش آرزو دارد که هرچه زودتر ظهور فرمایـد، به این نتیجه می رسـند که وظیفه ماست تا برای تسـریع در ظهور حضـرتش هرچه شدیـدتر و هرچه سـریع تر در خود تحول ایجاد کنیم و خود را آماده سازیم و به آن درجه از رشد عقلی و ایمانی و اخلاقی برسانیم که توان تحمل آن وجود مبارک را داشـته باشیم.(۱)

بسـیاری از شـهدا در وصـیت نامه هایشان به انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کنند که در این بخش، به بیان برخی از آن ها می پردازیم؛

«شهید سید ابراهیم شجیعی» در بخشی از وصیت نامه اش، درباره معنای انتظار می نویسد:

چه تأسـفی را انـدوهناک تر از این می دانیـد که از این لحظـات مکرر و پربرکت انقلاـب اسـلامی، کم توجه عبور کنیم؟! این انقلاـب دارد بـا تمـام ظالمـان می جنگـد، امـا تو به انتظـار نشسـته ای که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بیایـد و همه ظالمـان را از بین ببرد؟! بـدان و آگـاه باش که منتظران آقا، امروز با مال ها و جان هایشان در جبهه و پشت جبهه فریاد سـر می دهند: یا مهدی ادرکنی!(۲)

۱- مهدی مهدوی، فقط یک آرزو، مجله امان، ش۴۲، ص۲۷.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هفتم، ص۴۰۱.

«شهیدعلی معمار» در وصیت نامه خود چنین نوشته است:

تو ای خواهر و برادر مسلمان! بیدار باش و هوشیار که فریب این ازخدابی خبران را نخوری و با چهره هزارچهره خودشان، شک و شبهه ای در دل تو ایجاد ننمایند، و می گویند: باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و کارها را درست کند و منتظر اویند! بدانید که اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر شماست، تا شما را بشناسد. قلب خود را پاک کنید و هم چنان قرص و محکم، بر عقیده و ایمان خود استوار باشید و زمان را برای ظهور حضرتش آماده و مهیا سازید.(۱)

«شهیدمحمد طائی» همیشه به دوستانش می گفت:

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن است هر لحظه ظهور کند؛ آیا نباید خودمان را آماده کنیم که در خدمت آن حضرت باشیم؟! بدون آمادگی نمی توان از انتظار دم زد.(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ص۷۰۷.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، (استان کرمان)، ج۱، ص۴۶۸.

تربیت نسل منتظر

شهدای والامقام، چون طعم شیرین انتظار را چشیده و از زیبایی های زندگی امام پسندانه بهره مند بودند، دوست داشتند دیگران نیز از این زیبایی ها بهره مند باشند؛ به همین دلیل، با گفتار و رفتار خود مردم را به سمت انتظار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می کردند.

یکی از دغدغه های مقدس شهدا این بود که فرزندانشان طوری تربیت شوند که از منتظران و سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. آنان در این باره، سفارش هایی به نزدیکان خود داشته اند که به برخی از آن ها اشاره می شود؛

«شهید ذبیح الله کردکلائی» در بخشی از وصیت نامه اش، خطاب به عمویش می نویسد:

عمو جان! در تربیت فرزندانم سخت بکوش و آن ها را مسلمان رساله ای به بار بیاور؛ طوری که وقتی بزرگ شدند، سربازان واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند... .(۱)

«شهیدحسین نادری» در وصیت نامه اش نوشته است:

انسان، هم می تواند در بستر بمیرد، و هم در میدان رزم، در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جامه سرخ بر تن کند... از خواهرم می خواهم که حجابش را حفظ کند و درسش را بخواند، و برادرم را سربازی سربلند، برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تربیت کنید!(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۲۷۲.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، (استان کرمان)، ج۱، ص ۶۶۰.

«شهید سیدعبدالحسین ثانی مرتضوی» در وصیت نامه اش می نویسد:

از خداوند می خواهم که یگانه فرزندی که از این جانب باقی خواهد ماند، مانند یک سـرباز اسـلام، به تمام معنا، بار آید! اگر از پدرش پرسید، به وی بگویید: هروقت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرد، پدرت نیز خواهد آمد، تا شاید از منتظران امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بوده و در رکـاب آن حجت عجل الله تعالی فرجه الشـریف، در روی زمین بجنگد. فرزندم! برای تو امیدوارم که از سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیری!(۱)

«شهیداحمد کاظمی» خطاب به همسرش می گوید:

از تو می خواهم برای فرزندانم هم مادر باشـی و هم پدر؛ آن ها را از عاشـقان خاندان رسول الله علیهم السـلام و پیرو مکتبشان بار بیاوری، تا آن ها هم از یاران امام و از سربازان آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند.(۲)

«شهید الله بخش یزدان پناه» نیز این گونه می نویسد:

امیـدوارم فرزندم، سـربازی سـربلند برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف و نایبش خمینی به بار آید! حاضـر نیسـتم که قلب نازنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما و خانواده ما ناراحت شود.(۳)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر دوازدهم، ص۵۹۷.

۲- محمد خامه یار، هزار حنجره آواز، ص۹۱.

۳- سالم جعفری، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهدا، ص۲۰۲.

الگوزدایی در دفاع مقدس

دفـاع مقـدس، نقـاب از چهره برخی افراد و جریـان هـای فکری که به نحوی داعیه دار انتظـار امـام زمـان عجـل الله تعالی فرجه الشـریف بودنـد، برمی دارد و منتظران واقعی را از منتظران بدلی، رفاه طلب و کسانی که دست روی دست می گذارند تا خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و مشکلات را حل کند، جدا می کند.

در طول دوران هشت سـال دفـاع مقـدس، کسـانی بودنـد که به خـاطر رفـاه و آسـایش مادی، نه تنها خودشان به جبهه ها نمی رفتنـد، بلکه فرزنـدان و اطرافیانشـان را هم از این کـار منع می کردنـد و حـتی برای سـرد شـدن تنور جنـگ، همواره به حضور نیروهای رزمنده و فعالیت های نظامی، اعتراض می کردند! امام خمینی رحمه الله در این باره فرمودند:

این هـا که هی نق می زننـد، چه می کننـد؟ چه غلطی می کننـد؟ کـدام از این ها رفته است جبهه؟ آن کسـی اشـکال به جنگ دارد، واجـب است برایش که برود جنـگ. این هـایی که اشـکال می کننـد، یکی شـان، حـتی یـک بچه شـان نرفته است، یک جوانشان نرفته است جبهه ها!(۱)

«شـهید چمران» می گوید: «هنگامی که شـیپور جنگ نواخته می شود، شـناختن مرد از نامرد آسان می شود؛ پس ای شیپورچی بنواز!»

۱- صحیفه امام، ج۱۹، ص ۲۹۰.

هم چنین افراد ذی نفوذ دیگری بودند که به سبب برداشت غلط از معنای انتظار و وظیفه شیعیان در عصر غیبت، با اصل انقلاب مخالف بودند و می گفتند: ما وظیفه نداریم در دوران غیبت کبری حکومت تشکیل بدهیم! آنان با القای این تفکر مسموم، همواره تلاش می کردند که اصل نظام را زیر سؤال ببرند، و کسانی را که خونشان در راستای به ثمر نشستن انقلاب اسلامی ریخته می شد، سرزنش می کردند.

از سوی دیگر، در بدنه نظام و بین مسئولان مملکتی، کسانی بودند که تلاش می کردند تا برخلاف میل امام خمینی که اصرار به ادامه جنگ داشتند اقداماتی انجام بدهند که نتیجه این تلاش ها، منجر به پذیرش صلح و قبول قطع نامه ۵۹۸ شد؛ قطع نامه ای که امام خمینی رحمه الله از پذیرش آن، به خوردن «جام زهر» یاد می کند، و این تعبیر نشان دهنده عدم رضایت امام راحل رحمه الله در پذیرش قطع نامه است. ایشان می فرمایند:

قبول این مسئله برای من، از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او، این جرعه را نوشیدم. در شرایط کنونی، آنچه موجب این امر شد، تکلیف الهی ام بود. شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز، فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او، از هر آنچه گفتم، گذشته و اگر آبرویی داشتم، با خدا معامله کرده ام.(۱)

۱- صحیفه امام، ج۲۱، ص۹۸.

این جریـان سیاسـی، همواره این گونه وانمود می کرد که نیروهـای نظامی به دلیل خسـتگی، کمتر وارد میـدان های جنگ می شونـد و در تـأمین هزینه های جنگ ناتوان شـده ایم؛ در حالی که این ادعاها، بهانه ای بیش نبود و برخی افراد ذی نفوذ با عَلَم کردن این گونه مسائل و القای پایان دادن به جنگ، به دنبال پیاده کردن اهدافشان بودند!

«علی رضا افشار» که مسئول اسبق ستاد مرکزی سپاه است، درباره استقبال مردم از جبهه ها می گوید:

آمار بسـیجیان ما در طول عملیات، صـدهزار نفر بود و در پشت عملیات، کمتر یا بیشتر می شـد؛ البته نیروی کادر سـپاه و یگان های ارتش را که علاوه بر کادر، عمدتاً از سرباز استفاده می کردند، نیز باید به آن اضافه کرد. فکر می کنم با نیروهای ستادی پانصـدهزار نفر را تشـکیل می دادنـد. تعـداد بسـیجیان جبهه رفته ما نیز حـدود یک میلیون نفر می شد...؛ اما در داخل، بعضـی روحیه خود را باخته بودند و فکر می کردند دیگر نیروهای بسیجی و رزمندگان در فراخوان ها، استقبالی نشان نمی دهند.(۱)

علاوه بر این، اگر برای جبهه ها فراخوانی داده می شـد و یا امام امت رحمه الله دسـتوری می دادنـد که مردم به جبهه ها بروند، بی شک بر تعداد این نیروها افزوده می شد؛ همان گونه که بعد از پذیرش قطع نامه، دلاورمردان

۱- کامران غضنفری، راز قطع نامه، ص۶۵.

عرصه های نبرد، حضور پررنگی در جبهه ها داشتند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

بعد از قضیه قبول قطع نامه که دشمن فرصت طلبی می کرد و می خواست از موقعیت سوء استفاده کند، شما دیدید که ناگهان، آن چنان جبهه ها پر شد که در طول جنگ کمتر سابقه داشت یا هیچ سابقه ای نداشت.(۱)

هم چنین در زمینه کمبود امکانات نیز باید بیان شود که کمبود امکانات، بهانه ای بیش نبود، و در راستای سیاست رفاه طلبی برخی مسئولان، دولت وقت، همکاری لازم را با نیروهای عمل کننده در میدان های نبرد، نداشت؛ به همین دلیل، برخی از ناکامی های جنگ به دلیل عدم حمایت دولت مردان از جبهه های جنگ بود. سردار «شهیداحمد کاظمی» در این باره می گوید:

دشمن در تمام پاتک هایش ناموفق بود، الا عملیات بدر، که آن هم یک بحث عقبه و تاکتیکی دارد که نقطه ضعف هایی از جانب خودمان در امر پشتیبانی بوده.(۲)

علاوه بر موارد مزبور، جریان سیاسی بسیار خطرناکی به نام «سازمان مجاهدین خلق» نیز در کشور فعالیت می کرد که متأسفانه با اقداماتی که انجام دادند، بسیاری از دلسوزان نظام و انقلاب را به شهادت رساندند. این

۱- سایت اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، سخنرانی «۲۹/۶/۱۳۷۲».

۲- کامران غضنفری، راز قطع نامه، ص۲۱۸.

سازمان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از کانون های مبارزه علیه رژیم پهلوی بود و به دلیل موضع گیری های غیر اصولی اش، کم کم با نظام نوپای انقلاب اسلامی زاویه گرفت. مخالفت های این گروه آن قدر زیاد شد که به «سازمان منافقین» مشهور شدند، چراکه در ماه های اولیه انقلاب، دست به اقداماتی منافقانه می زدند.

آنان در ابتدای جنگ نیز همین سیاست را در پیش گرفتند. این جریان، ضمن محکوم کردن تجاوز عراق، حضور نیروهای خود در جبهه ها را مشروط به تجویز مقامات کشور می دانستند. در برهه ای از زمان نیز مدعی حضور نیروهایشان در جبهه های جنگ بودند؛ این در حالی بود که جنگ را، جنگ ارتجاعی و ناعادلانه می دانستند!

قابل انکار نیست که حضور منافقیان در جبهه های جنگ، نه به جهت روحیه ایثار و شهادت طلبی و دفاع از انقلاب اسلامی، بلکه برای جمع آوری آمار و اطلاعات از امکانات و موقعیت های نیروها بوده است. آنان با فاصله گرفتن از ایدئولوژی اصلی نظام، مسیر خود را از راهی که مردم غیرت مند ایران اسلامی در پیش گرفته بودند، جدا کردند؛ به گونه ای که در صدد کشتار و ترور همه کسانی برآمدند که به نحوی در جبهه های جنگ، حضور پیدا می کردند و این سیاست را با عنوان «زدن سرانگشتان رژیم»، در دستور کار تیم های تروریستی شان قرار داده بودند!

زمانی که مردم ایران به فرمان نایب امام زمانشان در جبهه ها حضور داشته و از کشوری دفاع می کردند که معتقد بودند باید زمینه های ظهور امام

عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم کند، منافقان مشغول بمب گذاری، ترور شخصیت های مطرح کشور، جاسوسی از تحرکات نظامی ایران، انجام تبلیغات مسموم علیه جنگ و دل سرد کردن مردم برای حضور در جبهه ها و هم چنین ترور رزمندگانی که برای مرخصی به شهرهایشان باز می گشتند، بودند. از جمله فعالیت های دیگر این عناصرِ خود فروخته، می توان به حضورشان در کنار نیروهای عراقی، در جبهه ها اشاره کرد که به شنود مکالمات بی سیمی و تلفنی نیروهای ایرانی و همکاری قابل توجهی با استخبارات عراق، مشغول بودند.

منافقان آن قدر با اهداف و آرمان های امام خمینی رحمه الله فاصله گرفته بودند که با سازمان دهی نیروهایشان و حمایت گسترده صدامیان، در صدد حمله نظامی به ایران برآمدند. آنان به زعم خود، در صدد تصرف تهران بودند که با واکنش شدید بسیجیان روح الله، رو به رو شدند و تنگه مرصاد برایشان به گورستانی تبدیل شد و به نوعی به خودشان تیر خلاص زدند.

البته آنان زمانی به خودشان تیر خلاص زدند که راهشان را از راه منتظران راستین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جدا کردند؛ در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی که از مهم ترین مصادیق حدیث «و أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَه» بود، به«رُوَاهِ حَدِیثِنَا» مراجعه ننموده و با نایب امام زمان همراهی نکردند. آنان که از همین مرز و بوم بودند، قدم در راهی نهادند که با به خاک و خون کشیدن جوانان و هم وطنانشان، قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را آزردند، و نه تنها در بین مردم کشور خود، که حتی در مجامع بین المللی نیز جایگاه چندانی ندارند.

ص: ۱۹۷

بخش سوم: الگوهای برتر

اشاره

فصل اول: وظایف منتظران

اشاره

برای منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وظایف بسیاری در منابع روایی مطرح شده است که آگاهی از آن ها، آثار و فواید بی شماری دارد. هرکدام از آن ها می تواند کلیدی در دست منتظران واقعی باشد تا با آن، قفل هایی را که در مسیر زندگی شان وجود دارد، بگشایند و با علم و آگاهی بیشتر در کوچه پس کوچه های انتظار گام بردارند و روز به روز به خیمه سبز یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر شوند.

آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی در بخشی از کتاب ارزش مند مکیال المکارم، حدود هشتاد وظیفه از وظایف شیعیان و ارادتمندان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را گردآوری کرده و توضیح داده است.

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید درباره آن حضرت شناخت و معرفت کافی داشته باشند، دلاورمردان جبهه ها در اوج شناخت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند؛

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید همیشه به یاد امام زمانشان باشند، شهدای عزیز، با یاد اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نفس می کشیدند و نیرو می گرفتند؛

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای سلامتی اش دعا کنند و صدقه بدهند و همواره برای ظهور حضرتش دعا کنند، مجالس دعا و مناجات رزمنده ها همواره گرم گرم بود.

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مشکلات و ناملایمات روزگار، به حضرتش متوسل شوند، رزمنده ها بسیاری از گره های جنگ را با توسل به امام زمانشان باز می کردند.

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ظهورش مقدمه سازی کنند، یکی از اهدافی که بسیجیان را به جبهه ها کشاند، زمینه سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به همدیگر مواسات داشته باشند و فقرا و محرومان را فراموش نکنند، زندگی شهیدان پر است از خاطراتی که جلوه های کمک به محرومان و فقرا را در درون خود جای داده است.

اگر از روایات این گونه برداشت می شود که منتظران باید از نواب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تبعیت و پیروی کنند، رزمندگان اسلام، اطاعت و پیروی از امام خمینی رحمه الله را از اوجب واجبات می دانستند و همه دستورات ایشان را با کمال میل انجام می دادند.

به بیانی دیگر، شـهدا و رزمنـده های هشت سال دفاع مقـدس، از دریای بی کران فرهنگ مهـدویت، بی بهره نبودنـد. آنان می دانستند که در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وظایفی بر عهده دارند؛ لذا مردانه به وظایف خود عمل می کردند. در واقع، شـهدا روایات مربوط به وظایف منتظران را در عمل، تفسیر کردند. در این قسمت، به جلوه هایی از این تفسیر عملی می پردازیم.

شناخت و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

شناخت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، اهمیت بسـیاری دارد و سـنگ زیربنای مباحث مهـدویت است. اگر بخواهیم وظایف منتظران را برشـمریم، معرفت و شـناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بایـد در ابتـدا قرار بگیرد؛ تا انسان امام خود را نشـناسد و از ویژگی های آن حضـرت مطلع نباشـد، نمی توانـد ادعا کند که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. زمانی می تواند این ادعا را داشته باشد که به خوبی امامش را بشناسد، به نقش و ارزش وجودی حضرت در عالم آشـنا باشد و درباره برنامه های رهایی بخشـش آگاهی داشته باشد؛ در این صورت، شخص منتظر برانگیخته می شود، سر از پا نمی شناسد، آرام و قرار ندارد و همواره تلاش می کند تا وظایفش در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خوبی انجام دهد.

شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، گوهر گران بهایی است که اگر کسی آن را نداشته باشد، سرانجامش به هلاکت و گمراهی ختم می شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهمیت شناخت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّه؛(۱) هرکس بمیرد، در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

البته معرفت و شناختی می تواند ما را از هلاکت و مرگ جاهلی نجات بدهد که سطحی نباشد؛ شناخت سطحی، یعنی داشتن اطلاعاتی از قبیل: روز و یا سال تولد، نام پدر و مادر، محل تولد، زمان غیبت صغری و غیبت کبری و... . به یقین چنین اطلاعاتی نمی تواند شناخت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای ما به ارمغان بیاورد.

«ابونصر»، خادم خانه امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند:

فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از من پرسید: «آیا من را می شناسی؟» عرض کردم: بله. فرمودند: «من چه کسی هستم؟» عرض کردم: شما، آقای من و فرزند آقای من هستید. حضرت فرمودند: «از این امر نپرسیدم!» به حضرت عرض کردم: خداوند

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۰۹.

من را فـدایتان کنـد! شـما برایم بیان بفرمایید. حضـرت فرمودنـد: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِیَاءِ وبِی یَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَ شِیعَتِی»؛(۱) من آخرین شخص از امامان هستم و به واسطه من خداوند، بلا را از اهل و شیعیانم دور می کند.

بنابراین، شـناختی معتبر و ارزشـمند است که ما را از خطرات دوران غیبت و هلاکت نجات دهـد و عمیق باشد؛ یعنی ما با مقام معنوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشـنا شویم، نقش حضـرت را در عالم بشناسیم و بدانیم که ایشان واسطه فیض الهی اند، به گونه ای که اگر یک روز زمین بدون امام باشد، زمین اهلش را به درون خود فرو می برد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَو بَقِیَتِ الْأَرْضُ یَوْماً بِلَا إِمَامٍ مِنَّا، لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛(۲) اگر زمین یک روز بـدون امام باقی بماند، اهلش را می بلعد و در خود فرو می برد.

امام محمدباقر علیه السلام نیز در حدیثی فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ کَانَ کَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِه؛(۳) کسی که بمیرد و امام زمان خویش را بشناسد، همانند کسی است که در خیمه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد آن حضرت باشد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۰.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۰.

برای شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، راه های متفاوتی وجود دارد؛ یکی از آن ها، توجه ویژه به متن زیارت نامه های امامان معصوم علیهم السلام و به خصوص ادعیه و زیارات مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگر در متن زیارت آل یاسین، زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه، زیارت مخصوص سرداب مقدس، دعای ندبه، دعای عهد و... تأمل و به عبارات زیبایشان توجه کنیم، می توانیم معرفت و شناخت بهتری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیدا کنیم.

یکی از خصوصیات رزمندگان و شهدای والامقام این است که آنان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت آن حضرت، بی تفاوت نبودند و دیگران را نیز به این مسئله توجه می دادند.

یکی از مهم ترین ویژگی های اخلاقی «شهیدحسن ترک»، عشق و علاقه فراوان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. این فرمانده دلاور در سخنرانی اش به حدیث معروف: «اگر کسی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود را نشناسد، در مکتب جاهلیت مرده است؛ حتی اگر مسلمان باشد»، اشاره می کرد و می گفت: «توحید بدون امامت، معنا ندارد. اگر جامعه، امام شناس نباشد، آن جامعه حتماً به ضلالت و گمراهی می رود.» در بخشی از وصیت نامه این شهید بزرگوار نیز آمده است:

برادران و خواهران! سلاح افتاده را برگیرید و فریاد حق را رساتر سازید. دل آسوده دارید که وعده خدا نزدیک است. بر شما

باد نوید آمدن حجت خدا! بدانید که انقلاب به ظهور حضرتش منتهی می شود؛ پس تحت رهبری ولایت فقیه باشید که چشمان تمامی مسلمانان جهان به شماست.(۱)

این که «شهید حاج حسین بصیر» به هنگام ذکرِ نام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، متحول می شد، گویای شناخت و معرفت والای ایشان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. یکی از هم رزمان ایشان نقل می کند:

قبل از عملیات کربلای یک، با ایشان در راهِ رفتن از اهواز به مهران بودیم. بارها ذکر ائمه را داشت و هر بار که نام ائمه علیهم السلام، به خصوص آقا ابا عبد الله علیه السلام و آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده می شد، چهره اش تغییر می کرد، و این کاملاً مشهود بود.(۲)

یکی از هم رزمان «شهید صمد یونسی» نقل می کند:

دور هم در پادگان نشسته بودیم که شهیدصمد یونسی گفت: «برادرها! ما سرباز امام زمانیم، ولی درباره ایشان کمتر می دانیم.» بعد ادامه داد: «کی دعای "الهی عظم البلاء" رو حفظه؟» یکی دو روز بعد همه، دعا را بعد از نماز می خواندیم؛ البته از حفظ.(۳)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر بیست وپنجم، ص ۷۹ و ۸۰.

۲- عیسی جمالی، سردار خوبان، ص ۵۱.

۳- محسن صیفی کار، تبسم نسیم، ص ۵۴.

«شهیدحمید شفرئی» در وصیت نامه اش سفارش می کند: «حجت خدا روی زمین، مهدی فاطمه را بشناسید و خود را آماده ظهور او نمایید.»(۱)

«شهیداحمد دشتابی» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

برادران! امام زمانتان را بشناسید و معرفت خود را نسبت به ایشان زیاد کنید و سعی و کوشش کنید در طلب معرفت. دعا کنید برای فرج، تا تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشود. در قلوب خود شیطان را دور کرده و خداوند و امام زمان را جای گزین کنید و با او باشید که او با شماست و مشکلات و مسائل خود را با او حل کنید.(۲)

محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع شریفی خطاب به شیعیان می فرمایند:

وَ اجْعَلُوا قَصْدَکُمْ إِلَیْنَا بِالْمَوَدَّهِ عَلَی السُّنَّهِ الْوَاضِحَهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَکُمْ وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَیَّ وَ عَلَیْکُمْ؛(۳) توجه خود را همراه با محبت و دوستی، به سوی ما قرار دهید و در مسیر دستورات روشن و قطعی دین حرکت کنید، که همانا من برای شما خیرخواهی می کنم و خداوند بر من و بر شما شاهد است.

۱- سالم جعفری، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهدا، ص۸۲.

۲- سالم جعفری، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شهدا، ص۲۰۱.

۳- شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۸۶.

آنچه باعث می شود، ریشه های محبت در سرزمین دل ها محکم تر و میوه دلدادگی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز به روز در وجود انسان پرثمرتر گردد، معرفت و شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ هرچه معرفت و شناخت بیشتر باشد، محبت به امام نیز بیشتر می شود.

یکی از هم رزمان «شهیدعبد الحسین مغفوری» درباره ایشان نقل می کند:

در یکی از روزهای اعزام نیرو از پادگان امام حسین علیه السلام که هوا هم به شدت بارانی بود، دیدم حاج آقا مغفوری خم شد و پیشانی بندی را از میان گل و لای برداشت. روی پیشانی بند، عبارت «یامهدی» نوشته شده بود. گفتم: حاج آقا! از این پیشانی بندها زیاد داریم! خب غافل بودم و نمی دانستم. چنان نگاهی به من کرد که جا خوردم. گفت: «مغفوری زنده باشد و نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیر پا و میان گل و لای افتاده باشد؟!» فوری رفت و پیشانی بند را شست و نزد خود نگه داشت.(۱)

شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث می شود، انسان بیشتر به وظایفش پای بند باشد. در این صورت، انسان می تواند ادعای محبت و عشق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد؛ یعنی از مرحله لقلقه زبان عبور کند و وارد مرحله عمل شود و با عملش، کم کم با معشوق سنخیت پیدا کند.

۱- حجت میر اشرفی، ستاره های سرخ، مجله امان، ش۲۴، ص۲۸.

«شهیدموسی محسنی» در وصیت نامه اش می نویسد:

انسانی که عاشق نباشد، نمی تواند عاشق معبود و عاشق اهل بیت علیهم السلام، به خصوص ابا عبد الله علیه السلام و آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، چون ما سرباز آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم و اگر سرباز، عشق فرمانده در دلش نباشد، نمی تواند خوب بجنگد. جهاد اکبر، یعنی عاشق شدن و عشق، عقل را سرکوب می کند. عقل می گوید: دشمن زیاد است و نباید جنگید، ولی عشق عقل را سرکوب می کند و می گوید: باید جنگید و به خدا رسید.(۱)

اگر کسی فقط ادعای محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته باشد و در عمل کاری انجام ندهد، نه تنها این ادعا به کار نمی آید، بلکه ضررهایی نیز برایش به دنبال دارد. مطمئناً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما توجه دارند، و اگر کسی بخواهد فقط با زبان، محبت امام را پاسخ دهد ثمره آن، ناراحتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوری از ایشان است.

شایان ذکر است، محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جلوه ای از محبت خداست؛ در روایتی آمده: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَ اللَّه»؛(۲) هرکس شما را دوست داشته باشد، پس خداوند را هم دوست دارد.

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۳۷۱.

۲- محمد ابن جعفر، المزار الکبیر، ص۵۲۸.

ابراز محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه های بسیاری دارد که در این جا به ذکر دو مورد می پردازیم.

الف) بلند شدن به هنگام شنیدن نام حضرت

یکی از جلوه های محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که وقتی منتظران حضرت، نام زیبای ایشان را می شنوند، قیام کرده و محبت خود را به ایشان ابراز می کنند.

برخاستن به هنگام شنیدن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به معنای اعلام محبت و آمادگی برای یاری آن حضرت است. هرچند شهدا با پا نهادن در میدان های رزم، آمادگی خود را برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت کرده بودند، اما هنگام شنیدن نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بلند می شدند و ارادت خود را به ایشان نشان می دادند.

یکی از هم رزمان «شهیدحاج حسین بهمنی» نقل می کند:

به خاطر دارم زمانی که حاج حسین مجروح شد و در بیمارستان بستری بود، کنار حاجی بودم. شب دوم تقریباً ساعت دو بامداد بود که شروع کردم به خواندن دعای توسل. حاجی هم بی هوش بود. آرام آرام دعا را می خواندم. زمانی که رسیدم به آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسین با دست به من زد. دعا را قطع کردم. او گفت: «دستت را به گردن من بینداز، من را بلند کن و نیم خیز

کن!» من گمان می کردم حاجی بی هوش است؛ غافل از آن که او بیـدار بود و دعا را گوش می کرد. بلنـد شدم و ایشان را به حالت نیم خیز نشاندم. تا این اندازه برای ائمه علیهم السـلام احترام قائل بود که حاضر نشد در آن شرایط سخت بیماری، به آقا ادای احترام نکند.(۱)

یکی از روحانیون شـهر شـیراز که امام جماعت مسـجد کوشک عباسعلی آن شهر را بر عهده داشت، درباره «شهید احمد خادم الحسینی» نقل کرده است:

شب قبـل که برای نمـاز شب برخاسـتم، مسائلی برایم پیش آمـد که دانسـتم فردا با امری عجیب مواجه می شوم. وقتی وارد قبر شهید خادم الحسـینی، که از شـهدای عملیات بیت المقدس بود، شدم تا تلقین شهید مورد نظر را انجام دهم، به محض ورود به قبر در چهره شـهید، حالت تبسمی احساس کردم و فهمیدم با صحنه ای غیرطبیعی رو به رو هستم. وقتی خم شدم و تلقین شهید را آغاز کردم، به محض این که به اسم مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیدم، مشاهده کردم جان به بدن این شهیـد مراجعت کرد، چون شـهید به احترام امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف سـرش را خم کرد؛ به نحوی که سرِ او تا روی سینه خم شد و دوباره به حالت اولیه برگشت!(۲)

۱- مرضیه کلانتری، یک ستاره از خاک، ص۲۵۲۷.

۲- غلامعلی رجایی، لحظه های آسمانی، دفتر اول، ص۶.

ب) اندوهگین بودن

همان گونه که برای دوستان و آشنایان ما گرفتاری و مصیبتی به وجود بیاید، متأثر و اندوهگین می شویم، عاشقان و منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همواره به دلیل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اندوهگین هستند.

از امام حسن عسکری علیه السلامروایت شده است:

وَ لَایَزَالُ شِیعَتُنَا فِی حُزْنٍ حَتَّی یَظْهَرَ وَلَدِیَ الَّذِی بَشَّرَ بِهِ النَّبِیّ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً، کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً؛(۱) شیعیان ما در یک اندوه دائم به سر می برند تا فرزندم، که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوید ظهورش را داده است، ظاهر شود؛ او که جهان را پر از عدل و داد می کند، بعد از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد.

امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

... یَبْکِی عَلَیْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ کَمْ مِنْ حَرَّی مُؤْمِنَه وَ کَمْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَیْرَانَ حَزِینٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِین؛(۲) [پنهان بودن او چنان سنگین است که] ساکنان آسمانها و نیز اهل زمین بر او و از فراق او گریه می کنند و چه بسیار افراد با ایمان که در این زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماء معین) دست نمی یابند.

۱- ابن بابویه،علی ابن حسین، الإمامه و التبصره، ص۲۱.

۲- شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص۷.

دلاورمردان عرصه های جنگ، منتظرانی بودند که تحمل غربت و طولانی شدن غیبت امام زمانشان را نداشتند؛ از این رو، اندوهگین بودند و برای نزدیک تر شدن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارزه می کردند.

«شهیدمحمد حسین عسگرزاده» درباره گوشه ای از دل تنگی های هم رزمانش در فراق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید:

در قرارگاه، هر شب دعای توسل را در جایی ساکت کنار رود کارون اجرا می کردیم. سعادت نصیب من شد که در این مجالس نوحه بخوانم. در یکی از شب ها بود که رفته بودیم داخل یک گودال و مشغول خواندن دعای توسل بودیم. به قسمت توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که رسیدیم، برادران «یامهدی ادرکنی» می گفتند و همگی سینه می زدند. شور و حال دیگری بر جلسه، حکم فرما بود... .

این شهید والامقام در ادامه، از دیدار برخی رزمنده ها با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می دهد.(۱)

«شهیدمحسن اسحاقی» در وصیت نامه اش این گونه سفارش می کند:

هنگامی که خبر شهادتم را شنیدید، برایم گریه نکنید، زیرا گریه شما باعث خوش حالی دشمنان اسلام است. اگر خواستید گریه کنید، فقط و فقط برای مظلومیت حسین علیه السلام، فرزند فاطمه، و برای تنهایی و غربت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گریه کنید!(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هفتم، ص۴۶۸.
۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۷.

ولایت مداری

یکی از حقوقی که امامان معصوم علیهم السلام بر گردن ما دارند، اطاعت از اوامر ایشان است. از امام باقر علیه السلام پرسیده شد: حقّ امام بر مردم چیست؟ آن حضرت فرمودند: «حَقُّهُ عَلَیْهِمْ أَنْ یَسْمَعُوا لَهُ وَ یُطِیعُوه»؛(۱) حقّ امام بر مردم این است که آنچه امام می گوید، بشنوند و او را اطاعت کنند.

مردم در برابر حجت خداوند، حقوق و وظایف بسیاری دارند، ولی این که امام باقر علیه السلام در پاسخ این پرسش کلی، فقط به یک حق اشاره می کنند، نشان دهنده اهمیت موضوع اطاعت کردن از امام معصوم است.

ما نیز که در دوران امامت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی می کنیم، باید بدانیم یکی از حقوق مسلّم آن حضرت این است که در برابر دستوراتی که از آن حضرت به ما رسیده، تسلیم باشیم و از ایشان اطاعت و پیروی کنیم؛ به عبارت دیگر، سلیقه های شخصی خود را کنار نهاده و به دستورات ایشان عمل کنیم.

پذیرش ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از خصوصیات بسیار مهمّ منتظران آن حضرت است. قطعاً کسانی که در زمان غیبت، ولایت امام را بر گردن می گیرند و از دستورات حضرتش پیروی می کنند، در زمان ظهور، بیش از پیش مطیع اوامرش هستند.

۱- کافی، ج ۱، ص۴۰۵.

این که در توصیف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده: «مُجِدُّونَ فِی طَاعَته»؛(۱) آنان در اطاعت از امام خود کوشا هستند، و یا این که بیان شده: «هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَهِ لِسَیِّدِهَا»؛(۲) اطاعت و فرمان پذیری منتظران از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، افزون تر از اطاعت و فرمان بری کنیزی از مالک و مولای اوست، نشان از ولایت مداری آنان است؛ بی شک، آنان این ولایت پذیری را در دوران غیبت تمرین کرده اند. برای منتظران واقعی در اطاعت از دستورات امام، تفاوتی بین زمان غیبت و زمان ظهور وجود ندارد، چراکه در زمان غیبت نیز خود را در محضر ایشان می بینند.

یکی از مهم ترین و کاربردی ترین جلوه های اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تبعیت و اطاعت از «ولایت فقیه» است. پیروی از فقها در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دستوری است که از سوی امامان معصوم علیهم السلام و خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما سفارش شده است؛ در واقع، انگشت اشاره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، به سمت عالمان دینی است:

و أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَهُ فَارْجِعُوا فِیهَا إِلَی رُوَاهِ حَدِیثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکُمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَیْهِم؛(۳) در حوادثی که برای شما

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۰۸.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص۴۸۴.

پیش می آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید، چراکه آنان حجت و نماینده من بر شما هستند و من حجت خدا بر آن ها هستم.

طبق این روایت، تمام کسانی که دم از ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند، نباید به ولایت فقها بی توجه باشند. مگر می شود کسی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را قبول داشته باشد، ولی نیابت عامه اش را نپذیرد و از دستورات ولیّ فقیه سرپیچی کند؟! اطاعت از ولیّ فقیه، اطاعتی عالمانه و آگاهانه از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. کسانی که به ولایت فقها، بی توجهند و دم از اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند، اطاعتی جاهلانه از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می کنند و در این بازار عاشقی، اطاعت جاهلانه هیچ گونه قیمت، ارزش و خریداری ندارد. ثمره اطاعت جاهلانه، ورود در منجلاب ها و سراب های هلاک کننده است.

رزمندگان جنگ با روحیه ولایت پذیری بالایی که داشتند، تمام هستی خود را تقدیم آرمان های انقلاب اسلامی کردند. آنان به خوبی پیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را که تبعیت از عالمان دینی بود، درک کردند و در مهم ترین حادثه ای که در دوران زندگی شان اتفاق افتاده بود، به فرمان نایب امام زمانشان گوش سپردند.

آنان با سر سپردن به ولایت امام خمینی رحمه الله و حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل، ولایت پذیری خودشان را در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت کردند. شهدا به خوبی درک کرده بودند که ولیّ فقیه، نماینده امام و اطاعت از او مانند اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ لذا دستورات امام

خمینی رحمه الله را دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند و تا پای جان مطیع و فرمان بردار ایشان بودند و این ولایت پذیری را ارزش ویژه ای قلمداد می کردند.

آنان با پای بندی و دفاع از این ارزش، ارزش مند شدند و مقام و منزلت پیدا کردند. شاید خیلی از انسان ها بتوانند ارزش ها را درک کنند، اما آنچه مهم است پای بندی و دفاع از ارزش هاست، که شهدا با حضور چشم گیر خود در جبهه ها، پای بندی به این ارزش را به جهانیان گوشزد کردند.

اکثر شهدا و رزمندگانی که در جبهه حضور داشتند، امام خمینی رحمه الله را از نزدیک ندیده بودند، ولی آن قدر جاذبه معنوی امام رحمه الله بر آن ها تأثیر گذاشته بود، که سر از پا نمی شناختند و این شیفتگی به امام خمینی رحمه الله را، راهی برای رسیدن به بازار عاشقی امام زمانشان می دانستند؛ به همین دلیل، پشت پیراهن های خاکی شان می نوشتند: «بی عشق خمینی، نتوان عاشق مهدی شد».

در بیشتر وصیت نامه های شهدا، به نام امام خمینی رحمه الله و این که ایشان، نایب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، اشاره شده است. گفتنی است در بخش های پیشین، برخی از آن ها مورد اشاره قرار گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان در این باره می گوید:

در بسیاری از وصیت نامه ها، سخن از پیروی کردن از ولایت فقیه به میان آمده است. ما از پژوهش جداگانه ای که در سال های اخیر انجام شده است، به این نتیجه رسیده ایم که شهدا در وصیت نامه هایشان به طور متوسط چهار مرتبه، انگیزه رفتن به جبهه را پیروی از ولایت فقیه اعلام کرده اند؛ البته با تعابیر مختلفی چون: امام، رهبر، نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولایت فقیه از این مقام سخن گفته اند. سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که: درخواست پیروی از ولایت فقیه و امام در وصیت نامه های شهدا، بر چه اساسی بوده است؟ جواب این است که ولیّ فقیه، نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.(۱)

اگر امام خمینی رحمه الله دستوری می دادند که باید انجام می شد، رزمند ه ها تمام توان خود را به کار می بستند تا آن را عملی کنند، و این نکته در بسیاری از خاطرات شهدا منعکس است. دستور امام مبنی بر آزادسازی خرمشهر و مهران، حفظ جزایر مجنون و ده ها مورد دیگر، جزء مسائلی بود که رزمنده ها، تلاش بسیاری کردند تا آن را به سرانجام برسانند.

۱- محمد حسین رحیمیان، پیوند قطره با دریا، مجله امان، ش۳۶، ص۱۳.

درباره «شهیداصغر توکلی» نقل شده است:

ساعت دَه شب اصغر توکلی، فرمانده گردان، با موتورسیکلت به خط آمد و همه فرماندهان و مسئولان گردان را جمع کرد و گفت: «خبر رسیده که فردا، دشمن با تمام قوا قصد پس گرفتن جزیره مجنون را دارد. فردا، روز سرنوشت سازی برای عملیات خیبر است؛ از طرفی، امام فرموده است: جزیره باید حفظ شود.» بعد از آن، در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، ادامه داد: «بیایید با هم پیمان ببندیم که تا آخرین نفس دفاع کنیم و اگر دشمن خواست جزیره را بگیرد، از روی اجساد ما بگذرد، ولی نگذاریم صحبت امام نقض شود!»(۱)

درباره «شهیدصمد اسودی» نیز گفته اند:

در یکی از جبهه ها که آقای نورمفیدی، پیام امام را برای نیروهای لشکر ۲۵ کربلا آورده بود، او در بین جمعیت بلند شد و با تمام وجود فریاد برآورد که: «به امام بگویید: ما سربازان جان بر کف ایشان هستیم و تا آخرین قطره خون، از مملکت و انقلاب خود دفاع خواهیم کرد.»(۲)

۱- محمد حجتی، حکایت سرخ، ص۴۵.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاوادنه های تاریخ، دفتر یکم، ص۱۵.

این که «شهید همت» می گوید: «پیام من فقط همین است: در زمان غیبت، اطاعت محض از ولایت فقیه داشته باشید»، نشان دهنده این مطلب است که رزمندگان ما با تمام وجود، از ولیّ امر و نایب امام زمان خودشان تبعیت می کردند.(۱)

تقوا و خودسازی

یکی دیگر از وظایف منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، خودسازی و مواظبت بر رفتار خویش است. نهایت آرزوی افرادی که با مکتب اهل بیت علیهم السلام آشنایی دارند این است که این افتخار را کسب کنند تا جزء منتظران واقعی باشند؛ رسیدن به چنین مقامی، جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر نیست.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْیَنْتَظِرْ وَ لْیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ...؛(۲) هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد، پس باید منتظر باشد و کارهایش را با ورع، تقوا و اخلاق کریمانه همراه کند.

۱- ابراهیم رستمی، طنین همت، ص۵.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

از امام صادق علیه السلام درباره تقوا پرسیدند. ایشان این گونه پاسخ دادند:

أَنْ لَایَفْقِدَکَ اللَّهُ حَیْثُ أَمَرَکَ وَ لَایَرَاکَ حَیْثُ نَهَاکَ؛(۱) تقوا آن است که در مواردی که خدا به انجام آن فرمان داده، تو را گم نیابد (آن فرمان را انجام بدهی) و به چیزهایی که تو را از آن باز داشته، مشغول نبیند.

شهید مطهری می نویسد:

تقوا، نگهبان انسان است و انسان، نگهبان تقوا...؛ این نگهبانی متقابل، از نوع نگهبانی انسان و جامه است که انسان، نگهبان جامه از دزدیدن و پاره شدن است و جامه، نگهبان انسان از سرما و گرماست.(۲)

کسانی که دم از انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند و خود را جزء محبان و دوست داران ایشان می دانند، باید خود را به این سلاح کاربردی، مسلح کنند. هرچند معصوم نیستیم و گاهی خطاها و اشتباهاتی از ما سر می زند، ولی باید همواره این نکته را در نظر داشته باشیم که در مسیر رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گام برداریم و بدانیم که بی تقوایی و آلودگی به برخی از گناهان، ما را از آن حضرت دور می کند. خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در یکی از نامه ها به این نکته اشاره فرموده اند:

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص۲۸۵.

۲- سیری در نهج البلاغه، ص ۲۰۹.

فَمَا یَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا یَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَکْرَهُهُ وَ لَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُم...؛(۱) هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است، مگر آن کارهایی [ناشایست] که از آن ها به ما می رسد؛ اعمالی که خوش آیند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم.

آنچه آن حضرت از ما انتظار دارد، دوری از گناه است. در یکی از دعاهای منسوب به ایشان آمده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَهِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیَهِ... وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَهِ وَ اکْفُفْ أَیْدِیَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَهِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِیَانَهِ وَ اسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِیبَهِ...؛(۲) خدایا! توفیق فرمان بری و دوری از نافرمانی به ما عطا کن؛... شکم هایمان را از حرام و شبهه پاک فرما؛ دستانمان را از ستم و دزدی بازدار؛ دیدگانمان را از ناپاکی و خیانت فرو بند و گوش هایمان را از شنیدن بیهوده و غیبت ببند!

بدون هیچ تردیدی می توان گفت، دوری از گناهان و مظاهر بی بند وباری در دوران آخر الزمان، بسیار سخت تر از زمان های گذشته است، چراکه امکانات و اسباب و وسایلی که ما را به سوی گناهان می کشاند، در زمان های پیشین نبود؛ البته تفاوت عصر کنونی با دوران های گذشته و

۱- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص۴۹۹.

۲- ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بلد الامین، ص۳۴۹.

فراهم بودن زمینه های گناه در این دوران، به این معنا نیست که بی تقوایی کنیم، و بهانه ای باشد تا منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پایشان را از دایره تقوا فراتر نهند. اگر کسی باتقوا باشد، دیگر برایش فرقی نمی کند که در چه زمان و مکانی زندگی می کند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

إِنَ لِصَاحِبِ هَـٰذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ؛(۱) همانا برای صاحب الامر غیبتی هست؛ پس بنده، تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ بزند.

رزمنده های دوران دفاع مقدس، همواره در راستای دوری از گناه و چنگ زدن به تقوای الهی تلاش می کردند تا بیش از پیش، خود را به این گوهر ارزش مند مزین کنند.

یکی از برنامه های «شهیدمصطفی ردانی پور» برای تقویت روحیه معنوی فرماندهان این بود که هر از گاهی، آن ها را به قم و به دیدار علما می برد. در یکی از ملاقات هایی که با حضرت آیت الله بهجت قدس سرّه داشتند، صحبت از جهاد و نبرد با صدام شد. شهید ردانی پور هم از کارهای صدام برای ایشان گفت. آیت الله بهجت، پس از شنیدن صحبت ایشان فرمودند: «هر کدام از ما یک صدام در درون خود داریم. موظب باشید از او غافل نشویم!»(۲)

۱- کافی، ج ۱، ص۳۳۵.
۲- گروه فرهنگی هنری شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۹۶.

شهدا برای کسانی که می خواهند در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تقوای الهی پیشه کنند، بهترین الگو هستند؛ منتظران راستینی که در جوانی توانستند گل زیبای تقوای الهی را در سرزمین سرسبز دل هایشان پرورش دهند. می توان با قاطعیت گفت، کسانی که در جبهه ها حضور پیدا می کردند، همواره در پی به دست آوردن ثواب و فضیلت و زدودن زنگارهای غفلت از دیواره های دلشان بودند. آنان پاک زیستن را در دانشگاه بزرگ جبهه ها آموخته و در این درس با نمره بسیار عالی قبول شده بودند. آنان با پرورش تقوای الهی در تار و پود وجودشان، همواره از گناه گریزان بودند و به واسطه این گناه گریزی، بیشتر به امام زمانشان نزدیک می شدند.

شهدا با سیره عملی و سبک زندگی شان به ما آموختند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانش این انتظار را ندارد که دنباله رو هوا و هوس هایی باشند که روز به روز، به واسطه آن ها از امام زمانشان دورتر شوند؛ آنان به ما یاد دادند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانش این انتظار را ندارد که با برخی کارهای ناشایست، دل هایشان آلوده گردد، چراکه دل آلوده نمی تواند مهر و محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خودش جای بدهد؛ آنان به ما این درس را دادند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانش این انتظار را ندارد که گاهی الفاظ گناه آلود بر لب داشته باشند و گاهی دعای فرج را طوطی وار، لقلقه زبانشان کنند؛ آنان برای ما این گونه بیان کرده اند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانش این انتظار را ندارد که گاهی دست های غاصبانه آن ها به سمت اموال مردم دراز باشد و گاهی به خاطر دعا برای فرجش!

«شهیدحمیدرضا قناعت پیشه» در وصیت نامه اش می نویسد:

برادران عزیز! اگر می گویید منتظر امام زمانید، پس چرا قلبش را به درد می آورید. منتظر واقعی که دروغ نمی گوید. منتظر واقعی که تهمت نمی زند. منتظر واقعی که غیبت نمی کند. منتظر واقعی همواره در صدد تزکیه نفس و اصلاح درون است. منتظر حقیقی همواره آماده است حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند تا به یاری اش بشتابد. منتظر واقعی، هوشیار و آگاه به مسائل روز است و کوچک ترین انحراف در این راه را تذکر می دهد و در صورت لزوم، برای حفظ دین شهید می شود.(۱)

«شهیدمحمدرضا مصلحی نژاد» نیز در وصیت نامه اش توصیه می کند:

ای بندگان خدا! حجابی را که بین شما و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته، با پاک نمودن اعمال و انجام کارهای خوب و ترک کارهای ناپسند، محو کنید. با انجام دادن کارهای پسندیده و ترک کارهای ناپسند، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نزدیک کنید.(۲)

«شهیدجعفر کرمانی» در وصیت نامه اش، این گونه با خدای خود نجوا می کند:

۱- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۲۰۴.

۲- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۹۷.

الها! اگر ما آگاهانه یا ناآگاهانه غیبتی کردیم، تهمتی زدیم، حسد ورزیدیم و دیگر کارهای رذیله را انجام دادیم، ما را ببخش و به بزرگی خود از همه این گناهان درگذر و توبه ما را قبول گردان.(۱)

«شهید شیخ عباس شیرازی» در یکی از سخنرانی هایش، «تقوا» را این گونه معنا می کند:

نفس انسان ابا دارد از آلودگی. نفس انسان نیرومند است. اما اگر اراده کنیم از پرهیزگاری، آن پرهیز خارجی و گریز اجتماعی را از صحنه های گناه، این تقوای اسلامی نیست؛ یعنی اسلام نخواسته افراد را ضعیف النفس بار بیاورد و بگوید: همیشه از محیط آلوده فرار کن؛ همیشه از محیط فاسد گریزان باش! نه؛ انسان باتقوا، انسان نیرومند و توانمندی است که اگر در محیط فاسدی وارد شد، به رنگ فساد درنمی آید. انسان باتقوا، انسان نیرومندی است که اگر در جوّ آلوده ای قرار گرفت، به سوی آلودگی گرایش پیدا نمی کند. انسان با تقوا، انسانی است که اگر در جوّ رشوه، در جوّ کم فروشی، در جوّ گران فروشی، در جوّ احتکار توی بازار واقع شد، نمی گوید: حالا که همه این چنین هستند، پس

۱- طیبه فرد، معمای حضور، ص۱۱۸.

ما هم چنین باشیم؛ خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو! نه؛ می گوید: من تقوا دارم. بر اساس هدف و راهی که برگزیده ام، با قدرت تقوا در مسیری که انتخاب کرده ام، به سوی هدفی که انتخاب کرده ام، پیش می روم؛ این معنای تقواست.(۱)

شهدا و رزمندگان از گناه متنفر بودند و همین احساس تنفر باعث می شد که در برابر گناهان، واکنش نشان بدهند. در کتاب خاک سرخ آمده است:

«شهید علی محمد اربابی» به قدری از دروغ متنفر بود و از آن می گریخت که علاوه بر آن که هیچ وقت خود دروغ نمی گفت، جایی که دروغ گفته می شد هم متوقف نمی شد و از آن محل فاصله می گرفت. قبل از عملیات کربلای چهار می خواستیم به منطقه عملیات برویم. برای عبور، محدودیت برگه تردد داشتیم و باید به دروغ که نه، با توریه از دژبان خرمشهر رد شده و وارد منطقه می شدیم. به دژبانی که رسیدیم، شروع کردیم با او صحبت کردن و با شلوغ کردن و توریه، سعی کردیم او را راضی به عبور نماییم. در این حین، متوجه شهید اربابی شدم. دیدم آرام آرام از ما فاصله گرفت. وقتی مجوز عبور گرفتیم، علی محمد آمد سوار شد.(۲)

۱- احمد مؤمنی راد، مردان مرد این گونه بودند، ص۳۴.

۲- محمد حجتی، حکایت سرخ، ص۷۷.

یکی از هم رزمان «شهیدحسین ناجی» نقل می کند:

در عملیات «فتح المبین» بچه ها تعریف می کردند: وقتی به سنگرهای دشمن نزدیک شدیم، از درون سنگرهای دشمن صدای ترانه و آواز می آمد. ناگهان پاسدار شهیدحسین ناجی فریاد زد: «بچه مسلمان ها! گوش هایتان را بگیرید که مبادا گناهی گردنتان بیاید.» همه بچه ها گوش هایشان را گرفتند و تا نزدیکی سنگرهای دشمن که رسیدند، آن وقت دست هایشان را رها کردند و به دشمن حمله بردند.(۱)

رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

آنان که چشم به راه امام خود هستند و درباره او شناخت لازم را پیدا کرده اند، اعتقاد دارند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از کارهای همه مردم، به ویژه شیعیان آگاه است. طبق برخی روایات، تمام کارهای ما هر هفته یک یا دو روز، و طبق بعضی دیگر از روایات، هر روز، و مطابق روایاتی دیگر، هر صبح بر امام معصوم عرضه می شود؛ به همین جهت، کسانی که دوست دار اهل بیت علیهم السلام هستند، همواره تلاش می کنند اعمال و رفتارشان مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شود.

باید به این نکته ایمان قلبی و عملی داشته باشیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تمامی اعمال، رفتار و افکار ما آگاهند و هیچ کاری از چشم بینای ایشان پنهان

۱- احمد مؤمنی راد، مردان مرد این گونه بودند، ص۱۹۶.

نبوده و هیچ حرفی از گوش شنوای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مخفی نیست. ما باید بدانیم وقتی کارها و اقدامات روزانه ما، به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد، با دیدن اعمال خوبمان، خوش حال و با دیدن اعمال بدمان، ناراضی می شوند؛ بنابراین، باید سعی کنیم همواره رضایت ایشان را به دست بیاوریم.

منتظران واقعی، به این پیام امام زمانشان آگاهند:

إِنَّا يُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَايَعْزُبُ عَنَّا شَيْ ءٌ مِنْ أَخْبَارِكُم؛(۱) هیچ یک از اخبار شما، از دید ما پنهان نمی ماند؛ ما بر همه امور شما اطلاع پیدا می کنیم.

شایان ذکر است، رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیر از رضایت خداوند نیست. این که خداوند در قرآن کریم، حضرت اسماعیل علیه السلام را با صفت «مرضی» توصیف کرده: ((وَ كانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا))؛(۲) و [اسماعیل] همواره مورد رضایت پروردگارش بود، نشان دهنده اهمیت رضایت خداوند است. اگر انسان کاری کند که مورد رضایت خداوند قرار گیرد، بی شک مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز قرار می گیرد؛ به همین دلیل، سعی می کند اوامر الهی را انجام بدهد، از گناهان دوری کند، همواره به دنبال حق باشد و با باطل مبارزه کند که:

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۵.

۲- مریم، آیه ۵۵.

فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوه؛(۱) حق آن است که شما آن را پسندیده و باطل آن است که شما از آن خشمگین هستید.

شهدا همواره این دغدغه را داشتند که: آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن ها رضایت دارد یا نه؟ در بسیاری از وصیت نامه های شهدا، این دغدغه به چشم می خورد.

«شهید سیدمهدی بلادی» خطاب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید:

ای مهدی صاحب الزمان! این که نام سربازی و نوکری تو را بر ما نهاده اند، افتخاری است، ولی این که نمی توانم آنچه تو می خواهی باشم، عذابی است در روح و وجودم. نام مقدس سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خود نسبت می دهم و حال آن که نه تنها یاری تو را نکرده ام، بلکه حقی را هم که بر گردنم داری، ادا نکرده ام! وقتی فکر گناه و خیانتی که به خودم و شما کرده ام و قلب تو را به درد آورده ام، می افتم نمی دانم چطور نام تو را بر زبان بیاورم و صدایت کنم؟!(۲)

«شهید سیدمرتضی شریفی» در وصیت نامه اش می نویسد:

۱- محمد ابن جعفر، المزار الکبیر، ص۵۷۱.

۲- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۶۹.

در مورد من نگران نباشید، چون که من سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستم و باید به خاطر ظهورش، زمینه را آماده کنم. و در این راه، شک و تردیدی نیست و اگر شهید بشوم، بیهوده نیست و اگر این راه را نروم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ما شکایت می کند و ناراضی می شود و باید همه از جان خود دریغ کنیم تا ان شاءالله آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هرچه زودتر ظهور کنند!(۱)

«شهیدفرهاد اجرایی» نیز درباره به دست آوردن رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در وصیت نامه اش می نویسد:

بیایید این دنیای بی ارزش را رها کرده و به خود بیاییم و فکر کنیم که: آیا تمام خوشی های دنیا به لحظه ای نارضایتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ارزش دارد؟!(۲)

منصور بزرج می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

مَاأَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ يَا سَيِّدِی ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِي. فَقَالَ لَا تَقُلِ الْفَارِسِيَّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيَّ أَتَدْرِی مَا كَثْرَةُ ذِكْرِی لَهُ قُلْتُ لَا. قَالَ لِثَلَاثِ خِصالٍ أَحَدُهَا إِيثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام

۱- علی رضا صداقت، برای هم کلاسی هایم، دفتر دوم، ص۶۲.

۲- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۲۰۴.

عَلَی هَوَی نَفْسِهِ وَ الثَّانِیَهُ حُبُّهُ لِلْفُقَرَاءِ وَ اخْتِیَارُهُ إِیَّاهُمْ عَلَی أَهْلِ الثَّرْوَهِ وَ الْعَدَدِ وَ الثَّالِثَهُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ؛(۱) ای آقای من! چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می شنوم؟ فرمود: نگو سلمان فارسی، بگو سلمان محمدی! می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ عرض کردم: نه. فرمود: برای سه صفت؛ اول، مقدم داشتن خواسته امیر مؤمنان علیه السلام بر خواسته خودش؛ دوم، دوست داشتن فقرا و برگزیدن آن ها بر ثروتمندان؛ و سوم، دوست داشتن علم و علما.

یکی از ویژگی هایی که باعث شد امام صادق علیه السلام از سلمان فارسی این گونه تجلیل کنند، این است که سلمان فارسی همواره به دنبال کسب رضایت امام زمان بود.

شهدا و رزمنده های جنگ نیز همین ویژگی را داشتند و همواره در پی به دست آوردن رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و سعی می کردند خواسته های امام زمانشان را بر خواسته های درونی شان ترجیح دهند. آنان نه تنها خود را به گناه آلوده نمی کردند، بلکه زمینه های گناه و معصیت را برای دیگران هم به وجود نمی آوردند که مبادا قلب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنان اندوهگین شود.

۱- ابن بابویه، محمد ابن علی، الأمالی، ص۱۳۳.

درباره مراسم عروسی «شهیدمصطفی ردانی پور» این طور نقل شده:

اتاق تودرتوی پذیرایی را زنانه کرده بودند و حیاط را برای مردها فرش انداخته بودند؛ یک مرتبه صدای بلندی که از کوچه به گوش می رسید، نگاه همه حاضران را به طرف درِ ورودی خانه برگرداند: «برای شادی روح آقاداماد صلوات!» صدای خنده و صلوات قاطی شد و در فضای کوچه و حیاط خانه پیچید. «برای سلامتی شهدای آینده صلوات!» مصطفی سر به زیر و خندان در میان همراهانش و دوشادوش شهیدحسین خرازی وارد حیاط خانه شد. «صحیح و سالم بری رو مین و سالم برنگردی، صلوات بفرست!» مهمان ها هرچه سکه و نقل و شیرینی داشتند، ریختند روی سر مصطفی که سرخ شده بود از خجالت. «در راه کربلا بی دست و بی سر ببینمت، صلوات بعدی رو بلندتر ختم کن!» و صدای بلند صلوات اطرافیان... .

مصطفی مثل همیشه شلوار نظامی اش را پوشیده و پیراهن ساده شیری رنگش را روی آن انداخته بود؛ با این تفاوت که آن ها را اتو کرده بود. بیشتر مهمان ها از دوستان او بودند؛ بچه های جبهه یا هم درسان دوران طلبگی که حالا مجلس را دست گرفته بودند و به اختیار خود می چرخاندند. حاج حسین خطاب به ناصر گفت: پاشو مجلس را گرم کن! مثلاً ـ عقدکنان رفیقمان است. ناصر در حالی که با عجله کیک های داخل دهانش را قورت می داد، گفت: چشم فرمانده! آن گاه پارچ آب را برداشت و سر کشید و

بلافاصله بلند شد و وسط مجلس ایستاد. بی مقدمه و با صدایی که فقط خودش معتقد بود که زیباست(!) شروع به خواندن کرد: «شمع و چراغ روشن کنید، بسیجی ها رو خبر کنید، امشب شبیخون داریم، ببخشید امشب عروسی داریم...» و دست زد و بقیه هم با او دم گرفتند و دست زدند. «خمپاره بریزید سرشون، امشب عروسی داریم...» احمد گفت: ناصر! ببینم کاری می کنی که عروس خانم همین امشب از آقامصطفی تقاضای طلاق کنه یا نه؟

سحرگاه در آستانه اذان صبح، خواهر مصطفی سراسیمه و حیران زده از خواب پرید. بی درنگ به سوی اتاق مصطفی رفت و در زد. یقین داشت که مصطفی آن موقع، در سجاده نماز شب در انتظار اذان صبح، به تلاوت قرآن مشغول است. مصطفی آرام در را گشود و با چهره حیرت زده خواهرش مواجه شد که بریده بریده کلماتی بر زبان می راند: «مصطفی!... مصطفی!... به خدا قسم، حضرت زهرا علیها السلام به همراه سیدی نورانی و بانویی دیگر، در مراسم عروسی ات شرکت کردند. وقتی... وقتی خانم را شناختم، عرضه داشتم: خانم جان! فدایتان شوم! قدم رنجه فرمودید! بر ما منت گذاشتید... اما شما و مراسم عروسی؟! فرمود: به مراسم ازدواج فرزندم مصطفی آمده ایم... اگر به مراسم او نیاییم به مراسم که برویم؟... و تعجب زده از خواب پریدم.» یک مرتبه مصطفی روی زمین نشست، دست هایش را روی زمین گذاشت و شروع کرد های های گریه کردن... مرتب زیر لب می گفت: «فدایشان بشوم! دعوت مرا پذیرفتند.»

کدام دعوت داداشی؟! تو رو خدا به من هم بگو.

چون خواستم مراسم عروسی ما مورد رضایت و عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد، دعوت نامه ای برای آن حضرت و دعوت نامه ای برای مادر بزرگوارشان حضرت زهرا علیها السلام و عمه پرکرامتشان حضرت معصومه علیها السلام نوشتم. نامه اول را در چاه عریضه مسجد جمکران انداختم و نامه دوم را در ضریح حضرت معصومه علیها السلام... و اینک معلوم شد منت گذاشته اند و دعوت مرا پذیرفته اند... حال، خیالم راحت شد که مجلس ما مورد رضایت مولایمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گشته است.(۱)

درباره «شهید صیاد شیرازی» این طور نقل شده است:

قرار بود صبح روز عید غدیر برود خدمت مقام معظم رهبری و درجه سرلشگری اش را بگیرد. همه به او تبریک می گفتند، ولی خودش می گفت: «درجه گرفتن فقط ارتقای سازمانی نیست؛ وقتی آقا درجه را روی دوشم بگذارند، حس می کنم از من راضی اند. وقتی ایشان راضی باشد، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم راضی اند؛ همین برایم بس است. انگار مزد تمام سال های جنگ را یک جا به من داده اند.»(۲)

۱- محمد باقر حیدری کاشانی، نسل طوفان، ص ۵۰ ۵۴.

۲- مسلم عباسپور، صدها خاطره، مجله امان، ش ۳۵، ص۱۵.

خدمت و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیعیان واقعی همواره تلاش می کننـد، تا آن جا که می تواننـد امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف را یاری کننـد، چراکه ایشـان را ولی نعمت خود دانسـته و خـدمت کردن به حضـرتش را جزء برترین عبادات و بالاترین وسایل تقرب به خداونـد می دانند.

خـدمت و یـاری حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف آن چنـان اهمیت دارد که وقـتی از امـام صـادق علیه السـلام پرسـیدند: آیا قائم متولـد شـده است؟ فرمودند: «لَا وَ لَو ادرَکتُهُ لَخَدمتُهُ أیام حَیاتِی»؛(۱) خیر، امـا اگر او را دریـابم، در همه ایام زندگانی ام خدمت گزارش خواهم بود. وقتی امام صادق علیه السـلام، خدمت و یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را آرزو می کنند، پس ما هم باید در این راستا تلاش کنیم.

بسیاری از شهدا در وصیت نامه شان بر این امر تأکید دارند که درباره یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بی تفاوت نباشیم.

«شهیدسعید طوقانی» در وصیت نامه اش می نویسد:

کاری نکنید که لیاقت یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از دست بدهید! تا می توانید مراقب و محاسب اعمال و احوال خودتان باشید. (۲)

۱- نعمانی، الغیبه، ص۲۴۵.

۲- ابوالفضل سبزی، روح شهید، ص۱۲۳.

شایسته است، هرکسی به هر اندازه، زمینه های خدمت و یاری امام زمانش را فراهم کند و نباید هیچ تلاشی، هرچند کم را نادیده گرفت. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

لَیَعِدَنَّ اَحَدُکُم لِخُرُوجِ القائِمِ وَ لَو سَهماً...(۱)؛ هریک از شما باید برای خروج حضرت قائم [سلاحی] مهیا کند، هرچند یک تیر باشد... .

شیعیان باید همواره روحیه یاری رسانی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته و مهیای یاری امام خود باشند. به جهت مشخص نبودن زمان دقیق ظهور، این روحیه خدمت رسانی، باعث پویایی، تحرک و آمادگی کامل برای امر ظهور می شود.

امام حسن عسکری علیه السلامر توصیف یاری کنندگان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

الَّذِینَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَ الْأَوْلَادِ وَ جَفَوُا الْوَطَنَ وَ عَطَّلُوا الْوَثِیرَ مِنَ الْمِهَادِ وَ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَ أَضَرُّوا بِمَعَایِشِهِم؛(۲) کسانی که از خانواده و فرزندانشان دست کشیدند، وطن را ترک کردند، از بستر و خواب آرام گذشتند، تجارت و بازرگانی را رها کردند و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند.

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۰.

۲- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۲.

شهدا با دل کندن از شـهر و دیار و زن و بچه هایشان، به سوی جبهه ها شتافته و در راستای خدمت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، تمـام هستی شـان را در طبق اخلاـص گذاشـتند؛ البته آن هـا، عاشق خانواده خود بوده و در این مسـئله، الگو و نمونه اند.

«شهید حسن امام دوست» در بخشی از نامه اش، خطاب به دختر تازه به دنیا آمده خودش می نویسد:

کودکم! شعله عشق دیدار تو در دلم زبانه می کشد. خیلی دلم می خواست برای یک بار هم که شده، شما را ببینم، اما نازنینم! چگونه می توانم به سوی تو باز آیم، در حالی که دشـمن هر روز ناجوانمردانه به شـهر و روسـتاهای میهن ما می تازد و صـدها چون تو را که همه برایم عزیزنـد، در آغوش مادرانشـان به خاک و خون می کشـد؟! من می مانم تا تو فردا بتوانی سـربلند و با افتخار بگویی که پدرت در راه اسلام و قرآن و نوکری اباعبد الله الحسین و امام عصر روحی له الفداه و نایب بر حقّش، خمینی کبیر جان باخته است.(۱)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر یکم، ص۳۸.

دعا

از وظایف مهمی که منتظران در عصر غیبت بر عهده دارند، دعا کردن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل در فرج و امر ظهورش است. این امر آن قدر اهمیت دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام همواره برای نزدیک شدن دولت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، دعا می کردند.

از احمدبن اسحاق روایت شده است:

خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! امام و جانشین بعد از شما کیست؟ ایشان فرمودند: وَاللَّهِ لَیَغِیبَنَ غَیْبَهً لَایَنْجُو فِیهَا مِنَ الْهَلَکَهِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِیهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِیلِ فَرَجِه...؛(۱) به خدا سوگند، [او] غیبتی خواهد داشت که در آن [غیبت] تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آن ها را بر قول به امامتش، ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده است....

هم چنین خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر دعای شیعیان، بسیار تأکید دارند. در نامه ای که از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده، آمده است:

وَ أَکْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِیلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِکَ فَرَجُکُم؛(۲) برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همانا فرج شما در آن است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۸۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۸۵.

دعا کردن برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آثار و برکات بسیاری دارد. آیت الله موسوی اصفهانی در بخش پنجم کتاب مکیال المکارم، حدود نود فایده برای دعا به منظور فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کند.

بدون تردید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را بسیار دوست دارند. از امام رضا علیه السلام روایت شده است:

الْإِمَـامُ الانیسُ الرَّفِیقُ وَ الْوَالِـدُ الشَّفِیقُ وَ الْأَخُ الشَّقِیقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّهُ بِالْوَلَـدِ الصَّغِیر...؛(۱) امام، همـدمی رفیق، پدری مهربان، برادری تنی و مادری دلسوز به کودک است... .

یکی از جلوه هـای مهربـانی امـام این است که همواره برای مردم و به خصوص شـیعیان دعـا می کننـد، و به واسـطه دعای امام معصوم، مشکلات شیعیان رفع و حاجت هایشان برآورده می شود.

از عبد الله بن ابان نقل شده است:

به امام رضا علیه السـلام عرض کردم: ادْعُ اللَّهَ لِی وَ لِأَهْلِ بَیْتِی فَقَالَ أَوَ لَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَکُمْ لَتُعْرَضُ عَلَیَ فِی کُلِ یَوْمٍ وَ لَیْلَه؛(۲) برای من و برای خانواده ام دعا کن! حضـرت فرمودند: آیا من برای شما دعا نمی کنم؟! همانا اعمال شما در هر روز و شب، بر من عرضه می شود.

۱- کافی، ج ۱، ص۲۰۰.

۲- کافی، ج ۱، ص۲۱۹.

شهـدا بـا مناجـات و دعـا و به ویژه دعاهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، انس و الفت بسـیاری داشـتند. جای جبهه ها، نجواهای عاشـقانه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمزمه های مخلصانه دعای عهد و ندبه رزمنده ها را به یاد دارد. خوانـدن «دعای عهد»، جزء برنامه های روزانه فرزندان امام راحل و عاشـقان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بود. آنان به واسـطه عشق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، خود را مقید کرده بودند که هر روز دعای زیبای عهد را زمزمه و هر صبح گاه با امام خود تجدید بیعت کنند.

«مهدی قلی رضایی» در کتاب خاطراتش می نویسد:

همه نمازهـا به جمـاعت بر گزار می شـد. هیـچ کس بـدون دعای عهـد، از صف نماز جماعت صـبح جـدا نمی شـد... .(۱) ماه رمضان بود. از هر راهی که به ذهنمان می رسـید، وارد شدیم تا از مسـئولان اجازه بگیریم و بتوانیم روزه بگیریم، اما این اجازه صادر نشد. برنامه های عزاداری رونق گرفته بود. دوشـنبه ها دعاهای توسل، به سـینه زنی و عزاداری ختم می شد. پنج شـنبه ها دعای کمیل داشتیم. همه نمازها به جماعت ادا می شد. امام جماعتمان، طلبه ای بود به نام حسـین نصـیری. هر صبح همه با هم دعای عهد می خواندیم... .(۲)

۱- معصومه سپهری، لشکر خوبان، ص۱۹.

۲- معصومه سپهری، لشکر خوبان، ص۲۸۴.

هم چنین خواندن «دعای ندبه» در جبهه ها رونق خاصی داشت و خاطرات جالبی در این باره بیان شده است.

درباره «شهیدعلی عباسیان» نقل کرده اند:

صدای این جوان به قدری حزین بود که حتی وقتی تعقیبات نماز را می خواند، احساس می کردی سیمت وصل شده. خودش سوز حال عجیبی داشت؛ مخصوصاً نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. وقتی در نخلستان های اطراف نهر «بلامه»، کنار اروند بودیم، صبح های جمعه دعای ندبه را می خواند و با آن حال ملکوتی اش، فضایی به وجود می آورد که نگفتنی است. چنان از صمیم دل «یابن الحسن» می گفت که دل هر شنونده ای را می لرزاند و متحول می کرد؛ به طوری که احساس می کردی الآن آقا را می بینی. خواندن او از سنخ دیگری بود. در عملیات کربلای چهار، تیری به سرش خورد و بدنش به همراه جریان اروند رفت. وقتی اروند با آن جریان پرخروش و متفاوتش کسی را ببرد، دیگر هیچ امیدی برای یافتن جنازه اش باقی نمی ماند. محل عملیات کربلای چهار که در خرمشهر بود تا نهر بلامه، حدود هفتاد کیلومتر فاصله داشت. شاید حدود صد نهر در دو طرف رودخانه وجود دارد که بسیاری از آن ها متروکه است و هیچ بشری به آن ها سر نمی زند. این نهر، نزدیک پل بعثت و رأس البیشه بود. پس از عملیات کربلای پنج، در همین نهر بلامه، بچه ها مشغول آب تنی بودند که در حین شنا با دو لباس غواصی مواجه می شوند؛ آن ها را از آب بیرون می کشند و متوجه می شوند مربوط به دو تن از شهداست که

سر و دست و پایشان را که از لباس غواصی بیرون بوده، ماهی ها خورده اند. وقتی زیپ لباس های آن ها را باز کردند و پلاک هایشان را دیدند، معلوم شد یکی از آن ها شهیدعلی عباسیان است. این بدنِ بی سر، که پس از شش ماه در آب شناور بود و از آن طرف به این طرف می رفت، عاقبت وارد نهری شد که قبل از عملیات کربلای چهار، در همان منطقه متوسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شد و صدای «یابن الحسن، یابن الحسن» او در نخلستان ها می پیچید و بچه ها را به یاد حضرت می انداخت.(۱)

در مواقع گوناگون، زمزمه دعاهای مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرهم دردها و مشکلات رزمنده ها می شد. «شهید صیاد شیرازی» در کتاب خاطراتش، وقتی نحوه خارج شدن از محاصره ضد انقلاب را توضیح می دهد، درباره نقش «دعای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» در فعالیت های نظامی می نویسد:

... این جا اولین جایی بود که در منطقه جنگی، دعای مقدس آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خواندم. همین که دعا را خواندم، بلافاصله طرح عملیات توی ذهنم آمد. ناگهان تمام تاکتیک هایی که به صورت علمی خوانده بودم و هیچ وقت عملاً استفاده نکرده بودم، در ذهنم استنتاج شد؛ یعنی از بین همه خواندنی ها و دوره هایی که دیده بودم، ذهنم روشن شد که کجا باید این ها را به کار بگیریم؛ آن هم تاکتیک عبور از منطقه خطر در شرایط محاصره دشمن بود.(۲)

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۹۱.

۲- احمد دهقان، ناگفته های جنگ، ص۲۷و۳۳.

یکی از هم رزمان «شهیدمصطفی یوسفی» که شاهد شهادتش بود، نقل می کند:

مصطفی حال دیگری داشت؛ زیر نخل نیم سوخته ای نشسته بود، به تنه زخمی آن تکیه داده بود و زیر لب می خواند: «اللهم کن لولیک الحجهٔ بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه... .» اشک مثل باران از چشمش روی کتابچه دعا می چکید.(۱)

هم چنین درباره «شهیدحسین کوکبی» نقل شده است:

وقتی که مجروح شد، دعای «الهی عظم البلاء» را شروع کرد؛ تا رسید به: «یا محمد و یا علی، یا علی یا محمد»، دیگر صدایش در نیامد و رفت.(۲)

به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن

اشاره

همان گونه که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همواره نام و یاد شیعیان و منتظرانش را از خاطر نمی برند و لطف و عنایت آن حضرت، مدام شامل حال آنان است، سزاوار است مؤمنان و منتظران حضرت نیز از یاد آن حضرت غافل نباشند؛ چنان که خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه ای به شیخ مفید فرموده اند:

۱- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۷۶.

۲- محمد رضا قربانی، سفر عشق، ص۱۳۶.

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمُ اللَّأْوَاءُ؛(۱) ما از رسیدگی به حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم، و اگر جز این بود از هر سو، گرفتاری بر شما رو می آورد.

از این رو، شایسته است کسانی که دم از محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می زنند، همواره فانوس یاد ایشان را در دل روشن نگه دارند و با داشتن دلی نورانی، محیط اطرافشان را نیز نورانی کنند، چراکه مردم در دوران غیبت کبری از دیدار امامشان محرومند، ولی نام و یاد ایشان در دل ها وجود دارد.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا؛(۲) خودش (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگان مردم پنهان می شود، ولی یاد او از دل های مؤمنان مخفی نمی شود. او دوازدهمین نفر از ما امامان است.

اگر کسی به حقیقت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و صفات، نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی آگاه باشد، نه تنها از یاد و نام آن حضرت غافل نمی شود، بلکه شبانه روز را با یاد آن حضرت سپری می کند و همواره از خدا

۱- احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص۴۹۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۶۸.

می خواهد که نام و یاد ایشان را از دلش بیرون نبرد (اللَّهُم... وَ لَاتُنْسِنَا ذِكْرَه...).(۱)

جای جای جبهه ها، یادآور یاد و نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. رزمندگان با یاد امام زمان، جان می گرفتند و روحشان را از عطر دل آرای امامشان سیراب می کردند.

یکی از هم رزمان «شهیدعلی اکبر نقیه» می گوید:

زمستان سال ۱۳۶۰ وقتی در دوکوهه، بچه هـای تیپ امام حسـین علیه السـلام مسـتقر بودنـد، هر شب بزم دعا و مناجات و سـینه زنی گسترده بود. حضور بچه های کم سن و سال و حالت معنوی آنان، بسـیار قابل توجه بود. بارها مشاهده کردم شـهید عزیز، علی اکبر نقیه که سنّ او به شانزده سال نمی رسـید، چنان بی تابانه «یا مهـدی، یا مهـدی» می گفت که از خود شـرم می کردم. این زمانی بود که نیروها، تحت امر فرمانده عاشـقی چون شهید مصطفی ردانی پور بودند که وقتی می خواست نام ارباب را بر زبـان آورد، صادقـانه می گفت: «یابن الحسن!» او همیشه بچه ها را متوجه فرمانـده اصـلی شان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می کرد.(۲)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۵۱۳.

۲- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۹۶.

آنان در سختی ها و شیرینی های زندگی شان، با یاد کردن از امام زمانشان، نام و یادش را همواره زنده نگه می داشتند.

درباره «شهید حسن قربانی سینی» نقل شده است:

او در جشن عروسی اش، که بسیار ساده برگزار شد، چهار گوسفند خرید؛ یکی برای عروس، یکی داماد، یکی برای سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یکی برای سلامتی رزمندگان اسلام.(۱)

یکی از جلوه های شور انگیز یاد کردن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وقت های درگیری و نبرد با دشمنان بود. یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اوج درگیری ها و مبارزات رزمندگان، حال و هوای دیگری به صحنه های جنگ می داد. آن دلاورمردان، آن قدر غرق در محبت و معرفت به امام زمانشان بودند که گویی در کنار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می جنگیدند؛ لذا در آن لحظات سخت نیز به یاد معشوقشان بودند. فریادهای «الله اکبر» رزمندگان با ذکر «یا مهدی» در هم آمیخته می شد و لرزه بر اندام صدامیان می انداخت.

یکی از هم رزمان «شهیدمصطفی ردانی پور» درباره گوشه هایی از عملیات «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» می گوید:

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج۱، ص۵۵۱.

در خاکریز سوم، فریاد های بچه ها را فراموش نمی کنم. در اوج درگیری، صـدای «یا مهـدیِ» بچه ها بلند بود. همه، مولایشان را صدا می زدند و از مولا یاری می خواستند.(۱)

یکی دیگر از لحظه هـای شـیرینی که رزمنـده هـا، امـام عصـر عجـل الله تعالی فرجه الشـریف خود را صـدا می زدنـد، لحظات ملکوتی مجروحیت و شـهادت بود. خاطرات بسـیاری درباره زمان مجروح شـدن رزمنـده ها نقل شـده است که در آن لحظات سخت، امـام زمانشـان را صـدا می زدنـد و با یاد و نام زیبای ایشان، به آسـمان پر می کشـیدند. چه کسـی می توانـد لـذت این وصال را درک کند؛ وصالی که در راه یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و با دلی لبریز از عشق و محبت و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود؟!

درباره «شهیدحسین روحانی» نقل شده است:

عملیات که با رمز «یا صاحب الزمان» شـروع شـد، شوری دوچنـدان در نیروها ایجاد کرد. بچه ها، همه جا و همیشه «مهـدی» را صـدا می زدند و احساس می کردند که در رکاب آن حضـرت می رزمند. فرمانده یکی از گروهان ها حسـین روحانی بود. او تازه از دانشـگاه فارغ التحصـیل شده بود و در گردان نقش مهمی داشت. اغلب او را «مهندس» صدا می زدیم. روحانی، بچه ها را برای انهدام سنگرهای دشمن تحریک می کرد و سنگرها یکی پس از

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۶۷.

دیگری منهدم می شدند. آخرین نیروهای گردان از کانال بیرون آمدند و در پهن دشت جنوب به پیش تاختند. ناگهان صدای لرزان حسین روحانی مرا متوجه خود کرد. به طرفش دویدم؛ در حالی که دستش را روی قلب خونینش گذاشته بود، با آن دست دیگر به آن سوی خط دفاعی اشاره کرد. سرش را بر دامن گرفتم تا آخرین کلامش را بشنوم. تنها و تنها برای چند مرتبه گفت: «یا مهدی»؛ آن گاه به فیض عظیم شهادت نایل آمد.(۱)

همسر «شهیدابراهیم امیر عباسی» نقل می کند:

جبهه که می رفت، دوربین همیشه همراهش بود و از صحنه های مختلف عکس می گرفت. یک بار عکس یک نوجوان را نشانم داد که پایش قطع شده بود و چند جای بدنش مجروح و خونین بود. در همان نگاه اول، دل آدم به درد می آمد. ابراهیم گفت: «ترکش های خمپاره، اون رو به این روز انداخته اند.» گفتم: چطور دلت میاد از این صحنه ها عکس بگیری؟ گفت: «نمی دونی پشت این صحنه چه جمالی وجود داره!» پرسیدم: چطور؟ گفت: «صاحب این عکسی که داری می بینی، حتی یک بار آخ نگفت! اون یک ربع قبل از شهادتش خیره شده بود به یک نقطه و فقط می گفت: «یا مهدی!»

۱- محمد اصغری، لحظه دیدار، ص۲۳.

صـدای ابراهیم لرزید. چشم هایش خیس اشک شد. ادامه داد: «همون جا به خودم گفتم: ابراهیم! اگر تو بودی، توی این لحظه که پات قطع شده و چند جای بدنت مجروح شده، آیا به فکر آقات صاحب الزمان بودی؟...»(۱)

زمـانی که ابراهیم مجروح شـد، در لحظـات آخر، مـدام نام مولایش را بر لب زمزمه می کرد تا به شـهادت رسـید، و این نشانه شدت عشق و علاقه به ساحت مقدس صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. یکی از هم رزمان «شهیدابراهیم امیر عباسی» در این باره نقل می کند:

بلند و درد آلود گفت: «یا مهدی!» نگران شدم. انبوه نیروهای دشـمن طوری بر ما مسلط شده بودند که توی جایم نمی توانستم جم بخـورم؛ چه برسـد به این که بخـواهم بروم طرف او. بلنـد گفتم: چی شـد ابراهیم؟ گفت: «گلـوله خوردم، ولی چیز مهمی نیست.» آهسـته سـر بلنـد کردم و نگاهی به طرف او انداختم؛ گلوله، پهلویش را شـکافته بود. دست گذاشت روی پهلویش. به حـالت سـجده، زانـو زد بر زمین. معلوم بود درد زیـادی می کشـد. توی آن لحظه هـا فقـط می گفت: «یـا مهـدی!» چنـد دقیقه گـذشت. در آن عـالِم محاصـره و زد و خورد، توانست زخمش را ببنـدد. دوباره شـروع کرد به تیرانـدازی به طرف دشـمن. از موقعی که تیر خورد تا وقتی

۱- سعید عاکف، سالکان ملك اعظم، ج۵، ص۸۸.

که آن گلوله آرپی جی آمـد، فقط ذکر «یا مهدی» از او شـنیده می شد. صدایش به آه و ناله آمیخته شده بود. آه و ناله اش از درد و زخمش نبود. بوی محبت می داد و بوی عشق. لحظه های آخر، خون ریزی زیاد، بی هوشـش کرده بود. در همین لحظه خیره شده بود به یک نقطه. هنوز داشت آن ذکر مقدس را می گفت. گلوله آرپی جی که آمد، روی سینه اش را برد، و دست چپش را. جنازه مطهرش را که دیدم، قلبش قشـنگ پیدا بود؛ مثل یک لاله سـرخ، شـکفته شده بود؛ گویی هنوز هم داشت می گفت: «یا مهدی!»(۱)

ترویـج نام و یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، آن قـدر برای رزمنده ها مهم بود که در بسـیاری از وصـیت نامه ها، سفـارش کردنـد که در هنگام دفن و یا در مراسم هایی که برایشان گرفته می شود، از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف یاد شود.

«شهید سیدمجتبی علمدار» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

از شما می خواهم زمانی که مرا به سوی آرامگاهم می برید، تا می توانید مولایم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را صدا بزنید و اشک چشمتان را در داخل قبر من بریزید تا در ظلمت قبر، نوری شود.(۲)

۱- سعید عاکف، سالکان ملک اعظم، ج۵، ص۸۹.

۲- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، پنجاه سال عبادت، ص۲۲۳.

«شهیدشیرعلی سلطانی» در نامه ای خطاب به مادر و بستگانش می نویسد:

از شما می خواهم در مجلس ختم من و کنار قبرم، روضه امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را زیاد بخوانید، چون من نوکر امام حسین هستم و [به آن] افتخار می کنم و نیز نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مجالس ختم من و کنار قبرم زیاد ببرید، چون من به او وابسته هستم.(۱)

یاد کردن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مصادیق مختلفی دارد، که در این جا به سه مورد اشاره می شود:

الف) توسل و زیارت

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه: ((وَ لِلّهِ الاَسماءُ الحُسنی فادعُوهُ بِها))؛(۲) برای خداوند نام های نیکی است؛ او را با آن ها بخوانید، فرمودند:

نحن الأسماء الحسنی التی إذا سئل الله تعالی به أجاب؛(۳) به خدا قسم، ماییم آن اسمای حسنایی که خداوند بندگانش را امر فرموده، به وسیله آن ها، او را بخوانند.

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۲۹۵.

۲- اعراف، آیه ۱۸۰.

۳- سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص۶۷۸.

زیارت و توسل به اهل بیت علیهم السلام، سیره عملی بزرگان و علمای دین است و آنان یکی از مهم ترین راه های نجات شیعیان را در توسل به پیشگاه معصومان علیهم السلام می دانند. همان گونه که هر عبدی برای رفع مشکلات، به مولایش پناه می برد، شیعیان و دوست داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای رفع مشکلات، به آن حضرت متوسل می شوند و حضرت نیز گره گشایی می کنند.

بسیجیان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با تبعیت از این سیره، در جبهه ها به امام زمانشان متوسل شده و با چنگ زدن به آن ریسمان الهی، صحنه های شورانگیزی را رقم می زدند.

«شهید عبد الحمید سیستانی زاده» برای یکی از دوستانش نقل کرده:

در عملیات مسلم بن عقیل در سنگرهایمان آماده حمله بودیم و دشمن نیز مرتب پاتک می زد. شرایط به گونه ای بود که عراقی ها پیشروی می کردند و مهمات ما تمام شده بود. در این لحظه، همگی از ته دل و با خلوص نیت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را صدا زده و به یاری طلبیدیم. هنوز عراقی ها چندمتری به ما نزدیک نشده بودند که چند دستگاه تانک آن ها بر اثر اصابت با مین، منفجر شد و آن ها هراسان عقب نشینی کردند. عده ای نیز به اسارت درآمدند. رزمندگان که این صحنه را دیدند، دل و جرئت پیدا کردند و با نارنجک های دستی به سمت تانک های عراقیِ در حال سوختن حمله کردند تا بقیه عراقی ها را هم از پا درآوردند.(۱)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر ششم، ص۱۴۳.

سردار مر تضی قربانی درباره «شهیدقاسم تازیکه» می گوید:

قبل از عملیات والفجر هشت، در بهمن ماه بود که برای بررسی و کنترل نیروهای غواص، از گروهان ها بازدید می کردم تا اگر مشکلی هست، برطرف کنم. وقتی به گروهان تازیکه رسیدم، بچه ها می خواستند وارد آب شوند. آن ها یک رشته سیم تلفن را در دست گرفته بودند، تا وقتی وارد آب می شوند فشار آب، آن ها را از همدیگر جدا نکند؛ ضمن آن که، هرکدام یک سیم چین هم داشتند تا در مواقع اضطراری از آن استفاده کنند. بازدید را از نفر اول شروع کردم. وقتی به تازیکه رسیدم، دیدم مقداری سیم اضافی حدود دو متر، رهاست. گفتم: آقای تازیکه! مقدار اضافی سیم را قطع کن. گفت: «نه، این باید باشد!» گفتم: همین الآن قطع کن تا خیالم راحت باشد؛ می خواهم با خاطر جمع بروم. گفت: «نه، لازم نیست!» من سرنیزه ام را کشیدم تا خودم قطع کنم، اما قاسم آمد دست من را گرفت و گفت: «آقای قربانی! قطع نکن. تو را به حضرت زهرا علیها السلام قطع نکن! بگذار وقتی نیرو وارد آب می شود، سرِ این سیم را آقا بقیهٔ الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بگیرد و ما را به ساحل فاو برساند. ما همه آموزش ها را دیده ایم و تمام تمرینات را مو به مو انجام داده ایم. آن کارهایی را که باید بکنیم، کرده ایم، اما این آقاست که باید ما را از داخل آب عبور بدهد.» بعد گفت: «من نه به آموزش تکیه می کنم، نه به تجهیزات.»... عملیات که

شروع شـد، اولین گروهان غواص که به ساحل فاو رسـید و حضورش را در خط دشـمن اعلام کرد، همین قاسم تازیکه بود. از پشت بی سیم می گفت: «مرتضی! مرتضی! فرمانده تیپ دشمن را گرفته ام؛ چه کارش کنم؟»(۱)

ب) بزرگ داشت مکان ها و زمان ها

یکی دیگر از جلوه هـای یـاد امـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، بزرگ داشت زمان ها و مکان های منسوب به ایشان است. شهدا همواره به یاد امام غایبشان بودند و این یاد کرد، در روزها و ایام خاصی بیشتر جلوه نمایی می کرد.

زمـان هایی ماننـد: اعیاد، شب های قـدر، روزهای جمعه، نیمه شـعبان، نهم ربیع الاول و شب های عملیات، یاد و نام زیبای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر بر سر زبان ها می افتاد.

هم چنین مکان هایی که منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است، همواره مورد توجه رزمنـده ها بود. آنان در مکـان هایی که منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بود، حاضـر می شدنـد و با خوانـدن زیارت آن حضـرت و خواندن دعاهایی مانند: ندبه، عهد، فرج و... یاد حضرت را در دل خود و در بین جامعه، طنین انداز می کردند.

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۰۰.

درباره «شهیدمصطفی ردانی پور» نقل شده:

او هر هفته سه شنبه شب، با پای پیاده عازم جمکران می شد. در راه، سیمای نورانی او از اشک چشمانش برق می زد.(۱)

سردار علی مسجدیان درباره «شهیدمحمد رضا تورجی زاده» می گوید:

روزی به محمد گفتم: باید معاون گردان شوی. قبول نمی کرد. با اصرار من گفت: «به شرطی که سه شنبه ها تا عصر چهار شنبه، با من کاری نداشته باشی.» با تعجب گفتم: چطور؟ با خنده گفت: «جان آقای مسجدی، نپرس!» قبول کردم و محمد، معاون گردان شد. مدیریت محمد خیلی خوب بود. مدتی بعد، دوباره محمد را صدا کردم و گفتم: باید مسئول گردان بشی. رفت یکی از دوستان را واسطه کرد که من این کار را نکنم. گفتم: اگه مسئولیت نگیری، باید از گردان بری. کمی فکر کرد و گفت: «قبول می کنم، اما با همان شرط قبلی.» گفتم: صبر کن ببینم! یعنی چی که تو باید شرط بگذاری؟ اصلاً بگو ببینم بعضی هفته ها که نیستی کجا می ری؟ اصرار می کرد که نگوید. من هم اصرار می کردم که باید بگویی کجا می ری؟ بالأخره گفت: «حاجی! تا زنده هستم به کسی نگو. من سه شنبه ها از این جا می رم مسجد جمکران و تا

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص۱۷۷.

عصر چهارشنبه برمی گردم.» با تعجب نگاهش می کردم. چیزی نگفتم. بعد ها فهمیدم مسیر نُهصد کیلومتری دارخوئین تا جمکران را می رود و بعد از خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برمی گردد. یک بار همراهش رفتم. نیمه های شب برای خوردن آب بلند شدم؛ نگاهی به محمد انداختم. سرش به شیشه بود و مشغول خواندن نافله بود. قطرات اشک از چشمانش جاری بود. در مسیر برگشت، با او صحبت می کردم. می گفت: «یک بار چهارده بار ماشین عوض کردم تا به جمکران رسیدم! بعد هم نماز خواندم و سریع برگشتم.»(۱)

یکی از دوستان «شهید مهندس مصطفی ابراهیمی مجد» نقل کرده:

در زمان جنگ، هرگاه در اهواز مصطفی را نمی یافتم، به مزار علی بن مهزیار می رفتم و مطمئن بودم که آن جاست؛ به خصوص شب های چهارشنبه اصرار داشت که اگر کاری نباشد، حتماً به زیارت مرقد آن یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برود. یکی از شب ها، به ستاد جنگ های نامنظم آمده و با حالت آمرانه ای به من گفت: «احمد! بیا برویم.» و همراهش به مزار علی بن مهزیار رفتم. پس از زیارت، من زودتر بیرون آمدم، اما هرچه صبر کردم مصطفی نیامد. داخل شدم؛ دیدم مانند کودکی که پس از مدت ها مادرش را پیدا کرده، گرد ضریح می چرخد و آن را می بوید و می بوسد.

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، یا زهرا، ص۸۴.

رفتارش خیلی عاشقانه بود. عشق او به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خیلی بیشتر از پیش بود. من او را ده سال بود که می شناختم، ولی در این ماه های اخیر خیلی متفاوت بود؛ خیلی زلال شده بود.(۱)

درباره «شهید حشمت الله امینی» گفته شده: «همیشه زائر حرم احمد بن اسحاق قدس سرّه، نماینده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف [که در سرپل ذهاب مدفون است] بود.»(۲)

حاج آقا حسین زاده، امام جمعه سرپل ذهاب، در خواب می بیند که حضرت بقیهالله عجل الله تعالی فرجه الشریف کنار مرقد احمدبن اسحاق در حال آب و جاروی قبری است و مقام معظم رهبری جلو می روند و می خواهند جارو را از دست آقا بگیرند. حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «نه، این یکی را خودم جارو می زنم. امشب مهمان عزیزی دارم.»

او منتظر بود تا ببیند این مهمان که برای مولا عزیز است، چه کسی است؟ و بعد خبر تشییع پیکر شهید را می شنود. مردم، پیکر شهید حشمت الله امینی را تشییع می کنند و دقیقاً همان جا به خاك می سپارند. تا زمان تدفین پیکر شهید، حاج آقا حسین زاده سکوت کرده بود. وقتی می بیند که این شهید، دقیقاً همان جایی که در خواب دیده بود، دفن می شود، فریاد بر می آورد و با گریه، رؤیای صادقه خود را تعریف می کند.(۳)

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۹۵.
۲- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص۱۳۳.
۳- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، ص۱۳۷.

ج) خواندن نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از جلوه های یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواندن نماز آن حضرت است که کیفیت خواندن آن در کتب ادعیه آمده است. رزمنده ها معمولاً با این نماز، انس و الفت خاصی داشتند و با یاد امامشان، این نماز را اقامه می کردند.

یکی از دوستان «شهیدنوروزعلی امیرفخریان» نقل می کند:

در منطقه شوش دانیال با هم بودیم. گاهی برای حراست از خط مقدم و گاهی برای پشتیبانی نیروها، وارد عمل می شدیم. نوروزعلی در بین ما بی نظیر بود. هر شب، نماز آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می خواند. یک روز از او پرسیدم: چطور می توانیم راه امام حسین علیه السلامرا ادامه بدهیم؟ حرف دل خود را به من زد و گفت: «راه حسین، همان راهی است که امام انتخاب کرده.»(۱)

یکی از هم رزمان «شهیدمحمد بروجردی» نقل می کند:

جلسه ای داشتیم. وقتی از جلسه برگشتیم، شهید بروجردی به اتاق نقشه رفت و شروع به بررسی کرد. شب بود و بیرون، در تاریکی فرو رفته بود. ساعت دوی نیمه شب بود. می خواستیم عملیات کنیم. قرار بود اوّل پایگاه را بزنیم؛ بعد، از آن جا عملیات را شروع کنیم. جلسه هم برای همین تشکیل شده بود. با برادران

۱- سیده فهیمه میرسید، حدیث شهود، ص۴۳.

ارتشـی تبـادل نظر می کردیم و می خواستیم برای پایگاه، محل مناسبی پیـدا کنیم. بعـد از مـدتی گفت وگو، هنوز به نتیجه ای نرسـیده بودیم. بایـد هر چه زودتر محـل پایگـاه مشـخص می شـد، وگرنه فرصت از دست می رفت و شایـد تـا مـدت هـا نمی توانستیم عملیات کنیم.

چند روزی می شد که کارمان چندبرابر شده بود و معمولاً تا دیروقت هم ادامه پیدا می کرد. خسـتگی داشت مرا از پای درمی آورد. احساس سـنگینی می کردم. پلک هایم سـنگین شـده بود و فقط به دنبال یک جا به انـدازه خوابیدن می گشـتم تا بتوانم مـدتی آرامش پیـدا کنم. بروجردی هنـوز در اتـاق نشسـته بود. گوشه ای پیـدا کردم و به خواب عمیقی فرو رفتم. قبـل از نمـاز صبح، از خواب پریدم. بروجردی آمد توی اتاق، در حالی که چهره اش آرامش خاصـی پیدا کرده بود و از غم و ناراحتی چند سـاعت پیش چیزی در آن نبود. دلم گواهی داد که خبری شـده است. رو به من کرد و پرسـید: «نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را چطور می خواننـد؟» بـا تعجب پرسـیدم: حالاـ چی شـده که می خواهی نمـاز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را بخوانی؟ گفت: «نـذر کرده ام» و بعـد لبخنـدی زد. گفتم: بایـد مفاتیـح را بیـاورم. مفاتیـح را آوردم و از روی آن چگونگی نمـاز را خوانـدم. نمـاز را که خوانـدیم، گفت: «برو هرچه زودتر بچه هـا را خبر کن!» مطمئن شـدم که خبری شـده، وگرنه با این سرعت بچه ها

را خبر نمی کرد. وقتی همه جمع شدند، گفت: «برادران! باید پایگاه را این جا بزنیم.» همه تعجب کردند. بروجردی با اطمینان روی نقشه، نقطه ای را نشان داد و گفت: «باید پایگاه این جا باشد.» فرمانده سپاه سردشت هم آن جا بود. رفت طرف نقشه و نقطه ای را که بروجردی نشان داده بود، خوب بررسی کرد. بعد در حالی که متعجب بود، لبخندی از رضایت زد و گفت: «بهترین نقطه همین جاست؛ درست در همین جا. بهتر از این جا نمی شود!» همه تعجب کرده بودند. دو روز بود که از صبح تا شام بحث می کردیم، ولی به نتیجه نمی رسیدیم؛ حتی با برادران ارتشی هم جلسه ای گذاشته و ساعت ها با همدیگر اوضاع منطقه را بررسی کرده بودیم. حالا- چطور در مدتی به این کوتاهی، بروجردی توانسته بود بهترین نقطه را برای پایگاه پیدا کند؟ یکی یکی آن منطقه را بررسی می کردیم. همه می گفتند: بهترین نقطه همین جاست و باید پایگاه را همین جا زد.

رفتم سراغ برادر بروجردی که گوشه ای نشسته بود و رفته بود توی فکر. چهره اش خسته نشان می داد. کار سنگین این یکی دو روز و کم خوابی های این مدت خسته اش کرده بود. با این که چشم هایش از بی خوابی قرمز شده بودند، ولی انگار می درخشیدند و شادمانی می کردند. پهلوی او نشستم. دلم می خواست هرچه زودتر بفهمم جریان از چه قرار است. گفتم:

چطور شد محلی به این خوبی را پیدا کردی؟ الآن چند روز است که هرچه جلسه می گذاریم و بحث می کنیم، به جایی نمی رسیم. در حالی که لبخند می زد، گفت: «راستش، پیدا کردن محل این پایگاه، کار من نبود.» بعد در حالی که با نگاهی عمیق به نقشه بزرگ روی دیوار می نگریست، ادامه داد: «شب، قبل از خواب توسل جستم به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و گفتم: ما دیگر کاری از دستمان برنمی آید و فکرمان به جایی قد نمی دهد؛ خودت کمکمان کن! بعد پلک هایم سنگین شد و با خودم نذر کردم که اگر این مشکل حل شود، به شکرانه آن، نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بخوانم. بعد خستگی امانم نداد و همان جا روی نقشه به خواب رفتم. تازه خوابیده بودم که دیدم آقایی آمد توی اتاق. خوب صورتش را به یاد نمی آورم، ولی انگار مدت ها بود که او را می شناختم؛ انگار خیلی وقت بود که با او آشنایی داشتم. آمد و گفت: «این جا را پایگاه بزنید؛ این جا محل خوبی است»، و با دست روی نقشه را نشان داد. به نقشه نگاه کردم و محلی را که آن آقا نشان می داد، به خاطر سپردم. از خواب پریدم، دیدم هیچ کس آن جا نیست. بلند شدم و آمدم نقشه را نگاه کردم. تعجب کردم. اصلاً به فکرم نرسیده بود که در این ارتفاع پایگاه بزنیم.»(۱)

۱- میر مهر، ص۳۳۲.

وفای به عهد

تجدید عهد و پیمان، وظیفه دیگر منتظران است که با انجام این وظیفه، مراتب ارادت و سرسپردگی خود را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نشان می دهند. یکی از راه های تجدید این عهد و پیمان زیبا، خواندن «دعای عهد» است که به فرموده امام صادق علیه السلام: «هرکس چهل صباح این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم خواهد بود.»(۱)

در فرازی از این میثاق نامه زیبا آمده است:

اللَّهُمَ إِنِّی أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ هَذَا الْیَوْمِ وَ مَا عِشْتُ بِهِ فِی أَیَّامِی عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَةً لَهُ فِی عُنُقِی لَاأَحُولُ عَنْهَا وَ لَاأَزُول ابدا؛(۲) خداوندا! من در بامداد امروز و در هر بامدادِ زندگی ام، عهد و پیمان خود را با امام خویش تجدید می کنم، بیعت او را به گردن می گیرم و هیچ گاه آن را از نظر دور نمی دارم و از یاد نمی برم.

در روایات متعددی، معصومان علیهم السلام از ما خواسته اند که همواره با امام زمان خود، تجدید عهد و بیعت کنیم. این روایات نشان دهنده اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام ولایت و حجت خداست. اگر این عهد و پیمان به خوبی انجام شود، بسیاری از مشکلات جامعه برطرف می شود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از ما همین درخواست را دارند:

۱- محمد ابن جعفر، المزار الکبیر، ص۶۶۴.

۲- محمد ابن جعفر، المزار الکبیر، ص۶۶۴.

وَ لَوْ أَنَ أَشْیَاعَنَا وَفَّقَهُمْ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَی اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنا؛(۱) اگر شیعیان ما، که خداوند بر انجام طاعت، موفقشان بدارد، در وفا کردن به عهد ما هم دل بودند، ملاقات ما از آن ها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار همراه با معرفت ما، به سوی آن ها می شتافت.

شهدا با درک صحیحی که از وضعیت زمان خود داشتند، با امام خود عهد کرده بودند که تا آخرین لحظات عمرشان، در راه یاری امامشان ثابت قدم باشند. آنان با حضور در جبهه ها و خالی نگذاشتن میدان نبرد، عملاً وفاداری خود را به امام زمانشان اعلام کردند.

یکی از هم رزمان «شهید شیخ محمد حسن شریف قنوتی»، که نخستین روحانی شهید هشت سال دفاع مقدس به شمار می آید، نقل می کند:

فکر و ذکر او، لقاءالله و تمنای دایمی او، شهادت بود. همیشه در لباس روحانیت بود؛ حتی در نبردهای خیابانی خرمشهر با عبا و قبا و عمامه ظاهر می شد. روزی به او گفتم: حاج آقای شریف! این لباس و این عمامه، در نبردها جانتان را به خطر می اندازد. با تبسم پاسخ داد: «با خدا و امام زمان خود، عهدی بسته ام که در لباس پیامبر شهید شوم و همین لباس، کفنم گردد.»(۲)

۱- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص۴۹۹.

۲- محمد باقر حیدری کاشانی، نسل طوفان، ص۴۵.

خواهر «شهیدصمد اسودی» می گوید:

چند روز بعد از ازدپواج، قصد جبهه کرد. گفتم: تازه ازدواج کرده ای؛ چرا جبهه می روی؟ گفت: «با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد کرده ام که تا آخرین قطره خون، سرباز ایشان باشم.» مادرم گفت: خواهرانت را به کی می سپاری؟ گفت: «هر وقت مشکلی داشتید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را صدا بزنید و او را بخوانید.» صمد ماجرای عهد خود با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه بیان کرد: «در عملیاتی، تمام بچه ها شهید شدند و من و یک پیرمرد زنده ماندیم. نزدیک بود اسیر شویم. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را صدا زدم و از او خواستم نجاتم دهد و اگر نجاتم دهد، تا آخرین نفس و آخرین قطره خون، سرباز او باشم و در جبهه بمانم.»(۱)

«شهید محمد اسماعیل خرم دل» در وصیت نامه اش سفارش می کند:

مادر گرامی ام! من ماندم و جنگیدم و تا آخرین قطره خون بر میثاق خود ماندم، تا تو فردا بتوانی سربلند و باافتخار بگویی: مادر دو شهیدم و فرزندانم در راه نوکری اباعبدالله علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جان باختند.(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر یکم، ص۱۳.

۲- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۹۹.

فصل دوم: شهدا؛ بهترین الگو برای مهدی یاوران

اشاره

اگر قیامی بخواهـد به تمامی اهـدافش برسـد، علاوه بر فرمانـده ای زبـده و برنامه ای جامع، نیازمنـد یارانی ویژه است. قیام امام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز به دلیل گستردگی و اهمیت آن، از این قانون مسـتثنا نیست و نیازمنـد یارانی با ویژگی های خاص است؛ یارانی که با همکاری آنان، نظام بشری رنگ و بوی دیگری به خود می گیرد؛ یارانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف بتواند به آن ها اعتماد داشـته باشد؛ یارانی که کاردان و لایق باشـند و بتوانند پا به رکاب امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند.

در منابع روایی، به ویژگی های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف اشاره شـده، که برخی از آن ها عبارتند از: تقوا، شناخت خداونـد، معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، شـجاعت، شـهامت، شـهادت طلبی، قدرتمندی، صـلابت و استواری، عبادت و تهجد شبانه، تلاش روزانه، ساده زیستی، هم دلی و... .

گفتنی است، مـا بایـد در این ویژگی هـا تفکر کرده و خودمـان را با آن ها محک بزنیم. با میزان انطباق خودمان با این ویژگی هـا، می فهمیم در مبارزه جهانی حق علیه باطل، چه جایگاهی داریم. آیا ما نیز در خیل سـپاه حضـرت هستیم، یا خـدای ناکرده مقابل ایشان، صف می کشیم؟!

برخی گمان می کننـد، ویژگی هایی که برای یاران حضـرت بیان شده، کاملاً اسـتثنایی اند؛ اگر در روایات آمده: «رجال کان قلوبهم زبر الحدیـد»؛(۱) مردانی کـه قلـب هایشـان چـون پـاره هـای آهـن اسـت، یـا ایـن که: «اعطی الرجـل منکم قـوه اربعنن رجلا»؛(۲) هر مرد از آن هـا، قـوت چهـل مرد را دارنـد، یـا روایـاتی که از مناجـات هـای خالصـانه در دل شب هـا و جنگیـدن شجاعانه در روزها خبر می دهند، همه این ها را کسـی نمی تواند دارا باشد؛ به ویژه در این مقطع زمانی که مردم غرق مادیات شده اند و هرکسی به فکر منافع شخصی است.

این تفکر، صـحیح نیست و کسانی که دوست دارند جزء یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف باشند، هرگز نباید این اندیشه غلط را در دل خود جای دهند. اگر کسـی می خواهد جزء یاران آن حضـرت باشد و ویژگی های آن دلاورمردان را به دست بیاورد، می توانـد از سـیره عملی شـهدا الگوگیری کنـد، چراکه شـهدا دارای تمامی این ویژگی ها بودنـد؛ کسانی که با شنیـدن نـدای «هـل من ناصـر ینصـرنی» امـام رحمه الله ، پروانه وار گرد شـمع وجودش جمع شدنـد و بـا تمام وجود از انقلاب اسـلامی، که زمینه سـاز قیام و انقلاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است، دفاع کردنـد، که در واقع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کردند.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

۲- کافی، ج۸، ص۲۹۴.

اگر از تقوای یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان می آید، می توان به گناه گریزی شهدا اشاره کرد که با دوری از گناه، در خیمه سبز انتظار گام نهادند.

اگر در روایات، از خداباوری یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته شده، شهدا در این زمینه بهترین الگو هستند، چراکه ایمان راسخ آنان به خداوند، با تار و پود وجودشان عجین شده بود.

اگر این طور بیان شده که روحیه شهادت طلبی در یاران ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موج می زند، می توان به روحیه شهادت طلبی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد که چگونه برای رسیدن به این فیض عظیم، بی قراری می کردند و در شب های عملیات، سر از پا نمی شناختند.

برای آشنایی بیشتر با برخی ویژگی های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پای بندی شهدا به آن ها، به بیان برخی از این ویژگی ها می پردازیم.

شناخت و اطاعت خدا

انسان ها به طور فطری، میل به خدا شناسی دارند و زمانی به کمال می رسند که این نیاز فطری به خوبی پاسخ داده شود. با شناخت خداوند، انسان در مسیر بندگی و عبودیت قرار می گیرد، و در این صورت می تواند مدال بندگی را در دل خود جای دهد.

البته ذات مقدس خداوند قابل شناخت نیست، چراکه خداوند نامحدود و انسان محدود است؛ به عبارت دیگر، موجود محدود (انسان) نمیتواند بر موجود نامحدود (خداوند) احاطه علمی داشته باشد. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «عَجَزَتِ العُقولُ عَن إدراکِ کُنهِ جَمالِکَ»؛(۱) خردها از رسیدن به کنه جمال تو درمانده اند.

برای دست یابی به برخی اوصاف و ویژگی های خداوند، راه های متعددی در کتب اعتقادی بیان شده است. متون ادعیه و روایات، یکی از راه های خداشناسی را شناخت اولیای الهی، به خصوص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و هم چنین امامان معصوم علیهم السلام معرفی کرده اند.

روزی امام حسین علیه السلام در میان اصحاب فرمودند:

أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِکْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِیَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَهِ مَا سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی فَمَا مَعْرِفَهُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَهُ أَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طَاعَته؛(۲) ای مردم! خداوند مردم را آفرید تا او را بشناسند. وقتی شناختند او را می پرستند؛ وقتی او را پرستیدند از پرستش دیگران دست می کشند. مردی عرض کرد: ای فرزندِ رسول خدا، پدر و مادرم

۱- بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۵۰.

۲- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص۹.

فدایت! معنای معرفت خدا چیست؟ فرمود: همان معرفت و شناخت به امامی است که خداوند، اطاعتش را بر مردم هر دوره ای واجب کرده است.

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخت عمیقی به خداوند دارند. از امام علی علیه السلام روایت شده است:

رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان؛(۱) مردانی که خدا را به حق شناخته اند؛ آن ها یاوران مهدی در آخرالزمانند.

آنان چون به شناخت خداوند، اعتقادی کامل داشته و آگاهانه آن را به دست آورده اند، تمامی مشکلات را پشت سر می نهند و هیچ چیز نمی تواند آنان را از مسیری که انتخاب کرده اند، بازدارد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ؛(۲) آن ها مردانی اند که دل هایشان مانند پاره های آهن است؛ هیچ گونه تردیدی در آن ها راه ندارد و در اعتقادشان به خدا، از صخره و سنگ محکم ترند.

۱- شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۵، ص۲۲۹.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۰۸.

شهدا، غرق در شناخت و معرفت خداوند بودند؛ اگر پیروز می شدند، پیروزی شان را هدیه ای از جانب خدا می دانستند، و اگر شکست می خوردند باز هم تسلیم تقدیر الهی بودند. خداوندِ عملیات کربلای چهار را که در آن بسیاری به شهادت رسیدند، با خدای عملیات کربلای پنج که بسیار موفقیت آمیز بود، یکی می دانستند. خدایی را که خرمشهرشان را آزاد کرد، همان خدایی می دانستند که مهران را از دستشان خارج کرد و بازگرداند.

«شهیدحسین خرازی» در شب عملیات والفجر هشت، در جمع شیرمردان غواص و تکاوران خط شکن، این گونه سخن می گوید:

کمربندهایتان را محکم کنید، بند پوتین هایتان را محکم ببندید و اسلحه هایتان را آماده سازید! برادران! جنگِ بدون تلفات، زخمی و شهید اصلاً معنا ندارد. در جنگ، خستگی، تشنگی، گرسنگی و... یک واقعیت است. بدانید هرچه هست، از جانب خداست. به انسان های مؤمن اگر مصیبتی برسد، آن را از جانب خدا می دانند. برادرانی که در جمع ما هستند و قبلاً زخمی شده اند، می دانند برای مؤمن زخم برداشتن در جنگ، هیچ احساس درد و ناراحتی ندارد، چون این مصیبت از جانب خداست.(۱)

۱- محمد باقر حیدری کاشانی، نسل طوفان، ص۲۴.

شهدا در وصیت نامه شان، عاشقانه با خدا راز و نیاز کرده و از آتش درون خود، که بر اثر شناخت و معرفت خداوند شعله ور بود، دم می زدند. به یقین، سرّی در متن این وصیت نامه ها نهفته است که امام شهیدان، همواره به خواندن آن ها تأکید می کردند:

این وصیت نامه هایی که این عزیزان می نویسند، مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند! یک روز هم یکی از این وصیت نامه ها را بگیرید و مطالعه کنید و فکر کنید.(۱)

مقام معظم رهبری نیز در این باره می فرمایند:

این که شما دیدید امام فرمودند: «وصیت نامه های این جوانان را بخوانید»، من حدسم این است البته در این مورد چیزی از امام نشنیدم که این یک توصیه خشک و خالی نبود. امام آن وصیت نامه ها را خوانده بودند و آن گلوله های آتشین در قلب مبارکشان اثر گذاشته بود و می خواستند دیگران هم از آن بی بهره نمانند. کما این که خود من در طول سال های جنگ و بعد از آن تا امروز، بحمدالله با این وصیت نامه ها تا حدودی انس داشته ام و دارم و دیده ام برخی از این وصیت نامه ها چطور حاکی از روح عرفان است.(۲)

۱- صحیفه امام، ج۱۴، ص۴۹۱.
۲- بیانات معظم له (۸/۱۰/۸۷)؛ به نقل از: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، پنجاه سال عبادت، ص۱۰.

دلیل این همه تأکید بزرگان بر خواندن وصیت نامه ها، وجود جملات عارفانه ای است که تدبر در محتوایشان، بسیار مفید و کارساز است، چراکه شهدا عارف بوده و راه صد ساله را یک شبه طی کرده اند. این شهدا که بیشترشان جوان و یا نوجوان بودند و شاید برخی از آن ها سواد چندانی هم نداشتند و حتی به خاطر سواد کم، خطشان به سختی خوانده می شد، وقتی وصیت نامه می نویسند، همانند پیر سالک سخن می گویند.

از دلایل غنای وصیت نامه های شهدا، این است که آنان به واسطه رعایت مسائل اخلاقی، به مقامات معنوی بالایی رسیده بودند. آن ها هم چنین، وصیت نامه ها را غالباً در زمان های عرفانی و حساسی، مانند شب های عملیات می نوشتند؛ زمان هایی که رابطه معنوی عمیقی بین آنان و خداوند ایجاد شده بود. در این بخش، به برخی از این وصیت نامه های عارفانه اشاره می شود.

«شهیدعباس پاینده» در وصیت نامه اش می نویسد:

ای کاش هزاران جان می داشتم و در راه تو می دادم! یک جان در مقابل این همه نعمت و عظمت جلال تو، چه چیز ناقابلی است! خدایا! گاهی اوقات اشک در چشمانم حلقه می زند، بغض گلویم را می فشارد و درد، سرم را اذیت می کند، و همه این ناراحتی ها فقط از این است که می ترسم به خاطر سنگینی گناهانم، نتوانم به سوی تو پرواز کنم. خدای من! دوست دارم چون شمعی بسوزم و محفل عاشقان را روشن نگه دارم.(۱)

۱- طیبه فرد، معمای حضور، ص۲۸.

«شهیدحسن غفاری» که فقط هفده سال دارد، این طور عارفانه دست به قلم می شود:

به نـام او که همه چیزم اوست. به نـام او که زنـدگی ام در جهت اوست. به نـام او که زنـده به اویم. به نام او که از اویم. زنـده بـودن به خـاطر اوست. بـودنم از اوست. رفتنم از اوست. یـادم اوست. جـانم اوست. معشـوقم اوست. معبـودم اوست. مقصـودم اوست. مرادم اوست. احساسش می کنم با ذره ذره وجودم. با تمام سلول هایم احساسش می کنم، اما بیانش نتوانم کرد.(۱)

«شهیدمحمود اخباری» نیز این گونه با معشوقش نجوا می کند:

خداونـدا! تو همـان باغبـانی هستی که به گل های باغ رسـیدگی می کنـد و مانع از رسـیدن آفت و بلا به آن ها می شود و من گلی هسـتم که پشت دیوار باغ تو روییـده ام و آفت و بلا مرا محاصـره کرده اند تا مرا بخشـکانند. خدای من! نظری هم بر این خارِ پشت باغ بینداز که من فقط در انتظار توأَم تا به من نظر کنی، چون تو بر هر چیز و هر کس توانایی.(۲)

«شهیداحمد دادستان» نیز این گونه می گوید:

۱- علی رضا صداقت، برای هم کلاسی هایم، دفتر اول، ص۱۹.

۲- طیبه فرد، معمای حضور، ص۱۱.

خداوندا! وجود مرا برای لقای خود و رساندن عاشق به معشوق، آماده ساز که من فوض عظیم رستگاری را فقط در لقاءالله یافتم و با تمامی وجود، این رسیدن و یافتن را شهادت در راه تو دیدم.(۱)

«شهیدحبیب الله زمانی» در بخشی از وصیت نامه اش می نویسد:

بار پروردگارا! از دوری تو سخت دلم گرفته و کسل هستم و آرزوی دیدار تو دنیا را سخت و تنگ و تار نموده و قدرت فکر کردن را از من گرفته است... بارالها! وقتی با تو آشنا شدم، از خلق جدا گشتم و در دو جهان شیدا شدم. نهان بودم و پیدا شدم.(۲)

«شهید سیدمسعود سیدی» در وصیت نامه اش می نویسد:

خدایا! تو به انسان گفتی که اگر بخواهی می توانی آن چنان اوج بگیری و به معراج بیایی که با من ملاقات کنی. من این عظمت و این معراج و این شکوه خیره کننده و دیوانه کننده را با چشمانم دیدم.(۳)

«شهیدمرادعلی علایی کنده» که فقط سیزده سال سن دارد، در وصیت نامه اش می نویسد:

۱- طیبه فرد، معمای حضور، ص ۵۰.

۲- طیبه فرد، معمای حضور، ص۷۶.

۳- محمد خامه یار، هزار حنجره آواز، ص۲۷.

ای خدای من! تو را ستایش می کنم، آن گونه که پیامبران به درگاهت حمد و ثنا می کردند و تو را با تمام وجود پرستش می کنم. ای خدا و ای رحیم! من تو را آن چنان که هستی و آن گونه که سزاوار آنی، ستایش می کنم.(۱)

باید گوش جانمان را میهمان مناجات های عارفانه و عاشقانه «شهیددکتر چمران» کنیم:

خدایا! من کوچکم، ضعیفم، ناچیزم، پرِ کاهی در مقابل طوفان ها هستم. به من دیده ای عبرت بین ده تا ناچیزی خود را ببینم و عظمت و جلال تو را به راستی بفهمم و به درستی تسبیح کنم!... خدایا! خوش دارم گم نام و تنها باشم تا در غوغای کشمکش های پوچ مدفون نشوم.(۲)

البته این نوشته ها که نشان دهنده شناخت عمیق شهدا از خداوند است، جلوه ای از حالات عارفانه آن سالکانِ به حق پیوسته است و بخش عظیمی از حالات عارفانه آنان، در رفتار و برخوردهای اجتماعی شان، ظهور و بروز پیدا کرده است؛ به عبارت دیگر، آنان در عمل، شناخت خود از خداوند را به نمایش گذاشتند، و از این حیث نیز می توانند اسوه ها و الگوهای مناسبی برای منتظران باشند.

۱- علی رضا صداقت، برای هم کلاسی هایم، دفتر اول، ص ۲۰.

۲- عیسی جمالی، سردار خوبی ها، ص۲۱.

درباره «شهید صیاد شیرازی» نقل شده است:

اوایل جنگ بود. در جلسه ای، بنی صدر بدون «بسم الله» شروع کرد به حرف زدن. نوبت که به صیاد رسید، به نشانه اعتراض به بنی صدر که آن زمان فرمانده کل قوا بود گفت: «من در جلسه ای که اولین سخنرانش، بی آن که نامی از خدا ببرد حرف بزند، هیچ سخنی نمی گویم.»(۱)

درباره «حاج احمد متوسلیان» نیز این طور نقل شده:

حوالی ظهر روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱، ایشان فاتحانه وارد خرمشهر شد و خبر پیروزی و آزادی شهر را به وسیله بی سیم اعلام کرد. عصر همان روز، با قیافه ای سر تا پا خاکی و با چشم هایی که از شدت بی خوابی، پف کرده بود، در جمع رزمندگان حاضر شد و سخنرانی کرد: «بچه ها! به والله قسم، معجزه بود. بروید خدا را شکر کنید که چنین محبتی به ما کرد! یک وقت نگویید ما شکستشان دادیم، ما شهید شدیم، ما شهر را آزاد کردیم؛ این خدا بود که هدایتمان کرد. این خدا بود که شهر را آزاد کرد.»(۲)

۱- مسلم عباسپور، صدها خاطره، مجله امان، ش۳۵، ص۱۳.

۲- محمد باقر حیدری کاشانی، نسل طوفان، ص۲۱.

این که امام خمینی رحمه الله در وصف رشادت رزمنده ها در فتح خرمشهر فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، نشان دهنده بینش عمیق امام و بسیجیان درباره خداوند است که رزمندگان دلاور، با بهره برداری از آن بینش عمیق، به مقامات معنوی بالایی دست پیدا کرده بودند.

زاهدان شب و شیران روز

مناجات با خدا در نیمه های شب، برای کسانی که دلشان به عشق معشوق واقعی می تپد، بسیار لذت بخش است. تنها کسانی می توانند این لذت را درک کنند که دلشان را سرشار از شناخت و محبت خداوند کرده و قطرات محبت آمیز عشق پروردگار را به ریشه جان خود رسانده اند. اهمیت شب زنده داری به گونه ای است که به جرئت می توان گفت، رمز موفقیت تمام اولیای الهی و مردان صالح و ربانی، شب زنده داری بوده است.

بی شک، اتفاقاتی که در شب و روز رخ می دهند، نقش بسیار مهمی در ساختار شخصیت انسان دارند، و اگر کسی اهل شب زنده داری نباشد، به خوبی نمی تواند در رویارویی با حوادث و پیش آمدهای زندگی موفق باشد؛ به همین دلیل، در فرهنگ اسلامی به تهجد و سحرخیزی، سفارش فوق العاده ای شده است.

روایاتی که به سبک زندگی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارند، یکی از برنامه های مهم حضرت را شب زنده داری بیان کرده اند.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

یَعْتَادُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ صُفْرَهٌ مِنْ سَهَرِ اللَّیْلِ بِأَبِی مَنْ لَیْلَهُ یَرْعَی النُّجُومَ سَاجِداً وَ رَاکِعا؛(۱) مهدی بر اثر تهجد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع است و طلوع و غروب ستارگان را مراعات می کند!

یاران واقعی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خود را به تهجد و شب زنده داری خو داده اند، به طوری که در پرتو شب زنده داری، قدرت روحی خاصی پیدا کرده و به واسطه آن با موانع بر سر راهشان، مقابله می کنند.

امام صادق علیه السلام در توصیف شب زنده داری یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

رِجالٌ لایَنامُونَ اللِّیلَ، لَهُمْ دَوِیٌّ فی صَلَواتِهِمْ کَدَوِیّ النِّحْلِ، یَبیتُونَ قِیاما عَلی اَطْرافِهِمْ؛(۲) آنان مردانی هستند که شب ها نمی خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می رسد. آن ها شب ها را با شب زنده داری سپری می کنند.

رزمنده ها به مناجات با پروردگار در دل شب، خو گرفته بودند. همواره دوست داشتند وقت شب فرا رسد و تاریکی شب بین آنان و اطرافیانشان پرده ای ایجاد کند تا با معشوق حقیقی، خلوت نمایند و گرد و غبار دنیا و جلوه های مادی را از دیواره های خانه دلشان دور کنند.

۱- علی بن موسی بن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، ص۲۰۰.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۰۷.

شهیدهمت درباره تهجد و سحرخیزی «شهیدمحمد بروجردی» می گوید:

حداقل تا آن جا که من با حاج آقا بودم، نماز شب و دعای کمیلشان ترک نمی شد؛ البته با حالت خاص خودش... این اواخر که شنیده بود وقت مناسب دعای کمیل، نیمه شب است، دیگر دعای کمیل را در اوقات عادی اوایل شب نمی خواند و در نیمه های شب بلند می شد.(۱)

آنان آن قدر عاشق نماز شب و راز و نیاز با پروردگارشان بودند که حتی فعالیت های سخت و طاقت فرسای نظامی نیز نمی توانست مانعی باشد تا آنان را از شیرینی عبادت دور کند.

یکی از هم رزمان «شهیدحمید الله یاری» نقل می کند:

هر روز صبح زود، برای شناسایی به مناطق عملیاتی می رفتیم و شب دیر وقت باز می گشتیم، ولی برخلاف اکثر افراد که از فرط خستگی برای استراحت به رخت خواب می رفتند، وی و تعدادی دیگر به شب زنده داری می پرداختند. در بسیاری از موارد هم وقتی صبح از خواب برمی خاستیم، مشاهده می کردیم به جای کسانی که وظیفه شستن ظروف و نظافت چادرها را به عهده داشتند، همه چیز را تمیز و مرتب کرده است.(۲)

۱- عباس اسماعیلی، مسیح کردستان، ص۲۵۸.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هشتم، ص۴۱.

«شهید سیدحسن محمدی کیا»، که خود اهل شب زنده داری بود، در وصیت نامه اش سفارش می کند:

مناجات سحرگاه و نماز شب را فراموش نکنید و در مناجات و راز و نیازتان با پروردگار، دعا به رزمندگان را به خاطر داشته باشید و برای پیروزی رزمندگان و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کنید.(۱)

یکی از هم رزمان «شهیدمحمود کاوه» نقل می کند:

از قرارگاه، بی سیم زدند. محمود را می خواستند. کار فوری داشتند باهاش. یک گوشه دنج پیدایش کردم. داشت نماز می خواند. صورتش را گذاشته بود روی خاک ها. چند بار صدایش زدم. چیزی نگفت. مثل خودش به سجده افتادم. دهانم را بردم نزدیک گوشش. گفتم: محمود! از قرارگاه خواستنت. چی بگم بهشون؟ چیزی نگفت. نفس کشیدنش معلوم بود و تکان خوردن لب هایش. گویی، روحش جای دیگری سیر می کرد! نیم ساعتی توی همان حال و هوا بود. بعد رفت طرف ارتفاعات بیست و پنج، نوزده. سحر نشده خبر شهادتش را آوردند.(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج۱، ص۶۷۹.

۲- سعید عاکف، سالکان ملک اعظم، ج۱، ص۹۶.

اخلاص

«اخلاص» به معنای پاک سازی نیت از هر گونه ریا و اهداف غیرالهی است. با داشتن اخلاص است که درخت اعمال انسان ها به ثمر می نشیند.

بر اساس روایاتی که منتظران را به برخی وظایف، توجه می دهند، در دوران سخت و طاقت فرسای غیبت، کسانی می توانند دین خود را حفظ کنند که اهل اخلاص باشند.

امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارشان درباره وقوع قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدند؛ حضرت امیر علیه السلام در پاسخ فرمودند:

إِی وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم بِالنُّبُوَّهِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَی جَمِیعِ الْبَرِیَّهِ وَ لَکِنْ بَعْدَ غَیْبَهٍ وَ حَیْرَهٍ فَلَا یَثْبُتُ فِیهَا عَلَی دِینِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرَوْحِ الْیَقِینِ الَّذِینَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِیثَاقَهُمْ بِوَلَایَتِنَا وَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمانَ وَ أَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛(۱) قسم به خدایی که محمد را به نبوت برگزید و او را از بین تمام مخلوقاتش برگزید، چنین خواهد شد، اما بعد از غیبت و سرگردانی ای که در آن زمان هیچ کس بر دینش استوار نخواهد ماند، مگر کسانی که اخلاص داشته باشند.

اخلاص، مراتبی دارد و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مراتب والای اخلاص

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۳۰۴.

برخوردارند. آنان کسانی هستند که با تکیه بر نیروی اخلاص، از سختی ها و طوفان های سهمگین دوران غیبت عبور کرده اند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آن ها را برای یاری خویش بسیج می کند.

امام جواد علیه السلام در تفسیر آیه: ((أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ))(۱) به عبد العظیم حسنی فرمودند:

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّهُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَه؛(۲) هنگامی که برای مهدی، ۳۱۳ تن از اهل اخلاص جمع شد، خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد.

«شهیدحسین نادری» در جریان عملیات والفجر ۱۰ زخمی شد و خون از تمام بدنش جاری بود. یکی از رزمندگان می خواست عکسی از او بگیرد، اما او با روحیه اخلاص خود از این کار پیش گیری کرد و با همان حالت زخمی، سوار ماشین شد و خودش رانندگی کرد و به پشت جبهه حرکت کرد. همیشه توکلش به خدا بود و به خاطر شهامت و تجربه ای که داشت، همواره موفق بود. وقتی که رزمندگان می گفتند: دشمن، توپ و تانک و هواپیما دارد، می گفت: «ما خدا، ائمه و صاحب الزمان داریم. ما صاحبی مافوق همه مسائل داریم.»(۳)

۱- بقره، آیه ۱۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۷۸.

۳- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ (استان کرمان)، ج ۱، ص۶۵۸.

رزمندگان به واسطه تقوایی که داشتند، گوهر گران بهای اخلاص را نیز به دست آورده بودند. برخی از شهدا آن چنان مخلصانه به وظایف خود عمل می کردند که حتی خانواده هایشان نمی دانستند در جبهه چه مسئولیتی دارند و بعد از زمان شهادتشان مشخص می شد که دارای مسئولیت و مقامی بوده اند.

«شهیدعلی اصغر رنجبران» اخلاص فوق العاده ای داشت و خالصانه و بی ادعا کار می کرد، به طوری که خانواده وی تنها پس از شهادتش می فهمند که او معاون فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.(۱)

یکی از آثار اخلاص، گم نامی و دوری از شهرت است. یاران مهدی به واسطه اخلاصی که دارند، در اوج گم نامی اند، از تشریفات و شهرت به دورند و همانند مردم عادی زندگی می کنند؛ به همین دلیل، در بین جامعه ناشناخته اند و چه بسا مورد تحقیر و استهزای ستمگران قرار گیرند! البته به واسطه اخلاصی که دارند، در میان مؤمنان مورد احترامند و اهل آسمان، بیشتر آن ها را می شناسند.

حضرت امیر علیه السلام درباره گم نامی یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

قَوْمٌ أَذِلَّهٌ عِنْدَ الْمُتَكَبِّرِينَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولُونَ وَ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفُون؛(۲) گروهی که در نظر مستکبران خوار و زبون هستند، در زمین ناشناخته و در آسمان معروفند.

۱- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص ۱۵۰.

۲- نهج البلاغه، ص۱۴۸.

یاران و بسیجیان امام خمینی رحمه الله نیز در اوج گم نامی به سر می بردند. در این جا، به برخی نمونه ها اشاره می شود.

«شهیدعباس پاینده» در وصیت نامه اش می نویسد:

خدایا! دوست دارم که شهیدی گمنام باشم. دوست دارم دوستانم نه به خاطر من، بلکه به خاطر رضای تو زیر تابوت من حاضر شوند و به خاطر من گریه نکنند!(۱)

برادرِ «شهید علی اکبر بختیاری» می گوید:

مدت ها از مسئولیت برادرم در سپاه بی خبر بودم. هر وقت از او درباره مقام و مسئولیتش می پرسیدم، پاسخ می داد که فقط یک سرباز ساده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. روزی که به اتفاق، به محل کارش رفتیم، از نوع برخورد دیگران فهمیدم که او مسئولیت مهمی دارد، ولی هرگز حاضر نیست از آن نام ببرد و یا آن را به رخ دیگران بکشد. علی اکبر علاقه زیادی به خواندن دعای ندبه داشت. هنگام خواندن دعای ندبه، با صدای بلند «یا مهدی، یا مهدی» می گفت. بارها گفته بود: «تنها آرزوی من ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»(۲)

۱- طیبه فرد، معمای حضور، ص۲۸.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ (استان کرمان)، ج۱، ص۱۳۰و ۱۳۵.

پدرِ «شهید رضا چراغی» نقل می کند:

وقتی او را به عنوان فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کردند و از او خواستند به سپاه منطقه۱۰ تهران برود و حکم فرماندهی اش را بگیرد، گفت: «خجالت می کشم دنبال این چیزها بروم!»(۱)

اخلاص فرماندهان دلاور جنگ به حدی بود که در جریان برخی پیروزی ها، وقتی از صدا و سیما برای مصاحبه با آن ها می آمدند، حاضر به انجام مصاحبه نمی شدند و می گفتند: از کسانی مصاحبه بگیرید که پیروزی به دست آن ها حاصل شده است، و این نشان از شهرت گریزی و اخلاص آن مردان آسمانی است.

یکی از هم رزمان «شهید بروجردی» بیان می کند:

روزی از صدا و سیما برای مصاحبه با برادر بروجردی آمده بودند. موضوع را به او اطلاع دادیم. ایشان در پاسخ گفتند: «بروید از بچه هایی که خودشان جنگیده اند، فیلم بگیرید.» گفتند: حاج آقا! می خواهیم با این گزارش، مردم در جریان عملکرد نیروها قرار بگیرند. شهید بروجردی گفتند: «درست می فرمایید،

۱- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص۱۱۲.

اما بروید با فرماندهان گروهان ها که خودشان عمل کرده اند، مصاحبه کنید.»(۱)

سید مرتضی آوینی در این زمینه می گوید:

رزم آوران دلاور عرصه دفاع مقدس ما اگر چه در زمین گمنام هستند، اما در آسمان، در بلند ترین معارج جبروتی، میان عرش نشینان، کسی از آنان مشهور تر نیست. الا انهم انصار المهدی.»(۲)

تلاوت قرآن

یکی از بهترین هدیه های الهی برای انسان ها، قرآن کریم است؛ کتابی که وسیله نجات از گمراهی هاست و برای هدایت انسان ها نازل شده است. انسان های مؤمن با عمل به دستورهایش، مسیر درست زندگی دنیوی را در پیش گرفته و در این دنیا و در جهان دیگر، رستگار می شوند.

انسان هرچه ظرف وجودی اش را توسعه بدهد، می تواند از این دریای بی کران بیشتر استفاده کند و با این آب گوارا، کام تشنه اش را سیراب کند؛ به همین دلیل، سفارش شده است که شبانه روز با این گوهر گران بها، انس و الفت داشته باشیم.

۱- عباس اسماعیلی، مسیح کردستان، ص۱۰۷.

۲- سید مرتضی آوینی، گنجینه اسمانی، ص۲۶۵

گفتنی است، اگرچه تلاوت قرآن ارزش منـد است، ولی هـدف نهـایی نیست، بلکه زمینه ای برای فهم و درک عمیق تر آن و آشنایی با دستوراتش است.

در سیره حکومتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، که مهم ترین هـدفشان اصلاح جامعه جهانی است، قرآن جایگاه ویژه ای دارد و کارها بر محوریت قرآن پیش می رود. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

یَدْعُو النَّاسَ إِلَی کِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ نَبِیِّه؛(۱) مردم را به سوی کتاب خدا و سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کند.

امام علی علیه السلام نیز فرمودند:

یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقرآن إِذَا عَطَفُوا الْقرآن عَلَی الرَّأْی؛(۲) تمام افکار و نظریات را طبق قرآن بازگرداند، پس از آن که مردم قرآن را طبق افکار و نظریات خود بازگردانده باشند.

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز انس و علاقه بسیاری با قرآن و تلاوت آن دارند؛ به گونه ای که می توان گفت، قدرت معنوی فوق العاده دولت مردان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به جهت انس شبانه روزی شان با قرآن است.

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۴۳.

۲- نهج البلاغه، ص۱۹۵.

شهـدا و رزمنده ها نیز از این گوهر گران بها، بهره های فراوانی بردند. جلسات آموزش و قرائت قرآن در جبهه ها رنگ و بوی خاصی داشت و اعتقاد به قرآن و تلاوت آن، موجب سبکیِ روح رزمندگان می شد. آنان بین کتاب خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دو یادگار گران بهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جدایی نینداختند؛ پروانه وار به دور این دو گوهر درخشان چرخیدند تا این که خود نیز به منبعی درخشان از نور تبدیل و شمع محفل بشریت شدند.

در این جا به جلوه هایی از انس شهدا با قرآن اشاره می شود.

در بین رزمنده ها و در مواقعی خاص، برخی آیه ها زبانزد و مشهور بود؛ از جمله آیه ۹ سوره «یس»:

((وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدّاً وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لایُبْصِرُونَ))؛ و پیش روی آنان، حائل و سدّی و پشت سرشان نیز حائل و سدّی قرار دادیم، و به طور فراگیر آنان را پوشاندیم؛ پس هیچ چیز را نمی بینند.

«شهیدعلی عابدینی» آن قدر با قرآن و این آیه در هنگام رزم مأنوس بود که بین هم رزمانش به «حاج آقا وجعلنا» معروف بود. او در عملیات، با صدای بلند این آیه را می خواند و شجاعانه به قلب دشمن یورش می برد. می گفت: «حدیث داریم هر کس این آیه را بخواند، از دید دشمن محفوظ است.»(۱)

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۱۰۴.

یکی از هم رزمان «شهیدعبد الحسین برونسی» می گوید:

قبل از عملیات میمک بود. دلم آرام نداشت. عبدالحسین انگار فهمید این را. بدون مقدمه گفت: «من با تمام وجود به آیه: ((وَ ما رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لكِنَّ اللَّهَ رَمى))(۱) اعتقاد دارم.» گفت: «توی عملیات، مطمئنم خداست که گلوله من را به هدف می نشونه.» داشتم نگاهش می کردم. پرسید: «قرآن داری همراهت؟» یک قرآن جیبی کوچک داشتم. گفتم: آره. گفت: «برای این که حرفم بهت اثبات بشه، همین الآن قرآنت را دربیار و باز کن؛ اگر این آیه نیومد!» قرآن را در آوردم. بسم الله گفتم و بازش کردم. آمد: ((وَ ما رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لكِنَّ اللَّهَ رَمى)).(۲)

هم چنین یکی از سفارش های مهم این شهید والامقام به فرزندانش، این است که:

فرزندانم! خوب به قرآن گوش کنید و این کتاب را سرمشق زندگی تان قرار دهید. باید از قرآن استمداد کنید و باید از قرآن مدد بگیرید و متوسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید.(۳)

۱- انفال، آیه ۱۷.

۲- سعید عاکف، سالکان ملک اعظم، ج ۲، ص ۶۷.

۳- همو، خاک های نرم کوشک، ص ۲۶۱.

یکی از هم رزمان «شهیدرضا قانع» نقل می کند:

برای او زندگی دنیا و آخرتش، الهام شده بود. او روزی در سپاه برای بچه ها تعریف کرد: «هروقت من شهید شدم، جمعیت به قدری زیاد است که یک سر جمعیت در میدان طالقانی [شهر اصفهان] و سر دیگر جمعیت نزدیک سپاه است، و حتماً یکی از شما برادران جلوی تابوت من حرکت کنید و در یک دست قرآن و در دست دیگر سلاح بگیرید، تا دشمن و آن هایی که هدفشان مادیات است، بدانند ما برای دو چیز حرکت کردیم؛ یکی سلاح قرآن و دیگری جنگ، و منشأ هدفمان "الله" است و با سلاحمان و قرآن به یاری الله حرکت کرده ایم.»(۱)

یکی از دوستان رضا بعد از شهادت او تعریف می کرد:

شبی در جبهه دیدم که رضا ناپدید شد. هر چقدر گشتیم، او را پیدا نکردیم. بعد از دو ساعت، پیدا شد. وقتی بچه ها از او پرسیدند: کجا بودی؟ چیزی نگفت. من او را کناری کشیده و گفتم: باید به من بگویی! گفت: «به شرطی می گویم که به کسی نگویی.» من هم گفتم: به کسی نمی گویم. گفت: «من چند ساعت پیش، قرآن را برداشتم و جدای از بچه های دیگر رفتم قرآن خواندم. داشتم دعا می کردم که شخصی در جلوی من پدیدار شد که من فقط چند بار در جبهه های دیگر، این شخص را در خواب دیده بودم.»(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج ۱، ص ۵۲۱.
۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج ۱، ص ۵۲۳.

یکی از هم رزمان «شهیدمحمد بروجردی» نقل می کند:

شب عملیات بود. بچه ها داشتند خود را آماده می کردند. قرار بود در سه راهی «کامیاران» عملیات شود. در این حال و هوا، صدای تلاوت قرآن و گریه های آشنایی، توجه مرا به خود جلب کرد. در تاریکی به دنبال صدا گشتم. دیدم حاجی است؛ با خدای خودش خلوت کرده و در حالت عرفانی عجیبی به سر می برد.(۱)

«شهید سیدمجتبی علمدار» درباره قرآن این گونه سفارش می کند:

به همه شما وصیت می کنم قرآن را بیشتر بخوانید. بیشتر قرآن را بشناسید. بیشتر عشق بورزید. بیشتر معرفت به قرآن داشته باشید و دردهایتان را با قرآن درمان کنید. سعی کنید قرآن انیس و مونستان باشد، نه زینت دکورها و تاقچه های منزلتان. بهتر است قرآن را زینت قلبتان کنید.(۲)

ساده زیستی

ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی و اشرافی گری در فرهنگ دینی، یکی از ارزش های متعالی شمرده می شود. این صفت بر زندگی فردی، اجتماعی، مادی و معنوی انسان، تأثیر بسیاری دارد. امامان معصوم علیهم السلام، ساده زیستی و قناعت را سیره و روش عملی زندگی خود قرار داده بودند

۱- عباس اسماعیلی، مسیح کردستان، ص۱۰۸.

۲- گروه فرهنگی هنری شهید ابراهیم هادی، پنجاه سال عبادت، ص۲۲۲.

و افراد ساده زیست را ستایش می کردند. حضرت علی علیه السلام درباره «صعصعه بن صوحان» فرمودند: «انّک ما علمت حسن المعونه خفیف المئونه.»(۱)

کسانی که مسیر ساده زیستی را در زندگی خود در پیش می گیرند، بی جهت خود را از برخی امکانات مادی دور نگه نمی دارند، بلکه هدف مند و از روی آگاهی، این کار را انجام می دهند.

شایان ذکر است، اگر مسئولان و مدیران جامعه، به ساده زیستی مبادرت ورزند، امواج رضایت مندی بیشتری از آنان، در بین مردم ایجاد می شود و این مسئله تأثیر بسزایی در فرهنگ و اخلاق جامعه دارد.

از امام علی علیه السلام روایت شده است:

إِنَ اللَّهَ تَعَالَی فَرَضَ عَلَی أَئِمَّهِ الْعَدْلِ أَنْ یُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعَفَهِ النَّاسِ کَیْلَا یَتَبَیَّغَ بِالْفَقِیرِ فَقْرُهُ؛(۲) خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا رنج فقر، مستمندی را نارحت نکند.

دوری از اشرافی گری و تجملات، سیره عملی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت همانند اجداد طاهرش، ساده زیست و قناعت پیشه است و با

۱- ابراهیم بن محمدبن هلال ثقفی، الغارات، ج ۲، ص۸۹۷.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص۱۲۴.

دنیا پرستی و دنیا پرستان مبارزه می کند. ایشان بهره برداری از نعمت های الهی را برای دیگران فراهم، و خود به زندگی ساده ای اکتفا می کنند.

امام صادق علیه السلام در برابر پافشاری برخی از شیعیان برای شتاب در خروج و قیام قائم فرمودند:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْف؛(۱) چرا برای خروج قائم عجله می کنید؟! به خدا سوگند، لباسش درشت و غذایش ناچیز است. زندگی در حکومت او جنگیدن است و مرگ در سایه شمشیر.

روحیه ساده زیستی نزد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن قدر اهمیت دارد که داشتن این روحیه را یکی از نقاط قوت یارانش می دانند و در پیمان نامه ای که به هنگام ظهور، از فرماندهان اصلی لشکرش می گیرد، بر دنیاگریزی، سخت گیری در استفاده از مادیات بر خود، قناعت و ساده زیستی تأکید می کنند. در بخش هایی از این پیمان نامه آمده است:

یبایعون علی أن... و لایکنزوا ذهبا و لا فضهٔ و لا برّا و لا شعیرا و لایأکلوا مال الیتیم... و لایلبسوا الخز و لا الحریر و لایتمنطقوا بالذهب... و لایحبسوا طعاما من برّ لا شعیر و یرضون

۱- نعمانی، الغیبهٔ، ص۲۳۳.

بالقلیل و یشتمون علی الطیب؛(۱) از آن ها بیعت می گیرد که: ... طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛... حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر، سر فرو نیاورند؛... خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند و طرف دار پاکی باشند.

یکی از اقدامات اساسی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، خشکاندن ریشه های حرص و طمع است. آن حضرت با اجرا کردن برنامه های فرهنگی، مردم را به گونه ای تربیت می کنند که از استغنای روحی برخوردار شوند و به جمع آوری مال دنیا، رغبتی نشان ندهند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ؛(۲) همه اموال جهان، نزد مهدی گرد آید؛ آنچه در دل زمین است و آنچه روی زمین. آن گاه مهدی به مردمان بگوید: «بیایید و این اموال را بگیرید! این ها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آن ها قطع رحم کردید، خویشان خود را رنجاندید، خون های به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید.»

۱- ایت الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص۵۸۱، ح۴.

۲- نعمانی، الغیبهٔ، ص۲۳۷.

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی ساده زیست و قناعت پیشه اند. آنان با امامشان پیمان بسته اند که مثل آن حضرت، ساده زندگی کنند؛ غذای ساده بخورند، لباس ساده بپوشند و قناعت پیشه باشند. داشتن این صفت برای آنان ضروری است، چون اگر آنان دل بسته دنیا و مادیات باشند، هرگز نمی توانند مجاهدت کنند و در برپایی حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نقشی مؤثر داشته باشند، چراکه هم رکاب شدن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن رخداد عظیم، نیازمند یارانی است که دست از تعلقات دنیا بریده باشند، و یاران مهدی این گونه اند.

ساده زیستی و پشت پا زدن به چرب و شیرین روزگار، با روحیه رزمنده ها عجین شده بود. آن ها خاکی بودند و از تعلقات دنیایی آزاد شده بودند، چراکه تمام صحرای دلشان را شقایق های محبت خداوند و دوستی اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پر کرده بود و دیگر جایی برای دنیا و جلوه های رنگارنگ آن وجود نداشت. اگر به دنیا وابسته بودند، دیگر نمی توانستند با ترک شهر و دیار خود، خاک نشین سنگر ها شوند. اگر ساده زیست نبودند، آن گاه نمی توانستند به آسایشِ خانه و کاشانه خود پشت پا بزنند و در سرمای کوهستان های غرب و گرمای بیابان های جنوب، با دنیاپرستان مبارزه کنند. ایشان در عمل به منتظران این گونه ندا دادند: اگر می خواهید به راحتی به ندای ظهور حضرت بقیهالله عجل الله تعالی فرجه الشریف لبیک بگویید، باید ساده زیست باشید تا بتوانید به سادگی از مظاهر دنیوی دل بکنید. و این

هنری است که شهدا آن را هنرمندانه به تصویر کشیدند. در این جا به جلوه هایی از این هنرنمایی اشاره می شود.

مادر «شهید همت» می گوید:

یک بار که آمده بود شهرضا، گفتم: بیا این جا یک خانه برایت بخریم و همین جا زندگی ات را سر و سامان بده. گفت: «مادر! حرف این چیزها را نزن. دنیا هیچ ارزشی ندارد.» گفتم: آخه این کار درستی است که دائم زن و بچه ات را از این طرف به آن طرف می کشی؟ گفت: «مادرجان! شما غصه ما را نخور. خانه من عقب ماشینم است.» پرسیدم: یعنی چه خانه ات عقب ماشین است؟ گفت: «جدّی می گویم. اگر باور نمی کنی، بیا ببین!» همراهش رفتم. درِ عقب ماشین را باز کرد. وسایل مختصری را توی صندوق عقب ماشین چیده بود؛ سه تا کاسه، سه تا بشقاب... و یک سری خرده ریز دیگر. گفت: «این هم خانه! می بینی که خیلی هم راحت است.» گفتم: آخه این طوری که نمی شود! گفت: «دنیا را گذاشته ام برای دنیا دارها. خانه هم باشد برای خانه دارها.»(۱)

هنگامی که «شهیدحسن باقری» تصمیم به ازدواج گرفت، از منطقه به تهران آمد. دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی صیغه عقد را جاری

۱- مهدی فراهانی، سردار خیبر، ص۱۷۲.

کردنـد و سـپس بـا همسـرش به اهواز برگشت. تمـام وسـایلی که برای زنـدگی خود به اهواز می برد، به انـدازه ای بود که در صندوق عقب یک ماشین جا می گرفت. این وسایل شامل: یک کارتن کتاب، چند پتو و مقداری ظرف می شد؛ این در حالی بود که او معاونت عملیاتی فرماندهی کل سپاه را در قرارگاه های جنوب بر عهده داشت.(۱)

همسرِ «شهید صیاد شیرازی» درباره رعایت ساده زیستی ایشان می گوید:

یادم می آیـد که در اتاق کارش، روی زمین می نشسـت و کارهایش را انجام می داد. احساس کردم شایـد معذب باشد. پیش قدم شدم و رفتم یک سری صـندلی گرفتم. علی با دیدن صندلی ها، برخلاف انتظارم، نه تنها شاد نشد، بلکه ناراحت هم شد. می گفت: «دنیا آهسـته آهسته آدم را در کام خود فرو می برد. قدم اول را که برداشتی تا آخر می روی؛ لذا باید مواظب همان گام اول باشی.»(۲)

«شهیدحسین خرازی» در لباس پوشیدن چنان ساده بود که از هر لباس خود، مدت زیادی استفاده می کرد، به حدی که کهنه می شد. وقتی به ایشان اصرار می کردند که لباس جدیدی بگیرد، می گفت:

۱- غلامعلی رجایی، صنوبرهای سرخ، ص۱۰۶.

۲- خلیل اسفندیاری، اسطوره ها، ص ۸۹.

درست است که من اختیار دارم به اندازه نیازی که دارم، از بیت المال مسلمین بردارم، اما به خودم اجازه نمی دهم و تا حد امکان از همین لباس ها استفاده می کنم.(۱)

این شهید والامقام به برنامه غذایی هم توجه ویژه ای داشت و در عین سادگی غذاها، سعی می کرد از مال حلال تهیه شود. او در وصیت به همسرش، درباره فرزند خود می نویسد: «خوراک حلال و طیب به او بخوران و او را طلبه و سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تربیت کن.»(۲)

ساده زیستی، یعنی همانند «شهیدعبدالله میثمی»، نماینده امام خمینی باشی و لباس هایت را در چفیه ای بگذاری و زیر بغلت بزنی و این طرف و آن طرف بروی! با این که بالا ترین مقام نظامی را داشت، ولی حتی تا هنگام شهادت نیز راننده شخصی نداشت. او در جلسات رسمی، جای مخصوصی نداشت و با همان شکل و شمایل طلبگی، با چفیه ای پر از کتاب و مقداری وسایل شخصی، وارد جلسات می شد.

۱- غلامعلی رجایی، صنوبرهای سرخ، ص۴۷.

۲- غلامعلی رجایی، صنوبرهای سرخ، ص۵۳.

ساده زیستی، یعنی همانند شهید میثمی با یک عینک، که چندین بار دسته هایش شکسته و به قول خودش هیدرولیکی شده است، طور دیگری به دنیا نگاه کنی.

ساده زیستی، یعنی همانند «شهید چمران»، تمامی شهرت ها را رها کنی. نه فقط در امریکا، بلکه در جنوب لبنان و جبهه های ایران، دلت مالامال از عشق باشد و تمامی تجملات را دور بریزی. همسرش، غاده چمران می گوید:

مصطفی از خانه ما در لبنان که خیلی مجلل بود، همیشه اکراه داشت. ما مجسمه های خیلی زیبا داشتیم، از جنس عاج که بابا از آفریقا آورده بود. مصطفی خیلی ناراحت بود و خودمان دوتایی آن ها را شکستیم. می گفت: «این ها برای چیست؟ زینت خانه باید قرآن باشد، به رسم اسلام.»

ساده زیستی، یعنی همانند چمران باشی که حتی زیرزمینِ دفتر نخست وزیری را هم به زور برای زندگی به او بدهند!

ساده زیستی، یعنی همانند «شهیدحسین برهانی» بودن. او یکی از رزمنده های لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام بود. شهید این رزمنده دلاور، فرزند یکی از بزرگ ترین سرمایه داران اصفهان بود که رفاقت با مصطفی ردانی پور، او را آواره بیابان های عشق کرده بود. پدرِ حسین بارها خواسته بود کارخانه اش را به نام حسین بزند، تا بلکه او را به حضور در شهر مجبور کند. یکی از هم زرمانش نقل می کند:

یک بار که با دوستان به خانه حسین رفته بودیم، پدرش جلو آمد و گفت: رفقا! من به اندازه وزن حسین به او طلا می دهم، به شرط این که دیگر جبهه نرود؛ اما حسین لبخندی زد و گفت: «پدرم! من جبهه را بر همه این چیزها ترجیح می دهم.»(۱)

شهادت طلبی

شهادت، یکی از آرزوهای مردان الهی است و همه آنان این آرزو را در دل داشته اند. امیر المؤمنین علیه السلام این آرزو را این گونه بیان می کنند:

إِنَّ أَفْضَلَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّیْفِ أَهْوَنُ عَلَیَّ مِنْ مِیتَةٍ عَلَی فِرَاش؛(۲) به درستی که بهترین نوع مرگ، کشته شدن در راه خداست. قسم به آن کسی که جانم به دست اوست، هزار ضربه شمشیر بر من، بهتر از مرگ در بستر است.

سالار شهیدان امام حسین علیه السلام، شهادت طلبی را در عمل تفسیر کردند و معنا و مفهوم زیبایی بر قامتش می پوشاند.

این صفت، از ویژگی های بارز یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آنان نیز آرزوی شهادت در دل دارند و از خداوند می خواهند که این مدال پرافتخار بر سینه شان نصب شود.

۱- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، ص۱۶۸.

۲- کافی، ج ۵، ص۵۴.

امام صادق علیه السلام درباره شهادت طلبی یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

یَتَمَنَّوْنَ أَنْ یُقْتَلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ یَا لَثَارَاتِ الْحُسَیْنِ؛(۱) اصحاب مهدی، طلب شهادت می کنند و آرزو دارند در راه خدا کشته شوند و شعار آن ها در جنگ «یا لثارات الحسین» است.

از این روست که در اوج شجاعت و شهامتند، تا جایی که نزدیک است کوه های برافراشته نیز در پیشگاه همتشان در هم فرو ریزند و آوازه صلابتشان یک ماه زودتر از خودشان، به شهرها و کشورها می رسد و به واسطه ترسی که خداوند از آنان در دل ها می اندازد، زمینه پیروزی بر دشمنان را نصیب خود می کنند.

شهادت در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، باارزش تر از سایر شهادت هاست و کسانی که این آرزو را دارند، صبح گاهان دعای عهد را بر لب زمزمه می کنند و با شور خاصی می خوانند: «وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْه».

روحیه شهادت طلبی در دوران دفاع مقدس، موج می زد و رزمنده ها یقین داشتند، پا در راهی گذاشته اند که حق است. آنچه در آموزه های دینی درباره فرهنگ شهادت طلبی بیان شده است، شهدا عملاً در صحنه های میدان نبرد به عینیت رسانده و آن را ملموس تر کردند. آنان با راهنمایی های امام راحل، تفسیر عرفانی از شهادت داشتند؛ امامی که هم شهید زاده بود و هم پدر شهید، اشتیاق به شهادت را این گونه بیان می کند:

۱- میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص۱۱۴.

من، خود و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.(۱)

و درباره مقام شهدا فرمودند:

شهدا، شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه شان و در شادی وصولشان «عِندَ رَبِّهِم یُرزَقون»اند و از نفوس مطمئنه ای هستند که مورد خطاب «فَادخُلِی فِی عِبادِی و ادخُلِی جَنَّتِی» پروردگارند. این جا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد.(۲)

بسیجیان نیز همانند امامشان، همواره تمنای شهادت داشتند و همواره از خداوند درخواست می کردند که این سعادت نصیبشان شود، تا جایی که یکی از مهم ترین دعاهایشان به درگاه الهی، طلب شهادت بود.

یکی از هم رزمان «شهیدحسن توکلی» می گوید:

در عملیات خیبر، هوا هنوز گرگ و میش بود. پس از سپری کردن یک شب سخت عملیاتی، تازه از اول صبح آتش شدید دشمن، حکایت از پاتک سنگینی داشت. رزمنده عارف و دلاور و ورزشکار، شهیدحسن توکلی کنار من آمد، تیربارش را به من داد

۱- صحیفه امام، ج ۲۰، ص۳۱۸.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص۱۴۷.

و گفت: «با این، سرِ عراقی ها را گرم کن تا من نمازم را بخوانم.» شروع به تیراندازی کردم و با گوشه چشمم، مراقب احوال و خضوع و خشوع او بودم. روی خاکریز تیمم کرد و در حالت نشسته به نماز عشق پرداخت. کمی تیراندازی کردم و باز متوجه توکلی شدم. رکعت دوم بود. دست هایش را بالاـ آورده، قنوت می خواند. از شدت گریه شانه هایش را که می لرزید، به خوبی می دیدم. تیر اندازی را قطع کردم ببینم چه دعایی می خواند؛ «اللهم ارزقنی شهادهٔ فی سبیلک...». به حال خوشش افسوس می خوردم. دوباره به تیراندازی به سمت دشمن پرداختم. باز نگاهی به توکلی کردم. جلوی لباسش خونی بود. به آرامی جوی خون از زیر لباسش روی زمین جاری شد... جسد آغشته به خون این شهید عاشق را کناری خواباندم، در حالی که از این دعای سریع الاجابه متحیر بودم.(۱)

«شهیدمهدی زین الدین»، فرمانده دلاور لشکر علی بن ابی طالب علیه السلام، در اولین برخورد با همسرش به او می گوید:

شما باید بدانید من قبلاًـ ازدواج کرده ام. من با جبهه و جنگ ازدواج کرده ام و شما همسر دوم من هستید. انتهای راه من، شهادت است و اگر جنگ تمام شود و من شهید نشوم، هر کجا که جنگ حق بر ضد باطل باشد، می روم تا شهید شوم.(۲)

۱- محمد حجتی، حکایت سرخ، ص۵۳.

۲- غلامعلی رجایی، صنوبرهای سرخ، ص۸۱.

برخی از شـهدا، آن قـدر شـیفته شـهادت بودنـد و با دعا و راز و نیاز با خداونـد و توسل به اهل بیت علیهم السـلام، این تمنا را داشـتند و به سـبب صـفای بـاطن خود، به این معرفت رسـیده بودنـد که نحوه شـهادت و زمان و مکان شـهادت خودشان را می دانسـتند و به رفقای هم رزم خود اعلام می کردند؛ برای نمونه، «شهیدعبدالحسـین برونسـی» که در رشادت و ایثارگری زبانزد بود، قصه شـهادتش آن قدر برایش روشن بود که به هم رزمانش گفته بود: «اگر من در فلان تاریخ و فلان جا شـهید نشوم، به مسلمانی من شک کنید!»

یکی از هم رزمان او نقل می کند:

چنـد روز قبل از عملیات بـدر، توی چادر فرماندهی نشسـته بودیم... یک دفعه گفت: «اخوان! این عملیات، دیگه عملیات آخر منه...» پرسـیدم: حاجی! چی شـده که این روزها همه اش از شـهادت حرف می زنی؟... گریه اش کمی آرام گرفت. ادامه داد: «مطمئنم توی این عملیات، مهلتی را که برام مقرر کردن تا روی این زمین خاکی زندگی کنم، تموم می شه؛ باید برم.» (۱)

پیش از عملیات کربلای چهار، رفقای «شـهید قاسم میرحسـینی»، جانشـین فرمانده لشـکر ثارالله، نگران بودند آسیب نبیند؛ او به آن ها گفت: «نترسید! توی این عملیات شهید نمی شوم؛ حتی مجروح هم نمی شوم.» اما در شب

۱- سعید عاکف، خاک های نرم کوشک، ص ۲۵۰.

عملیات کربلای پنج به پیشانی اش اشاره کرد و گفت: «تیر، به این جای من می خورد و من شهید می شوم»، و همان شد که گفت.(۱)

درباره «شهیدشیرعلی سلطانی» نیز گفته اند:

یکی از زمین های خود را به ساخت مسجد «المهدی» اختصاص داد. اواخر سال ۶۰ وقتی برای مرخصی آمده بود، در گوشه ای از مسجد برای خود قبری ساخت، اما این قبر کوچک تر از قامت رشید او بود. وقتی از او سؤال کردند، گفت: «نه، همین اندازه خوب است.» شب عملیات فتح المبین در سنگر نشسته بود. بچه ها مشغول صحبت بودند که یک دفعه گفت: «بچه ها! ساکت باشید.» ناگهان بوی عطر دل انگیزی در فضای سنگر پیچید. آن شب پس از اصرار مکرر بچه ها، به شهید ملک پور گفت: «وقتی داخل سنگر بودیم، آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف آوردند و به من و دو نفر دیگر عنایت کردند.» روز بعد شیرعلی و آن دونفری که نام برده بود، به درجه رفیع شهادت رسیدند. عجیب بود. مزار کوچک او، درست اندازه اش بود. پیکر شیرعلی بدون سر بازگشته بود.(۲)

خواهر «شهیدعبدالحمید حسینی» در مورد برادرش می گوید:

ایشان از جمله رزمندگان ولایی و عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او این سوز درونی خود را برای اولین بار، پس از حصر آبادان در

۱- ابراهیم رستمی، کرامات الشهداء، ص ۶۱.

۲- گروه فرهنگی هنری شهید ابراهیم هادی، پنجاه سال عبادت، ص ۱۰۷.

نـامه ای بیان کرد و پس از آن، همواره این تعبیر را به کار می برد. برادرم پس از عملیات ثامن الائمه علیه السـلام برای پـدر و مادرم نامه ای نوشت و در آن، پس از صـحبت های معمولی، خطاب به حضرت، ارادت و محبتش را بیان کرد و در آخر، نامه را با این جمله به پایان رساند: «فدایی امام زمان، عبد الحمید حسینی»، و این آغاز به کار بردن این عبارت توسط شهید بود. در هیجدهم آذرماه سال ۱۳۶۰ وقتی پس از عملیات حصر آبادان، به مرخصی آمد، به اتفاق او و مادرم سر مزار یکی از دوستانش به نام شـهیدفرهاد شاه چراغی، به دار الرحمه شیراز رفتیم. در آن جا من متوجه شـدم با تکه چوبی، جمله ای را روی زمین می نویسد. نگاه کردم، دیدم نوشته است: «پاسدار فدایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شهیدعبد الحمید حسینی». خیلی صمیمی و خواهرانه به او گفتم: داری جا رزرو می کنی؟ اول ثابت کن شـهید می شوی، بعد... ولی عبد الحمید در پاسخ، تنها لبخنـدی زد و چیزی نگفت. برادرم مرتب به جبهه می رفت، تـا این که آخرین بـار در فروردین سال ۱۳۶۱ به منطقه رفت و در سیزدهم اردیبهشت، در عملیات بیت المقدس به شـهادت رسـید. هنگام دفنش، پدر شهیدعلی خضری به خاطر دوستی و رابطه صمیمی این دو شـهید، اصـرار می کند تا قبری بالای سـر علی، برای عبد الحمید آماده کنند، ولی قبر به آب رسید. قبر دیگری آماده کردند، آن هم به آب رسید. تا آن که بالأخره، همان

جایی که خود شهید پنج ماه قبل معین کرده بود، قبری حفر کردند و او را به خاک سپردند.(۱)

یکی از آرزوهایی که در اکثر دست نوشته ها و وصیت نامه های شهدا به چشم می خورد، تمنای شهادت است.

در یکی از دست نوشته های «شهیدرضا پورعابد» آمده است:

هر عطشی با آب یا نوشیدنی دیگر برطرف می شود، اما عطش من را ترکش های گرم تر از آتش رفع می کند.(۲)

«شهیدقاسم نعمانی» در وصیت نامه اش، این گونه آرزوی شهادت را از خداوند طلب می کند: «ای کاش خدا به من بیشتر جان می داد، تا نثار راه انقلاب مهدی زهرا و نایبش کنم!»(۳)

«شهیدحسن حسن بیگی» در وصیت نامه اش می نویسد:

از خدا می خواهم ما که یک بار حلاوت شهادت را چشیدیم، بار دیگر هم این شهادت را هنگام آمدن مهدی فاطمه، نصیبمان کند تا از قبر اگر قبری باشد خارج شویم و کفن خود را بدریم و ندای او را جواب دهیم و در کنار رکاب او، توفیق شهادت دوباره نصیب ما شود.(۴)

۱- سیدحسن منتظرین، هنر اهل بیت علیهم السلام، ص۳۷۸.

۲- غلامعلی رجایی، صنوبرهای سرخ، ص۱۳۹.

۳- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص۱۹۲.

۴- سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص ۱۸۰.

صبر و استقامت

صبر و استقامت، رمز پیروزی در تمام زمینه های فردی و اجتماعی است و در فرهنگ دینی، اهمیت فراوانی دارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِیمَانِ بِمَنْزِلَهِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ کَذَلِکَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِیمَان؛(۱) صبر نسبت به ایمان، به منزله سر برای بدن است؛ پس هنگامی که سر رفت بدن نیز می رود؛ هم چنان که اگر صبر برود ایمان نیز می رود.

پیامبران الهی که منشأ بسیاری از تحولات عظیم اجتماعی بوده اند، به پشتوانه صبر و استقامتی که از خود نشان داده اند، موفق می شدند و خداوند متعال در قرآن کریم، برخی از آن ها را به واسطه داشتن این صفت، می ستاید.(۲)

به هنگام بروز سختی ها و ناملایمات در راه ارزش های دینی و اصلاح جامعه است که صفوف صابران از کسانی که عنان صبر را از دست می دهند، مشخص می شود؛ به عبارت دیگر، مؤمنان از منافقان و مدعیان دین باور و دین یاور از دین باوران و دین یاوران حقیقی مشخص می گردند.

صبر و استقامت از لوازم به ثمر نشستن حرکت های اصلاحی در جامعه

۱- کافی، ج ۲، ص۸۷.

۲- انبیاء، ص۸۵.

است. اگر فرد مصلح، صبر و استقامت نداشته نباشد، نمی تواند خود و دیگران را اصلاح کند، چراکه در مسیر اصلاح امت ها، پستی و بلندی ها، فرود و فرازها و ناملایمات بسیاری وجود دارد؛ از این رو، کسانی می تواننـد در این عرصه گام بردارند که زیر بار مشکلات و سختی ها، خم به ابرو نیاورند و در مبارزه با ظالمان و ستمگران، صبر و استقامت داشته باشند.

قیام عظیم و انقلاب جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به یارانی صبور و مقاوم نیاز دارد تا در برابر ناملایماتی که در عرصه جهاد بین المللی ایجاد می شود، صبر داشته باشند و به خوبی به وظایف خود عمل کننـد. جهاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش با مستکبران و سردمداران، در مقیاسی وسیع صورت می گیرد و این گونه نیست که در زمان ظهور، کارها خود به خود درست شونـد و مشکلات به صورت طبیعی حل گردند، بلکه نیازمند یارانی است که صبر و تحمل بسیار بالایی دارند، و یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریفاز این قدرت عظیم، برخوردارند.

مفضل بن عمر می گوید: نزد امام صادق علیه السلام گفتم: دوست دارم امر ظهور قائم، در آسانی باشد! امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَایَکُونُ ذَلِکَ حَتَّی تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَق.»(۱)

۱- نعمانی، الغیبهٔ، ص۲۸۴.

امام علی علیه السلام درباره صبر یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

لَمْ یَمُنُّوا عَلَی اللَّهِ بِالصَّبْرِ وَ لَمْ یَسْتَعْظِمُوا بَذْلَ أَنْفُسِهِمْ فِی الْحَقِّ حَتَّی إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّهِ الْبَلَاءِ حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَی أَسْیَافِهِم؛(۱) یاران مهدی، گروهی اند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر او منت نمی گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می کنند، به خود نمی بالند و تکبر نمی کنند.

شهدا چون حقیقتاً طالب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و در راستای یاری دین خدا، با نایب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت کرده بودند، از تمام موانع و سختی ها عبور کرده و وفاداری خود را به امامشان ثابت کردند. در مسیری که انتخاب کرده بودند، مشکلات زیادی به آن ها روی می آورد، ولی با صبر و استقامتی که از خود به نمایش می گذاشتند، پیروزی را از آن خود کردند. حتی مجروحیت های سخت نیز نمی توانست آنان را از هدفی که داشتند، جدا کند. خاطرات شهدا، پر است از نخوابیدن های متوالی و مبارزه هایی که با قلم، قابل وصف نیستند.

«شهیدحسین خرازی» ده ها بار مجروح شد و بنا به نقلی، پس از ۲۷ بار مجروحیت به شهادت رسید. نقل شده است:

به سبب یکی از مجروحیت هایش، دکتر ۴۵ روز به او استراحت داده بود و او را به خانه آورده بودند. هنوز عصر نشده

۱- نهج البلاغه، ص۲۰۹.

بود که گفت: «بابا! من حوصله ام سر رفته.» گفتم: «چه کار کنم؟» گفت: «من را ببرید سپاه، تا بچه ها را ببینم.» بردمش. تا ساعت ده شب خبری از او نشد. ساعت ده تلفن زد و گفت: «من اهوازم، بی زحمت داروهایم را بدهید یکی بیاورد!»(۱)

«شهیدمهدی باکری» در وصف پاسدار می گوید: «پاسدار، یعنی کسی که کار کند و بجنگد، اما خسته نشود»،(۲) و واقعاً خودش هم همین طور بود. همه این ها، نشان از صبر و استقامتی است که شهدا در جای جای جبهه ها به نمایش گذاشتند.

درباره «شهیدعلی موحددوست» نقل شده است:

هنوز عملیات رمضان آغاز نشده بود که پایش شکست و پزشک، پایش را گچ گرفت. این زمانی بود که رهبری دو گردان را به عهده داشت. علی به ناچار، افراد دیگری را به فرماندهی گردان ها انتخاب کرد و خود از دور، تمرینات تاکتیکی را اداره می کرد. با نزدیک شدن عملیات رمضان مشاهده کردم که علی، گچ پایش را شکست؛ با این که پایش هنوز جوش نخورده بود، روی پا ایستاد و انجام وظیفه کرد.(۳)

۱- محمد نیلچی، و خدا بود و دیگر هیچ نبود، ص۱۲۵.

۲- بهزاد دانشگر، خدمت از ماست، ص۱۶۱.

۳- محمد حجتی، حکایت سرخ، ص۳۵.

مادرِ «شهیدمهدی خندان» می گوید:

یک بار خواب پریشان دیـدم و خیلی نگران شـدم. چنـد روز بعـد مهـدی را در خانه برادرم دیـدم. بد جوری زخمی شده بود. هیکل درشتش مثل دوک شده بود. چشم و سرش بسته و کمر و دستش در گچ بود. یک چشمش از بین رفته و سرش شکافته بود. مهره های کمرش انحراف برداشته و وضعش چنان ناجور بود که امیدی به زنده ماندنش نمی رفت.

امـا خنـدان هنوز از این زخم هـای سـخت، سـلامت کامل نیافته، به جبهه بازمی گردد. وی که متولـد روز عاشورای سال۱۳۴۱ بود، سرانجام در روز اربعین سال۱۳۶۲، با چهره ای خندان در ارتفاعات «کانی مانگا» به دیدار محبوب شتافت.(۱)

«شهیدیدالله کلهر» در عملیات گوناگون، خط شکن بود؛ از این رو، چند بار به سختی مجروح شد، اما او کسی نبود که به بهانه جراحت، پـای از جبهه بکشـد. یـک کلیه اش را از دست می دهـد، یک دسـتش بر اثر ترکش عملاً از کار می افتـد و بر جای جای بدنش ترکش می نشیند، ولی او که عاشق جبهه و بسیجیان بود، آنان را ترک نمی کرد.(۲)

۱- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص ۱۳۰.

۲- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص ۹۱.

برادرِ «شهیدمحمدرضا ارفعی» نقل می کند:

به همراه برادرم به حمام رفتیم. تمام بدنش پر از ترکش، بخیه، زخم و کبودی بود. گفتم: ببین چه به روز خودت آورده ای؟! مدتی جبهه نرو تا زخم ها و جراحات التیام یابند. گفت: «تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد. این نشانه های من است؛ اگر روزی پیکرِ بی سرم را برایتان آوردند، از نشانه های بدنم پی به هویتم ببرید.» به شوخی گفتم: اگر سرِ بی بدنت را برایمان آوردند که صورتت هم شناسایی نمی شد، چه کنیم؟ پشت گوشش را نشان داد و گفت: «پشت گوشم ترکش هست؛ مرا با آن شناسایی کنید!»(۱)

بخشی از سخنرانی «شهیدصمد اسودی» در بین نیروهایش:

عملیاتی که در پیش است، من سخت ترین موقعیت آن را تقبل کرده ام و از فرماندهی لشکر خواستم تا گردان ما را وارد عمل کند. ای عزیزان! در برهه ای از تاریخ قرار گرفته ایم که هرکس در آن شرکت نداشته باشد، سرش کلاه رفته است و پشیمان خواهد شد. به همین قرآن قسم، تصفیه حساب یا کم شدن نیروهای گردان، هیچ تزلزلی در اراده ام در قبول مأموریت ایجاد نمی کند. شما سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید. از ته قلب از او بخواهید، چراکه هیچ گاه سربازانش را رد نمی کند.(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هفتم، ص۵۴.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر یکم، ص۱۸.

قوت و قدرت

صحنه های نبرد، صحنه های کشتن و کشته شدن، زخم زدن و زخمی شدن، عرق ریختن، خونین شدن و زورآزمایی است. کسانی در این عرصه می توانند پیروز شوند که قدرت جسمی و روحی بالایی داشته باشند، تا از سختی های جنگ شانه خالی نکنند و آثار ضعف و سستی در وجود آن ها نمایان نشود؛ با طولانی شدن نبرد، استقامت بورزند، لحظه ای ضعف از خود نشان ندهند و در اراده آهنینشان خللی وارد نشود.

درباره قوت و اقتدار یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطالب فراوانی بیان شده است، به گونه ای که تاریخ، نظیر این همه قوت و قدرت را در کسی سراغ ندارد. آنان از نظر صفات جسمی و نیروی بدنی، سرآمد روزگار بوده و کسی را یارای مقابله با آن ها نیست.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه هشتاد سوره «هود» فرمودند:

مَا كَانَ قَوْلُ لُوطٍ علیه السلام لِقَوْلِهِ لَوْ أَنَّ لِی بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلی رُكْنٍ شَدِيدٍ إِلَّا تَمَنِّياً لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا وَ لَا يَكُفُّونَ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛(۱) لوط علیه السلام که به قومش می فرمود: «ای کاش در برابر شما قدرتی می داشتم یا می توانستم به تکیه گاهی

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۷۳.

استوار پناه ببرم!» در آرزوی نیرو و توان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و به یاد قدرت و استواری یاران او بود، زیرا به هر کدام از آن ها قدرت چهل مرد داده شده و قلب آن ها محکم تر از پاره های آهن است. اگر به کوه هایی از آهن برخورد کنند، آن ها را از جا برمی کنند و شمشیرهای آنان از حرکت باز نمی ایستد، مگر زمانی که خداوند، خشنود شود.

ایشان هم چنین فرمودند:

إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ جُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ لَوْ قُذِفَ بِهَا الْجِبَالَ لَقَلَعَتْهَا وَ كُنْتُمْ قُوَّامَ الْأَرْضِ وَ خُزَّانَهَا؛(۱) وقتی امر ما فرارسد و مهدی ما قیام کند، همانا به یک نفر از آنان نیروی چهل مرد داده می شود و دل او از قطعه فولاد سخت تر می شود؛ اگر به کوه های آهن روی آورند، آن ها را قطعه قطعه می کنند.

البته اگر درباره یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته شده است: هر کدام از آن ها قدرت چهل مرد را دارند، به این معنا نیست که قدرت یک نفر از آنان محدود به چهل نفر است، بلکه به معنای قدرتمندی و شکست ناپذیر بودن آنان است، و این قدرتمندی برای آنان لازم و ضروری است، چراکه آنان می خواهند در تمام دنیا تحولی بنیادین ایجاد کنند و طومار ظالمان و ستمگران را با قدرت جسمی و معنوی خود در هم بپیچند.

۱- کافی، ج ۸ ص۲۹۴.

جای جای جبهه های جنگ در هشت سال دفاع مقدس، نمایشگاهی بزرگ بود برای نمایش نیرومندی و قدرت بی نظیر رزمنده ها. قوت و قدرتی که آن دلاورمردان از خود نشان دادند، غیر قابل وصف است؛ دلیرمردانی که تا واپسین نفس و واپسین قطره خونشان، از اعتقاداتشان دفاع کردند و آوازه قدرتشان، کاخ های پوشالی استکبار را به لرزه در آورده بود؛ طنین گام هایشان، گوش جهانیان و جهان خواران را کر کرده بود و رساییِ صدا و فریادهای «الله اکبر» زمان رزم بسیجیان، لرزه بر اندام ستمگران انداخته بود.

آنان به جهت ترس از خداوند، از هیچ کسی نمی ترسیدند و مصداق این حدیث زیبای امام صادق علیه السلام بودند:

مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ کُلَّ شَیْ ءٍ وَ مَنْ لَمْ یَخَفِ اللَّهَ، أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ کُلِّ شَیْ ء؛(۱) هرکس از خداوند بترسد، خداوند همه چیز را از او می ترساند و هرکس از خداوند نترسد، خداوند ترس همه چیز را در دل او قرار می دهد.

از این رو دشمنان، از آنان رعب و وحشت داشته و در بسیاری از مواقع، توان جنگیدن در مقابل بسیجیان را از دست می دادند. یکی از فرماندهان عراقی که در عملیات آزاد سازی بستان اسیر شده بود، درباره قدرت بسیجی ها گفت:

۱- کافی، ج ۳، ص۱۷۵.

من با چشم های خودم، چنـد بسیجی را دیـدم که بـدون ذره ای ترس، به سوی چنـد تا از تانک های ما دویدنـد و پس از بالا رفتن از تانک ها، نارنجک های خود را در درون اتاقک تانک ها انداخته و پا به فرار گذاشتند. لحظه ای بیش نگذشته بود که تانـک هـا، یکی پس از دیگری از حرکت ایسـتاده و آه و فغـان خـدمه مجروحشان در فضا پیچیـد. به این ترتیب، آن دسـته از تانـک هـای مـا که تا به حال از شـرّ گلوله های آر پی جی۷ در امـان بودنـد، یکی پس از دیگری طعمه نارنجـک های دستی بسـیجیان شـجاعی می شـد که برای در هم شکسـتن حمله ما، خود را تا بالای سـر خـدمه تانک ها می رساندنـد. این وضـعیت باعث شد تا افراد بیشتری هراسان از تانک های خود بیرون بپرند و پا به فرار بگذارند.(۱)

رشادت و دلاوری «شهیدمهدی خندان» در جبهه غرب و کردستان آن چنان زیاد بود که به او لقب «شیر کوهستان» می دهند و ضدانقلاب، برای سرش جایزه تعیین می کندا(۲)

«شهید سید اکبر اعتصامی» در یادداشت های خود درباره عملیات بدر می نویسد:

۱- احسان المقدادی، فرشتگان خدا، ص۵۴.

۲- عین الله کاوندی، بی کرانه ها، ص۱۲۹.

خداوند آن چنان رعب و وحشتی در دل دشمنان انداخته بود که مثل روباه از مقابل ما گریختند. یک گردان حدود چهارصد نفری دشمن، وقتی بانگ تکبیر شرزه شیران بسیجی به گوششان خورد، مثل لشکر شیطان از مقابل ایمان فرار کردند. به لطف خدا، بیش از ۱۵۰ نفر از آنان کشته و ۲۴۰ نفر هم به اسارت درآمدند. وقتی اسرا متوجه شدند که ما فقط پانزده نفر بودیم و تنها سلاح سنگین ما کلاشینکف است، نزدیک بود از تعجب سکته کنند.(۱)

بصیرت

یکی از لوازم مهمّ حرکت در مسیر حق، «بصیرت» است و کسانی که بصیرت کافی نداشته باشند، نمی توانند در سپاه حق، نقش مهمی ایفا کنند. بصیرت، انسان ها را از سرگردانی بر سر دوراهی های زندگی، رهایی داده و راه حقیقت را به آن ها نشان می دهد؛ به بیانی دیگر، انسان ها به واسطه بصیرت، در ناملایمات و بحران های زندگی، به بی راهه کشیده نمی شوند و بر اصول خود ثابت قدم می مانند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

۱- محمد حجتی، حکایت سرخ، ص ۵۰.

الْعَـالِمُ بِزَمَانِهِ لَاتَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِس؛(۱) کسی که درباره [جریانات] زمان خودش آگاهی داشته باشد، شبهات به او هجوم نمی آورند.

انسان بصیر از جهالت به دور است؛ از این رو، در ظواهر درنگ نمی کند و به جریانات اجتماعی، نگاهی عمیق دارد و به همراه امام زمان خود، بت های شرک و نفاق را می شکند. بنابراین، اولین وظیفه منتظر، شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ شناختی که ادله عقلیه و نقلیه بر آن دلالت داشته باشند.

بصیرت، در یاری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش مهمی ایفا می کند و همانند بالا رفتن از دامنه کوهی است که هرچه بیشتر به سمت قله آن صعود کنیم، شعاع دیدمان به دشت سرسبز انتظار و وظایف منتظرِ پا به رکاب، بیشتر می شود.

یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در بصیرت سرآمدند؛ آنان در فتنه هایی که بسیاری در آن فرو می روند، قرار نمی گیرند، درباره شناخت امام و فرمان بری از ایشان، دچار مشکل نمی شوند و ریشه های فتنه ها و بدعت ها را می خشکانند.

برخی روایات، بصیرت یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به قندیل هایی تشبیه کرده اند که دل هایشان را روشن کرده است. امام صادق علیه السلام در این باره

۱- کافی، ج ۱، ص۲۷.

فرمودند: «...کَالْمَصَابِیحِ کَأَنَ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِیل»؛(۱).. ایشان چون مشعل های فروزانند که دل هایشان، به سان قندیل های نور در سینه شان آویخته است.

امـام علی علیه السـلام نیز در باره یاران مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف می فرماینـد: «حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَی أَسْیَافِهِمْ»؛(۲) آنان بصیرت ها و اندیشه های روشن و حساب شده خود را بر شمشیرهای خود حمل می کنند.

شایان ذکر است، آنچه موجب بصیرت می شود، دوری از گناه است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

((یـا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقاناً...))؛(۳) ای کسانی که ایمان آورده ایـد! اگر تقوا پیشه کنید، خداوند برای شما قدرت تشخیص حق و باطل قرار می دهد.

بـا نگاهی به سـیره شـهدا و عمل کرد و موضع گیری هایشان در برابر برخی اشـخاص و جریانات، به صـراحت می توان گفت، آنـان بـا بصـیرت پا در عرصه های نبرد گذاشـته انـد. شـهدا، این جوهره فکری را نه در دانشـگاه ها و مراکز آموزشـی، بلکه با دوری از گناه به دست آورده بودند. رزمندگان، وضعیت زمان خود را به خوبی درک کرده بودند و با علم و آگاهی از

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۰۷.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص۶۱۶.

۳- انفال، آیه ۲۹.

حوادث سیاسی و اجتماعی، به این نتیجه رسیده بودند که در دورانی به سر می برند که تمام کفر در مقابل اسلام و فرهنگ ناب تشیع، ایستاده است؛ به همین جهت، نمی توانستند ساکت بنشینند و نظاره گر این باشند که سپاهیان باطل قد علم کنند و روز به روز بر ظلم و ستم خود بیفزایند.

«شهید محمد سنجری» در وصیت نامه خود نوشته است:

قدرت اسلام در حال نمایش است. ابرقدرت ها دست به دست یکدیگر داده تا اسلام را نابود کنند؛ زهی خیال باطل! اسلامی که چنین ملتی و چنان شجاعان و این گونه رهبری دارد و تنها یاورش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، هیچ گاه شکستی نخواهد داشت.(۱)

«شهیدجواد جامی خراسانی» در وصیت نامه اش می نویسد:

برادران و خواهران! امروز اسلام در لحظه خاصی از تاریخ قرار گرفته است. تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر است و خداوند متعال حجتش را بر ما تمام کرده است. خون شهیدان، دیگر نقطه ابهام و تردیدی برای ما باقی نگذاشته است. اگر خدای ناکرده، در انجام مسئولیت هایمان که ادامه دادن راه شهدا، که حفظ اسلام و دادن آن به صاحب اصلی اش، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است کوتاهی کنیم، در قیامت جلوی ما را خواهند گرفت.(۲)

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر سیزدهم، ج۱، ص۳۳۱.

۲- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر هفتم، ص۱۹۴.

«شهیدحمیدرضا دستگیر» در وصیت نامه خود این چنین می نویسد:

خدایا! خود می دانی که هدف و پیکار ما، نه از آن جهت است که به پایگاه قدرتی برسیم و یا چیزی از کالای بی اجر دنیا را به چنگ آوریم، بلکه بدان جهت است که نشانه و پرچم های دین تو را برافرازیم و ستم دیدگان تو در امان باشند و ستمگران به کیفر خویش برسند. امروز، حسینِ زمان تنهاست. امروز فرزنـد فاطمه در برابر سپاهیان کفر و ابرقدرت های پست، بی یاور است. من می روم شاید نینوایی را بیابم و در عاشورای دوران، هدیه ناقابلی را در راه پیروزی حق علیه باطل و اسلام بر کفر، به پیشگاه مولایم مهدی تقدیم نمایم.(۱)

شهدا که خود به لایه های پنهان جنگ، با بصیرت خاصی نگاه می کردنـد و برایشان حجابِ فتنه گری ها کنار زده شده و حقانیت رشادت هایشان از خورشید روشن تر بود، در برابر افرادی که چنین بصیرتی نداشتند، حساسیت نشان داده و آنان را آگاه می کردند.

این که شهیدمحمد بروجردی را «مسیح کردستان» لقب داده بودند، فقط به خاطر فعالیت های نظامی و رشادت هایش نبود؛ او همواره و در هر فرصتی که به دست می آورد، بـا کسانی که از امام و انقلاب، دل خوشی نداشتند، دل سوزانه بحث و گفت وگو کرده و آنان را به برخی مسائل آشنا می کرد.

۱- یعقوب توکلی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، دفتر چهاردهم، ص۷۳.

نقل شده است:

پس از آزاد سازی سنندج، هر بار که وارد این شهر می شد، سری به زندانی های کومله، دمکرات و چریک فدایی می زد و به بحث های اعتقادی با آنان می پرداخت. در بعضـی مواقع هم، دیدار او با آن ها تا آخر شب طول می کشید و شب را در همان زنـدان می خوابیـد. رفتار بروجردی با زنـدانی ها باعث شده بود که آن ها با او احساس الفت کنند و همیشه چشم به راه دیدار او باشند.(۱)

اشداء علی الکفار

مسـئله «تولّی و تـبرّی» از اهمّ مسائـل اسـلام و به معنـای دوستی بـا اهـل بیت علیهم السـلام و دوست داران آن هـا و دشـمنی با دشـمنان اهل بیت است. این ها، دو روی یک سـکه اند؛ لذا نمی توان پذیرفت، کسـی در یک زمان درباره شخصی، هم تولّی داشته باشد و هم از او تبرّی بجوید.

ابراز محبت و دوستی و هم چنین ابراز نفرت و دشـمنی با کفار و مشـرکان و دشـمنان اهل بیت علیهم السلام، عاملی برای رشد معنوی بوده و این مسئله در قرآن کریم و روایات، به شفافی بیان شده است.

۱- عباس اسماعیلی، مسیح کردستان، ص۱۱۲.

قرآن کریم می فرماید:

((مُحَمَّدٌ رَّسولُ اللَّهِ وَ الَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ))؛(۱) محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، علیه کفار شدید و بی رحمند و در بین خود رحیم و دلسوزند.

علاوه بر روایات بسیاری که به مسئله تولی و تبری پرداخته اند، در ادعیه و زیارات نیز مسئله تولی و تبری بسیار پر رنگ است. امام هادی علیه السلام در «زیارت جامعه» می فرمایند:

بَرِئْتُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِکُمْ وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِینَ لَکُمْ؛(۲) به درگاه خدا، از دشمنان شما بیزارم. هم چنین از جبت و طاغوت و از شیاطین و حزب ستم کار آنان.

هم چنین در «زیارت آل یاسین» خطاب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این طور بیان می کنیم: «وَ أَنَا وَلِیٌّ لَکَ بَرِیءٌ مِنْ عَدُوِّک»؛(۳) و من دوست شما و بیزار از دشمنِ شمایم.

۱- فتح، آیه ۲۸.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص۶۱۴.

۳- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص۴۹۴.

تولی و تبری در روایات مربوط به یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به چشم می خورد. یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر امام و دوست داران ایشان، متواضع، خاشع و مهربانند و با تمام وجود به آن ها احترام می گذارند، ولی در مقابل دشمنان امام، ظالمان و ستمگران سرِ سازش ندارند و همچون خاری در چشم آن ها هستند.

این که شهید چمران در معتبرترین دانشگاه آمریکا (برکلی) با ممتازترین درجه علمی، موفق به اخذ دکترای الکترونیک فیزیک پلاسما می گردد، ولی به تمام امتیازات و امکانات مادی و سبک زندگی آمریکایی پشت پا می زند و راهی جنوب لبنان می شود و هم درد یتیمان و آوارگان مظلوم آن دیار می شود و دوشادوش رزمندگان آن جا با دشمنان بشریت مبارزه می کند، نشانگر روحیه استکبارستیزی آن دلاورمرد است؛ دلاورمردی که سال های سال باید بگذرد و نویسندگان بنویسند و گویندگان در باره او بگویند، تا شاید بتوانند او را معرفی کنند؛ دلاور مردی که کوه های کردستان و نخل های خوزستان هنوز سر پا ایستاده اند تا به پاکی، صداقت، شجاعت و مناجات های عارفانه اش شهادت بدهند؛ چمرانی که امام شهیدان درباره اش فرمود:

چمران با عزت و عظمت و با تعهد به اسلام، جان خودش را فدا کرد و در این دنیا، شرف را بیمه کرد و در آن دنیا هم رحمت خدا را بیمه کرد؛ ما و شما هم خواهیم رفت. مثل چمران بمیرید![1]

۱- صحیفه امام، ج۱۴، ص۶۹۲.

و خدا می داند که در جمله کوتاه: «مثل چمران بمیرید» چه درس هایی است؛ جمله ای که نوشتنش آسان و فهمیدنش دشوار است.

البته رزمندگان اسلام در طول جنگ، بغض و کینه خود را بر سر افراد عادی خالی نمی کردند، بلکه دشمنی آنان با بعثی ها و متجاوزان بود. آنان حتی با اسیران نظامی نیز برخورد شایسته ای داشتند.

خلبان «شهیدحسین خلعتبری» در یکی از مصاحبه هایش می گوید:

یک روز به ما مأموریت دادند پل «العماره» را بزنیم. پل، درست وسط شهر بود. وقتی من رفتم روی پل، در اوج فشار ضد هوایی ها، دیدم اتومبیل های رنگ و وارنگ که مشخص بود ماشین شخصی هستند، روی پل در حرکتند. با قبول خطر، دور زدم و پس از رد شدن اتومبیل ها، پل را زدم. وقتی از من در این مورد سؤال شد، گفتم: «یک لحظه احساس کردم که توی ماشین ممکن است بچه یک ساله ای مثل آرش من وجود داشته باشد. چطور قبول کنم که پدری، بچه سوخته خودش را بغل کند؟! ولی آن ها با ما چه کردند؟ من در دزفول بودم که زن لری، بچه سوخته اش را در بغل من گذاشت و گفت: بی غیرت! تو خلبان مایی؟ بگیر!»

هم چنین درباره این شهید بزرگوار نقل شده است:

در یکی از مـأموریت هـا، در حین بمبـاران، مـادری را دیـده بود که برای نجات جان فرزنـدش، خودش را برای فرزنـدش سپر کرده بود. دلش سوخت و آن قسمت را بمباران نکرد.(۱)

اگر این خـاطرات را در مقابـل بمبـاران هـای وسـیع شـهرها و به خاک و خون کشـیدن زنان و کودکان و افراد غیر نظامی قرار دهیم و یا با حوادثیماننـد حمله شـیمیایی بعثیان کافرصـفت به حلبچه، مقایسه کنیم، به گوشه هایی از زشتی ها و زیبایی های دفاع مقدس پی می بریم. به سـبب این اقدامات غیرانسانی، رزمندگان ما از آنان متنفر بودند و با تمام توان، با آن ها مقابله می کردند.

۱- رحیم مخدومی، آسمان دریا را بلعید، ص۱۳۷و ۱۴۱.

کتابنامه:

۱. قرآن کریم.

۲. ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه للنعمانی - تهران،نشر صدوق چاپ: اول، ۱۳۹۷ق.

۳. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامه و التبصره من الحیره، قم، مدرسه الامام المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی(للصدوق) - تهران، کتابچی، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ش.

۵. ....، عیون أخبار الرضا علیه السلام - تهران، نشر جهان، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.

۶. ....، من لا یحضره الفقیه - قم،دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

۷. ....، علل الشرایع، نشر داوری، قم ۱۳۸۵.

۸. ....، کمال الدین و تمام النعمه، نشر الاسلامیه، تهران ۱۳۹۵ش.

۹. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر،قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.

۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامه مدرسین، قم ۱۳۶۳ ش.

۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، بوستان کتاب، قم ۱۴۰۶ق.

ص: ۳۲۸

۱۲. ابن ماجه قزوینی، ابی عبد الله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیت الافکار الدولیه، لبنان، ۲۰۰۴م.

۱۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، نشر بنی هاشمی، تبریز ش ۱۳۸۱.

۱۴. اسفندیاری، خلیل، اسطوره ها، نشر شاهد، چاپ اول تهران ۱۳۸۰ ش.

۱۵. اسماعیلی، عباس، مسیح کردستان، انتشارات لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام، قم ۱۳۷۶ ش.

۱۶. اصغری، محمد، لحظه دیدار، چاپ اول: نشر شاهد، تهران ۱۳۹۰ ش.

۱۷. اصغری نژاد، محمد، یک فروغ از رخ ساقی، چاپ اول: انتشارات زائر، قم ۱۳۸۵ ش.

۱۸. اکبری، علی، کتاب آهنگران، چاپ اول: نشر یا زهرا، تهران ۱۳۹۱ ش.

۱۹. انوری، منصور، قربانگاه عشق، نشرشادرنگ، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

۲۰. ایرجی، هوشنگ، امیر خط شکن، نشر شاهد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶ ش.

۲۱. آوینی، سید مرتضی، آغازی بر یک پایان، نشر ساقی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۸ ش.

۲۲. ....، گنجینه آسمانی، نشر ساقی، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۲۳. بابایی، محمد رضا، ماجرای هشت سال دفاع مقدس، چاپ دوم: نشر هدی، قم ۱۳۹۱ ش.

۲۴. باقری، عباس، از هیرمند تا اروند،کنگره سرداران و شهدای سیستان و بلوچستان، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۲۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن - قم، موسسه بعثه، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.

ص: ۳۲۹

۲۶. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، نشر شکیب، تهران، ۱۳۸۷ ش.

۲۷. بنی لوحی، سیدعلی، هزار قله عشق، چاپ سوم: لشکر۱۴ امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.

۲۸. بهرامی، پرویز، مردان مرد، انتشارات صلوات، قم ۱۳۸۵ ش.

۲۹. بهروزی لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، چاپ اول: انتشارات حکمت رویش، قم ۱۳۸۴ ش.

۳۰. بیتس، دانیل و فرد پلاگ، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ اول: انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۳۱. پریزاد، رضا، گم شده ای در افق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۶ ش.

۳۲. پورسید آقایی، مسعود، تاریخ عصر غیبت، انتشارات حضور،چاپ دوم، قم ۱۳۸۳ ش.

۳۳. ....، میر مهر، چاپ اول: انتشارات حضور، قم ۱۳۸۲ش.

۳۴. توکلی، یعقوب، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، نشر شاهد، تهران ۱۳۸۲ ش.

۳۵. ثقفی، ابراهیم بن محمدبن سعیدبن هلال، الغارات، دارالکتب الاسلامی، قم ۱۴۱۰ ق.

۳۶. جعفری، سالم، امام زمان و شهدا، نشر محمد و آل محمد علیهم السلام، چاپ اول، قم ۱۳۸۱ ش.

۳۷. جمالی، عیسی، سردار خوبان، نشر شاهد، چاپ اول،تهران، ۱۳۸۱ ش.

۳۸. حاجتی، میر احمد رضا، عصر امام خمینی قدس سرّه، چاپ نوزدهم: بوستان کتاب، قم ۱۳۹۱ش .

۳۹. حجتی، محمد، حکایت سرخ، نشر حمد، تهران ۱۳۷۲ش.

۴۰. حیدری کاشانی، محمد باقر، نسل طوفان، قم، زلال کوثر، چاپ اول. ۱۳۸۵.ش

۴۱. خامه یار، محمد، اولین های دفاع مقدس، رهپویان، چاپ اول، قم، ۱۳۸۳ش.

۴۲. ....، هزار حنجره آواز، چاپ اول: رهپویان، قم ۱۳۸۳ش.

۴۳. دانشگر، بهزاد، خدمت از ماست، بوستان فدک، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۸۲ش.

۴۴. درودیان، محمد، پایان جنگ، چاپ چهارم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران ۱۳۸۰ش.

۴۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران،۱۳۷۳

۴۶. دهقان، احمد، ناگفته های جنگ، نشر شاهد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

۴۷. رادمنش، عزت الله، سفر به نیستان، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۳ش.

۴۸. راوندی، قطب الدین، الدعوات، انتشارات مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم ۱۴۰۷ق.

۴۹. رجایی، غلامعلی، صنوبرهای سرخ، چاپ اول: نشر شاهد، تهران ۱۳۷۸ش.

۵۰. ....، لحظه های آسمانی، چاپ سوم: نشر شاهد، تهران ۱۳۸۶ش.

۵۱. رحیم نژاد به کوشش، فاطمه، چکیده عشق، نشر شاهد، ۱۳۸۳شو

۵۲. رحیمی، محمد رضا، حدیث ماندگار، شاهد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.

۵۳. رحیمیان، محمد حسین، پیوند قطره با دریا، مجله امان، ش۳۶، مرکز تخصصی مهدویت، قم، خرداد و تیر ۱۳۹۱ش.

۵۴. رستمی، ابراهیم، طنین همت، چاپ دوم: نشر جمال، قم ۱۳۸۴ش.

۵۵. ....، کرامات الشهدا، انتشارات حدیث نینوا، قم ۱۳۸۳ش.

۵۶. رفیع، جلال، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، نشر اطلاعات، تهران۱۳۸۶ش.

۵۷. رمضان نژاد، محمد رضا، عنایانت امام زمان به شهدا در هشت سال دفاع مقدس، عصر رهایی، چاپ اول، قم۱۳۸۴ش.

۵۸. روح الامینی، محمود، مبانی انسان شناسی، نشر تهیه، تهران۱۳۷۱ش.

۵۹. السامرایی، وفیق، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، معاونت فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷ش.

۶۰. سایت مقام معظم رهبری، www.khamenei.ir

۶۱. سبزی، ابوالفضل، روح شهید، عصر رهایی، قم ۱۳۷۸ش.

۶۲. سپهری، معصومه، لشکر خوبان، چاپ اول: سوره مهر، تهران ۱۳۸۴ش.

۶۳. سعدی، حسین علی، «راهبردهای ارتقای معرفت مهدوی در نظام آموزشی»، مجموعه مقالات هفتمین همایش دکترین مهدویت، چاپ اول، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ش.

۶۴. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، نشر هجرت، قم ۱۴۱۴ق.

۶۵. شیروانی، علی، نهج الفصاحه، انتشارات دار الفکر، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۶ش.

۶۶. صداقت، علی رضا، برای هم کلاسی هایم، چاپ اول: نشر هدی، قم ۱۳۹۲ش.

۶۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ق.

۶۸. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه کتاب الغیبه للحجه، قم، دار المعارف الاسلامیه، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق.

۶۹. عاکف، سعید، خاک های نرم کوشک، چاپ شصت و هفتم: نشر مؤلف، مشهد ۱۳۸۷ش.

۷۰. ....، سالکان ملک اعظم، انتشارات ملک اعظم، مشهد ۱۳۸۵ش.

۷۱. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین و درع الحصین، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۸ق.

۷۲. عاملی، شیخ حر، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، اعلمی، بیروت ۱۴۲۵ق.

۷۳. عباسپور، مسلم، صدها خاطره، مجله امان، ش۳۵، مرکز تخصصی مهدویت، قم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱ش.

۷۴. علوی زاده، سهیلا، من و علی و جنگ، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ش.

۷۵. عمادی، عبدالله «نقش روان شناسی در دولت زمینه ساز ظهور» فصل نامه مشرق موعود، سال سوم، شماره یازدهم موسسه آینده روشن قم ۱۳۸۸ ش.

۷۶. غضنفری، کامران، راز قطع نامه، چاپ دهم: انتشارات کیهان، تهران ۱۳۹۱ش.

۷۷. فتاحی، حسین، یک پله بالاتر، کنگره سردارن شهید تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶ش.

۷۸. فراهانی، مهدی، سردار خیبر، چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۶ش.

۷۹. فرد، طیبه، معمای حضور، موسسه فرهنگی سما، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸ش.

۸۰. فهیمی، سید مهدی، فرهنگ جبهه، چاپ سوم: سروش، تهران۱۳۸۰ش.

۸۱. ....، فرهنگ نامه جبهه، چاپ اول: نشر پایداری، تهران ۱۳۸۱ش.

۸۲. قاسمی، محمود، مسافر غریب، انتشارات مهسا، تهران ۱۳۸۷ش.

۸۳. قائمی مقدم، محمدرضا، روش الگویی در تربیت اسلامی ماهنامه معرفت، سال دوازدهم، شماره ۶۹، قم، شهریور ۱۳۸۲ش.

۸۴. قربانی، محمد رضا، سفرعشق، نشرمفاتیح قرآن، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱ ش.

۸۵. قمرزاده، موسی، حدیث وصل و هجران، چاپ اول: سبط النبی، قم ۱۳۸۴ش.

۸۶. کاوندی، عین الله، بی کرانه ها، چاپ اول: کنگره بزرگ داشت سرداران سپاه استان تهران، تهران ۱۳۷۸ش.

۸۷. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۴۰۷ق.

۸۸. کورانی، علی، عصر ظهور، چاپ سوم: شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران ۱۳۹۰ش.

۸۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: غلام عباس توسلی، چاپ بیست و سوم: انتشارات سمت، تهران ۱۳۹۰ش.

۹۰. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، پنجاه سال عبادت، چاپ دوازدهم: نشر امینان، تهران۱۳۹۰ش.

۹۱. ....، مصطفی (زندگی نامه سردار شهیدمصطفی ردانی پور)، چاپ اول: نشر امینیان، تهران ۱۳۹۲ش.

۹۲. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، وصال، چاپ اول: نشر امینان، تهران، ۱۳۹۲ش.

۹۳. ....، یا زهرا، چاپ بیستم: نشر امینان، تهران ۱۳۹۱ش.

۹۴. گیدنز، آنتونی، گزیده جامعه شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، چاپ دوم: نشر نی، تهران ۱۳۹۰ش.

۹۵. مانع، عز الدین، گردان گم شده، مترجم: ابراهیمی محمد نبی، چاپ اول: سوره مهر، تهران ۱۳۸۶ش.

۹۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ق.

۹۷. مخدومی، رحیم، آسمان دریا را بلعید، نشر شاهد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷ش.

۹۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آغاز تا پایان، ستاد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، ۱۳۸۶ش

۹۹. مصطفوی، حسین، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت ارشاد اسلامی، تهران ۱۴۱۷ق.

۱۰۰. مصطفوی، سید محمد رضا، امیر خط شکن، چاپ اول: لشکر ۱۷علی بن ابی طالب علیه السلام، قم۱۳۸۶ش.

۱۰۱. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ سی و پنجم: انتشارات صدرا، تهران ۱۳۸۷ش.

۱۰۲. المقدادی، احسان، فرشتگان خدا، ترجمه: حمید محمدی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹ش.

۱۰۳. منتظرین، سیدحسن، هنر اهل بیت علیهم السلام، نشر سهروردی، تهران۱۳۹۱ش.

۱۰۴. منصور نژاد، محمد و علی شیخیان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، چاپ اول، زمزم هدایت، قم ۱۳۸۶ش.

۱۰۵. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه مهدی حائری قزوینی، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، تهران، ۱۳۷۹ش.

۱۰۶. موسو ی گیلانی، سید رضی، «دکترین مهدویت، نظریه پردازی بر اساس فرهنگ مهدوی»، مجموعه آثار دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت، چاپ اول، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۵ش.

۱۰۷. مهدوی، مهدی فقط یک آرزو، مجله امان، ش۴۲، مرکز تخصصی مهدویت، قم، خرداد و تیر ۱۳۹۲ش

۱۰۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرّه، روایت هجران، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرّه، تهران ۱۳۷۵ش.

۱۰۹. ....، صحیفه امام خمینی (مجموعه آثار امام خمینی قدس سرّه)، نرم افزار صحیفه امام خمینی قدس سرّه.

۱۱۰. مؤمنی راد، احمد، مردان مرد این گونه بودند، چاپ اول: لوح محفوظ، تهران ۱۳۸۴ش.

۱۱۱. میر اشرفی، حجت، ستاره های سرخ، مجله امان، ش۲۴، مرکز تخصصی مهدویت، قم، تیر و مرداد ۱۳۸۹ش.

۱۱۲. میرسید، سیده فهیمه، حدیث شهود، نشر زمزم هدایت، قم ۱۳۸۵ش.

۱۱۳. میوه کار، محسن، تبسم نسیم، نسیم حیات، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴ش.

۱۱۴. نبوی، شهاب الدین، صحیفه عروج عاشقان، چاپ اول: نشر شاهد، تهران ۱۳۸۱ش.

۱۱۵. نصرالله کلانتری، مرضیه، یک ستاره از خاک، نشر هزاره ققنوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴ش.

۱۱۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم ۱۴۰۸ق.

۱۱۷. نیلچی، محمد، و خدا بود و دیگر هیچ نبود، نشر فخر الاسلام، اراک ۱۳۸۶ش.

۱۱۸. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ سوم: نشر معارف، قم ۱۳۸۴ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹